



نظریه فقهی انفاق

(باب هفتم فقه المکاسب)

محورهای جلسه:

۱. جایگاه بحث انفاق در ارتباط با سایر مفاهیم اقتصادی اسلام چیست؟

۲. روش اصولی استنباط و تبویب فقه المکاسب چیست؟

۳. روش تنقیح دو مفهوم معارض با "انفاق" (یعنی: "پس انداز" و "هدایت نقدینگی") چگونه است؟

۴. موارد تعارض مفهوم "انفاق" با "پس انداز" و "هدایت نقدینگی" چیست؟

۵. نحوه مدیریت ریشه‌ای مفهوم "کنز (مال اندوزی)" از نگاه آیات و روایات چگونه است؟

۶. محل مصرف مال (انفاق) از نگاه اسلام و ساختار سود ناشی از آن کدام است؟

اللَّهُمَّ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا
اشْتَكَاؤُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

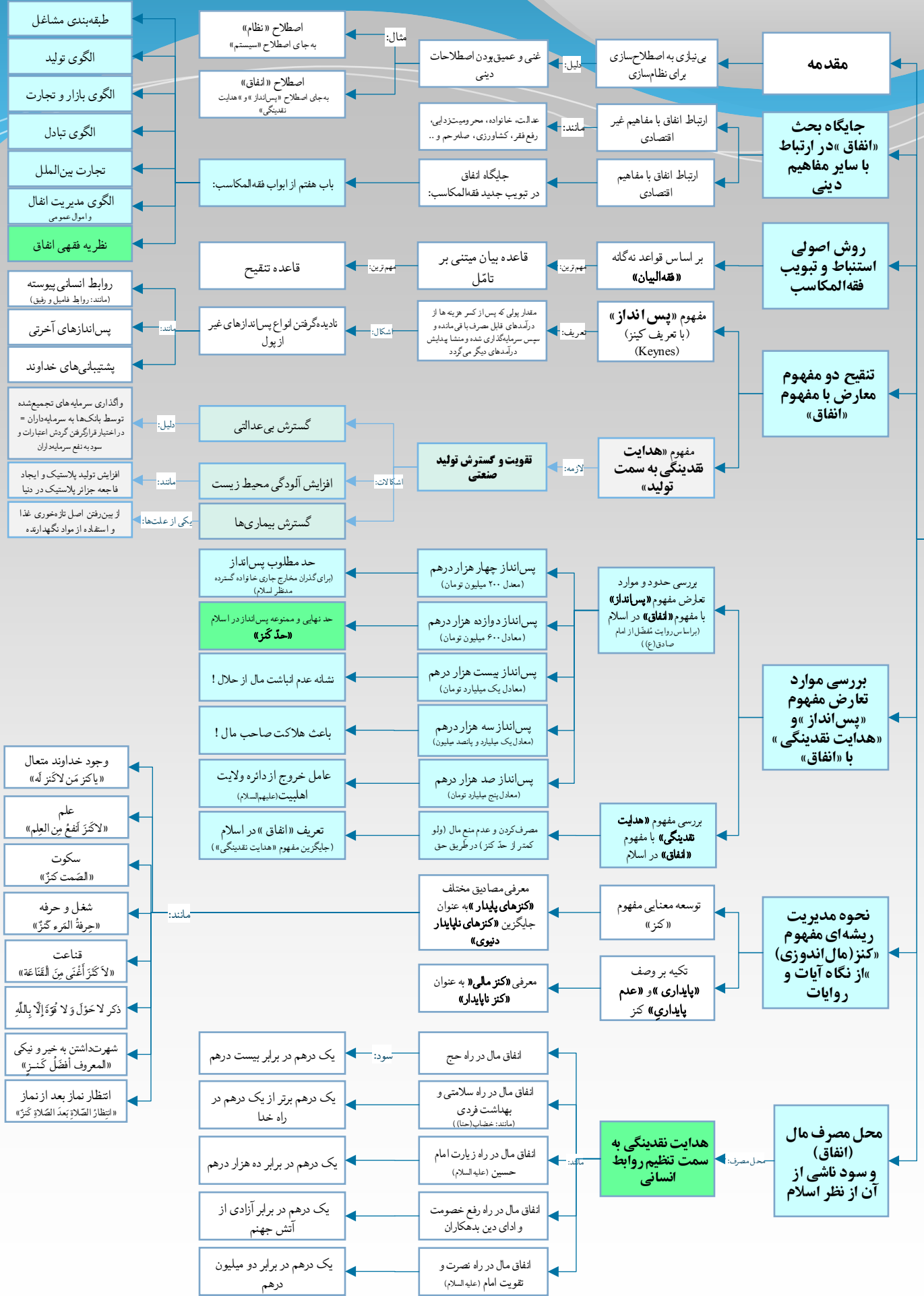
و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش رو (ویرایش اول) صد و بیست و دومین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده گفتگوی حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی «نظریه فقهی انفاق» (در مقایسه با تعریف کینزی از پس انداز (Savings) و مفهوم هدایت نقدینگی) ایراد شده است. این نشست در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۴۰۰ در حوزه علمیه حاجی کلباسی اصفهان برگزار شده است. پیشنهاد می شود این جزوه در قطع رحلی به انتشار برسد.

نظریه فقهی انفاق

نظریه فقهی انفاق



فهرست مطالب:

۱. مقدمه: ۱.....
- ۱/۱. بازخوانی مفهوم "انفاق"؛ هدف از طرح "نظریه فقهی انفاق" ۱
- ۱/۲. عدم نیاز به تاسیس اصطلاحات جدید در طرح مسائل دینی..... ۲
- ۱/۲/۱. غیرکاربردی و ناکارآمد دانستن اصطلاحات دینی؛ لازمه تاسیس اصطلاحات جدید در طرح مسائل دینی..... ۲
- ۱/۲/۲. لحاظ کردن معانی عمیق در اصطلاحات دینی و عدم لحاظ آن در اصطلاحات دیگران؛ دلیلی بر عدم نیاز به تاسیس اصطلاحات جدید در طرح مسائل دینی..... ۲
- ۱/۲. تبیین اجمالی سرفصل‌های شش‌گانه مطرح در جلسه ۶
۲. سرفصل اول: جایگاه بحث انفاق در ارتباط با سایر مفاهیم اقتصادی اسلام چیست؟ ۱۱
- ۲/۱. وجود ارتباط و به‌هم‌پیوستگی مفاهیم و اصطلاحات دینی؛ امری مسلم در ادبیات آیات و روایات..... ۱۱
- ۲/۱/۱. وجود ده‌ها ارتباط بین مفهوم "انفاق" با سایر مفاهیم اقتصادی و غیراقتصادی اسلام؛ نمونه‌ای از وجود ارتباط و به‌هم‌پیوستگی مفاهیم و اصطلاحات دینی ۱۱
- ۲/۱/۲. وجود ارتباط بین گندم با مجموعه‌ای از مفاهیم دینی؛ نمونه‌ای دیگر از ارتباط و به‌هم‌پیوستگی مفاهیم و اصطلاحات دینی ۱۶
- ۲/۲. تلاش برای کشف ارتباطات بین مفاهیم دینی و تشکیل خانواده حدیث؛ دو روش از روش‌های صحیح و مفید برای بررسی و تشریح اصطلاحات دینی (در مقابل بررسی ذوقی اصطلاحات دینی و تشریح آن با دستگاه دانشی دیگران)..... ۲۰
- ۲/۳. تبویب جدید "فقه‌المکاسب"؛ ثمره توجه به ارتباطات و به‌هم‌پیوستگی‌های مفاهیم و اصطلاحات دینی ۲۲
- ۲/۳/۱. طبقه‌بندی مشاغل؛ سرفصل اول از تبویب جدید فقه‌المکاسب ۲۳
- ۲/۳/۲. الگوی تولید؛ سرفصل دوم از تبویب جدید فقه‌المکاسب ۲۴
- ۲/۳/۳. الگوی بازار و تجارت؛ سرفصل سوم از تبویب جدید فقه‌المکاسب ۲۴

- ۲۴ ۲/۳/۴. الگوی تبادل؛ سرفصل چهارم از تبویب جدید فقه المکاسب
- ۲۶ ۲/۳/۵. تجارت بین الملل؛ سرفصل پنجم از تبویب جدید فقه المکاسب
- ۲۷ ۲/۳/۶. الگوی مدیریت انفال و اموال عمومی؛ سرفصل ششم از تبویب جدید فقه المکاسب
- ۲۹ ۲/۳/۶/۱. سواحل دریاها، معادن، زمین‌های موات و جنگل‌ها؛ چهار مصداق اصلی انفال
- ۳۲ ۲/۳/۷. نظریه فقهی انفاق؛ سرفصل هفتم از تبویب جدید فقه المکاسب
- ۳۵ ۳. سرفصل دوم: روش اصولی استنباط و تبویب فقه المکاسب چیست؟
- ۳۷ ۳/۱. قواعد نه‌گانه "فقه‌البیان"؛ روش اصولی استنباط و تبویب فقه المکاسب
- ۳۷ ۳/۱/۱. قاعده بیان مبتنی بر تأمل؛ یکی از قواعد نه‌گانه "فقه‌البیان" در تبویب "فقه المکاسب"
- ۳۷ ۳/۱/۱/۱. تبویب و ارائه آیات و روایات به محوریت سوال مردم هر عصر؛ یکی از قواعد ذیل قاعده بیان
- ۳۸ مبتنی بر تأمل
- ۳۸ ۳/۱/۱/۱/۱. محوریت "سؤال" در تشکیل خانواده حدیث و انتقال سریع مطلب سؤال محور به قلب مخاطب؛ دو خاصیت مهم قاعده بیان مبتنی بر تأمل
- ۳۸ ۳/۱/۲. قاعده تنقیح (بررسی و تنقیح سوالات درست از غلط)؛ یکی از قواعد ذیل قاعده بیان مبتنی بر تأمل
- ۳۹ ۳/۱/۲/۱. تنقیح سؤال غلط وزارت بهداشت در مورد اینکه «چگونه چرخه ویروس کرونا را مهار کنیم؟»؛ مثالی برای قاعده تنقیح
- ۳۹ ۳/۱/۲/۲. تنقیح سؤال غلط «چگونه پول پرفشار را مهار کنیم؟»؛ مثالی دیگر برای قاعده تنقیح
- ۴۰ ۳/۱/۲/۳. تنقیح سوال غلط «نقش "لیزر" در جنگ‌های آینده چیست؟»؛ مثالی دیگر برای قاعده تنقیح
- ۴۲ ۴. سرفصل سوم: روش تنقیح دو مفهوم معارض با "انفاق" (یعنی: "پس انداز" و "هدایت نقدینگی") چگونه است؟
- ۴۷ ۴/۱. تنقیح مفهوم "پس انداز" (با تعریف کینز (Keynes))؛ اولین مفهوم معارض با مفهوم "انفاق"

- ۴۸/۱/۱. نادیده گرفتن انواع پس اندازهای غیر از پول؛ یکی از اشکالات تعریف کینز از پس انداز ۴۸
- ۴۸/۱/۱. روابط انسانی پیوسته (مثل روابط خویشاوندی)، پس اندازهای آخرتی و پشتیبانی های خداوند؛ مصادیقی از پس اندازهای غیر از پول و نادیده گرفته شده در تعریف کینز از پس انداز ۴۸
- ۴۸/۱/۲. توسعه معنایی مفاهیم عرفی در ادبیات آیات و روایات؛ نکته ای قابل توجه در تفسیر مفهوم "پس انداز" ۵۲
- ۴۸/۱/۲/۱. توسعه معنایی مفهوم "زراعت (کشاورزی)" به مفهوم "خودسازی"؛ نمونه ای از توسعه معنایی مفاهیم عرفی در ادبیات آیات و روایات ۵۲
- ۴۸/۱/۲/۲. توسعه معنایی مفهوم "خرید و فروش"؛ نمونه ای دیگر از توسعه معنایی مفاهیم عرفی در ادبیات آیات و روایات ۵۳
- ۴۸/۱/۲/۳. توسعه معنایی مفهوم "کنز (پس انداز)"؛ نمونه ای دیگر از توسعه معنایی مفاهیم عرفی در ادبیات آیات و روایات ۵۴
- ۴۸/۱/۲/۳/۱. رفیق و دوست خوب؛ یکی از مصادیق پس انداز در ادبیات آیات و روایات ۵۴
- ۴۸/۲. تفسیر مفهوم "هدایت نقدینگی به سمت تولید" (با تعریف کینز (Keynes))؛ دومین مفهوم معارض با مفهوم "انفاق" ۵۸
- ۴۸/۲/۱. تقویت و گسترش تولید صنعتی؛ ثمره و لازمه هدایت نقدینگی به سمت تولید ۵۸
- ۴۸/۲/۱/۱. گسترش بی عدالتی؛ اولین اشکال هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی ۵۸
- ۴۸/۲/۱/۱/۱. واگذاری سرمایه های تجمیع شده توسط بانک ها به سرمایه داران و در نتیجه در اختیار قرار گرفتن گردش اعتبارات و سود بنگاه های تولیدی صنعتی به نفع آنها؛ علت گسترش بی عدالتی با هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی ۵۸
- ۴۸/۲/۱/۱/۲. تلاش برای تحقق عدالت از طریق بازتوزیع درآمدها در الگوی تولید صنعتی؛ افسانه ای تحقق نیافته در کشورهای توسعه یافته دنیا برای تحقق عدالت در بخش تولید ۵۹
- ۴۸/۲/۱/۱/۳. تقویت و گسترش الگوی تولید خانگی و محلی؛ راهکار اصلی تحقق عدالت در بخش تولید ۶۰

۴/۲/۱/۲. افزایش آلودگی محیط زیست؛ دومین اشکال هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی ۶۱

۴/۲/۱/۲/۱. گسترش بسته بندی های صنعتی و ایجاد فاجعه جزائر پلاستیک؛ یکی از علل افزایش

آلودگی محیط زیست با هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی..... ۶۱

۴/۲/۱/۳. گسترش بیماری ها؛ سومین اشکال هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی..... ۶۲

۴/۲/۱/۳/۱. . از بین رفتن اصل تازه خوری غذا (گسترش تولید و مصرف کنسروجات) و استفاده از

مواد نگهدارنده در تولید صنعتی غذا؛ دو علت مهم در گسترش بیماری ها در تولید صنعتی..... ۶۲

۴/۲/۱/۴. گسترش اسراف در انرژی؛ چهارمین اشکال هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی..... ۶۹

۵. سرفصل چهارم: موارد تعارض مفهوم "انفاق" با "پس انداز" و "هدایت نقدینگی" چیست؟ ۷۱

۵/۱. بررسی حدود و موارد تعارض مفهوم "پس انداز" (با تعریف کینز (Keynes)) با مفهوم "انفاق" در اسلام

(طبق روایت مُفَضَّل از امام صادق علیه السلام در کتاب "التمحیص" و "تُحَفُّ الْعُقُول"): ۷۱

۵/۱/۱. پس انداز چهار هزار درهم (معادل ۲۰۰ میلیون تومان)؛ حد مجاز پس انداز در اسلام (برای گذران

مخارج جاری خانواده) ۷۲

۵/۱/۱/۱. دارا بودن خانواده گسترده (دارای فرزندان فراوان، همراه با صله رحم گسترده و اطعام و کمک

به ایتام و فقراء محل و...) نه خانواده کوچک و هسته ای؛ لازمه متناسب برای حد مجاز پس انداز در

اسلام..... ۷۳

۵/۱/۲. پس انداز دوازده هزار درهم (معادل ۶۰۰ میلیون تومان)؛ حدّ "کنز" (حدّ ممنوعه و نهایی پس انداز)

در اسلام ۷۴

۵/۱/۳. پس انداز بیست هزار درهم (معادل یک میلیارد تومان)؛ نشانه عدم انباشت مال از حلال ! ۷۶

۵/۱/۴. پس انداز سی هزار درهم (معادل یک میلیارد و پانصد میلیون تومان)؛ باعث هلاکت صاحب مال !

..... ۷۷

۵/۱/۵. پس انداز صد هزار درهم (معادل پنج میلیارد تومان)؛ عامل خروج از دائره ولایت اهلیت: ! ۷۷

۵/۲. بررسی تعارض مفهوم "هدایت نقدینگی" با مفهوم "انفاق" در اسلام: ۷۸

۵/۲/۱. مصرف کردن و عدم منع مال (ولو کمتر از حدّ کنز) در طریق حق؛ تعریف مفهوم "انفاق" در اسلام
(معارض و جایگزین مفهوم "هدایت نقدینگی") ۷۸

۶. سرفصل پنجم: نحوه مدیریت ریشه‌ای مفهوم "کنز (مال اندوزی)" از نگاه آیات و روایات چگونه
است؟ ۸۱

۶/۱. توسعه معنایی مفهوم "کنز" در ادبیات آیات و روایات؛ اولین راه حل مدیریت مفهوم "کنز" ۸۱

۶/۱/۱. شهرت داشتن به خیر و نیکی؛ یکی از مصادیق مفهوم "کنز" در ادبیات آیات و روایات ۸۲

۶/۱/۲. انتظار نماز بعد از نماز؛ یکی دیگر از مصادیق مفهوم "کنز" در ادبیات آیات و روایات ۸۳

۶/۲. بحث و تکیه بر وصف "پایداری" و "عدم پایداری" کنز در ادبیات آیات و روایات؛ دومین راه حل مدیریت
مفهوم "کنز" ۸۵

۶/۲/۱. معرفی "کنز مالی" به عنوان "کنز ناپایدار" در ادبیات آیات و روایات ۸۵

۶/۲/۲. معرفی مصادیق مختلف "کنزهای پایدار" به عنوان جایگزین "کنزهای ناپایدار دنیوی" در ادبیات
آیات و روایات (توسعه معنایی مفهوم کنز) ۸۸

۶/۲/۲/۱. علم؛ یکی از مصادیق کنزهای پایدار ۸۸

۶/۲/۲/۲. سکوت؛ یکی دیگر از مصادیق کنزهای پایدار ۸۹

۶/۲/۲/۳. شغل و حرفه؛ یکی دیگر از مصادیق کنزهای پایدار ۹۰

۶/۲/۲/۴. قناعت؛ یکی دیگر از مصادیق کنزهای پایدار ۹۰

۶/۲/۲/۵. وجود خداوند متعال؛ مهم ترین مصداق از مصادیق کنزهای پایدار ۹۱

۶/۲/۲/۶. ذکر لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ یکی دیگر از مصادیق کنزهای پایدار ۹۲

۷. سرفصل ششم: محل مصرف مال (انفاق) از نگاه اسلام و ساختار سود ناشی از آن کدام است؟ ۹۴

۷/۱. هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی؛ تعریف انفاق و محل مصرف مال از نگاه اسلام ۹۵

۷/۱/۱. انفاق مال در راه حج؛ نمونه ای از هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی ۹۶

۷/۱/۱/۱. یک درهم در برابر بیست هزار درهم؛ سود ناشی از انفاق مال در راه حج ۹۶

۷/۱/۲. انفاق مال در راه سلامتی و بهداشت فردی؛ نمونه‌ای دیگر از هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی ۹۸

۷/۱/۲/۱. انفاق برای خضاب (حنا)؛ یکی از مصادیق انفاق مال در راه سلامتی ۹۸

۷/۱/۲/۱/۱. یک درهم انفاق برای خضاب، بالاتر از یک درهم (یا هزار درهم) در راه خدا؛ سود ناشی از انفاق مال برای خضاب (حنا) ۹۸

۷/۱/۲/۱/۱. رفع برخی از مشکلات شنوایی و بینایی؛ دو نمونه از چهارده خاصیت خضاب (حنا) برای سلامتی ۱۰۰

۷/۱/۲/۲. انفاق برای "نوره"؛ یکی دیگر از مصادیق انفاق مال در راه سلامتی ۱۰۰

۷/۱/۳. انفاق مال در راه زیارت امام حسین علیه السلام؛ نمونه‌ای دیگر از هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی ۱۰۳

۷/۱/۳/۱. یک درهم در برابر ده هزار درهم؛ سود ناشی از انفاق مال در راه زیارت امام حسین علیه السلام ... ۱۰۳

۷/۱/۴. انفاق مال برای رفع خصومت و ادای دین بدهکاران؛ نمونه‌ای دیگر از هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی ۱۰۵

۷/۴/۱/۱. یک درهم در برابر آزادی از آتش جهنم!؛ سود ناشی از انفاق مال برای رفع خصومت و ادای دین بدهکاران ۱۰۵

۷/۱/۵. انفاق مال در راه نصرت و تقویت امام علیه السلام؛ بالاترین و مهم‌ترین نمونه از هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی ۱۰۵

۷/۱/۵/۱. یک درهم در برابر دویست میلیون درهم؛ سود ناشی از انفاق مال در راه نصرت و تقویت امام علیه السلام ۱۰۵

۷/۲. استخراج جدول "سود ناشی از انفاق" در مقایسه با جدول بانک‌ها در مورد "سود ناشی از پس‌انداز در بخش تولید"؛ ثمره و نتیجه سرفصل ششم و بحث نظریه فقهی انفاق ۱۰۷

پیوست‌ها: ۱۱۲

پیوست شماره ۱: اعتراضات مراجع عظام تقلید به ربوی‌بودن بانک‌های کشور ۱۱۳

- پیوست شماره ۲: روایاتی در مورد حُرمت تقویت کفار ۱۱۷
- پیوست شماره ۳: کلام برخی از فقهاء در مورد حُرمت تقویت کفار ۱۱۹
- پیوست شماره ۴: گستره عظیم "انفال" در آیات و روایات (مانند: معادن و زمین‌های موات) ۱۲۲
- پیوست شماره ۵: عذاب اخروی و مذمت شدید "کنز(مال اندوزی)" در غیر حق ۱۲۸
- پیوست شماره ۶: روایات در بیان حد ممنوعه "کنز(مال اندوزی)" ۱۳۲
- پیوست شماره ۷: تأکید بر عدم مصرف مال (انفاق) در طریق حق ۱۴۱
- پیوست شماره ۸: کنز پایدار "علم" ۱۴۴
- پیوست شماره ۹: کنز پایدار "سکوت" ۱۴۶
- پیوست شماره ۱۰: کنز پایدار "قناعت" ۱۴۸
- پیوست شماره ۱۱: توضیح اجمالی در مورد اصطلاح "تقیح مناط" ۱۵۱
- پیوست شماره ۱۲: آیات و روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه حج ۱۵۴
- پیوست شماره ۱۳: روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه خضاب ۱۵۸
- پیوست شماره ۱۴: روایاتی در مورد سود ناشی از زیارت امام حسین علیه السلام ۱۶۱
- پیوست شماره ۱۵: روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه امام علیه السلام ۱۸۵
- پیوست شماره ۱۶: آیات و روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه رفع حاجت فقراء و نیازمندان ۱۸۸
- پیوست شماره ۱۷: روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه پرداخت زکات ۱۹۵
- پیوست شماره ۱۸: روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه خانواده ۲۰۳
- پیوست شماره ۱۹: روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه ایتم ۲۰۸
- پیوست شماره ۲۰: نمونه‌هایی دیگر از سود ناشی از انفاق در راه حق ۲۱۱
- * نمونه اول: سود ناشی از صدقه دادن (وام بلاعوض) ۲۱۱
- * نمونه دوم: سود ناشی از قرض الحسنه (وام بدون بهره) ۲۱۶
- * در مقابل قرض الحسنه (وام بدون بهره) = ربا (وام با بهره) ۲۲۱

- * نمونه سوم: سود ناشی از انفاق در راه جهاد ۲۲۴
- * نمونه چهارم: سود ناشی از اطعام و مهمانی کردن مومنین ۲۲۵
- * نمونه پنجم: سود ناشی از انفاق در برخی از زیارات ۲۲۹
- * نکته: علت اختلاف پاداش افراد (سود ناشی از انفاق) در عمل واحد (مثل: حج و زیارت امام حسین علیه السلام) ۲۳۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا فى يوم الجزاء و حبيب قلوبنا ابى القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما بقيه الله فى الارضين ارواحنا لآماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعداءه، اعداء الله من الان الى قيام يوم الدين.

۱. مقدمه:

۱/۱. بازخوانی مفهوم "انفاق"؛ هدف از طرح "نظریه فقهی انفاق"

همان طور که به استحضار برادران محترم رسیده است، نشست تخصصی امروز به تبیین اجمالی «نظریه فقهی انفاق» اختصاص دارد. "نظریه فقهی انفاق" به دنبال "بازخوانی تکاملی مفهوم انفاق" است که البته در قلب و ذهن مؤمنین درکی اجمالی از آن وجود دارد. ان شاء الله با مجموعه مباحثی که در جلسه امروز عرض خواهیم کرد، سعی می کنیم یک قدم درکمان را از این مفهوم حکومتی و پراز معنا ارتقاء دهیم.

من برای اینکه معنای بحث انفاق در ذهن ها ارتقاء پیدا کند و به یک معنا تفقه و فهم عمیقی راجع به آن اتفاق بیفتد، شش محور بحثی را در این جلسه طرح می کنم. به نظر بنده این شش محور کمک می کند تا نسبت به وضعیت فعلی، مفهوم انفاق را متفاوت درک کنیم. قبل از اینکه این شش محور را مطرح کنم، این نکته همیشگی را در جلسات تخصصی خودمان تکرار کنم.

۱/۲. عدم نیاز به تاسیس اصطلاحات جدید در طرح مسائل دینی

ما برای نظام‌سازی و تکامل نظم اجتماعی به محوریت اسلام، نیازی به تاسیس اصطلاح نداریم. مشاهده می‌کنید که بعضی‌ها موضوع تکامل ادبیات دینی را در جامعه مطرح می‌کنند و به صورت مکرر از اصطلاحات دانشی دیگران استفاده می‌کنند و یا اصطلاحاتی را تاسیس می‌کنند. خیلی نمی‌خواهم در این جلسه به صورت عریان راجع به این جریان خوش‌نیت ولی بی‌توجه به اصطلاحات دینی وارد بحث شوم.

۱/۲/۱. غیر کاربردی و ناکارآمد دانستن اصطلاحات دینی؛ لازمه تاسیس اصطلاحات جدید در

طرح مسائل دینی

فقط این نکته را عرض کنم که ما برای نظام‌سازی باید اصطلاحات "کتاب" و "سنت" را بازخوانی مجدد کنیم. اگر کسی خدای نکرده به هر دلیلی بر اساس غفلت، اصطلاح جدیدی طرح کرد و آن را مبنای کار خود قرارداد؛ در واقع قائل شده است که اصطلاحات دینی کاربرد و کارآمدی تاریخی برای همه اعصار ندارند. در جلسات گذشته‌ای که در مسجد رکن‌الملک برگزار شد، نسبت بین "صلوات" و "نظام‌سازی" را بحث کردیم^۱ که ناظر به این معنا بود و امروز هم می‌خواهیم راجع به مفهوم "انفاق" و "نظام‌سازی" وارد بحث شویم. این یک رویه در "فقه هدایت" است.

۱/۲/۲. لحاظ کردن معانی عمیق در اصطلاحات دینی و عدم لحاظ آن در اصطلاحات دیگران؛

دلیلی بر عدم نیاز به تاسیس اصطلاحات جدید در طرح مسائل دینی

بعضی‌ها از اصطلاح "سیستم‌های دینی" استفاده می‌کنند. گوینده این کلمه مرتکب دو اشتباه شده است: اولین اشتباه این است که: به مفهوم "سیستم" (که از یک دستگاه دانشی و از یک خاستگاه اجتماعی دیگر گرفته است) توجه نکرده است و آن را در فضای مفهومی دیگری به کار می‌گیرد. خبط دوم هم این است که: این شخص تصور کرده که ما نمی‌توانیم کلمات دینی را در معنای ارتباط بین متغیرها و مجموعه‌ها استخدام کنیم. [در حالی که] ما عرض می‌کنیم باید [به جای کلمه "سیستم"] از کلمه "نظام" که در روایات ما آمده است استفاده کنیم.^۲ این مسئله،

۱. **ارجاع پرورشی:** اشاره به سلسله جلسات دهه اول محرم سال ۱۴۰۰ در مسجد رکن‌الملک شهر اصفهان، که با نام "اولویتهای تمدنی" ارائه گردید. در این سلسله جلسات مباحث متعددی مطرح شد که از میان آنها می‌توان به مقررات فقهی ساختمان، پروتکل‌های فقهی مدیریت کرونا، الگوی فقهی تحلیل بیماری، پول اعتباری و طرح جایگزین و نسبت بین صلوات و نظام‌سازی اشاره کرد.

۲. **ارجاع پژوهشی:** أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمِ بْنِ الْعَلَاءِ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنَّا مَعَ الرَّضَاعِ بِمَرَوْ فَاجْتَمَعْنَا فِي الْجَامِعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي بَدْءِ مَقْدَمِنَا فَأَذَارُوا أَمْرَ الْإِمَامَةِ وَذَكَرُوا كَثْرَةَ اخْتِلَافِ النَّاسِ فِيهَا فَدَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي عَ فَاَعْلَمْتُهُ حَوْضَ النَّاسِ فِيهِ فَتَبَسَّمَ عَ ثُمَّ قَالَ يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ! ... إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاحُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ التَّامِي وَفَرْعُهُ السَّامِي بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرُ الْفِيءِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ إِمْضَاءُ الْحُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ وَ مَنَعُ الثُّغُورِ وَ الْأَطْرَافِ الْإِمَامُ يُحِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَدْبُ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ... الْإِمَامُ الْأَيْبَسُ الرَّفِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَ الْأَخُ الشَّفِيقُ وَ الْأُمُّ الْبُرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ

مَفْرَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ الْإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْفِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الدَّابُّ عَنْ حَرَمِ اللَّهِ الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الدُّنُوبِ وَ الْمَبْرَأُ عَنِ الْعُيُوبِ الْمَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ الْمَوْسُومُ بِالْحِلْمِ نِظَامُ الدِّينِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِينَ وَ غَيْظُ الْمُنَافِقِينَ وَ بَوَازُ الْكَافِرِينَ ...

عبد العزیز بن مسلم گوید: با امام رضا (علیه السلام) در مرو بودیم، روز جمعه‌ای در اوایل ورود، با عده‌ای در مسجد جامع اجتماع کردیم و سخن در پیرامون مسأله امامت در گرفت، و از اختلاف‌های بسیاری که در باره آن شده بحث به میان آمد. سپس من نزد آقای خود (امام رضا) آمدم و او را از اینکه مردمان در این باره سخن می‌گفتند آگاه کردم. او لبخند زد و گفت: ای عبد العزیز! ... امامت زمام دین است و نظام مسلمانان و اصلاح‌کننده دنیا و مایه عزت مؤمنان. اصل رشدکننده اسلام و فرع بلند مرتبه آن است. نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و فراوانی غنایم و صدقه‌ها و روان شدن حدود و احکام و پاسداری از مرزها و اطراف به امام صورت اتمام پیدا می‌کند. امام حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌کند، و حدود خدا را روان می‌سازد، و از دین خدا دفاع می‌کند، و با حکمت و پند نیکو و برهان رسا مردمان را به راه پروردگار می‌خواند... امام انس‌گیرنده و رفیق انسان، و پدری دلسوز، و برادری مهربان، و مادری بسیار نیکی‌کننده به فرزند کوچک، و پناهگاه بندگان در سختی‌های روزگار. امام امین خدا در میان آفریدگان او، و حجت خدا بر بندگان او، و جانشین خدا در سرزمینهای او، و دعوت‌کننده به سوی خدا، و دفاع‌کننده از حرم خدا است. امام از گناه پاک و از عیب تهی است؛ علم مخصوص به او و حلم از ویژگیهای او است؛ نظام دین است و مایه عزت مسلمانان و خشم منافقان و هلاک کافران ...

الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰

معانی الأخبار، ص ۹۷ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۷

سند معانی و عیون: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَازُونِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ عِمْرَانُ بْنُ مُوسَى بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْقَاسِمِ الرَّقَامِ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَخِيهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ كَمَالِ الدِّينِ وَ تَمَامِ النِّعْمَةِ، ج ۲، ص: ۶۷۶

سند کمال الدین: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَخِيهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَازُونِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ عِمْرَانُ بْنُ مُوسَى بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْقَاسِمِ الرَّقَامِ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَخِيهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ الْأَمَلِيِّ (لِلصَّدُوقِ)، ص ۶۷۵

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْجَلِيلُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيَّةِ رَضِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ

الغيبة (للنعماني)، ص ۲۱۹

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ بْنُ الْعَلَاءِ الْهَمْدَانِيُّ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ

تحف العقول، ص ۴۳۹ / الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج ۲، ص ۴۳۴

بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰ / الوافي، ج ۳، ص ۴۸۰

زِيَارَةُ الْمَهْدِيِّ ع: ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ خَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمُهَدِّيِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عُلُومِ التَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُتَنَجِّبِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَنْوَارِ الرَّاهِرَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْإِيْمَاتِ الْبَاهِرَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْعِتْرَةِ الطَّاهِرَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْعُلُومِ التَّبَوِيَّةِ وَ الْأَسْرَارِ الرَّبَّانِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَجْرَةِ طُوبَى وَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْفَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ... وَ أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَ تَزَكُو الْأَفْعَالُ وَ تَضَعُفُ الْحَسَنَاتُ وَ تَمْحَى السَّيِّئَاتُ فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ وَ اعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبِلَتْ أَعْمَالُهُ وَ صُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ وَ تَضَعُفَتْ [وَ تَضَاعَفَتْ] حَسَنَاتُهُ وَ مُحِيطَتْ سَيِّئَاتُهُ وَ مَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ وَ جَحَدَ مَعْرِفَتَكَ وَ اسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ وَ لَمْ يَقْبَلْ لَهُ عَمَلًا وَ لَمْ يُعْمَلْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ زَنَا أَشْهَدُ اللَّهُ وَ أَشْهَدُ مَا لَا يُولَايَ أَنْ مَقَالِي هَذَا ظَاهِرُهُ كِبَابُطُهُ وَ سِرُّهُ كَعَلَابِيَّتِهِ وَ أَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ وَ هُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ وَ مِيثَاقِي لَدَيْكَ إِذْ أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ وَ يَعْشُوبُ الْمُتَّقِينَ وَ عِزُّ الْمُؤَحِّدِينَ وَ بَدَلِكِ أَمْرِي رَبِّ الْعَالَمِينَ ...

زیارت امام مهدی (علیه السلام): ... سلام بر تو ای خلیفه خداوند و پدران هدایت‌شده‌ها، سلام بر تو ای وصی اوصیاء گذشته، سلام بر تو ای حافظ اسرار رب العالمین، سلام بر تو ای وارث علوم پیامبران، سلام بر تو ای باقی‌مانده خدا از برگزیدگان انتخاب‌شده، سلام بر تو ای فرزند انوار درخشنده، سلام بر تو ای فرزند آیات نمایان، سلام بر تو ای فرزند عترت پاک، سلام بر تو ای معدن علوم نبوی و اسرار ربانی، سلام بر تو ای باب الله که به غیر از آن

کسی نتواند وارد شود، سلام بر تو ای راه خدا که هر کس از غیر از آن راه پیماد هلاک شود، سلام بر تو ای فرزند درخت طوبی و سدره المنتهی، سلام بر تو ای نور خداوند که هرگز خاموش نگردد، سلام بر تو ای حجت خدا که مخفی نگردد، سلام بر تو ای حجت خدا در زمین و آسمان... و شهادت می‌دهم که به ولایت شما اعمال قبول می‌گردد و کارهای ما پاک گشته و رشد می‌نماید و کارهای نیک ما مضاعف و گناهان ما محو می‌گردد. پس هر کس ولایت شما را بپذیرد و اعتراف به امامت شما کند، اعمالش قبول و اقوالش تصدیق و حسناتش مضاعف و گناهانش محو می‌گردد. و هر کس از ولایت شما عدول کند و معرف شما را منکر شود و کس دیگری را جایگزین شما کند، خداوند با صورت او را در آتش بیندازد و هیچ عملی از او پذیرفته نشود و در قیامت هیچ ارزشی نخواهد داشت. خدا و فرشتگان الهی و تو را شاهد می‌گیرم ای مولای من! که ظاهر این سخنان من مانند باطن آن است، و سر آن مانند آشکار آن است و تو بر آن شاهد هستیو این پیمان من به سوی توست و میثاق من در نزد توست؛ چرا که تو **نظام دین**، و سردهسته و رهبر متقین، و عزت خداپرستان هستی و خداوند مرا به این کار امر فرموده است...

المصباح للكفعمي، ص ۴۹۶ / البلد الأمين (للكفعمي)، ص ۲۸۵ / المزار (لشهيدي الاول، ۷۸۶ ق)، ص ۲۰۵ / المزار الكبير (لابن المشهدي، ۶۱۰ ق)، ص ۵۸۸ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۷

أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَحَّامُ ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ زَيْدٍ ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ ، قَالَ: حَدَّثْتُ سَيِّدَنَا الْإِمَامَ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً، فَلَمَّا أَرَدْتُ الْخُرُوجَ وَدَعْتُهُ، وَ قُلْتُ: أْفِدْنِي. فَقَالَ... وَ حُبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامَ الدِّينِ، وَ جَعَلْنَا اللَّهَ وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَ هُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ .

جابر بن یزید جعفی می‌گوید: هجده سال در خدمت امام باقر علیه السلام بودم. پس هنگامی که خواستم از نزد ایشان خارج شوم با او وداع کردم و عرضه داشتم: مرحمتی نمایند [سخنی به من بفرمائید]. امام فرمود: ای جابر... دوستی ما اهل بیت موجب سامان یافتن دین می‌باشد. خداوند ما و شما را از کسانی قرار دهد که در پنهان از پروردگار خود در هراسند و از قیامت بیمناکند.

امالی (للتوسی) ج ۱ ص ۲۹۶

بشارة المصطفى ج ۱ ص ۱۸۸ / الفضائل (لابن شاذان القمي)، ص ۸

بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۸۲

مجلس يوم الأربعاء لخمس خلون منه: قَالَ الشَّيْخُ الْأَجَلُ الْمُفِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ النُّعْمَانِ أَدَامَ اللَّهُ تَأْيِيدَهُ وَ تَوْفِيقَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعَابِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ الْمُعَدَّلِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كُرَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: اسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا لِمَنْ وَ لَاءَ اللَّهُ الْأَمْرُ فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): گوش فرادهید و اطاعت کنید از کسی که خداوند ولایت امر را به او واگذار کرد؛ چرا که او **نظام اسلام** است.

الأمالی (للمفيد)، ص ۱۴

بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۹۸

عن علي ع: **نِظَامُ الدِّينِ مُخَالَفَةُ الْهَوَى وَ الْتَنَزُّهُ عَنِ الدُّنْيَا** .

امیرالمومنین (علیه السلام): **نظام دین** مخالفت کردن با هوا و هوسها و پیراستگی از دنیاگرایی است.

عیون الحكم ج ۱ ص ۴۹۷ / غرر الحكم ج ۱ ص ۷۲۱

مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۱۶

عن علي ع: **نِظَامُ الدِّينِ خَصَلَتَانِ إِنْصَافُكَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةُ إِخْوَانِكَ**.

امام علی (علیه السلام): **نظام دین** دو چیز است: منصف بودن، و کمک مالی کردن به برادران.

غررالحکم و دررالکلم، ص ۷۲۱ / تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۳۹۴ / عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۴۹۸

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: **الْحَيَاءُ نِظَامُ الدِّينِ**.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): **حیا**، **نظام دین** است.

نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۳۲

نظریه فقهی انفاق

سلیقه‌ای نیست که [بگوییم اشکالی ندارد که] بعضی [با سلیقه خود از کلمه] "سیستم" و بعضی از کلمه "نظام" استفاده کنند؛ چرا که در طرح اصطلاحات دینی، یک معانی عمیقی لحاظ شده که در اصطلاحات دیگران این معنای عمیق وجود ندارد.

[این موضوع استفاده از اصطلاحات دیگران در طرح مسائل دینی] مصادیق زیادی هم دارد. ما از اول انقلاب تا الان در موارد متعددی این اشتباه را مرتکب شده‌ایم. مثلاً گاهی اوقات گفته می‌شود: "توسعه اسلامی". یا در اوایل انقلاب در ادبیات نیروهای انقلاب وقتی می‌خواستند آمریکا را توصیف کنند از اصطلاح "امپریالیسم" استفاده می‌کردند. ولی به تدریج که پیش آمدیم سعی کردیم اصطلاحات دینی را برای ساماندهی اوضاع اجتماعی خودمان استخدام کنیم. مثلاً به جای کلمه "امپریالیسم"، کلمه "استکبار" را بکار بردیم که قابل فهم است و ظلم جهانی را عمیق‌تر توصیف می‌کند.^۳

روی همین مبنا ما می‌خواهیم مفهوم "انفاق" را بازخوانی کنیم؛ و ببینیم که مفهوم انفاق چه کارآمدی‌هایی برای ما در نظم اجتماعی دارد؟ و چه کمکی به ما در بازسازی نظم اجتماعی (به خصوص در مسائل اقتصادی) می‌کند؟ بنابراین فلسفه و حکمت برگزاری این جلسه، همین است. ان شاء الله با این شش محوری که بحث می‌کنم، ولو به نحو اجمال به این غرض دست پیدا می‌کنیم. می‌توانیم در دوره‌های بعد این موضوع را تنظیم و تکمیل هم کنیم. این شش محور، ما را به "بازخوانی مفهوم انفاق" می‌رساند و درک ما را از آن ارتقاء می‌دهد. در حدی که می‌توانیم

عن علی ع: نِظَامُ الْمَرْوَةِ حُسْنُ الْأُخُوَّةِ وَ نِظَامُ الدِّينِ حُسْنُ الْيَقِينِ.

نظام مردانگی، حُسن برادری است. و نظام حُسن یقین است.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۲۱ / تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۴

۳. **ارجاع پرورشی:** خب، دوستان در زمینه مفردات این جمله، بحث‌های خوبی کردند؛ «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». درباره اینکه الگو معنایش چیست، ایرانی به چه لحاظ، اسلامی به چه لحاظ، و پیشرفت در چه جهات، بحث‌های خوبی انجام گرفت. آنچه که من می‌خواهم اضافه کنم، این است که اولاً کلمه «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه‌ی «توسعه» را به کار ببریم. علت این است که کلمه‌ی توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جاافتاده متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم؛ این مفهوم عبارت است از «پیشرفت». معادل معنای فارسی پیشرفت را می‌دانیم؛ می‌دانیم مراد از پیشرفت چیست. تعریف هم خواهیم کرد که منظور ما از این پیشرفتی که در فارسی معنایش روشن است، چیست؛ پیشرفت در چه ساحت‌هایی است، به چه سمتی است. ما این وام نگرفتن مفاهیم را در موارد دیگری هم در انقلاب داشته‌ایم. ما از کلمه‌ی «امپریالیسم» استفاده نکردیم؛ کلمه‌ی «استکبار» را آوردیم. ممکن است یک زوایایی در معنای امپریالیسم وجود داشته باشد که مورد نظر ما نیست. حساسیت ما بر روی آن زوایا نیست؛ حساسیت ما بر روی آن معنایی است که از کلمه «استکبار» به دست می‌آید. لذا این را مطرح کردیم، در انقلاب جا افتاد؛ دنیا هم امروز منظور ما را می‌فهمد.

بیانات مقام معظم رهبری در اولین جلسه اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۹/۱۰

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۰۶۶۴>

با استفاده از این مفهوم (و البته با استفاده از مفاهیم دیگری که در "مکاسب" وجود دارد) از مکاتبی مانند ثنوکینزی، نهادگرایی و سایر مکاتب دیگر عبور کنیم.

۱/۲. تبیین اجمالی سرفصل‌های شش‌گانه مطرح در جلسه

این محورهای شش‌گانه به ترتیب عبارت‌اند از: [محور اول: بحث از] «جایگاه بحث انفاق در ارتباط با سایر مفاهیم اقتصادی اسلام». [که در آن] مروری بر مجموعه بحث‌های اقتصادی اسلام خواهیم داشت و البته ارتباط انفاق با این بحث‌ها را نیز تبیین خواهیم کرد. در جلسات گذشته وقتی که راجع به "پول طلا" و "پول غیراعتباری" هم وارد بحث شدیم،^۴ همین رویه را داشتیم. در آنجا عرض شد که: مفهوم "درهم" و "دینار" با ده‌ها مفهوم دیگر از شریعت، مرتبط است و نمی‌توان به شکل مجزا راجع به "پول" صحبت کرد؛ چون در این صورت درک ما از "پول" به صورت ناقص شکل خواهد گرفت. اما اگر آمدم ارتباط "پول" را با "تولید"، ارتباط "پول" را با "تجارت"، ارتباط "پول" را با "عقود"، ارتباط "پول" را با "تسعیر (قیمت‌گذاری)" و با سایر مفاهیم مطرح کردیم، [در این صورت] درک تکاملی پیدا خواهد شد و دانش جدید فقهی پایه‌گذاری خواهد گردید.^۵ در بحث "انفاق" هم همین‌طور است؛ باید

۴. **ارجاع پرورشی:** اشاره به نشست تخصصی «پول اعتباری و طرح جایگزین» در شهر مقدس قم و در خبرگزاری رسا. در این نشست که در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ برگزار شد به چهار پرسش مهم در زمینه پول اعتباری و طرح جایگزین پرداخته شد؛ پرسش اول: مفهوم "سود ارتباطی" در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به چه معناست؟ پرسش دوم: تعریف پول در تامین "سود ارتباطی" چه نقشی دارد؟ پرسش سوم: تاثیر سایر بخش‌های اقتصاد اسلامی (طبقه‌بندی مشاغل، الگوی تولید، الگوی بازار و تجارت، قواعد مبادله و عقود، و تجارت بین‌الملل) بر کارکرد پول چگونه است؟ پرسش چهارم: چالش‌های اجرای پول غیراعتباری چیست؟

جهت دریافت متن گزارش «پول اعتباری و طرح جایگزین»؛ به کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/3258>

۵. **ارجاع پرورشی:** معرفی سرفصل‌های دانش فقهی پول: مقدمتاً باید عرض کنم که در فقاهت، طبقه‌بندی و تبویب بحث‌ها یک کار ضروری است و در فقاهت فعلی این کار را به نوعی سلیقه و ذوق فقیه می‌دانند. اما به نظر گاهی تبویب مباحث فقهی به صورت غلط و یا طرح مستقل یک بحث فقهی، باعث ارائه درک غلط از آن موضوع در اذهان می‌شود. مصداق اتم این بحث، ارائه مستقل بحث پول در اسلام و طرح پول طلا به صورت تفکیک‌شده از سایر حوزه‌های فقهی مرتبط است. به عبارت ساده‌تر وقتی از پول طلا در تجارت و تبادل به صورت مستقل بحث می‌کنیم؛ این مانند این است که از بحث رکوع در صلاة به نحو مستقل بحث کنیم. در نظریه پول غیراعتباری، از پول دارای قید مالیت در فضای تبادل بحث می‌کنیم. و از تئوریزه کردن پول به صورت مستقل پرهیز داریم. اساساً تبادل و تجارت را دارای سه رکن درونی، سه رکن بیرونی و یک رکن غائی می‌دانیم. (هفت سرفصل اصلی (تبادل و تجارت دارای سه رکن درونی، ۱- شکل تبادل یا عقود تبادل، ۲- ارزشگذاری اختیاری افراد در تبادل یا تسعیر اختیاری و ۳- ابزار تبادل یا پول دارای قید مالیت است. اثر فنی هر سه رکن درونی تبادل، متعادل کردن شرایط خریدار و فروشنده است. تبادل و تجارت و بالتبع ابزار تبادل، از سه رکن بیرونی ۱- طبقه‌بندی فقهی مشاغل، ۲- الگوی تولید غیرمتمرکز و ۳- الگوی تجارت مردمی متأثر می‌شود. تحقق ارکان بیرونی ثلاث، اصل تبادل را کماً و کیفاً متحول می‌کند و بالتبع جریان پول غیراعتباری را در عینیت آسان‌تر میکند و در واقع تعادل در عرضه و تقاضا را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. تبادل و تجارت و بالتبع پول، دارای غایتی؛ تحت عنوان "سود ارتباطی" و "تنظیم روابط انسانی" هم می‌باشد. متأسفانه در مکاتب اقتصادی نهاد گرایی و ثنوکینزی، غایت تجارت و تبادل در محدوده ایجاد ارزش افزوده محدود می‌شود و به همین دلیل "ربا" به عنوان تبادلی پرسود به رسمیت شناخته شده است؛ این در حالی است که ربا به اختلال شدید در روابط انسانی می‌انجامد.

حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری- معرفی سرفصل‌های دانش فقهی پول - یکشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۰ هجری - حوزه علمیه قم

نظریه فقهی انفاق

ارتباط اصطلاحات پیرامونی و مرتبط با انفاق را هم دید. [در این سرفصل] یک مروری خواهم داشت بر اینکه اصطلاحات پیرامونی بحث انفاق چیست؟ در واقع بر اساس برقراری ارتباط بین انفاق و سایر مفاهیم، به سمت تبویب جدیدی از "فقه المکاسب" حرکت خواهیم کرد.

الان کتاب "فقه المکاسب" که در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود^۶ سه سرفصل اصلی دارد: در سرفصل اول، "مکاسب مُحَرَّمَة" (یعنی: مکاسب حرام) بحث و تشریح می‌گردد. در سرفصل دوم بحث "بیع" است. و در سرفصل سوم موضوع "خيارات" مطرح می‌شود. این سرفصل [از فقه المکاسب] غیر از کارآمدی‌هایی که در بحث اجتهاد دارد، نیازمند تکمیل است. ما ذیل این سرفصل اول، اشاره‌ای به تبویب جدید "فقه المکاسب" هم خواهیم داشت. پس این یک بحث شد.

سرفصل دوم بحث این است که: «روش اصولی ما در استنباط و تبویب فقه المکاسب چیست؟» فقاقت نیاز به "قواعد مُمَهَّدَة"^۷ (یعنی: قواعدی که در فرایند استنباط به کار می‌رود) دارد. حالا اگر ما می‌خواهیم از نگاه "اخباری" و نگاه‌های "فلسفی" و یا سایر نگاه‌هایی که در فضای دینی به آن اشکال است عبور بکنیم؛ باید حتماً با یک قواعد اصولی وارد بازخوانی آیات و روایات شویم. من به بخشی از این قواعد اصولی که در استنباط

<https://eitaa.com/olgou4/3481>

۶. **ارجاع پرورشی: مؤلف:** شیخ الفقهاء و المجتهدین، شیخ اعظم مرتضی بن محمد امین تستری نجفی انصاری (م ۱۲۸۱ ق). **اهمیت کتاب:** کتاب المکاسب یکی از مهم‌ترین کتب فقهی استدلالی و از بهترین و معروف‌ترین تألیفات شیخ اعظم انصاری (قده) و حاصل عمر و خلاصه افکار این فقیه الهی می‌باشد. از زمان نگارش این کتاب به دلیل نحوه ورود به مباحث فقهی و کیفیت استدلال بی‌نظیرش مدار دروس در دوره سطح و محور بحث درس خارج فقه تجارت بوده و به همین دلیل شروع و حواشی متعددی بر آن زده شده است که مهم‌ترین آنها حواشی: آخوند خراسانی (م ۱۳۲۹ ق)، سید محمد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ ق)، میرزا علی ایروانی (م ۱۳۵۴ ق)، آقا رضا همدانی (م ۱۳۲۲ ق)، شیخ محمد حسین اصفهانی (م ۱۳۶۱ ق)، میرزا محمد تقی شیرازی (م ۱۳۳۸ ق)، آقا ضیاء الدین عراقی (م ۱۳۶۱ ق)، و محقق نائینی (م ۱۳۵۵ ق) است. اهمیت این حواشی به قدری است که محققین در زمینه فقه معاملات از مراجعه به کتب این بزرگان بی‌نیاز نیستند. **تاریخ تألیف و انتشار:** از اتمام نگارش کتاب المکاسب اطلاع دقیقی در دسترس نیست اما با قرائن موجود این کتاب در اواخر عمر شریف ایشان تألیف شده و از آخرین تألیفاتش می‌باشد. **تقسیم‌بندی مطالب:** کتاب المکاسب شامل کتاب‌های مکاسب محرمة، بیع و خيارات است که بعدها ۹ کتاب دیگر به آنها ملحق شده‌اند که عبارتند از: کتاب تقیه، رساله فی العدالة، رساله فی القضاء عن المیت، رساله فی الموسعة و المضایقة، رساله فی قاعدة من ملک شیئا ملک الإقرار به، رساله فی قاعدة لا ضرر، رساله فی المصاهرة، و در آخر هم کتاب موارث که بسیار مختصر می‌باشد... این کتاب [علاوه بر ویژگی‌های فراوان و منحصر به فرد خود] دارای نواقصی نیز هست که در أعیان الشیعة درباره تألیفات شیخ انصاری این چنین آمده است: أما مؤلفاته فمحتاجة إلى التهذیب و التنقیح کثیرا. (أعیان الشیعة ۱۰ / ۱۷۷).

منبع: بخش کتابشناسی کتاب المکاسب المحرمة و البیع و الخيارات، ناشر: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق، نرم‌افزار جامع فقه اهل البیت (علیهم‌السلام) ۲

۷. **ارجاع پرورشی:** کلمه "قواعد مُمَهَّدَة" (به معنای قواعد آماده کننده) عبارتی است که در تعریف علم اصول شهرت دارد: «**العلم بالقواعد الممهدة لاستنباط الأحكام الشرعية الفرعية**» یعنی: علم اصول علم به قواعدی است که آن قواعد مجتهد را برای استنباط احکام شرعی فرعیه آماه می‌کند. (یا به عبارتی: قواعد زمینه‌ساز برای استنباط حکم شرعی.)

کفایة الأصول (آخوند خراسانی)، ص ۹

"فقه المکاسب" به کارگیری کرده‌ایم و امروز هم در بازخوانی مفهوم انفاق از آن استفاده می‌کنم اشاره خواهم کرد. البته در بین قواعد اصولی، تاکید ما بر "قاعده تنقیح" است که یکی از قواعد درونی باب "بیان مبتنی بر تامل" است که شرح خواهم داد.

در سرفصل سوم، بر اساس "قاعده تنقیح"، دو مفهوم معارض با مفهوم "انفاق" (یعنی: مفهوم "هدایت نقدینگی" و مفهوم "پس انداز" با تعریف کینز (Keynes)) را تنقیح و شفاف می‌کنیم. تنقیح به این معنا است که راجع به آن یک گفتگوی تفصیلی انجام می‌دهیم تا معنای "هدایت نقدینگی" و "پس انداز"، مقداری دقیق‌تر و واضح‌تر شود. شما در اصطلاحات "بانکداری ربوی"^۸ موجود، کلمه "حساب پس انداز" و اصطلاح "هدایت نقدینگی به سمت تولید" را زیاد می‌شنوید. ما می‌خواهیم در سرفصل سوم بررسی کنیم که آیا اینها مفاهیم مثبتی برای نظام اقتصادی جامعه ما هستند؟ یا نه؛ اینها جزء مصادیق "بدعت"^۹ محسوب می‌شوند و اتفاقاً مفاهیمی هستند که جامعه ما را به چالش

۸. **ارجاع پردازشی:** مراجع عظام تقلید طی سه سال گذشته حدود ۱۵۰ نوبت به سیستم ربوی بانکها اعتراض کرده‌اند، در این میان، بیانات ایشان در سال ۹۷، شیب اعتراضی تندتری به خود گرفته است.

جهت مطالعه بیشتر در مورد «اعتراضات مراجع عظام تقلید به ربوی بودن بانک‌های کشور»؛ به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.

منبع: خبرگزاری تسنیم

<https://b2n.ir/۲۸۸۳۲۴>

۹. **ارجاع پژوهشی:** وَ يَهْدِي الْإِنْسَانَ [أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ رَفَعَهُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ السُّنَّةِ وَ الْبِدْعَةِ وَ عَنِ الْجَمَاعَةِ وَ عَنِ الْفِرْقَةِ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: السُّنَّةُ مَا سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ الْبِدْعَةُ مَا أُحْدِثَ مِنْ بَعْدِهِ وَ الْجَمَاعَةُ أَهْلُ الْحَقِّ وَ إِنْ كَانُوا قَلِيلًا وَ الْفِرْقَةُ أَهْلُ الْبَاطِلِ وَ إِنْ كَانُوا كَثِيرًا.

عاصم بن حمید مرفوعاً روایت کرده که: شخصی خدمت امیر المؤمنین (علیه السلام) رسید و عرض کرد معنی این کلمات چیست: سنت، بدعت، جماعت، و فرقه؟ امیر المؤمنین فرمود: «سنت» راه و روشی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) مقرر فرموده، و «بدعت» روشی است که بعد از آن حضرت پیدا شده، و «جماعت» آنانند که به حق معتقدند، اگر چه اندک باشند، و «فرقه» پیروان باطلند اگر چه بسیار باشند.

معانی الأخبار، ص ۱۵۵

مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۵۱

بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۶۶

وَ سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ السُّنَّةِ وَ الْبِدْعَةِ وَ الْفِرْقَةِ وَ الْجَمَاعَةِ فَقَالَ ع: أَمَّا السُّنَّةُ فَسُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَمَّا الْبِدْعَةُ فَمَا خَالَفَهَا وَ أَمَّا الْفِرْقَةُ فَأَهْلُ الْبَاطِلِ وَ إِنْ كَثُرُوا وَ أَمَّا الْجَمَاعَةُ فَأَهْلُ الْحَقِّ وَ إِنْ قَلُّوا.

مردی از امیر المؤمنین (علیه السلام) در مورد سنت و بدعت و فرقه (تکروی) و جماعت سوال کرد. حضرت فرمود: اما سنت (صحیح) همان سنت (و روش) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. و اما بدعت، هر چیزی است که برخلاف آن (سنت) باشد. و تکروان، اهل باطلند گرچه زیاد باشند و جماعت، حق پرستانند گرچه کم باشند.

تحف العقول، ص ۲۱۱

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۹

نظریه فقهی انفاق

کشیده‌اند؟^{۱۰} حالا به شرحی که عرض خواهم کرد دو مفهوم "هدایت نقدینگی" و مفهوم "پس انداز" را تفتیح خواهم کرد و خواهم گفت که این دو مفهوم با مفهوم "انفاق" در تعارض هستند. در واقع در سرفصل سوم به تدریج این بحث شکل می‌گیرد.

پس از تفتیح، وارد سرفصل چهارم می‌شویم و به نحو اجمالی «موارد تعارض مفهوم "انفاق" با مفهوم "هدایت نقدینگی"»^{۱۱} و تعارض مفهوم "پس انداز" با مفهوم "کنز"^{۱۲} را بحث می‌کنیم. یعنی نشان می‌دهیم کجا و چگونه

المتقی الهندی فی کنز العمال، بالأسناد عن سلیم بن قیس العامری، قال: سأل ابن الكواء علياً عليه السلام عن السنة والبدعة وعن الجماعة والفرقة. فقال عليه السلام: يا بن الكواء، حفظت المسألة فافهم الجواب: السنة - والله - سنة محمد صلى الله عليه وآله والبدعة ما فرقها، والجماعة - والله - جماعة أهل الحق وإن قلوا والفرقة جماعة أهل الباطل وإن كثروا.

ابن کواء از امیرالمومنین (علیه السلام) در مورد سنت و بدعت و فرقه (تکروی) و جماعت سوال کرد. حضرت فرمود: ای ابن کواء! سوال را خوب پرسیدی؛ حالا جواب را خوب بفهم: سنت (صحیح) - بخدا قسم! - همان سنت (وروش) پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) است. و بدعت، هر چیزی است که بر خلاف آن (سنت) باشد. و جماعت، حق پرستانند گرچه به شمار کم باشند. و اهل فرقه، اهل باطلند گرچه زیاد باشند.

کتاب سلیم بن قیس الهلالي، ج ۲، ص ۹۶۴

۱۰. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ .
امام صادق (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلوات الله علیه و آله): هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش.

الکافی ج ۱ ص ۵۶

الوافي ج ۱ ص ۲۴۹ / وسائل الشيعة ج ۱۶ ص ۲۷۲ / الفصول المهمة ج ۱ ص ۵۲۷ / بحار الأنوار ج ۲ ص ۳۰۸

۱۱. **ارجاع پژوهشی:** نقدشوندگی بازار (قابلیت تبدیل به پول) یا به اصطلاح نقدینگی (به انگلیسی: Market liquidity)، اصطلاحی در علم اقتصاد و سرمایه‌گذاری است که به توانایی و میزان آمادگی تبدیل به وجه نقد شدن یک دارایی اطلاق می‌شود. آن دارایی که از نقدشوندگی بالایی برخوردار است به آسانی می‌توان آن را در بازار فعال، معامله کرد و بر اساس قیمت‌های رایج، آن را به پول نقد یا پول نقد را به آن تبدیل کرد. نقدشوندگی رابطه سرعت فروش با قیمت است.

Walter, James (March 1956). "Dividend Policies and Common Stock Prices". Journal of Finance

۱۲. **ارجاع پژوهشی:** معنای "کنز" در لغت: الْكَنْزُ: جعل المال بعضه على بعض وحفظه... و قوله تعالى: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ» [التوبة/ ۳۴] أي: يَدخرونها.

کنز: انباشته کردن و قرار دادن مال و ثروت بر روی هم و حفاظت از آنها... در آیه «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ»... [توبه/ ۳۴] یعنی: پولها را ذخیره و گنجینه می‌کنند.

مفردات الفاظ القرآن، ص ۷۲۷

الکَنْزُ: اسم للمال الذي يكتنزه.

کنز: اسم مالی است که ذخیره می‌کنند.

کتاب العین، ج ۵، ص ۳۲۲

كَنْزٌ: الْمَالُ (كَنْزًا) مِنْ بَابِ صَرَبٍ جَمَعْتُهُ وَادَّخَرْتُهُ.

کَنْزٌ الْمَالُ: یعنی: مال را جمع و ذخیره کردم. [کنز: جمع و ذخیره کردن مال.]

المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۴۲

تعریف کینز (Keynes) منجر به شکل‌گیری مفهوم "کنز" شده و کجا مفهوم "هدایت نقدینگی" و "سرمایه‌گذاری" منجر به تعطیلی نسبی حکم "انفاق" شده است. نشان می‌دهیم که این مفاهیم باعث شده‌اند که الان اصلاً حکم انفاق در جامعه ما جریان نداشته باشد! و جریان آن به شکلی است که با تعطیلی چندان تفاوتی ندارد!

در سرفصل پنجم: بعد از آنکه اثبات کردیم مفهوم "کنز" و مفهوم "پس‌انداز" در بسیاری از مصادیق با همدیگر برابر شده‌اند؛ نحوه مدیریت ریشه‌ای مفهوم "کنز" را از نظر اهل بیت علیهم‌السلام بحث می‌کنیم و در آنجا تکنیک‌های فقهی‌ای که یک مؤمن باید به‌کارگیری کند تا مفهوم "کنز" در جامعه به وجود نیاید (و یا اگر به وجود آمده است، تضعیف بشود) را بحث می‌کنیم. بنابراین سرفصل پنجم، [بحث از چگونگی] «مدیریت ریشه‌ای مفهوم کنز» است. یعنی به شرحی که عرض خواهم کرد: «کینز (Keynes) با تعریفی که از "پس‌انداز" ارائه کرده است، مردم را به سمت "جمع‌آوری کنز" (و یا به تعبیر فارسی: "مال‌اندوزی") سوق داده است. اگر این بحث را پذیرفتیم، باید بحث کنیم که حالا چطور مردم را از مفهوم و گناه "کنز" دور کنیم؟ مردم مبتلا به "کنزاندوزی" و "مال‌اندوزی" شده‌اند و ما باید یک راه‌حلی را برای عبور از این مسئله ارائه کنیم.

در سرفصل ششم و آخر: «ساختار سود ناشی از انفاق» را بحث می‌کنیم. مثل اینها (اقتصاددانان و مدیران بانکی) که «ساختار سود ناشی از پس‌انداز و هدایت نقدینگی» را برای ما بحث می‌کنند. مثلاً می‌گویند: حساب‌های بلندمدت، این میزان سود و حساب‌های کوتاه‌مدت این میزان سود را به شما می‌دهد. در ادبیات فقهی هم وقتی شما به سمت انفاق می‌روید، میزان سود تعیین شده است و این مطلب باید برای مردم بحث شود. اگر شما «ساختار سود ناشی از انفاق» را برای مردم بحث نکنید، مردم انگیزه انفاق را پیدا نمی‌کنند و فقط با طرح اینکه مثلاً ما باید به سمت انفاق برویم، انفاق محقق نمی‌شود. یکی از «زیرساخت‌های تحقق انفاق» این است که ما هم مثل بانک‌ها یک جدولی داشته باشیم و در این جدول دقیقاً سودهای ناشی از انفاق را (که در واقع انفاق نوعی ذخیره‌سازی پول و هدایت نقدینگی است) به مردم معرفی کنیم و دائماً آنها را مورد آن گفت‌وگو کنیم.

بنابراین ذیل این شش سرفصل ان‌شاء‌الله به یک «تعریف جدیدی از انفاق» خواهیم رسید.

سرفصل ششم هم در واقع بخش «تصویر» و «تصمیم» نظریه فقهی انفاق است که حالا ان‌شاء‌الله بیشتر شرح خواهم داد. این فهرستی بود از مباحثی که امروز در بحث انفاق برای شما مطرح خواهیم کرد. ان‌شاء‌الله. تا یک دورنمایی از بحث در ذهن شما شکل بگیرد.

۲. سرفصل اول: جایگاه بحث انفاق در ارتباط با سایر مفاهیم اقتصادی اسلام

چیست؟

۲/۱. وجود ارتباط و به هم پیوستگی مفاهیم و اصطلاحات دینی؛ امری مسلم در ادبیات آیات

و روایات

۲/۱/۱. وجود دهها ارتباط بین مفهوم "انفاق" با سایر مفاهیم اقتصادی و غیر اقتصادی اسلام؛

نمونه‌ای از وجود ارتباط و به هم پیوستگی مفاهیم و اصطلاحات دینی

موضوع سرفصل اول این است که: "انفاق" یک اصطلاح انتزاعی غیرمرتبط با سایر اصطلاحات دینی نیست. دهها ارتباط در ادبیات آیات و روایات بین انفاق با سایر مفاهیم دینی برقرار است.

مثلاً: [در بحث‌های غیر اقتصادی] بین "انفاق" و "عدالت"،^{۱۳} بین "انفاق" و "محرومیت‌زدایی" و "رفع فقر"،^{۱۴} بین "انفاق" و "آرامش قلبی"،^{۱۵} بین "انفاق" و "صله رحم"،^{۱۶} بین "انفاق" و "گسترش کشاورزی"،^{۱۷} بین "انفاق" و "تقویت نهاد خانواده"^{۱۸} و بین "انفاق" و "تقویت امام"^{۱۹} [ارتباط وجود دارد].

۱۳. **ارجاع پژوهشی:** عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَىٰ الْأَغْنِيَاءِ فِي أَمْوَالِهِمْ قَدْرَ الَّذِي يَسْعُ فُقَرَاءَهُمْ فَإِنْ ضَاعَ الْفُقَرَاءُ أَوْ أُجْهِدُوا أَوْ عَزُّوا فَبِمَا يَمْنَعُ أَغْنِيَاؤُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ مُحَاسِنُهُمْ بِذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مُعَذِّبُهُمْ بِهِ عَذَاباً أَلِيماً.

امام علی علیه السلام: خداوند در اموال توانگران به اندازه‌ای که تهیدستانشان را تأمین کند، حق و حقوق واجب کرد؛ بنابراین، اگر تهیدست نابود شود، یا در راه تأمین معاش خود جان بکند، یا برهنه بماند، علتش آن است که توانگر از پرداخت حق او دریغ کرده است. خداوند عزوجل در روز قیامت توانگران را برای این کار مؤاخذه می‌کند و آنان را عذابی دردناک می‌چشاند.

دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۴۵

بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۸ / مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۸

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ وَ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ جَعَلَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْفِيهِمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَزَادَهُمْ وَ إِنَّمَا يُؤْتُونَ مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ.

امام صادق (علیه السلام): همانا خداوند عزوجل برای فقراء در اموال اغنیاء مقداری را قرار داده است که کفایت حال فقراء را می‌کند و اگر اینطور نبود مقدار واجب از اموال اغنیاء را افزایش می‌داد و سختی زندگی فقراء از طرف کسانی (از اغنیاء) است که از پرداختن حقیقتشان امتناع کرده‌اند.

الکافی، ج ۳، ص ۴۹۷

الوافی، ج ۱۰، ص ۴۸ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۳

۱۴. **ارجاع پژوهشی:** وَ فِي رَوَايَةٍ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُعْتَبِ مَوْلَى الصَّادِقِ ع قَالَ قَالَ الصَّادِقُ ع: **إِنَّمَا وَضَعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِبَاراً لِلْأَغْنِيَاءِ وَ مَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيراً مُحْتَاجاً وَ لَا سْتَفْتَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ. وَ إِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَ لَا اخْتَأَجُوا وَ لَا جَاعُوا وَ لَا عَزُّوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ وَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَمْنَعَ رَحْمَتَهُ مَنْ مَنَعَ حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِهِ.**

امام صادق (علیه السلام): همانا زکات برای آزمایش اغنیاء و کمک به فقرا وضع شده است، و اگر مردم زکات اموال خود را می‌پرداختند، هیچ مسلمانی فقیر و محتاج نمی‌ماند، و هر آینه با سهمی که خدای عزّ و جلّ برای او مقرر فرموده است مستغنی می‌شود. و مردم فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نشده‌اند مگر به علت گناهان اغنیاء. و خدای عزّ و جلّ را سزاوار است که رحمت خود را از کسی که حقّ خدا در مال خود را بازداشته است بازدارد.

من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷

عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۳۷۰

الوافی، ج ۱۰، ص ۵۰ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۲

۱۵. **ارجاع بزوهشی:** الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۴)

کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۲)

کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس منت و آزاری به دنبال انفاقشان نمی‌آورند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

۱۶. **ارجاع بزوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ جَمِيعاً عَنْ سَالِمَةَ مَوْلَاةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع حِينَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَأُغْمِيَ عَلَيْهِ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ أَعْطُوا الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَهُوَ الْأَفْطُسُ سَبْعِينَ دِينَاراً وَأَعْطُوا فُلاناً كَذَا وَفُلاناً كَذَا وَكَذَا فَقُلْتُ: أُنْغِطِي رَجُلًا حَمَلَ عَلَيْكَ بِالسَّفَرَةِ؟! فَقَالَ: وَيْحَكَ أَمَا تَقْرَأِينَ الْقُرْآنَ؟! قُلْتُ: بَلَى. قَالَ: أَمَا سَمِعْتِ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ»

قَالَ ابْنُ مَحْبُوبٍ فِي حَدِيثِهِ: حَمَلَ عَلَيْكَ بِالسَّفَرَةِ يُرِيدُ أَنْ يَقْتُلَكَ فَقَالَ: أَتُرِيدِينَ عَلَيَّ أَنْ لَا أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ» نَعَمْ؛ يَا سَالِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْجَنَّةَ وَطَيَّبَهَا وَطَيَّبَ رِيحَهَا وَإِنَّ رِيحَهَا لَتُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ الْكَلْبِ، عَامٍ وَلَا يَجِدُ رِيحَهَا عَائِقٌ وَلَا قَاطِعٌ رَحِمٍ.

سالمه (یا سلمی) کنیز امام صادق علیه السلام گوید: «هنگام وفات امام صادق (علیه السلام) نزد وی بودم. امام (علیه السلام) بیهوش شد وقتی به هوش آمد، فرمود: به حسن بن علی بن حسین - که پهن بینی بود - هفتاد دینار بپردازید (و به فلانی، فلان مبلغ بپردازید و ...). به امام (علیه السلام) گفتم: آیا به کسی می‌بخشی که با قدراره به شما حمله کرد؟! امام (علیه السلام) فرمود: وای بر تو! آیا قرآن را نخوانده‌ای؟! گفتم: آری. امام (علیه السلام) فرمود: آیا این سخن خداوند عزیز و باشکوه را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «و کسانی که ارتباط برقرار می‌کنند با آنچه خداوند به ارتباط با آن دستور داده است و از پروردگارشان به شدت می‌ترسند و از بدی حساب، بیمناکند.»

در روایت ابن محبوب آمده است: «با قدراره به شما حمله کرد و قصد کشتن‌تان را داشت. امام (علیه السلام) فرمود: آیا می‌خواهی من از کسانی نباشم که خداوند درباره‌شان می‌فرماید: «و کسانی که ارتباط برقرار می‌کنند با آنچه خداوند به ارتباط با آن دستور داده است و از پروردگارشان به شدت می‌ترسند و از بدی حساب، بیمناکند.» آری. ای سالمه! خداوند بهشت را آفرید و آن را پاکیزه قرار داد و آن را خوشبو کرد. بوی بهشت از فاصله دو هزار سال به مشام می‌رسد ولی بوی آن را فرزند ناسپاس، حق‌ناشناس و بُرنده پیوند خویشاوندی (قاطع رحم) نمی‌شنود.»

الکافی، ج ۷، ص ۵۵ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۳۱ (فقط فقره اول)

سند من لا یحضره: رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَلْمَى مَوْلَاةِ وَلَدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

تَهذِيبُ الْأَحْكَامِ، ج ۹، ص ۲۴۶ (فقط فقره اول روایت)

سند تهذیب: مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَالِمَةَ مَوْلَاةِ وَلَدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الغيبه (للطوسي)، ص ۱۹۷ (فقط فقره اول)

سند الغيبه: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ شُعْبَانَ الْبَزْزُفَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ جَبِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ عَنْ سَالِمَةَ مَوْلَاةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۶۶ / تفسير العياشي، ج ۲، ص ۲۰۹

سند عياشي: عن الفضل بن شاذان عن أبي عبد الله قال: حدثنا إبراهيم بن عبد الحميد عن سالمه مولاة أم ولد كانت لأبي عبد الله

الوافي، ج ۱۰، ص ۵۶۹ / بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۷۶ / وسائل الشيعة، ج ۱۹، ص ۴۱۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۳۸ / جامع

أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۴، ص ۴۹۲

عن علي ع: زَكَاةُ الْيَسَارِ بُرِّ الْجِيرَانِ وَ صِلَةُ الْأَرْحَامِ.

امام علی (علیه السلام): زکات توانگری (ثروت مندی)، نیکی کردن به همسایگان و پیوند با خویشاوندان است.

غرر الحكم و درر الكلم، ص ۳۹۰ / عیون الحكم و المواعظ (للیثی)، ص ۲۷۵ / تصنیف غرر الحكم و درر الكلم، ص ۴۰۶

مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۶

۱۷. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِذَا ظَهَرَ الرَّثَا مِنْ بَعْدِي كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ وَ إِذَا طُفَّتِ الْمِكْيَالُ وَ الْمِيرَانُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَ التَّقْصِ وَ إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا مِنَ الرِّزْقِ وَ الثَّمَارِ وَ الْمَعَادِنِ كُلِّهَا وَ إِذَا جَاؤُوا فِي الْأَحْكَامِ تَعَاوَنُوا عَلَى الظُّلْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ إِذَا تَقَضُوا الْعَهْدَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ وَ إِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جَعَلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ وَ إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَمْ يَسْئَعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُوا حِيَابَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.

امام باقر (علیه السلام): در کتاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یافتیم که: هنگامی که زنا بعد از من آشکار شود مرگ ناگهانی بسیار می‌گردد و وقتی ترازوها از وزن اجناس کم و ناقص گذارند حق تعالی نیز سالها را کم و ناقص می‌نماید و هنگامی که مردم از دادن زکات خودداری کنند زمین از برکاتش یعنی زراعت‌ها و میوه‌ها و معادن ممانعت می‌نماید. و وقتی در احکام جور و ستم کنند در ظلم و تعدی با هم کمک و یک دیگر را یاری می‌نمایند و زمانی که تقض عهد کنند خداوند دشمن ایشان را بر آنها مسلط می‌فرماید و وقتی قطع رحم نمودند اموالشان در دست اشرار قرار می‌گیرد و هنگامی که امر به معروف نکرده و از منکر و قبیح نهی ننمایند و نیکان از اهل بیت من را تبعیت نکنند حق تعالی اشرار و بدهایشان را بر آنها مسلط فرموده به طوری که هر چه خوبان خود را بخوانند آنها جوابشان را نمی‌دهند.

الکافی، ج ۲، ص ۳۷۴

الأمالی (للصدوق)، ص ۳۰۸ (مع اضافه فی صدره)

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي

جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ

علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۸۴

سند علل: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۵۲ (مع اضافه فی صدره)

سند ثواب الأعمال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

الأمالی (للطوسي)، ص ۲۱۰ (مع تفاوت و اضافه)

سند امالی صدوق: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) يَقُولُ: وَجَدْتُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

روضة الواعظين، ج ۲، ص ۴۲۱ / تحف العقول، ص ۵۱

غرر الحكم و درر الكلم، ص ۲۹۲

و در بحث‌های اقتصادی بین "انفاق" و "تجارت"، "بین انفاق" و "پول"، بین "انفاق" و "تولید"، بین "انفاق" و "طبقه‌بندی مشاغل" بین انفاق و همه این موارد و بیش از این موارد، در روایات ما ارتباط برقرار شده است. البته

بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۶۹ / الوافی، ج ۵، ص ۱۰۴۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۷۳
 وصیة المفضل بن عمر لجماعة الشيعة: ... أدوا ما افترض الله عليكم من الصلاة والصوم و سائر فرائض الله و أدوا الزكاة المفروضة إلى أهلها فإن
 أباعبدالله ع قال: يا مفضل! قل لأصحابك يصعون الزكاة في أهلها و إني صامن لما ذهب لهم.
 امام صادق (علیه السلام): ای مفضل! به دوستانت بگو که زکات را به اهلش بدهند و من [جبران] آنچه را از دست داده‌اند ضمانت می‌کنم.

تحف العقول، ص ۵۱۴

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۸۱ / عوالم العلوم ج ۲۰-قسم ۲، ص ۶۹۳

۱۸. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ع: مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ حَلِّهِ لِيُعَوِّدَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنْ غُلبَ عَلَيْهِ فَلْيَسْتَدِنْ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ مَا يَتَّقُونَ بِهِ عِيَالَهُ.
 امام کاظم علیه السلام: هر کس این روزی را از حلالش بجوید تا آن را برای خود و خانواده‌اش فراهم آورد، مانند مجاهد در راه خداوند عز و جل است. پس اگر درماند، آنگاه به امید خدا و پیامبر او، به اندازه قوت خانواده‌اش باید قرض کند.

الکافی، ج ۵، ص ۹۳ / قرب الإسناد، ص ۳۴۰ (عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن موسى بن بكر قال: قال لي أبو الحسن الأول)

تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۸۴ (عن أحمد بن محمد بن علي بن الحكم عن موسى بن بكر قال قال لي أبو الحسن)

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۲۰ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۴۲

۱۹. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ الصادق ع: دَرَاهِمٌ يُوصَلُ بِهِ الْإِمَامُ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ أَلْفٍ دَرَاهِمٍ يُنْفَقُ فِي غَيْرِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

امام صادق (علیه السلام): یک درهم که در راه صله امام صرف شود بارزش تر است از یک میلیون درهم که در غیر آن در راه خدا انفاق شود.

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷۳

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مِيَّاحٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: يَا مِيَّاحُ! دَرَاهِمٌ يُوصَلُ بِهِ الْإِمَامُ أَكْبَرُ مِنْ أَلْفِ أَلْفٍ مِنْ أُخْدٍ.
 میّاح گوید: روزی امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای میّاح! یک درهم که در راه صله امام خرج شود، [از جهت ارزش] از وزن کوه أخذ با عظمت‌تر است.

الکافی، ج ۱، ص ۵۳۸

الوافی، ج ۱۰، ص ۳۶۱

۲۰. **ارجاع پژوهشی:** أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَاصِمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ التَّهْدِيّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَتَتْ الْمَوَالِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالُوا نَشْكُو إِلَيْكَ هَوْلًا الْعَرَبِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يُعْطِينَا مَعَهُمُ الْعَطَايَا بِالسَّوِيَّةِ وَ رَوْحَ سَلْمَانَ وَ بِلَالًا وَ صَهْبِيًّا وَ أَبَوَا عَلَيْنَا هَوْلًا وَ قَالُوا لَا نَفْعَلُ فَذَهَبَ إِلَيْهِمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَكَلَّمَهُمْ فِيهِمْ فَصَاحَ الْأَعْرَابِيُّ أَيْبِنَا ذَلِكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَيْبِنَا ذَلِكَ فَخَرَجَ وَ هُوَ مُغْضَبٌ يُجِرُّ رِدَاؤُهُ وَ هُوَ يَقُولُ يَا مَعْشَرَ الْمَوَالِي إِنَّ هَوْلًا قَدْ صَبَّرَكُمْ بِمَنْزِلَةِ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى يَتَزَوَّجُونَ إِلَيْكُمْ وَ لَا يُزَوَّجُونَكُمْ وَ لَا يُعْطُونَكُمْ مِثْلَ مَا يَأْخُذُونَ فَاتَّجِرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنِّي قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ الرِّزْقُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تَشَعُّهُ أَجْزَاءُ فِي التَّجَارَةِ وَ وَاحِدَةٌ فِي غَيْرِهَا.

فضل بن ابی قره از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «گروهی از مسلمانان غیر عرب خدمت علی علیه السلام آمدند و گفتند: «ما از این اعراب نزد شما شکایت می‌کنیم. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشش‌ها را میان ما و آن‌ها به طور مساوی تقسیم می‌کرده و سلمان و بلال و صهیب را به ازدواج درآورد ولی این‌ها درباره ما از این کار خودداری می‌کنند و می‌گویند ما چنین نمی‌کنیم. علی علیه السلام به سوی اعراب رفت و درباره مسلمانان غیر عرب با آن‌ها سخن گفت ولی عرب‌ها فریاد برآوردند: ای ابوالحسن علیه السلام، ما از این کار خودداری می‌کنیم! ما از این کار خودداری می‌کنیم! علی علیه السلام [از میان آنان] بیرون رفت، درحالی که از شدت خشم، عبایش را بر زمین می‌کشید و به [غیر اعراب] می‌گفت: ای گروه غیر

نظریه فقهی انفاق

هیچ کدام از اینها تجمیع شده در یک آیه و روایت نیست. هر کدام [از این ارتباطها] در آیه و روایت‌هایی [جدا از هم] بحث شده است. وقتی ما مجموعه آیات را بحث می‌کنیم، می‌بینیم که امامان معصوم علیهم‌السلام بین انفاق و یک مجموعه‌ای از اصطلاحات دیگر ارتباط برقرار کرده‌اند. و حالا هر فقیه و یا مؤمنی به اندازه بضاعت خودش باید این ارتباطات را بررسی کند و نباید به صورت مجزا و به صورت بریده از هم، این موضوعات را بررسی کند.

عرب! این‌ها با شما همانند یهودیان و مسیحیان رفتار می‌کنند. با زنان‌تان ازدواج می‌کنند ولی به شما زن نمی‌دهند و مثل آنچه می‌گیرند به شما نمی‌دهند. پس به تجارت روی آورید، خداوند به شما برکت دهد، همانا من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود: روزی ده بخش است؛ که نه بخش آن در تجارت و یک بخش دیگر آن در غیر تجارت است.»

الکافی، ج ۵، ص ۳۱۸

وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۷۱ / بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۶۰

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: اتَّجَرُوا بِبَارِكِ اللَّهِ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ إِنَّ الرُّزْقَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ فِي التِّجَارَةِ وَوَاحِدٌ فِي غَيْرِهَا. أميرالمؤمنین (علیه السلام): تجارت کنید، تا خداوند به شما برکت دهد، همانا من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود: روزی ده بخش است؛ که نه بخش آن در تجارت و یک بخش دیگر آن در غیر تجارت است.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۲ / عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۸۲

الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۶ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۲ (نقلاً عن الکافی)

سند وسائل: وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيِّ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ أَحْمَدَ التَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ لِلْمَوْلِيِّ

أَبِي عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ أَحْمَدَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَرِيدٍ عَنْ سُفْيَانَ الْحَرِيرِيِّ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «الْبُرْكََةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَغْشَارُهَا فِي التِّجَارَةِ وَ الْوَأَحَدُ الْبَاقِي فِي الْجُلُودِ.» امام باقر (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله): «برکت ده جزء دارد که نه قسمت از ده قسمت آن در تجارت و بقیه آن در جلود (پوست‌ها) است.»

الخصال، ج ۲، ص ۴۴۵

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۰ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴ / جامع أحاديث الشیعة، ج ۲۲، ص ۲۷۲

عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَعْفَرَانِيٍّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «مَنْ طَلَبَ التِّجَارَةَ اسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً؟ قَالَ: وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً إِنَّ تِسْعَةَ أَغْشَارِ الرُّزْقِ فِي التِّجَارَةِ.»

محمد زعفرانی از امام صادق (علیه السلام): «هر کس تجارت را طلب کند (به دنبال تجارت باشد)، از مردم بی‌نیاز می‌گردد.» گفتم: «اگر چه معیل (و صاحب اهل و عیال) باشد؟» فرمود: «بله؛ اگر چه معیل باشد؛ همانا نه قسمت از ده قسمت رزق در تجارت است.»

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۱ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۲۲ / جامع أحاديث الشیعة، ج ۲۲، ص ۲۷۴

رَوَى رَوْحٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «تِسْعَةُ أَغْشَارِ الرُّزْقِ فِي التِّجَارَةِ.»

امام صادق (علیه السلام): «نه قسمت از ده قسمت رزق در تجارت است.»

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۳۳

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۰ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۲۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۹ (نقلاً عن الشَّيْخِ أَبُو الْفَتْوحِ فِي تَفْسِيرِهِ عَنِ النَّبِيِّ ص)

۲/۱/۲. وجود ارتباط بین گندم با مجموعه‌ای از مفاهیم دینی؛ نمونه‌ای دیگر از ارتباط و

به هم پیوستگی مفاهیم و اصطلاحات دینی

خواهش می‌کنم به این نکته دقت کنید، این موضوع [ارتباط انفاق با مجموعه‌ای از موضوعات دینی] در سایر بحث‌های دینی [غیر از مباحث اقتصادی] هم جریان دارد. مثلاً دیروز داشتیم در جلسه‌ای از همین جلسات ارتباطی که در شهر اصفهان داریم گفت‌وگو می‌کردیم؛ فهرستی از ارتباطات مختلف بین گندم (که در روایات بحث شده) و بعضی از موضوعات مرتبط با آن را بحث کردیم. مثلاً: بین "گندم" و "تغییرات اقلیمی" در روایات بحث شده است. اینکه در بعضی از روایات به این مسئله پرداخته شده که اگر کشاورزی به سمت کشت گندم برود، خدای متعال برکت زمین را به گندم‌زار منتقل می‌کند و به مدیریت آبی که در عالم در جریان است^{۲۱} دستور می‌دهد که بارش‌ها را بیشتر کند. امثال این روایات به ما می‌گویند که بین "کشت گندم" و "تغییرات مثبت اقلیمی" یک رابطه منطقی برقرار است.^{۲۲}

۲۱. **ارجاع پژوهشی:** وَ النَّازِعَاتِ غُرُقًا * وَ التَّاشِطَاتِ نَشْطًا * وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا * فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا * فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (سوره مبارکه نازعات، آیات ۱ تا ۵)

سوگند به فرشتگانی که [روح بدکاران را به شدت از بدن‌هایشان] بر می‌کنند،* و سوگند به فرشتگانی که [روح نیکوکاران را به نرمی و ملایمت از بدن‌هایشان] بیرون می‌آورند* و سوگند به فرشتگانی که [برای اجرای فرمان‌های حق] به سرعت نازل می‌شوند،* و سوگند به فرشتگانی که [در ایمان، عبادت، پرستش و اطاعت] بر یکدیگر [به صورتی ویژه] سبقت می‌گیرند،* و سوگند به فرشتگانی که [به اذن خدا امور آفرینش را] تدبیر می‌کنند. (ترجمه انصاریان)

«فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا»: أنها الملائكة تدبر أمر العباد من السنة إلى السنة عن علي (ع).

در مورد «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا»: علی (علیه السلام) فرمود: آنها فرشتگانی هستند که از این سال تا سال آینده تدبیر امور بنده‌گان خدا میکنند.

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص: ۶۵۳

و أخرج سعيد بن منصور و ابن المنذر عن علي ع في قوله: «وَ النَّازِعَاتِ غُرُقًا» قال: هي الملائكة تنزع أرواح الكفار. «وَ التَّاشِطَاتِ نَشْطًا» هي الملائكة تتشط أرواح الكفار ما بين الاظفار و الجلد حتى تخرجها. «وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا» هي الملائكة تسبح بأرواح المؤمنين بين السماء و الأرض. «فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا» هي الملائكة يسبق بعضها بعضا بأرواح المؤمنين إلى الله. «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» قال: هي الملائكة تدبر أمر العباد من السنة إلى السنة.

علی (علیه السلام) در مورد قول خداوند متعال ... «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» فرمود: آنان ملائکه ای هستند که امور بندگان را سال به سال تدبیر می‌کنند.

الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۳۱۰

۲۲. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ الْكُوفِيِّينَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَكْرِمُوا الْخُبْرَ وَ عَظْمُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ لَهُ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ أَخْرَجَ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ مِنْ كَرَامَتِهِ أَنْ لَا يُقْطَعَ وَ لَا يُوْطَأَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): نان را گرامی و تعظیم بدارید؛ چرا که خداوند تبارک و تعالی برکات را بخاطر آن از آسمان فرو می‌فرستد و برکات زمین را بخاطر بزرگداشت آن از زمین خارج می‌کند...

المحاسن، ج ۲، ص ۵۸۵

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۰

نظریه فقهی انفاق

از طرف دیگر در روایات بین مسئله "گندم"، "جو"، "نان" و "سلامت" ارتباط برقرار شده است^{۲۳} که این مورد توسط دوستان طب اسلامی به صورت اجمالی احیاء شده است.

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ: **أَكْرِمُوا الْخُبْزَ فَإِنَّهُ قَدْ عَمِلَ فِيهِ مَا بَيْنَ الْعَرْشِ إِلَى الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا.**

امیرالمومنین (علیه السلام): نان را گرامی شمارید؛ چرا که برای آن ما بین عرش تا زمین و آنچه در میان آنهاست به کار گرفته شده اند.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۸۵

وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۸۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۰

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص: **أَكْرِمُوا الْخُبْزَ فَإِنَّهُ قَدْ عَمِلَ فِيهِ مَا بَيْنَ الْعَرْشِ إِلَى الْأَرْضِ وَمَا فِيهَا مِنْ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ.**

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): نان را گرامی شمارید؛ چرا که برای آن ما بین عرش تا زمین و آنچه در آنهاست از خلق خداوند به کار گرفته شده اند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۰۲

وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۸۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۴ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۲۸

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ: **أَكْرِمُوا الْخُبْزَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهُ مِنَ بَرَكَاتِ السَّمَاءِ وَأَخْرَجَهُ مِنَ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ قَبِيلَ وَمَا إِكْرَامُهُ قَالَ لَا يُقَطَّعُ وَلَا يُوْطَأُ.**

امیرالمومنین (علیه السلام): نان را گرامی شمارید زیرا خداوند آن را از برکات آسمان فرو فرستاده و از برکات زمین بیرون آورده است.

مكارم الأخلاق، ص ۱۵۴

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۱ / نهج الفصاحة، ص ۲۳۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۰۳

أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنِ التَّهِيكِيِّ وَيَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي وَكَيْعٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالْغَنَمِ وَالْحَزْثِ فَإِنَّهُمَا يَغْدُوَانِ بِخَيْرٍ وَيُرْوَحَانِ بِخَيْرٍ.**

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: بر شما باد به گوسفندداری و کشاورزی که خیر و برکت شبانه روز به همراه آنهاست.

المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۳

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۳۹ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۱۲۱ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۳۳

۲۳. **ارجاع بزوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّيْمِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **إِنَّمَا نَبِيُّ الْجَسَدِ عَلَى الْخُبْزِ.**

امام صادق (علیه السلام): این است و جز این نیست که بدن انسان بر پایه نان بنا نهاده شده (و استوار است).

الكافي، ج ۶، ص ۲۸۶ و ص ۲۸۷ (بهذا السند: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ

أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

المحاسن، ج ۲، ص ۵۸۵ (بهذا السند: عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۰ / الوافي، ج ۱۹، ص ۲۷۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۲۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۱۷

عَنْ الصَّادِقِ ع قَالَ: **قَالَ نَبِيُّ الْجَسَدِ عَلَى الْخُبْزِ.**

امام صادق (علیه السلام): بدن انسان بر پایه نان بنا نهاده شده است.

همین طور به ارتباط میان "گندم" و مسائل مالی جامعه از پایگاه "زکات"^{۲۴} اشاره شده است. شما وقتی "کشت گندم" را در جامعه گسترش می‌دهید، معنای آن این است که "حساب پس انداز فقراء" را هم پر از پول و تقویت

مکارم الأخلاق، ص ۱۵۴

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ ع: وَ اعْلَمْ يَا مُفَضَّلُ! أَنَّ رَأْسَ مَعَاشِ الْإِنْسَانِ وَ حَيَاتِهِ الْغُبَيْرُ وَ الْمَاءُ. امام صادق (علیه السلام): بدان ای مفضل! که رأس معاش و زندگی انسان، نان و آب است.

توحید المفضل، ص ۸۷

بحار الأنوار، ج ۳، ص ۸۷

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرِ [بَصِيرٍ] عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْقَمَاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ... طَعْمُ الْمَاءِ الْحَيَاءِ وَ طَعْمُ الْغُبَيْرِ الْقُوَّةُ.

امام صادق (علیه السلام): مزه آب، مزه زندگی و مزه نان، مزه قوت (قدرت) است.

تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۳۹ / تحف العقول، ص ۳۷۰

بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۱۴۱ و ج ۷۵، ص ۲۵۴

عَلَيْهِ بِنُ إِتْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فَضْلُ غُبَيْرِ الشَّعِيرِ عَلَى الْبُرِّ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ وَ مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَ قَدْ دَعَا لِأَكْلِ الشَّعِيرِ وَ بَارَكَ عَلَيْهِ وَ مَا دَخَلَ جَوْفًا إِلَّا وَ أَخْرَجَ كُلَّ دَاوٍ فِيهِ وَ هُوَ قُوْتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ طَعَامُ الْأَبْرَارِ أَبِي اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَجْعَلَ قُوْتُ أَنْبِيَائِهِ إِلَّا شَعِيرًا. امام رضا علیه السلام فرمود: برتری نان جو بر نان گندم، مانند برتری ما بر مردم است. هیچ پیامبری نیست، مگر آنکه برای خوردنده [نان] جو دعا کرده و برایش برکت خواسته است. آن، وارد هیچ شکمی نمی‌شود، مگر اینکه هر دردی را که در آن است، بیرون می‌کند. [نان] جو، قوت پیامبران و خوراک نیکان است. خدا نخواسته است که جز جو را قوت پیامبرانش قرار دهد.

کافی، ج ۶، ص ۳۰۴

الوافی، ج ۱۹، ص ۲۷۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۴

الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِي شَيْءٍ شِفَاءً أَكْثَرَ مِنَ الشَّعِيرِ، مَا جَعَلَهُ غِذَاءَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

امام صادق علیه السلام: اگر خداوند در چیزی بیش از جو شفاء (بهبوددهندگی) می‌دید، آن را خوراک پیامبران قرار نمی‌داد.

مکارم الأخلاق، ص ۱۵۴

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۵۵

۲۴. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنِي بِدَلِكِ حَمْرَةَ بِنُ مُحَمَّدٍ بِنُ أَحْمَدَ بِنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بِنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو نَصْرِ قَنْبَرُ بْنُ عَلِيٍّ بِنِ شَادَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ عَنِ الرِّضَا ع: أَنَّ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّرْبِيبِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ النَّعْمِ وَ الدَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ.

امام رضا (علیه السلام): همانا زکات بر نه چیز است: گندم و جو و خرما و کشمش و شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۷

بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۶۰ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۴

أَبِي رَجْمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْقَمَاطِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الزَّكَاةِ فَقَالَ: وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةٍ وَ عَقَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ الْحِنْطَةَ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّرْبِيبِ وَ الدَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْبَقَرِ وَ النَّعْمِ وَ الْإِبِلِ.

می‌کنید. پس بین اصطلاحاً "بودجه‌ریزی کشور در بخش تأمین درآمدها" و "کشت گندم" در روایات بحث شده است.

وقتی "مصارف زکات"^{۲۵} را بررسی می‌کنید، آنجا بین "گندم" و "جو" و سایر محصولات کشاورزی و دامی که موضوع زکات هستند و محرومیت‌زدایی را هم می‌توانید بحث کنید. اینها را خواستم از باب مثال اشاره کرده باشم.

ابو سعید قَمَاط، از قول شخصی از امام صادق علیه السلام روایت نموده که از آن حضرت پرسیدند: چه چیز زکات دارد، فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زکات را در نه چیز مقرر فرمود، و زکات در غیر از آنها را بخشود، که عبارتند از، گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، گاو، گوسفند، و شتر.

معانی الأخبار، ص ۱۵۴ / الخصال، ج ۲، ص ۴۲۱

سند خصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ

مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْقَمَاطِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بِحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ۹۳، ص ۳۰ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۴ / الوافی، ج ۱۰، ص ۶۰

۲۵. **ارجاع پژوهشی / پرورشی: إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** (سوره مبارکه توبه، آیه ۶۰)

صدقات (زکات)، فقط ویژه نیازمندان و تهیدستان [زمین‌گیر] و کارگزاران [جمع و پخش آن] و آنانکه باید دل‌هایشان را [برای تمایل به اسلام] به دست آورده شود، و برای [آزادی] بردگان و [پرداخت بدهی] بدهکاران و [هزینه کردن] در راه خدا [که شامل هر کار خیر و عام المنفعه می‌باشد] و در راه ماندگان است [این احکام] فریضه‌ای از سوی خداست، و خدا دانا و حکیم است.

عَلَيْهِ بُنُّ الْحُسَيْنِ الْمُرْتَضَى فِي رَسُولَةِ الْمُحْكَمِ وَ الْمُتَشَابِهِ نَفْلًا مِنْ تَفْسِيرِ التُّغْمَانِي بِإِسْنَادِهِ الْإِتْبَاعِ عَنْ عَلِيٍّ ع فِي بَيَانِ أَسْبَابِ مَعَايِشِ الْخَلْقِ قَالَ: وَ أَمَّا وَجْهُ الصَّدَقَاتِ فَإِنَّمَا هِيَ لِأَقْوَامٍ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْإِمَارَةِ نَصِيبٌ وَ لَا فِي الْعِمَارَةِ حَظٌّ وَ لَا فِي التَّجَارَةِ مَالٌ وَ لَا فِي الْإِجَارَةِ مَعْرِفَةٌ وَ قُدْرَةٌ فَفَرَضَ اللَّهُ فِي أَمْوَالِ الْأَعْيَابِ مَا يَمُوتُهُمْ وَ يَتَوَمَّ بِهٖ أَوْدُهُمْ إِلَى أَنْ قَالَ ثُمَّ بَيَّنَّ سُبْحَانَهُ لِمَنْ هَذِهِ الصَّدَقَاتُ فَقَالَ: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ» الْآيَةَ. فَأَعْلَمْنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَمْ يَضَعْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ إِلَّا فِي مَوَاضِعِهَا بِأَمْرِ اللَّهِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): **صدقات (زکات) برای کسانی است که نه در کارهای دولتی دستی دارند، نه از ساخت و ساز (بنایی) سهمی، نه برای تجارت و کسب و کار، سرمایه‌ای و نه از کارگری، آگاهی و توانایی.** از این رو، خداوند در اموال توانگران به اندازه‌ای که قوت آنان را تأمین و گرفتاری‌شان را برطرف کند، حقی واجب کرده است... خدای سبحان کسانی را که این صدقات (زکات) به آنها تعلق می‌گیرد، بر شمرده و فرموده است: «جز این نیست که صدقات (زکات) برای فقیران و مسکینان و تحصیلداران آن است و نیز برای به دست آوردن دل [مخالفان] و آزاد کردن بندگان و قرضداران و انفاق در راه خدا و در راه ماندگان».

وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۲۱۳ / بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۴۸

انسان می‌تواند زکات را در هشت مورد مصرف کند: اول: **فقیر**، و آن کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسی که صنعت یا ملک یا سرمایه‌ای دارد که می‌تواند مخارج سال خود را بگذراند فقیر نیست. دوم: **مسکین**، و آن کسی است که از فقیر سخت تر می‌گذراند. سوم: کسی که از طرف امام علیه‌السلام یا نایب امام مامور است که **زکات را جمع و نگهداری نماید** و به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام علیه‌السلام یا نایب امام یا فقرا برساند. چهارم: **کافرهای** که اگر زکات به آنان بدهند به دین اسلام مایل می‌شوند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند. پنجم: **خریداری بندها** و آزاد کردن آنان. ششم: **بدهکاری** که نمی‌تواند قرض خود را بدهد. هفتم: **سبیل الله** یعنی کاری که مانند ساختن مسجد منفعت عمومی دینی دارد، یا مثل ساختن پل و اصلاح راه که نفعش به عموم مسلمانان می‌رسد و آنچه برای اسلام نفع داشته باشد به هر نحو که باشد. هشتم: **ابن السبیل**، یعنی مسافری که در سفر درمانده شده. و احکام اینها در مسایل آینده گفته خواهد شد.

ترجمه تحریرالوسیله امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۳۷۸

۲/۲. تلاش برای کشف ارتباطات بین مفاهیم دینی و تشکیل خانواده حدیث؛ دو روش از روش‌های صحیح و مفید برای بررسی و تشریح اصطلاحات دینی (در مقابل بررسی ذوقی اصطلاحات دینی و تشریح آن با دستگاه دانشی دیگران)

حال می‌خواهم بگویم نحوه بررسی ادبیات دینی این نیست که شما یک روایت بخوانید و بعد شروع کنید همان روایت را توضیح بدهید. بعضی این‌طور هستند و مثلاً وقتی می‌خواهند راجع به ارتباط "گندم" و "سلامتی" بحث می‌کنند، مثلاً بر اساس ادبیات پزشکی موجود [وارد بحث می‌شوند و] می‌گویند: معنای این روایت این است که مثلاً "ریزمغذی‌ها" و "درشت‌مغذی‌ها"ی جوانه گندم خیلی فراوان است. در واقع شرح این روایات بر اساس یک دستگاه دانشی دیگری اتفاق می‌افتد. اینها می‌خواهند یک مسئله را شرح بدهند (چون شما اگر یک روایت را شرح ندهید خوب جا نمی‌افتد)؛ ولی چرا در این دام [بررسی و تشریح روایات با دستگاه دانشی دیگران] می‌افتند؟ چون روش شرحشان ارتباط [برقرارکردن] بین یک اصطلاح دینی با سایر اصطلاحات دینی نیست [لذا مجبور می‌شوند] با دستگاه دانشی دیگران وارد بحث شوند. بنابراین اگر شما روش "درایه صحیح"^{۲۶} را نپذیرید،

۲۶. ارجاع پژوهشی: الإمام الصادق علیه السلام: حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرْوِيهِ.

امام صادق (علیه السلام): حدیثی را که در آن درایه کنی بهتر است از هزار حدیث که درایه نکنی (و فقط روایت کنی).

معانی الاخبار، ج ۲، ص ۳

مستطرفات السرایر، ص ۱۴۹ / بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۳۴

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمهُورٍ ، جَمِيعًا ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمهُورٍ ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي ، عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: « خَيْرٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرٍ تَرْوِيهِ ، إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيْقَةً ، وَ لِكُلِّ صَوَابٍ نُورًا .
امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: روایتی را که درایه کنید، بهتر از ده روایت است که فقط روایت (نقل / بدون درایه) کنید. برای هر حقیقی حقیقتی و برای هر راه درستی نوری است.

الغیبه (نعمانی)، ج ۱، ص ۱۴۱

بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۲

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بُرَيْدِ الرَّزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنِي إِعْرَفٍ مَنَازِلُ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَائَةُ لِلرَّوَايَةِ وَ بِالذَّرَائَاتِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَفْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابٍ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَ قَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا .

امام باقر علیه السلام: ای فرزندانم! مراتب فضل شیعیان را بر مبنای روایت و معرفت ایشان باز شناس، که همانا معرفت، درک و درایه روایت است و مؤمن با درک درست روایات به بالاترین درجات ایمان می‌رسد. من در کتاب علی علیه السلام نگریستم و در آن، چنین یافتم: ارزش هر انسان و منزلتش، در معرفت اوست و بی‌گمان، خداوند - تبارک و تعالی - مردمان را به مقدار خردهایی که در سرای دنیا به آنها داده، بازخواست می‌کند.

معانی الاخبار ج ۱ ص ۱

بحار الانوار ج ۱ ص ۱۰۶ / بحار الانوار ج ۲ ص ۱۸۴ / نوادر الاخبار ج ۱ ص ۵۰۰ / مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۲۸۴

اسیر همین روش‌های درایه‌ای موجود می‌شوید. حالا این فقط راجع به گندم هم نیست، راجع به سایر حوزه‌های دیگر هم همین‌طور است.

اینجا سؤالات حاشیه‌ای دیگری مطرح می‌شود: مثلاً وقتی می‌خواهیم بین روایات ارتباط برقرار کنیم، آیا ارتباط را باید ذوقی برقرار کنیم؟ یا باید "خانواده روایات"^{۲۷} را که ارتباط بین موضوعات را بحث کرده، تجمیع و سپس

۲۷. **ارجاع پرورشی:** برای فهم مقصود گوینده حدیث، نیازمند گردآوری همه قرینه‌ها هستیم. [مانند: قرینه‌های متصل و قرینه‌های مقامی ... قرینه‌های منفصل لفظی ... قرینه‌های منفصل بیشتر از نوع کلام‌اند و مهم‌ترین آنها، احادیثی است که با روایت اصلی که در صدد فهم آن هستیم ارتباط دارند؛ خواه از همان معصوم گوینده حدیث اصلی صادر شده باشد یا از امامی دیگر؛ زیرا بنا بر اعتقاد کلامی شیعه، همه امامان نوری واحدند و علم آنان از يك منبع تراوش کرده است. این احادیث، با حدیث اصلی رابطه‌هایی متعدد و متفاوت دارند؛ گاه مخصّص و مقید و مبین، و گاه شارح و ناسخ و معارض‌اند و مهم‌تر از همه اینها، گاه با حدیث اصلی و مورد فهم ما هم‌مضمون و هم‌معنا هستند. وجه اشتراك اصلی این احادیث، نظر داشتن آنها به يك موضوع محوری است. بر این اساس، می‌توانیم احادیث هم‌مضمون و مرتبط با یکدیگر را از احادیث ناسخ و معارض جدا کرده و بر اساس يك اصطلاح نوساخته، آنها را «خانواده حدیث» بنامیم.

... بر اساس اصل هماهنگی میان سخنان ائمه و پیوند گفته‌های آنان با یکدیگر، می‌توان چنین گفت که یافتن و کنار هم قرار دادن احادیث هم‌مضمون، چپش قطعه‌هایی از يك تصویر نامشخص است، که با نشان دادن هر قطعه در جایگاه واقعی و درست خود، به سیما و نمای نهایی تصویر نزدیک‌تر می‌شویم. بر این اساس، در بازیابی احادیث هم‌مضمون، یافتن احادیثی که با حدیث مورد نظر ما یکی از رابطه‌های تخصیص و تعمیم، اطلاق و تقیید، و اجمال و تبیین را دارند ضروری است.

... **سیره محدثان [در تشکیل خانواده حدیث]:** بازیابی موضوعی و گردآوری احادیث هم‌مضمون، روش عمومی محدثان و فقیهان بزرگ ما بوده و این نشان‌دهنده اهمیت تشکیل خانواده حدیث برای فهم یا تسهیل درک احادیث نزد آنان است.

برقی، احادیث کتاب المحاسن - از کهن‌ترین مجموعه‌های بزرگ حدیثی شیعه که تنها بخشی از آن در دسترس است - را به صورت موضوعی دسته‌بندی و تدوین کرده است. پیش از او نیز برخی از صاحبان اصول اربعه (مانند حریر بن عبدالله) اصلهای خود را چنین سامان داده‌اند، همان‌گونه که در نقل احادیث به وسیله راویان جامع‌نگار (همچون ابن ابی عمیر، یونس بن عبدالرحمان، حسین بن سعید اهوازی و علی بن مهزیار) شاهد هستیم. محمد بن یعقوب کلینی در الکافی، محمد بن حسن صفار در بصائر الدرجات، شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه و شیخ طوسی در بسیاری از کتابهای خود، همین روش را پی گرفته‌اند. آنان به جای روش مسندنویسی، که احادیث يك راوی (نه يك موضوع) را در کنار هم قرار می‌دهد، روش تبویب موضوعی را برگزیدند، با آنکه روش مسندی کهن‌تر و ساده‌تر بود. آنان این اصل روشن و عمومی را می‌دانستند که احادیث به هم ناظرند و در صورتی که به يك موضوع اشاره داشته باشند و يك نقطه را نشانه روند، باید در کنار هم مطالعه و بررسی شوند. این روش، حتی در میان اهل سنت که مسندهای متعددی داشتند، جای خود را گشود و صحاح سته بر اساس تبویب موضوعی شکل گرفتند. در دوران معاصر نیز، آیت‌الله بروجردی با کنار هم نهادن دو مجموعه بزرگ روایی وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل و افزودن آیات و روایاتی دیگر، این روش پسندیده را ادامه داد و جامع الأحادیث را سامان بخشید و کار استنباط فقیهان را صحیح‌تر و آسان‌تر نمود.

... **فایده مهم و اصلی بازیابی خانواده حدیث،** علاوه بر فهم دقیق حدیث، روشن شدن حکم نهایی است؛ چه این حکم فقهی باشد، چه اخلاقی. به عبارت دیگر، می‌توان پس از جستجوی کامل و یافتن همه احادیث عامّ و مطلق و مخصّص و مقید و ...، به حاصل جمع و آنچه از کنار هم نهادن همه احادیث مرتبط برمی‌آید حکم داد و آن را حجت دانست و جز در این صورت، حکم نسبت داده شده به دین و معصومان احتمال خطای فراوان دارد و حجت نیست.

درسنامه فهم حدیث (عبدالهادی مسعودی، معاصر)، ص ۱۳۳ (انتشارات دارالحدیث)

ضرورت جستجو از قرائن و تشکیل خانواده حدیث از دو نکته ناشی می‌شود: اول، هماهنگی کامل میان ائمه که نتیجه آن، عدم پذیرش اختلاف میان احادیث آنان است و دوم، وجود نقلهای متفاوت و رواج شیوه نقل معنا در کنار نقل لفظی [در دوران معصومین (علیهم السلام)].

بررسی کنیم؟ روش دوم [یعنی: تشکیل خانواده حدیث] ما را بهتر به نتیجه صحیح می‌رساند و در حالت اول [یعنی: ذوقی عمل کردن] اشکالاتی وجود دارد.

بنابراین حتماً وقتی یک اصطلاح دینی را شنیدید و خواستید آن را بازخوانی کنید، بین آن اصطلاح دینی و کلمات مرتبط با آن بررسی کنید. من خیلی قائل به این نیستم که حتماً یک مؤمن و یا یک فقیهی همه کلمات دینی را جمع و بررسی کند. شما می‌توانید از بررسی دو روایت کار را شروع کنید و به تدریج روایت سوم را به فهرست خودتان اضافه کنید. تفقه (خصوصاً تفقه در حوزه نظام‌سازی) امری تدریجی است و دفعی اتفاق نمی‌افتد. پس این هم یک بحث شد.

۲/۳. تبویب جدید "فقه‌المکاسب"؛ ثمره توجه به ارتباطات و به هم پیوستگی‌های

مفاهیم و اصطلاحات دینی

وقتی کلمات مرتبط با موضوع "انفاق" را با هم دیدیم چه اتفاقی می‌افتد؟ من عرض می‌کنم که: یک تبویب جدیدی از "فقه‌المکاسب" در ذهن شما شکل می‌گیرد. یعنی: وقتی [این اصطلاحات و کلمات مرتبط] را با همدیگر لحاظ کردید، می‌گویید: من غیر از "انفاق"، باید مسائل دیگری مثل "ماهیت پول" [که با انفاق مرتبط هستند] را نیز بررسی کنم.

[و همینطور مثلاً] وقتی "انفاق" و "پول" را بحث می‌کنید، می‌گویید باید درباره "ماهیت تجارت" هم وارد بحث شوم. بنابراین [وقتی به ارتباطات بین "انفاق" و اصطلاحات مرتبط با آن توجه کنید]، یک تبویب جدیدی [از "فقه‌المکاسب"] شکل می‌گیرد. ولی اساس این تبویب جدید، فهم ارتباطات بین اصطلاحات شریعت است و ما این را اساس قرار دادیم.

این کاری است که ما انجام داده‌ایم و الان یک تبویب جدید از "فقه‌المکاسب" در مجموعه ما موجود است. ما فعلاً ۱۵ سرفصل اصلی را برای مکاسب بحث [و تدوین] کرده‌ایم و مشغول گفتگو راجع به آن هستیم.^{۲۸} این به اقتصاددان‌های ما کمک می‌کند که نگویند می‌خواهیم بر اساس مکتب "نهادگرایی"^{۲۹} یا بر اساس "کینزی‌ها" و

همان، ص ۱۴۴

۲۸. **ارجاع پژوهشی:** "فقه‌المکاسب" یکی از ابواب نه‌گانه "فقه نظام" (از ابواب اصلی "فقه هدایت") می‌باشد. که دارای ۱۵ سرفصل اصلی است؛ و در دوره ابتدایی طرح آن به تبیین ۵ سرفصل از آن پرداخته شده است. عناوین این ۵ سرفصل عبارتند از: طبقه‌بندی مشاغل، الگوی تولید (اصول حاکم بر مدل تولید)، الگوی تجارت و بازار (ویژگی‌های فقهی بازار)، قواعد مبادله در حوزه تولید و بازار (شامل مباحثی حول ابزار مبادله، اختیار مبادله (تسعیر اختیاری) و عقود در اسلام)، و تجارت بین‌الملل.

جهت دریافت مکتوب فقه‌المکاسب به این آدرس مراجعه بفرمایید: <https://eitaa.com/olgou4/3282>

۲۹. **ارجاع پرورشی:** اقتصاد نهادگرایی یا انستیتوسیونالیسم شاخه‌ای از اقتصاد است که نقش نهادها و روند تکامل فرهنگی-اجتماعی جوامع را در شکل‌گیری رفتار اقتصادی، مورد تأکید قرار می‌دهد. تورستاین ویبلن (Thorstein Veblen) با انتقاد از تئوری‌های اقتصادی ایستا که بیشتر مرسوم بودند، بنیان‌های اولیه دیدگاه نهادگرایی را بنا نهاد. از نگاه ویبلن، نهادها نحوه استفاده از تکنولوژی را تعیین می‌کنند. از این رو، بین نهادهای «سودمند»

"کینزی‌های جدید (نتوکینزی‌ها)"^{۳۰} عمل کنیم. وقتی مجموعه‌ای از مباحث را ارائه دادید، معنایش ارائه یک مکتب اقتصادی جدید است و این خیلی کمک می‌کند که کشور از نگاه‌های غربی در حوزه اقتصاد پاک‌سازی شود.

۲/۳/۱. طبقه‌بندی مشاغل؛ سرفصل اول از تبویب جدید فقه‌المکاسب

آنچه که تا کنون از این ۱۵ سرفصل ارائه داده‌ایم عبارت‌اند از:

سرفصل اول، «طبقه‌بندی فقهی مشاغل» است. در این سرفصل بحث کرده‌ایم که چه شغلی از نظر اسلام برتر است،^{۳۱} چه شغلی کم‌ارزش‌تر است و به چه دلیل؟ این سرفصل اول است.

(Instrumental) و نهادهای «تشریفاتی» (Ceremonial) تفاوت قائل شد. این تفاوت به «دیکوتومی ویلن» مشهور شد و تمرکز اصلی اقتصاد نهادگرایی واقع گردید. اقتصاد نهادگرایی بر مطالعه وسیع‌تر نهادها تأکید دارد و بازارها را نتیجه روابط درونی پیچیده، میان نهادهای گوناگون می‌داند؛ برای مثال، افراد، بنگاه‌ها، دولت‌ها، و هنجارهای اجتماعی نهاد به حساب می‌آیند. این نگاه اقتصاد نهادگرایی همچنان به عنوان یک رویکرد دگراندیشانه، پیش‌تاز باقی مانده است.

Warren J. Samuels ([1987] 2008). "institutional economics," The New Palgrave: A Dictionary of Economic منبع:

American economist and social scientist Thorstein Veblen laid the foundation for institutional economics with his criticism of traditional static economic theory. He tried to replace the concept of people as the makers of economic decisions with the idea that people are continually affected by changing customs and institutions.

تورشتاین ویلن، اقتصاددان آمریکایی و دانشمند علوم اجتماعی، بنیان اقتصاد نهادی را با انتقاد از نظریه اقتصادی استاتیک سنتی بی‌ریزی کرد. او تلاش کرد تا مفهوم مردم را به عنوان تصمیم‌گیرندگان تصمیمات اقتصادی با این ایده که مردم به طور مداوم تحت‌تأثیر تغییر آداب و رسوم و موسسات قرار می‌گیرند، جایگزین کند.

آدرس مطلب در دانشنامه بریتانیکا: yon.ir/institutio

۳۰. **ارجاع پرورشی: اصول کلی مکتب کینزی:** (۱) تأکید بر اقتصاد کلان (۲) تعیین جهت به‌وسیله تقاضا؛ (۳) وجود عدم ثبات در اقتصاد؛ (۴) چسبندگی قیمت و دستمزد؛ (۵) سیاست پولی و مالی فعال؛ [۱]، [۲]

تفاوت کینزی‌های جدید با مکتب کینزی: (۱) ترکیب انتظارات عقلایی با چسبندگی قیمت‌ها و دستمزدها؛ (۲) توجه به رقابت ناقص با تمرکز بر قیمت؛ (۳) تئوری‌های شکست بازار؛ (۴) توجیه خرد برخی مسائل کلان؛ (۵) توجیهات اقتصادی براساس عرضه و تقاضا؛ (۶) چسبندگی اسمی و واقعی؛ [۳]، [۴]

[1] گرجی، ابراهیم؛ ارزیابی مهمترین مکاتب اقتصادکلان، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۶، چاپ اول، ص ۳۱-۳۳

[2] نمازی، حسین؛ نظامهای اقتصادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، چاپ پنجم، ص ۷۳

[3] گرجی، ابراهیم و مدنی، شیما؛ کینزی‌های جدید تا چه اندازه جدیدند؟ مجله دانش و توسعه، ۱۳۸۵، شماره ۱۸، ص ۹۲-۹۳

[4] شاکری، عباس؛ اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌ها، تهران، پارس‌نویسا، ۱۳۸۷، چاپ اول، ص ۵۱۵

۳۱. **ارجاع پژوهشی:** برای نمونه: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْفَالْحَيْنِ ، فَقَالَ : هُمْ الزَّارِعُونَ كُنُوزَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الزَّرَاعَةِ ، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَارِعًا ، إِلَّا إِدْرِيْسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ خَيْطًا .

از امام صادق علیه السلام در باره کشاورزان پرسیدم . فرمود: «آنان ، کشاورزان گنج‌های خدا در زمین او هستند . نزد خدا، هیچ يك از اعمال، محبوب تر از کشاورزی نیست و خداوند، هیچ پیامبری را برنمی‌گيخت ، مگر آن که کشاورز بود ، جز ادريس عليه السلام که خيَاط بود.»

تهذيب الاحكام ج ۶ ص ۳۸۴

الوافي ج ۱۷ ص ۱۳۲ / وسائل الشيعه ج ۱۷ ص ۱۴۱ / عوالي النالی ج ۳ ص ۲۰۲

۲/۳/۲. الگوی تولید؛ سرفصل دوم از تبویب جدید فقه المکاسب

سرفصل دوم، «الگوی تولید در اسلام» را محل بحث قرار داده‌ایم که آیا الگوی تولید در اسلام "صنعتی" است یا نه؟ آیا الگوی تولید اسلام به سمت "عدم تمرکز" و "تولید کارگاهی و خانگی" میل دارد؟ به شش دلیل که به بخشی از آن در جلسه امروز هم اشاره می‌کنم، ما قائلیم که اسلام "تولید صنعتی" را نمی‌پذیرد و با آن مخالفت جدی دارد؛ بنابراین ما باید یک "الگوی تولید غیرمتمرکز" را پایه‌گذاری کنیم.

۲/۳/۳. الگوی بازار و تجارت؛ سرفصل سوم از تبویب جدید فقه المکاسب

سرفصل سوم، راجع به «الگوی تجارت» است. باز بحث اصلی ما در الگوی تجارت این است که: آیا تجارت به نحو "مگامال‌ها (Megamall)" و "هایپرمارکت‌ها" و "فروشگاه‌های بزرگ" درست است؟ یا "تجارت خرد و غیرمتمرکز" برای جامعه فایده بیشتری دارد؟ این هم یک سرفصل که بحث الگوی تجارت است.

۲/۳/۴. الگوی تبادل؛ سرفصل چهارم از تبویب جدید فقه المکاسب

سرفصل چهارم مربوط به «الگوی تبادل» است که مسائل مختلفی در آن مطرح است؛ از جمله اینکه: "قیمت‌گذاری" در تبادل بر عهده کیست؟ بر عهده حکومت است یا بر عهده خود مردم؟ روایاتی در منابع ما وجود دارد که حضرات فرمودند: «تسعیر یا قیمت‌گذاری توسط حکومت، "بدعت" است»^{۳۲} و مشکلات فراوانی را برای جامعه ایجاد می‌کند.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَسْمَعُ قَوْمًا يَقُولُونَ إِنَّ الرِّيَازَةَ مَكْرُوهَةٌ فَقَالَ لَهُ ائْزَعُوا وَ ائْزَعُوا فَلَاحَ وَ اَللَّهُ! مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ وَ اَللَّهُ لَيُزَعِّنَ الرِّزْعَ وَ لَيَغْرِسُنَّ التَّخْلَ بَعْدَ خُرُوجِ الدَّجَالِ.

امام صادق علیه السلام - در پاسخ به سؤال از مکروه بودن شغل کشاورزی - فرمود: زراعت کنید و درخت بکارید؛ به خدا سوگند! مردم شغلی حلالتر و پاکیزه‌تر از آن انجام نداده‌اند. به خدا سوگند [حتی] بعد از خروج دجال (نزدیک شدن قیامت) هم کشاورزی و نخل کاری ادامه خواهد یافت!

الکافی ج ۵ ص ۱۶۰

بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۱۰۸ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۶ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۶۱

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: عَمَلُ الْأَجْرَارِ مِنَ الرِّجَالِ الْخِيَاطَةُ وَ عَمَلُ الْأَجْرَارِ مِنَ النِّسَاءِ الْغَزْلُ وَ كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَخِيطُ ثَوْبَهُ وَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ وَ كَانَ أَكْثَرَ عَمَلِهِ فِي بَيْتِهِ الْخِيَاطَةَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: شغل مردان نیک، خیاطی است و شغل زنان نیک ریسندگی است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود، جامه‌اش را می‌دوخت و کفشش را وصله می‌کرد، و بیشتر کارش در خانه دوزندگی بود.

مجموعه ورام ج ۱ ص ۴۱ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۲۶

۳۲. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالْمُحْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ يُخْرَجَ إِلَى بَطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنْظُرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا فَيُقِيلُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى عَرَفَ الْغَضَبَ فِي وَجْهِهِ وَ قَالَ أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ؟! إِنَّمَا السُّعْرُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَ يَخْفِضُهُ إِذَا

شَاءَ وَ قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص لَوْ أَسْعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ فَقَالَ ع مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِيَدَعَةٍ لَمْ يُخْدِتْ لِي فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از کنار محتکرین عبور کرد پس به آنان امر فرمودند که آنچه احتکار کرده‌اید را به بازار ببرید و چون چشم مردم به آن کالاها افتاد به پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفته شد: ای کاش بر اینها قیمت گذاری می‌کردید! پس حضرت ناراحت شدند به حدی که غضب در چهره ایشان نمایان شد و [با تعجب] فرمودند: من بر اینها قیمت گذاری کنم؟! همانا قیمت با خداوند است هرگاه بخواهد بالا می‌برد و هرگاه بخواهد پایین می‌آورد. گفته شد: کاش یک قیمتی برای ما مشخص می‌کردید؛ زیرا قیمت‌ها بالا و پایین می‌آیند! فرمود: من چنان نیستم که خدا را دیدار کنم در حالی که بدعتی نهاده‌ام که او مرا در آن مجاز نفرموده است. پس اجازه دهید که بندگان خدا از [داد و ستد با] یکدیگر روزی بخورند.

التوحيد(للمصدق)، ص ۳۸۸

وَ قِيلَ لِلنَّبِيِّ (ص) لَوْ سَعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ فَقَالَ (ص): مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى بِيَدَعَةٍ لَمْ يُخْدِتْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ إِذَا اسْتَنْصَحْتُمْ فَأَنْصَحُوا.

به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفتند: ای کاش برای اجناس قیمت می‌گذاری زیرا مرتب نرخ‌ها زیاد و کم می‌شود، فرمود: من نمی‌خواهم در حالی خدا را ملاقات کنم (از دنیا بروم) که بدعتی گذارده باشم و دستوری بر آن به من نرسیده باشد، مردم را رها کنید از یک دیگر استفاده برند، و هر گاه از شما سعر (نرخ) وقت را خواستند اخلاص ورزید و راست بگویید (و اگر نپرسیدند شما آن‌ها را رها کنید).

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۶۸

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) أَنَّهُ سِئِلَ عَنِ التَّسْعِيرِ فَقَالَ مَا سَعَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ (ع) عَلَى أَحَدٍ وَ لَكِنْ مَنْ نَقَصَ عَنْ بَيْعِ النَّاسِ قِيلَ لَهُ بَعْ كَمَا يَبِيعُ النَّاسُ وَ إِلَّا فَازَعَ مِنَ السُّوقِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ طَعَامُهُ أَطْيَبَ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ.

از امام باقر (علیه السلام) در مورد تسعیر سؤال شد. فرمودند: امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر کالای کسی قیمت گذاری ننمود و لکن به کسی که بیش از قیمت متعارف کالایش را عرضه می‌کرد، می‌فرمود: آن گونه که مردم می‌فروشند، بفروش و در غیر این صورت از بازار بیرون رو، مگر اینکه کالایی که او عرضه می‌کرد مرغوب‌تر از کالایی بود که در بازار عرضه می‌شد.

مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۷۷ / دعائم الإسلام ج ۲ ص ۳۶

* روایاتی از منابع اهل سنت:

سنن الترمذی عن أنس بن مالك: «عَلَا السُّعْرُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَعَّرْنَا، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ، الْفَاطِضُ الْبَاسِطُ الرَّازِقُ، وَإِنِّي لِأَرْجُو أَنْ أَلْقَى رَبِّي وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْكُمْ يَطْلُبُنِي بِمَظْلَمَةٍ فِي دَمٍ وَلَا مَالٍ.»

سنن الترمذی از انس بن مالک: در روزگار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، نرخ‌ها بالا رفت. گفتند: «ای رسول خدا! برای ما قیمت تعیین کن». فرمود: «همانا خداوند قیمت گذار است و همو است که [روزی‌ها را] برمی‌بندد و می‌گشاید و رزق می‌بخشد. و هر آینه من امید دارم که خدا را دیدار کنم، در حالی که هیچ یک از شما در خون یا مال، از من دادخواهی نکند.»

سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۹۱، ح ۱۳۱۴ / مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۲۱، ص ۴۴۴، ح ۱۴۰۵۷

اسد الغابة عن ابن فضلة: إِتَّهَمُوا قَالُوا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فِي عَامِ سَنَةِ: سَعَّرْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: «لَا يَسْأَلُنِي اللَّهُ عَنْ سُنَّةٍ أَحَدُهَا فِيكُمْ لَمْ يَأْمُرَنِي بِهَا، وَلَكِنْ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ.»

اسد الغابة: ابن فضله در سال حطی، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت: «ای رسول خدا! برای ما قیمت تعیین کن». فرمود: «خداوند مرا به سبب برنهادن سنتی در میان شما که مرا به آن امر نفرموده، بازخواست نخواهد کرد؛ لیکن فضل خدا را طلب کنید [تا قحطسالی از شما بگذرد].»

اسد الغابة (ابن اثیر)، ج ۳، ص ۴۴۴، ج ۲، ص ۴۷۴ و ج ۵، ص ۳۴۸

الإصابة (ابن حجر)، ج ۳، ص ۴۳۵ / تاریخ الطبری، ج ۱۱، ص ۵۹۰

یکی دیگر از محورهای بحث تبادل، «ابزار تبادل» است. آیا ابزار تبادل باید دارای ارزش ذاتی باشد؟ یعنی: آیا ما باید با "پول طلا" و "پول نقره" یا اشیاء ارزشمند دیگر تبادل انجام دهیم؟ یا با "اسکناس" و "بیت کوین (Bitcoin)"^{۳۳} و "رمز ارزها" و مدل‌های جدید پول هم می‌توانیم این تبادل را انجام دهیم؟^{۳۴}

«عقود تبادل»^{۳۵} هم یکی دیگر از بحث‌هایی است که در سرفصل تبادل به آن پرداختیم.

۲/۳/۵. تجارت بین‌الملل؛ سرفصل پنجم از تبویب جدید فقه‌المکاسب

در سرفصل پنجم موضوع مهم «تجارت با کفار» محل بحث قرار گرفته است. سؤال این سرفصل این است که با چه کسی تجارت کنیم و با چه کسی تجارت نکنیم؟ چون می‌دانید که تجارت منجر به تقویت طرف تجارت

۳۳. **ارجاع پردازشی:** Bitcoin, digital currency created by an anonymous computer programmer or group of programmers known as Satoshi Nakamoto in 2009. Owners of Bitcoins can use various Web sites to trade them for physical currencies, such as U.S. dollars or euros, or can exchange them for goods and services from a number of vendors.

بیت کوین، ارز دیجیتالی که توسط یک برنامه‌نویس رایانه‌ای ناشناس یا گروهی از برنامه‌نویسان معروف به Satoshi Nakamoto در سال ۲۰۰۹ ایجاد شده است. دارندگان بیت کوین می‌توانند از وب سایت‌های مختلف برای خرید و فروش آنها با ارزهای فیزیکی مانند دلار آمریکا یا یورو استفاده کنند یا می‌توانند آنها را با کالا و خدمات از تعدادی از فروشندگان.

آدرس مطلب: سایت رسمی دانشنامه بریتانیکا - <https://b2n.ir/t75211>

۳۴. **ارجاع پژوهشی:** نشست تخصصی "پول اعتباری و طرح جایگزین" که در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۴۰۰ در محل خبرگزاری رسا برگزار شد، به بررسی تفصیلی این پرسش پرداخته است. برای دریافت متن این نشست به این نشانی مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/3258>

۳۵. **ارجاع پرورشی:** برخی از عقود اسلامی مبادله عبارتند از: مزارعه، مساقات، جعاله، قرض الحسنه، معاملات سلف و... .

مزارعه آن است که مالک با زارع به این قسم معامله کند که زمین را در اختیار او بگذارد، تا زراعت کند و مقداری از حاصل آن را به مالک بدهد.

مساقات: اگر انسان با کسی به این قسم معامله کند که درخت‌های میوه‌ای را که درخت‌ها یا منافع آن، مال خود او است و یا اختیار آن با او است تا مدت معینی به آن کس واگذار کند که تربیت نماید و آب دهد و به مقداری که قرار می‌گذارند از میوه آن بردارد، این معامله را مساقات می‌گویند.

معامله سلف آن است که مشتری پول را بدهد که بعد از مدتی جنس را تحویل بگیرد و اگر بگوید این پول را می‌دهم که مثلاً بعد از شش ماه فلان جنس را بگیرم و فروشنده بگوید قبول کردم، یا فروشنده پول را بگیرد و بگوید فلان جنس را فروختم که بعد از شش ماه تحویل بدهم معامله صحیح است.

جعاله آن است که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که برای او انجام می‌دهند مال معینی بدهد، مثلاً بگوید هر کس گمشده مرا پیدا کند، ده تومان به او می‌دهم و به کسی که این قرار را می‌گذارد جاعل و به کسی که کار را انجام می‌دهد عامل می‌گویند، و فرق بین جعاله و این که کسی را برای کاری اجیر کنند، این است که در اجاره بعد از خواندن صیغه، اجیر باید عمل را انجام دهد و کسی هم که او را اجیر کرده اجرت را به او بدهکار می‌شود، ولی در جعاله عامل می‌تواند مشغول عمل نشود و تا عمل را انجام ندهد جاعل بدهکار نمی‌شود.

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در آیات قرآن و اخبار راجع به آن زیاد سفارش شده است، از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که هر کس به برادر مسلمان خود قرض بدهد مال او زیاد می‌شود و ملائکه بر او رحمت می‌فرستند و اگر با بدهکار خود مدارا کند، بدون حساب و به سرعت از صراط می‌گذرد و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد، بهشت بر او حرام می‌شود.

منبع: سایت جامع امام خمینی رحمه الله علیه

<https://b2n.ir/x09403>

نظریه فقهی انفاق

می‌شود؛ حالا آیا ما اجازه داریم هر شخص یا مجموعه‌ای را تقویت کنیم؟ ببینید؛ شما همان‌طور که در تجارت سود می‌برید، سود هم می‌رسانید. شارع مقدس یک پرسشی را مطرح کرده است که: آیا برای خود شما مفید است که به هرکسی سود برسانید و تقویتش کنید؟ یا خیر؛ آدم اجازه ندارد همه را در تجارت تقویت کند، بلکه باید بعضی‌ها را تقویت کند؟ قدر متقین این است که شارع فرموده است: «از طریق تجارت، کفار را تقویت نکنید.»^{۳۶} این یک بحثی است و در کلمات فقهای ما این است که: «حتی اگر شما مُصَحَّف (قرآن) را به کفار فروختید و از این طریق سود یا تقویتی برای کفار ایجاد شد، آن تجارت، تجارت باطلی است!»^{۳۷} این هم سرفصل مهمی است.

۲/۳/۶. الگوی مدیریت انفال و اموال عمومی؛ سرفصل ششم از تبویب جدید فقه‌المکاسب
سرفصل ششمی که در فقه‌المکاسب بحث می‌کنیم، «الگوی مدیریت "انفال"^{۳۸} و اموال عمومی» در کشور است. به نظر ما این مسئله هم باید تغییر کند.

۳۶. **ارجاع پژوهشی:** الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ عَنِ الصَّادِقِ ع: ... وَ كَذَلِكَ كُلُّ بَيْعٍ مَلْهُوٌّ بِهِ وَ كُلُّ مَنْهِيٍّ عَنْهُ مِمَّا يَنْقَرِبُ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ أَوْ يَتَّقَى بِهِ الْكُفْرَ وَ الشَّرْكَ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْمَعَاصِي أَوْ بَابٍ مِنَ الْأَبْوَابِ يَقْوَى بِهِ بَابٌ مِنَ أَبْوَابِ الضَّلَالَةِ أَوْ بَابٌ مِنَ أَبْوَابِ الْبَاطِلِ أَوْ بَابٌ يُوْهِنُ بِهِ الْحَقُّ فَهُوَ حَرَامٌ مُحَرَّمٌ حَرَامٌ بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ إِسْأَاكُهُ وَ مِلْكُهُ وَ هِبَتُهُ وَ عَارِيَّتُهُ وَ جَمِيعِ التَّقْلِبِ فِيهِ إِلَّا فِي حَالٍ تَدْعُو الضَّرُورَةَ فِيهِ إِلَى ذَلِكَ. (... و [از جمله معاملات حرام: همچنین معامله هر چیزی که مایه سرگرمی باشد (چون آلات موسیقی) یا موجب تقرب به غیر خدا (از دستگاه‌های طاغوت) یا باعث تقویت کفر و شرک گردد (مانند فروش سلاح و غیره به دشمنان اسلام) یا نوعی گمراهی و ضلالت را نیرو بخشد، یا باطلی را تقویت کند (چون نشر افکار مسموم یا ترویج بی‌عفتی و غیره) یا حقی را تضعیف نماید (و باعث سستی عقاید مردم شود، از قبیل نشر کتب و نوشته‌های ضد دین) که اینها همه فروش، خرید، نگهداشتن، مالک شدن، عاریه دادن و کلیه تصرفاتش حرام است جز اینکه ضرورتی پیش آید.)) (ترجمه جنتی، ص ۵۳۵)

تحف العقول، ص ۳۳۳

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۸۴ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۲، ص ۲۳۵ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۶ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۳۲۲

جهت مشاهده روایات بیشتر در زمینه «حرمت تقویت کفار به وسیله تجارت»: به پیوست شماره ۲ مراجعه بفرمایید.

۳۷. **ارجاع پرورشی:** عالم بزرگ شیعه مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (صاحب عروه): «أَنَّ مِنَ الْقَوَاعِدِ حَرَمَةَ تَقْوِيَةِ الْكُفْرِ يَدُلُّ عَلَيْهَا الْعَقْلُ وَ النِّقْلُ فَإِنَّ الْمُسْتَفَادَ مِنْ خَبَرِ تَحْفِ الْعُقُولِ حَرَمَةَ ذَلِكَ [حرمة بيع السلاح من اعداء الدين] مطلقاً لقوله ع أو يقوى به الكفر و الشرك.» «یکی از قواعد [که در استنباط به کار برده می‌شود] حرام بودن تقویت کفر است که هم عقل و هم نقل بر آن دلالت می‌کند. آن چه از خبر تحف العقول [که در متن فوق ذکر شد] استفاده می‌شود آن است که فروش سلاح به دشمنان دین مطلقاً حرام است؛ بخاطر قول امام (علیه‌السلام) [در روایت تحف‌العقول که فرمود: از معاملات حرام آن معاملات است که به وسیله آن] کفر و شرک تقویت شود.»

حاشية المكاسب (للبيدري)، ج ۱، ص ۱۲

جهت مشاهده کلام برخی از فقهاء در این زمینه؛ به پیوست شماره ۳ مراجعه بفرمایید.

۳۸. **ارجاع پژوهشی:** يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ زُورُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (سوره مبارکه انفال، آیه ۱)

از تو درباره انفال [یعنی غنایم جنگی و هر گونه مالی که مالک معینی ندارد] می پرسند، [که مالک آنها کیست و چگونه باید تقسیم شود؟] بگو: [مالکیت حقیقی] انفال ویژه خدا و پیامبر است، پس اگر مؤمن هستی [نسبت به انفال] از خدا پروا کنی و [اختلاف و نزاع] بین خود را [درباره آن] اصلاح نمایند، و از خدا و پیامبرش اطاعت کنی. (ترجمه انصاریان)

معنای انفال در لغت:

«و التَّفْلُ: الزيادة. و الأَنْفَالُ: ما زاده الله هذه الأمة في الحلال، لأنه كان محرما على من كان قبلهم. و بهذا سميت التَّفَالَةُ من الصلاة لأنها زيادة على الفرض.»

«نفل به معنای زیاده است. و انفال آن چه که خداوند در حلال بر این امت اضافه کرده است، چون انفال بر امت های پیشین حرام بود. و بخاطر همین نماز نافله را نافله می نامند که زیاده بر واجب است.»

مجمع البحرين، ج ۵، ۴۸۵

مرحوم امام خمینی (ره) در مورد «انفال و گستره آن» در کتاب فقهی تحریر الوسیله چنین می فرماید:

«القول في الأنفال: وهي ما يستحقه الامام عليه السلام على جهة الخصوص لمنصب إمامته كما كان النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِرئاسته الإلهية، وهي أمور: منها- كل ما لم يوجف عليها بخيل وركاب أرضا كانت أو غيرها انجلى عنها أهلها أو سلموها للمسلمين طوعا. و منها- الأرض الموات التي لا ينتفع بها إلا بتعميرها و إصلاحها لاستيجامها أو لانتقطاع الماء عنها أو لاستيلائه عليها أو لغير ذلك، سواء لم يجر عليها ملك لأحد كالمفاوز أو جرى و لكن قد باد و لم يعرف الآن. و يلحق بها القرى التي قد جلا أهلها فخرت كبايل و الكوفة و نحوهما، فهي من الأنفال بأرضها و آثارها كالأحجار و نحوها، و الموات الواقعة في الأرض المفتوحة عنوة غيرها على الأقوى، نعم ما علم أنها كانت معمورة حال الفتح فعرض لها المواتان بعد ذلك ففي كونها من الأنفال أو باقية على ملك المسلمين كالمعمورة فعلا تردد و إشكال لا يخلو ثانيهما من رجحان. و منها- أسياف البحار و شطوط الأنهار، بل كل أرض لا رب لها على إشكال في إطلاقه و إن لا يخلو من قرب و إن لم تكن مواتا بل كانت قابلة للانتفاع بها من غير كلفة كالجزائر التي تخرج في دجلة و الفرات و نحوهما. و منها- رءوس الجبال و ما يكون بها من النبات و الأشجار و الأحجار و نحوها، و بطون الأودية، و الآجام، و هي الأراضي المتنفة بالقصب و الأشجار من غير فرق في هذه الثلاثة بين ما كان في أرض الإمام عليه السلام أو المفتوحة عنوة أو غيرها، نعم ما كان ملكا لشخص ثم صار أجمة مثلا فهو باق على ما كان. و منها- ما كان للملوك من قطائع و صفايا. و منها- صفو الغنيمة كفرس جواد، و ثوب مرتفع، و سيف قاطع و درع فاخر، و نحو ذلك. و منها- الغنائم التي ليست ياذن الإمام عليه السلام. و منها- إرث من لا وارث له. و منها- المعادن التي لم تكن لمالك خاص تبعا للأرض أو بالإحياء.»

مسألة: الظاهر إباحة جميع الأنفال للشيعية في زمن الغيبة على وجه يجري عليها حكم الملك من غير فرق بين الغني منهم و الفقير إلا في إرث من لا وارث له، فإن الأحوط لو لم يكن الأقوى اعتبار الفقر فيه، بل الأحوط تقسيمه على فقراء بلده، و الأقوى إيصاله إلى الحاكم الشرعي. كما أن الأقوى حصول الملك لغير الشيعي أيضا بحيازة ما في الأنفال من العشب و الحشيش و الحطب و غيرها، بل و حصول الملك لهم أيضا للموات بسبب الأحياء كالشيعي.»

تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۶۸

ترجمه: «گفتاری در مورد انفال: انفال چیزهایی است که امام (علیهم السلام) به خصوص به خاطر منصب امامتش، مستحق آن می باشد همانطور که بدلیل ریاست الهی (و امامتی) که پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) داشت، انفال متعلق به او بود. و انفال چند چیز است: از آن جمله است - هر چیزی که با اسبان و سواران بر آن تاخته نشده است (و از طریق جنگ با کفار بدست مسلمانان نیفتاده است) زمین باشد یا غیر زمین، اهالی آن از آن کوچ کرده باشند و یا آن را با میل و رغبت به مسلمانان تسلیم نموده باشند. و از آن جمله است - «زمین مواتی» که مورد استفاده نیست مگر این که آباد و اصلاح شود یا برای آن که نزار است یا برای اینکه آب از آن قطع شده است یا برای اینکه آب آن را فرا گرفته و یا برای غیر اینها، چه ملک دیگری واقع نشده باشد مانند صحراهای بی آب و علف سوزان، یا ملک کسی بوده و لیکن مالک آن از بین رفته و الآن شناخته نشود. و قریه ها و شهرهایی که اهل آنها کوچ کرده سپس خراب شده است مانند بابل و کوفه و مانند اینها به زمین موات ملحق می شود، پس این شهرها زمین و آثار آن مانند سنگها و مثل آنها از انفال می باشد، و زمین مواتی که در زمین مفتوح عنوة (با جنگ و غلبه فتح شده) واقع شده بنا بر اقوی مانند غیر آن (جزء انفال) است. ولی اگر معلوم باشد که در حال فتح مسلمین، آباد بوده و بعد از آن حالت موات بر آن عارض شده است پس در این که از انفال است یا بر ملک مسلمین باقی می باشد

۱/۶/۲. سواحل دریاها، معادن، زمین‌های موات و جنگل‌ها؛ چهار مصداق اصلی انفال

البته اخیراً به خاطر اینکه نیروهای انقلابی و معتقدتر به اسلام، اختیار قوای سه‌گانه کشور را به دست گرفته‌اند؛ شما بخشی از "انفال" را که دستگاه‌های دولتی به‌ناحق گرفته بودند از آنها پس می‌گیرید. مثلاً "سواحل دریای خزر" یا "اطراف رودخانه کرج" را آزادسازی می‌کنید.^{۳۹} این یک حرکت حداقلی است که الان اتفاق افتاده است. اما سؤال مهم این است که: چه کنیم که مردم از این سواحل استفاده حداقلی و صرفاً تفریحی نداشته باشند؟ اینجاست که بحث "الگوی اداره انفال" مطرح می‌شود. بله؛ یک قدم این است که "انفال" در اختیار همه مردم باشد؛ ولی قدم بالاتر این است که بگوییم: مردم چگونه می‌توانند از دریا و رودخانه بهره‌برداری داشته باشند؟ الان

مانند زمینی که فعلاً آباد است تردید و اشکال است که دومی آنها خالی از رجحان نیست. و از آن جمله است - کناره‌های دریاها و نهرها، بلکه هر زمینی که صاحب نداشته باشد - البته اطلاق آن اشکال دارد - اگر چه خالی از قرب نمی‌باشد، و اگر چه موات نباشد بلکه بدون زحمت و تکلف قابل استفاده باشد، مانند جزایری که در دجله و فرات و مانند آنها بیرون می‌آید. و از آن جمله است - سر کوهها و آنچه که از گیاه و درختها و سنگها و مانند آنها در آنها می‌باشد، و عرصه وادی‌ها و «آجام» و آن زمینهایی است که به نی و درختان پوشانده شده است. و در این سه، بین آن که در زمین امام (علیهم السلام) باشد یا در مفتوح عنوة یا در غیر اینها باشد فرقی نمی‌کند؛ البته آنچه که ملک شخصی باشد سپس مثلاً نيزار شود بر آنچه که بوده است باقی می‌ماند (و ملک صاحبش می‌باشد). و از آن جمله است - آنچه از مختصات شاهان بوده است از اموال غیر منقول و منقول. و از آن جمله است - غنیمت ممتاز، مانند اسب سواری نجیب و لباس گران قیمت و شمشیر برنده، و زره فاخر، و مانند اینها. و از آن جمله است - غنیمت‌هایی که (جنگ در آن) با اذن امام (علیهم السلام) نباشد. و از آن جمله است - ارث کسی که وارثی نداشته باشد. و از آن جمله است - معدن‌هایی که به تبع زمین یا بواسطه احیای آن، ملک مالک خاصی نباشد.

مسأله: ظاهر آن است که همه انفال در زمان غیبت (حضرت مهدی سلام الله علیه) برای عموم شیعه مباح می‌باشد، بصورتی که حکم ملک بر آن جریان دارد بدون آن که بین غنی و فقیر شیعه فرقی باشد، مگر در مورد ارث کسی که وارثی ندارد. زیرا احتیاط - اگر اقوی نباشد - آن است که فقیر بودن در آن معتبر است، بلکه احتیاط آن است که بین فقرای شهر میّت تقسیم شود، و اقوی آن است که باید به حاکم شرع رسانده شود، کما این که اقوی آن است که اگر غیر شیعه آنچه را که در انفال است از گیاه و علف و هیزم و غیر اینها حیازت کند، مالک آن می‌شود، بلکه اگر زمین موات را هم احیاء کنند مانند شیعه ملکیت برایشان حاصل می‌شود.)

ترجمه تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۱۰۹

جهت مشاهده آیات و روایات در مورد «گستره عظیم انفال»؛ به پیوست شماره ۴ مراجعه بفرمایید.

۳۹. ارجاع پردازشی: در سفری که آیت الله رئیسی در هشتم بهمن ماه ۱۴۰۰ به استان گیلان داشت مجدداً بحث آزادسازی سواحل مورد توجه قرار گرفت؛ رئیس جمهور در پاسخ به خبرنگاری که درباره آزادسازی سواحل پرسید، گفت که ساحل حریمی دارد و در جهت احداث بنا باید این حریم رعایت شود، برای همین اگر دستگاه‌هایی مانع استفاده و آزادسازی سواحل برای مردم شوند باید قانون را رعایت کنند. رئیسی همچنین در این سفر تأکید می‌کند که دستگاه‌های اداری باید بیش از دیگران خود را موظف به رعایت قوانین بدانند و برای ایجاد و احداث بنا باید مقید به قانون باشند، وقتی آنها مجری قانون باشند مردم هم رعایت می‌کنند. رئیس جمهور که بارها تأکید کرده مصوبات و تصمیمات سفرهای استانی باید پیگیری و اجرا شود در روز نهم بهمن ماه به دستگاه‌های دولتی ۲۰ روز مهلت داد تا طبق دستور برای آزادسازی مناطق ساحلی تصرف شده تا مرز قانونی حداقل ۶۰ متر از ساحل اقدام کنند. با دستور رئیسی و مهلت داده شده، دستگاه‌های اجرایی با سرعت آزادسازی سواحل را آغاز کردند، قوه قضائیه و دستگاه‌های نظامی نیز در این موضوع همراه شدند و مردم هر روز از طریق رسانه‌ها شاهد آزادسازی بخش‌های وسیعی از سواحل بودند.

منبع: خبرگزاری فارس - <https://b2n.ir/s22685>

"آزادسازی سواحل" اتفاق افتاده است ولی وجدان عمومی فکر می‌کند که دریا فقط محل تفریح است. این به چه دلیل اتفاق افتاده است؟ چون حوزه‌های علمیه ما "الگوی بهره‌برداری از انفال" را در جامعه اصلاً بحث نمی‌کنند. حالا یکی دیگر از مصادیق انفال، "معادن" هستند. ما فکر می‌کنیم "الگوی بهره‌برداری از معادن" باید به شکلی تغییر کند که مردم سود ببرند. هیچ فرقی بین "معادن" و "دریا" نیست. الان در "نظام سرمایه‌داری" همان‌طور که "دریاخواری" وجود دارد و مردم از سواحل و فواید دریاها محروم‌اند؛ از فواید معادن هم محروم‌اند و فقط سرمایه‌داران این سود را ابتیاع می‌کنند (خریداری می‌کنند) و در اختیار خودشان قرار می‌دهند؛ بنابراین باید به یک الگوی جدیدی از اداره معادن هم برسیم.

یکی دیگر از مصادیق انفال، بحث "زمین" است و مصداق دیگر از انفال "جنگل‌ها" هستند.

ما با این چهار اولویت [سواحل، معادن، زمین و جنگل‌ها]، سرفصل جدیدی در فقه‌المکاسب [در مورد انفال] پایه‌گذاری کرده‌ایم و بحث می‌کنیم. سؤال سرفصل ششم (انفال) این است که: چه کنیم که مردم بتوانند [از انفال] بهره‌برداری کنند؟ الان مثل همین بهره‌برداری‌هایی که نهادها از سواحل دریای خزر و حاشیه رودخانه کرج داشته‌اند، در مورد تمام انفال [هم همین کار را انجام داده‌اند و همه آنها] به این بلیه مبتلا هستند. یعنی معادن هم مورد بهره‌برداری مردم نیستند. متأسفانه تحت عنوان "قانون منابع طبیعی"، مردم نمی‌توانند از زمینی که خداوند متعال برایشان خلق کرده است استفاده کنند!^{۴۰} درحالی‌که "قانون احیاء موات" می‌گوید: مالکیت زمین با

۴۰. ارجاع پرورشی: اشاره به برخی از بخش‌های قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع (مصوب ۱۳۴۶/۵/۲۵):

... فصل دوم - حفاظت و بهره‌برداری:

ماده ۲ - حفظ و احیاء و اصلاح و توسعه و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی ملی شده متعلق به دولت به عهده سازمان جنگلبانی ایران است.

... ماده ۳ - ب... تبصره ۱ - استفاده از مراتعی که برای آنها طرح مرتع داری تهیه و تصویب نشده است برای تعلیف دام مستلزم اخذ پروانه چرا از وزارت منابع طبیعی و رعایت ضوابط و شرایطی است که وسیله وزارت مزبور آگهی خواهد شد.

... فصل سوم - عوارض:

ماده ۱۵ - سازمان جنگلبانی موظف است عوارض زیر را از متقاضیان بهره‌برداری از درختان جنگلی که در جنگل‌ها یا مراتع مشجر یا بیشه‌های طبیعی یا اراضی جنگلی یا توده‌های جنگلی یا باغات و اراضی زراعتی واقع در مناطق جنگلی بطور طبیعی روئیده‌اند برای هر مترمکعب درخت دریافت دارد.

... فصل چهارم - سازمان و مقررات مالی:

... ماده ۲۱ - وظائف شورای عالی جنگل عبارتست از:

الف - مطالعه و اظهارنظر درباره برنامه‌های عملیات سالیانه سازمان جنگلبانی.

ب - بررسی طرحهای آموزشی.

ج - مطالعه و تدوین آئین‌نامه مربوط بقوانین جنگل.

... ماده ۲۲ - برای حفظ و حراست جنگلها و مراتع در صورت لزوم سازمانی به نام گارد مسلح جنگل در سازمان جنگلبانی از افسران و درجه‌داران و افراد ارتش تشکیل می‌شود.

نظریه فقهی انفاق

خداست؛ و با سه شرط اساسی، آن را در اختیار خلق قرار دهید. مشروط به سه شرط ساده که هیچ کدام از این شرطها هم اقتصادی نیستند.^{۴۱} و اگر خود این [قسمت از این] قانون، احیاء شود و ما بتوانیم با "احتکار زمین

... ماده ۲۷ - سازمان جنگلبانی مجاز است احتیاجات کارخانجات صنایع چوب کشور را که کلیه سهام آن متعلق به دولت باشد با انعقاد قرارداد و بدون رعایت آئین نامه معاملات دولتی تأمین نماید.

تبصره - وزارت کشاورزی و منابع طبیعی مجاز است مواد اولیه چوبی مورد مصرف بخش خصوصی برای صنایع چوب و سلولز به استثنای سوخت کارخانه ها و کارگاهها را از طرحهایی که رأساً عمل می نماید بدون رعایت تشریفات مزایده به فروش برساند قیمت هیزم و چوبهای مصرفی بخش خصوصی برابر میانگین نرخ طرحهای واگذاری به بخشهای خصوصی در همان ناحیه و همان سال تعیین می شود و در صورت نبودن شرایط تعیین میانگین نرخي مورد عمل قرار خواهد گرفت که به تصویب کمیسیون مصرح در ماده ۷۱ قانون محاسبات عمومی مصوب دی ماه سال ۱۳۴۹ رسید باشد. ماده ۲۸ - سازمان جنگلبانی مجاز است وجوهی که از جرایم و همچنین فروش مواد بازداشتی بدست آمده و میآید پس از کسر بیست درصد بدراآمد قطعی خود منظور و بیست درصد مزبور را بحساب سپرده بگذارد

... فصل ششم - جرایم و مجازاتها:

ماده ۴۲ - بریدن و ریشه کن کردن و سوزانیدن نهال و درخت و تهیه چوب و هیزم و ذغال از منابع ملی و توده های جنگلی بدون اخذ پروانه از وزارت منابع طبیعی ممنوع است .

... ماده ۴۴ - چرانیدن بز در جنگلها و مراتع و مناطقی که از طرف سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور تعیین و آگهی شده است ممنوع و متخلف به پرداخت غرامت چهار میلیون و هشتصد هزار (۴ / ۸۰۰ / ۰۰۰) ریال برای هر رأس بز محکوم می شود.

ماده ۴۴ مکرر - چرانیدن دام در منابع ملی مذکور در ماده یک قانون ملی شدن جنگلهای کشور بدون اخذ پروانه مطلقاً ممنوع است. وزارت منابع طبیعی مکلف است دام افرادی را که بدون پروانه مبادرت به چرای دام می نمایند به نفع خود ضبط نموده و بدون رعایت تشریفات مزایده به فروش برساند.

... فصل هفتم - مقررات مختلفه:

... ماده ۵۵ - هر کس به قصد تصرف به منابع ملی مذکور در ماده ۱ قانون ملی شدن جنگلهای کشور تجاوز کند به یک سال تا سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ - وزارت کشاورزی و منابع طبیعی مکلف است به وسیله گارد جنگل و مأموران خود به محض اطلاع رفع تجاوز کند و در صورتی که تشخیص وزارت کشاورزی و منابع طبیعی نسبت به منابع ملی مذکور در این ماده اخطار یا آگهی شده باشد مراتب را به دادسرای محل اعلام دارد دادسرا متهم را مورد تعقیب کیفری قرار می دهد.

... ماده ۵۸ - سازمان جنگلبانی مجاز است در مورد واگذاری طرح های جنگلداری به مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که سرمایه آنها کلاً متعلق به دولت باشد بدون رعایت مزایده و مقررات مندرج در این قانون اقدام کند.

... قانون فوق در تاریخ روز چهارشنبه ۱۳۴۶.۵.۲۵ به تصویب مجلس سنا رسیده است.

رییس مجلس شورای ملی - مهندس عبدالله ریاضی / رئیس مجلس سنا - مهندس شریف امامی

منابع: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی - <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/96108>

سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران / معاونت حقوقی ریاست جمهوری (معاونت تدوین و تقیح و انتشار قوانین و مقررات)

<https://qavanin.ir/Law/TreeText/83427>

۴۱. **ارجاع پژوهشی:** "قانون نحوه واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران" مصوب ۱۳۵۸.۶.۲۵: با توجه به اصول و موازین شرع مقدس اسلام مبنی بر تعلق اراضی و منابع طبیعی به آفریدگار بزرگ و بهره گیری انسان از این مواهب الهی بر اساس کارمفید و در جهت رفع نیاز و

توسط دولت "مقابله کنیم؛ یکی از نتایجش این می‌شود که قیمت زمین در شهرها شکسته می‌شود و زمین تبدیل به یک شیء کم‌ارزش می‌گردد. در صورتی که [احتکار زمین توسط دولت] الان وضعیت مسکن را به چالش کشیده است. این هم یک بحث است.

۲/۳/۷. نظریه فقهی انفاق؛ سرفصل هفتم از تبویب جدید فقه‌المکاسب

سرفصل هفتم، همین «نظریه فقهی انفاق» است که بنده امروز می‌خواهم بحث کنم. در کل خواستم عرض کنم که: وقتی ما وارد حوزه اقتصاد می‌شویم، نمی‌شود تنها یک بخش را بحث کرد. مثلاً مراجع تقلید و حوزه‌های علمیه ما را مدیریت کنند و بگویند آقا نظر شما راجع به "بیت‌کوبین" چیست؟ حلال است یا حرام؟^{۴۲} یک نهضتی الحمدلله در حوزه علمیه راه افتاده که با "ربا" مبارزه می‌کنند^{۴۳} و الحمدلله این حساسیت در جامعه هم به وجود آمده است. اما بحث بنده این است که حتی وقتی شما روی حکمی مثل "حُرمت ربا"^{۴۴} می‌ایستید، معنایش

خودکفایی جامعه و به منظور تشویق و حمایت از کار و کوشش و همکاری افراد در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و جلوگیری از معطل ماندن بی‌مورد منابع آب و خاک، مقررات ذیل در مورد نحوه زمین‌داری و ترتیب واگذاری و احیاء و بهره‌برداری از اراضی تصویب و به مرحله اجراء گذاشته می‌شود...

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98243>

عَلَيْهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ غَرَسَ شَجْرًا أَوْ حَفَرَ وادياً بَدَأَ لَهُ بِمَنْبَتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَخِيَا أَرْضًا مَيْتَةً فَهِيَ لَهُ قَضَاءٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

امام صادق (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه و اله): هرکس درختی را بنشانند، یا به‌طور ابتدایی و پیش از آن که دیگری بر او پیشی گرفته باشد بیابانی را حفر کند و زمین مرده‌ای را احیا کند، به حکم خدا و رسولش صلی الله علیه و اله آن زمین از آن اوست.

الکافی ج ۵ ص ۲۸۰ / من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۲۴۰ / تهذیب الاحکام ج ۷ ص ۱۵۱ / استبصار ج ۳ ص ۱۰۷

الوافی ج ۱۸ ص ۹۸۴ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۴۱۳

۴۲. **ارجاع پردازشی:** به گزارش خبرگزاری حوزه، درس خارج فقه معاصر با موضوع «بیت‌کوبین و ارز SDR+فقه سرمایه‌گذاری استارت‌آپ‌ها»، ماهیت و احکام بیت‌کوبین و رمز ارزها، بررسی فقهی قرارداد Convertible، بررسی فقهی قرارداد SAFE (Simple Agreement for Future Equity) و ماهیت و احکام ارز بین‌المللی SDR توسط آیت‌الله سید محمد رضا مدرس‌سه‌شنبه‌ها / ساعت ۸:۱۵ تا ۹ صبح به صورت غیر حضوری (آنلاین) برگزار می‌شود.

منبع: خبرگزاری حوزه های علمیه

<https://bzn.ir/p/۶۹۳۴۷>

۴۳. **ارجاع پرورشی:** جهت مشاهده «اعتراضات مراجع عظام تقلید به ربوی بودن بانک‌های کشور»؛ به پیوست شماره ۱ مراجعه کنید.

۴۴. **ارجاع پژوهشی:** يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ. (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۳)

خدا ربا را نابود می‌کند، و صدقات را فزونی می‌دهد و خدا هیچ ناسپاس بزه‌کاری را دوست ندارد.

نظام‌سازی اقتصادی نیست. آن موقعی نظام‌سازی اقتصادی انجام می‌دهید که سعی کنید همه این اصطلاحات دینی را در ذهن‌ها، قلب‌ها و عینیت جامعه احیاء کنید. این اساس بحث ما است. بعضی‌ها هم وقتی می‌خواهند راجع به مکتب و نظام اقتصادی [اسلام] بحث کنند، آن قدر بحث را پیچیده می‌کنند که هیچ‌کس چیزی متوجه نمی‌شود. ما در بحث‌های "فقه‌المکاسب" و در مجموع، بحث‌های "فقه‌هدایت"،^۵ از این اشکال هم عبور کرده‌ایم.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَاتَّقِهَا فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۵)

کسانی که ربا می‌خورند [در میان مردم و برای امر معیشت و زندگی] به پای نمی‌خیزند، مگر مانند به پای خاستن کسی که شیطان او را با تماس خود آشفته حال کرده [و تعادل روانی و عقلی‌اش را مختل ساخته] است، این بدان سبب است که آنان گفتند: خرید و فروش هم مانند رباست. در حالی که خدا خرید و فروش را حلال، و ربا را حرام کرده است. پس هر که از سوی پروردگارش پندی به او رسد و [از کار زشت خود] بازایستد، سودهایی که [پیش از تحریم آن] به دست آورده مال خود اوست، و کارش [از جهت آثار گناه و کیفر آخرتی] با خداست. و کسانی که [به عمل زشت خود] بازگردند [و نهی خدا را احترام نکنند] پس آنان اهل آتش‌اند، و در آن جاودانه‌اند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِغُوا فَلَئِمَّ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (سوره مبارکه بقره، آیات ۲۷۸ و ۲۷۹)

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن [واقعی] هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید * و اگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید] به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید و اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌های شما برای خود شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم قرار می‌گیرید.

۴۵. **ارجاع پژوهشی: طرح تمدنی «مدرسه هدایت»** چه می‌گوید؟ از نظر مدرسه فقهی هدایت، تمدن ضاله و معیوب مدرنیته، چهار انحراف بزرگ را بر زندگی بشر تحمیل کرده است و بالتبع برای ساخت تمدن اسلامی مواجهه روشمند با این چهار انحراف یک ضرورت است.

انحراف اول تمدن مدرنیته: ایجاد اختلال در روابط انسانی و گسترش فردگرایی و تهایی در جوامع مختلف است. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تنظیم روابط انسانی، «فقه نظام» در ۹ محور ۱- فقه الامام، ۲- فقه العلم، ۳- فقه التزکیه، ۴- فقه المکاسب، ۵- فقه العبره، ۶- فقه النظم، ۷- فقه الفرقان، ۸- فقه البیان و ۹- فقه نفی سبیل، پایه گذاری شده است.)

انحراف دوم تمدن مدرنیته: ارائه یک الگوی غلط و همراه با تالی فاسد فراوان -در حوزه های سلامت، محیط زیست و اخلاق- برای تصرف در طبیعت است. مبنای اصلی این الگوی غلط، ارائه توصیف ناقص و غلط از عناصر تشکیل دهنده عالم است. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تسخیر طبیعت، «فقه الخلق» در ۱۰ محور ۱- جدول فقهی خصلت، ۲- جدول فقهی بنیاد، ۳- جدول فقهی زمان، ۴- جدول فقهی عماد، ۵- جدول فقهی زینت، ۶- جدول فقهی سببیت (جدول تسخیر)، ۷- جدول فقهی تغییر، ۸- جدول فقهی طبقه بندی اشیاء، ۹- جدول فقهی حیا و ۱۰- و جدول فقهی نفی تشبیه، پایه گذاری شده است.)

انحراف سوم تمدن مدرنیته: ارائه یک تصویر مبهم و همراه با انکار از اسباب باطنی عالم است. انسانهای مدرن گزارشی دقیق از اسباب باطنی عالم در اختیار ندارند و بالتبع از این اسباب موثر در زندگی خود استفاده نمی‌کنند. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله اسباب باطنی عالم، «فقه علوم غریبه» در محورهای مانند: ۱- معرفی جن و اقسام آن و تبیین مناسک مرتبط با عدم اختلاط در زندگی انسان و جن، ۲- معرفی ملانکه و مدبرات اربعه و تبیین چگونگی تاثیرگذاری ملانکه بر زندگی انسان، ۳- تبیین چگونگی ارتباط با عالم اموات و ارواح بر اساس بازخوانی عمیق مفهوم زیارت، ۴- تبیین اجمالی مفهوم تنزل امر در آسمانهای هفت گانه و تبیین اتفاقات امری در هر آسمان، ۵- تبیین مفهوم حجاب و سرادق، ۶- تبیین مکانیزم مدیریت بت خانه‌ها در اقوام اولین (بررسی تجربه های اقوام اولین در ارتباط میان انسان و جن)، ۷- بررسی تأثیرات آسمان رفیع بر زمین (بررسی تأثیر کواکب،

الان به صورت ساده می‌گوییم: وقتی شما ۱۵ دسته اصطلاح اقتصادی را کنار هم بحث می‌کنید و اختلافات این‌ها را می‌بینید، در واقع یک نظام اقتصادی و یک مکتب اقتصادی جدید را بحث می‌کنید. بنده متوجه نمی‌شوم چرا پژوهش بعضی‌ها پنجاه سال در استنباط مکتب اقتصادی اسلام طول می‌کشد؟! نمی‌خواهم دعوا و اوقات تلخی کنم. اما علتش این است که روایات نمی‌خوانند. اگر روایات را بخوانند و سعی کنند ارتباط‌ها را بحث کنند این مشکلات پیش نمی‌آید. پس این سرفصل اول بحث. ما چون ارتباطات بین مفاهیم و اصطلاحات دینی را بررسی کرده‌ایم به یک تبویب جدیدی رسیدیم.

نجوم، مصابیح و قمر و شمس بر زندگی)، ۸- معرفی اجمالی علومى مانند علم اعداد و جداول اوفاق، علم حروف و اسماء، علم جعفر و... تبیین شده است.)

انحراف چهارم مدرنیته: معرفی ناقص خداوند متعال و نادیده گرفتن نقش تام مقام ربوبی در اداره عالم است. مدرنیته عملاً خداوند را به عنوان یک مهندس بازنشسته معرفی می‌کند و بشر را از تکیه دادن به حضرت غنی حمید محروم کرده است. (برای معرفی مقام ربوبیت، «**فقه التسییح**») در محورهای مانند ۱- تبیین تفصیلی معنای سبحان الله، ۲- تبیین تفصیلی معنای الحمدلله، ۳- تبیین تفصیلی معنای لا اله الا الله و ۴- تبیین تفصیلی معنای الله اکبر، تبیین تفصیلی معنای صلوات، ۵- تبیین تفصیلی ۹۹ اسم الهی با تأکید بر شرح تفصیلی اسم حسیب (به دلیل مواجهه با مفهوم تنزل یافته سود در تمدن مدرنیته)، شرح تفصیلی اسم ذو انتقام (به دلیل مواجهه با تسامح حداکثری انسان مدرن در مسئله حق الناس) و اسم مُسبب (به دلیل مواجهه با مفهوم ناقص علیت در منطق صوری و مفهوم ناقص متغیر در منطق سیستمی) پایه گذاری شده است.

حجت الاسلام علی کشوری - گفتگو با برخی از نخبگان کرج - چهارشنبه - پنجم محرم الحرام ۱۴۴۴ (۱۲ مرداد ۱۴۰۱) - کرج

<https://nro-di.blog.ir/1401/05/13>

۳. سرفصل دوم: روش اصولی استنباط و تبویب فقه المکاسب چیست؟

سؤال دوم این است که: قواعد این تبویب [جدید از فقه المکاسب] چیست؟ مثلاً الان چرا ما گفته‌ایم: انفاق، باب هفتم فقه المکاسب است؟ چرا نگفته‌ایم باب اول است؟ این چه قاعده‌ای است که طبقه‌بندی بر اساس آن انجام شده است؟ همین سؤال را از مرحوم شیخ انصاری^{۴۶} هم می‌شود پرسید. از ایشان باید پرسید چرا شما مکاسب محرمه را در ابتدای بحثتان بررسی کردید؟ یا همین سؤال را می‌توان از مرحوم محقق صاحب شرایع^{۴۷} هم پرسید. مثلاً الان می‌گویند: فقه ما از طهارت تا دیات است. منطقاً می‌شود این سؤال را پرسید که: چرا باب اول فقهی ما باید طهارت باشد؟ چرا نباید مثلاً نکاح (ازدواج) باشد؟ شما می‌دانید، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی می‌خواستند با عامه مردم بحث را شروع کنند، دو پرسش اولشان این بود که: (۱) آیا ازدواج کرده‌اید؟^{۴۸} (۲) شغل شما چیست؟^{۴۹}

۴۶. **ارجاع پرورشی:** مرتضی انصاری، شیخ اعظم مرتضی انصاری دزفولی (۱۲۱۴ ه. ق، دزفول - ۱۲۸۱ ه. ق، نجف)، ملقب به شیخ الفقهاء و المجتهدین، از بزرگترین فقیهان شیعه قرن سیزدهم که بعد از صاحب جواهر مرجعیت عامه یافت. از مهمترین آثار او می‌توان به کتاب رسائل و مکاسب اشاره کرد. این عالم بزرگ شیعی بیش از ۳۰ کتاب و مقاله نوشته که مهمترین آنها عبارت است از: رسائل: این کتاب در علم اصول فقه است و به دلیل محتوایی تازه و بدیع به فرادالاصول معروف شده است. مکاسب: این اثر در خصوص مسائل کسب و تجارت است. مطالب این کتاب علمی و استدلالی با تحقیقات و پژوهش میدانی و جامع در رد و ابرام نظرات دانشوران و فقهای گذشته است و هر دو اثر فوق از کتب درسی رایج در حوزه‌های علمیه تشیع است.

الصلاة، الطهارة، ثبات التسامح فی ادله السنن، رساله فی لاضرر و لاضرار فی الاسلام، الموسعه و المضایقه، کتاب الرجال و..

کلانتر، سید محمد، کتاب المکاسب (کلانتر) تألیف شیخ مرتضی انصاری، مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب، ۱۴۱۰ ق
گرگی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۷۹

۴۷. **ارجاع پرورشی:** «شرایع الاسلام» با نام کامل «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام»، کتابی است از محقق حلی (م، ۶۷۶ ق)، که از زمان تألیف منبع درسی حوزه‌های علمیه در موضوع فقه بوده است. به جهت اهمیت و شهرت این کتاب محقق حلی به «صاحب شرایع» معروف است. «شرایع الاسلام» حاوی دوازده هزار مسئله از مسائل حلال و حرام و شامل کلیه ابواب فقهی است. «شرائع» فقه را به چهار بخش کلی به ترتیب زیر تقسیم نموده است: بخش عبادات شامل ۱۰ کتاب طهارت، صلاة، زکات، خمس، صوم، اعتکاف، حج، عمره، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر است. بخش عقود شامل ۱۵ کتاب تجارت، رهن، ضمان، صلح، مضاربه، مزارعه و مساقاة، ودیعه، عاریه، اجاره، وکالت، وقف، صدقات، هبه، سبق و رمایه، وصایا و نکاح است. کتاب‌های مفلس، حجر، شرکت، سکنی و حبس نیز در این بخش آورده شده است. بخش ایقاعات از ۱۱ کتاب طلاق، خلع و مبارات، ظهار، ایلاء، لعان، عتق، تدبیر و مکاتبه و استیلاء، اقرار، جعاله، ایمان و نذر تشکیل شده است. بخش احکام شامل ۱۲ کتاب صید، ذباحت، اطعمه و اشربه، غصب، شفعه، احیای موات، فرایض، قضا، شهادت، حدود و تعزیرات، قصاص و دیات است.

دانشنامه اسلامی، ذیل واژه شرایع الاسلام

<https://b2n.ir/j12325>

۴۸. **ارجاع پژوهشی:** الشَّيْخُ أَبُو الْفَتْوحِ الرَّازِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ ، عَنْ عَكَافِ بْنِ وَدَاعَةَ الْأَهْلَاكِيِّ قَالَ: أَتَيْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لِي: يَا عَكَافُ! أَلَيْكَ زَوْجَةٌ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: أَلَيْكَ جَارِيَةٌ قُلْتُ لَا قَالَ وَ أَنْتَ صَاحِبٌ مُوسِرٌ قُلْتُ نَعَمْ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَالَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ إِخْوَانِ الشَّيَاطِينِ إِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنْ زُهْبَانِ النَّصَارَى وَ إِمَّا أَنْ تَصْنَعَ كَمَا يَصْنَعُ الْمُسْلِمُونَ وَ إِنَّ مِنْ سُنَنِ النَّكَاحِ شِرَاؤُكُمْ غُرَابُكُمْ وَ أَرَادِلَ مَوْتَاكُمْ غُرَابُكُمْ إِلَى أَنْ قَالَ وَ يَحْكُ يَا عَكَافُ تَزْوُجُ فَإِنَّكَ مِنَ الْخَاطِئِينَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَوْجَنِي قَبْلَ أَنْ أَفُومَ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ زَوْجَتُكَ كَرِيمَةٌ بِنْتُ كُلُّومِ الْحَمِيرِيِّ .

بعضی‌ها به استناد این روایت و بعضی از روایات دیگر می‌گویند: باب مکاسب و باب ازدواج، باید در اول بحث‌های فقهی مطرح شود؛ زیرا این دو بحث، نقطه آغاز دینداری است: در روایت دیگری می‌فرمایند: «**الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تَسَعُهُ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ**»^{۵۰} و در روایت دیگری هم می‌فرمایند: «ازدواج دو سوم دین یا نصف دین است».^{۵۱} بعضی‌ها می‌گویند: اگر خواستیم ابواب فقهی را طبقه‌بندی کنیم، باید وزن‌دهی ابواب فقهی توسط خود روایات صورت گیرد. ولی الان وزن‌دهی این ابواب از باب مقدمه است؛ مثلاً چون طهارت و مطهرات، مقدمه و الزام خیلی از ابواب فقهی است، لذا آن را در ابتدا بحث کرده‌اند. حالا بنده نمی‌خواهم وارد این مناقشه شوم و

روزی یکی از جوانان مدینه به نام عکاف، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. آن حضرت از او پرسید: آیا زن داری؟ او گفت: خیر. در این باره مشکلی داری؟ خیر. تو که سالم و توان‌گری؟ آری بحمدالله. در این صورت، تو از برادران شیطانی. یا باید از راهبان مسیحی باشی. اگر مسلمانی، مانند همه مسلمانان رفتار کن. زن گرفتن، از سنت‌های من است. بدترین افراد شما، بی‌زنان هستند و بدترین مردگان، اموات مجردند. وای بر تو ای عکاف! زن بگیر که خطا کاری. یا رسول الله! پیش از آن که از جای خود برخیزم، مرا زن بده! کریمه، دختر کلثوم حمیری را به ازدواج تو در آوردم.

مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۱۵۵

۴۹. **ارجاع پژوهشی:** عن ابن عباس أنه قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا نظر إلى الرجل فأعجبه قال: له حرفة؟ فإن قالوا: لا؛ قال: سقط من عيني. قيل: وكيف ذلك يا رسول الله؟ قال: لأن المؤمن إذا لم يكن له حرفة يعيش يدينه.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه از جوانی خوششان می‌آمد، می‌فرمودند: آیا او حرفه و شغلی دارد؟ اگر در جواب گفته می‌شد که: وی فردی بی‌کار است و شغلی ندارد؛ آن بزرگوار می‌فرمود: «سَقَطَ مِنْ عَيْنِي» (فرد بی‌کار در نظر من ارزشی ندارد.) اطرافیان می‌پرسیدند: یا رسول الله! چرا اینطور است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرمود: برای این که اگر مؤمن شغلی نداشته باشد که با آن امرار معاش کند، برای امرار معاش، از دین خود خرج خواهد نمود.

جامع الاخبار ج ۱ ص ۱۳۹

بحار الأنوار ج ۱۰۰ ص ۹ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۱۱

۵۰. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تَسَعُهُ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): عبادت ده بخش دارد که ۹ بخش آن در کسب و کار حلال است.

جامع الأخبار ج ۱ ص ۱۳۹ / ارشاد القلوب ج ۱ ص ۱۰۴

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۱ و ج ۱۰۰، ص ۹ و ۱۸ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۱۲ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۷۶

۵۱. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَالِدٍ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حُمْزَةَ عَنْ كَلْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَزَوَّجَ أَعْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي التَّصْنِفِ الْآخَرَ أَوْ الْبَاقِي.

پیامبر رحمت صلوات الله علیه: هرکه ازدواج کند نصف دین خود را حفظ کرده است. و در یک حدیث دیگر فرمودند: در مورد نصف باقی مانده هم باید تقوای الهی پیشه کند.

الکافی ج ۵ ص ۲۳۸ / أمالي شيخ طوسي ج ۱ ص ۵۱۸

عوالي اللئالي ج ۳ ص ۲۸۹ / مكارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۹۶

وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۱۶ / بحار الأنوار ج ۱۰۰ ص ۲۱۹ / الوافي ج ۲۱ ص ۳۲

ادله را تفصیلی بحث کنم اما امکان طرح این سول در همه جا وجود دارد. پس "تبویب" باید بر اساس یک قواعدی صورت بگیرد. و از جمله این قواعد، قاعده وزن دهی به بحث است که چه بایی را مقدم کنیم و چه بایی را مقدم نکنیم؟ و قواعد دیگری نیز در تبویب وجود دارد.

۳/۱. قواعد نه گانه "فقه‌البیان"؛ روش اصولی استنباط و تبویب فقه‌المکاسب

ما در بحث‌های روشی مان همیشه گفته‌ایم؛ روش استنباط ما در بحث‌های فقهی، نه دسته قاعده موسوم به "فقه‌البیان"^{۵۲} است. آنجا روش اصولی خود را بحث می‌کنیم. بسیار هم متفاوت است با اصولی که مرحوم شیخ انصاری در رسائل و مرحوم آخوند^{۵۳} در کفایه گفته است و اصلاً بحث از یک سرفصل‌های دیگری شروع می‌شود که سر جایش خودش باید توضیح دهیم.

۳/۱/۱. قاعده بیان مبتنی بر تأمل؛ یکی از قواعد نه گانه "فقه‌البیان" در تبویب "فقه‌المکاسب"

یکی از قواعدی که خیلی از آن در تبویب فقه‌المکاسب بهره برده‌ایم، «قاعده بیان مبتنی بر تأمل» است.

۵۲. **ارجاع پرورشی:** فقه‌البیان یکی از ابواب نه گانه فقه هدایت (فقه حکومتی) است و در آن قواعد تخاطب شارع استظهارا بحث می‌شود و در واقع جایگزین علم اصول است و حوزه دین را از فلسفه بی‌نیاز می‌کند. فقه‌البیان که ابزار به دست آوردن روش خطاب‌های شرعی است، در واقع فقه همه تفقه‌هاست؛ اصولیون با اضافه کردن این فقه به دستگاه فکری خود، افق جدیدی را درک خواهند کرد. باب سوم فقه‌البیان به بیان در فضای نظام مقایسه اختصاص دارد؛ تخاطب بدون مقایسه هدایت آفرین نیست. اینکه می‌گویند برای برقراری ارتباط میان طرفین تخاطب، لازم است قواعد عرف مخاطب را لحاظ کرد و الا ارتباط طرفین تخاطب با یکدیگر قطع می‌شود؛ سخنی است که صحت و سقم آن مورد بحث تفصیلی قرار نگرفته است. به نظر من می‌توان قواعد تخاطب را بر مبنای هدایت تنظیم نمود و مسئله قطع ارتباط میان طرفین گفتگو را هم تجربه نمود. ما در سخنی بالاتر معتقدیم: اگر قواعد تخاطب از ارکان هدایت تبعیت کند؛ ارتباط با مخاطب بسیار دقیق تر اتفاق می‌افتد؛ زیرا در هدایت، شناخت صحیح از فطرت انسان پیش فرض تئوریزه شدن قواعد تخاطب است و لحاظ کامل شرایط فطری در تخاطب، زمینه تفاهم را ارتقاء می‌دهد.

حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری، دبیر شورای راهبردی الگوی اسلامی پیشرفت

<https://nro-di.blog.ir/۰۸/۱۱/۱۴۰۰>

۵۳. **ارجاع پرورشی:** محمدکاظم خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق)، معروف به آخوند خراسانی، فقیه، اصولی، از مراجع بزرگ شیعه، سیاستمدار، از حامیان اصلی نهضت مشروطه ایران، مؤلف کتاب مشهور کفایة الأصول. آیت‌الله محمدکاظم خراسانی مقدمات علوم و تحصیلات ابتدایی را در مشهد به اتمام رسانیده، سپس در سبزوار از مجلس درس صاحب اسرار، حاجی ملاهادی سبزواری بهره‌ها برد. مدتی بعد به تهران هجرت نمود و حکمت و فلسفه را نزد میرزا ابوالحسن جلوه آموخت. او در سن ۲۲ سالگی در ماه رجب سال ۱۲۷۷ هجری قمری، پس از فراگیری علوم عقلی و نقلی به قصد نجف اشرف از مشهد حرکت کرد و بعد از توقیفی در تهران به سوی نجف رهسپار شد.

برگرفته از نرم افزار مجموعه آثار آخوند خراسانی، موسسه تحقیقات کامپیوتری نور

<https://bzn.ir/x۹۲۹۸۷>

۳/۱/۱/۱. تبویب و ارائه آیات و روایات به محوریت سوال مردم هر عصر؛ یکی از قواعد

ذیل قاعده بیان مبتنی بر تامل

من در همین جلسات و در شورای پژوهش هم اشاره کردم که: اساساً تبویب آیات و روایات باید بر محور یک "پرسش" صورت بگیرد؛ یعنی: اگر شما در مباحث خودتان، "سؤال" را مقدم نکریدید و سؤال روایت را کشف نکریدید، روایت در ذهن و قلب شما و مخاطبتان ظهور پیدا نخواهد کرد و فهم نخواهد شد. اینکه حضرت می‌فرمایند: «حَسُنَ السُّؤَالُ نِصْفُ الْعِلْمِ»؛^{۵۴} معنایش این است که: اگر کسی سؤال حَسَن را در بحث خود مقدم کند، به این سمت می‌رود که ظهور [گیری از] روایات را گسترش داده و فهم از روایات را عمیق‌تر کند. بنابراین "قاعده بیان مبتنی بر تامل" می‌گوید: آیات و روایات را به محوریت پرسش‌های جامعه تبویب کنید. اساساً پرسش مردم، اصالت دارد. بیایید ابتدا پرسش‌ها را احصاء کنید، سپس به محوریت پاسخ به پرسش‌ها، آیات و روایات را تبویب کنید. بنابراین در بین همین جمعی که در اینجا حضور داریم، اگر پرسش ما اقتصادی و مثلاً مربوط به "انفاق" است؛ بهتر است که بحث از همین جا شروع شود، یعنی از همین پرسشی که مردم به آن مبتلا هستند. اگر در جلسه دیگری مثلاً پرسش مردم "ربا" بود، از آنجا بحث شروع شود. بنابراین در "تبویب"، "پرسش" اصالت دارد. بعضی پرسش‌ها ممکن است در طول تاریخ اسلام هیچ تغییری نکنند، بنابراین فهرست‌های ثابتی دارد. اما وقتی پرسش در یک عصری تغییر کرد یا وزن آن در اعصار مختلف متفاوت شد، شما باید تبویب متفاوتی از آیات و روایات ارائه دهید. پس خیلی مهم است که تبویب شما چگونه باشد. ما می‌گوییم تبویب نباید ذوقی باشد، حتی نباید بر اساس اصطلاحات دیگران باشد؛ بلکه تبویب باید به محوریت پرسش‌های جامعه باشد و خود پرسش‌ها هم باید وزن‌بندی شود که کدام مهم‌تر است؟ بنابراین تبویب فقهی و تبویب رساله‌ای شما شکل می‌گیرد. این یک بحث تفسیری است.

۳/۱/۱/۱/۱. محوریت "سؤال" در تشکیل خانواده حدیث و انتقال سریع مطلب سؤال محور به قلب

مخاطب؛ دو خاصیت مهم قاعده بیان مبتنی بر تامل

همان‌طور که اشاره کردم، دو خاصیت مهم در "بیان مبتنی بر تامل" به وجود می‌آید: (۱) سؤال، محور تشکیل خانواده روایت قرار می‌گیرد. (۲) چون شما به محوریت سؤال، تشکیل خانواده روایت داده‌اید و جمع دلالتی را به محوریت آن سؤال بررسی کرده‌اید، این ضمانت انتقال [به قلب مخاطب را] هم دارد؛ زیرا سؤال در حکم موتوری

۵۴. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ وَ حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ وَ التَّقْدِيرُ فِي النَّفَقَةِ نِصْفُ الْعَيْشِ.

پیامبر رحمت صلوات الله علیه: مهربانی با مردم نصف عقل است، سوال خوب نصف علم است و رعایت حساب و کتاب در مخارج زندگی نصف اداره ی زندگی است.

بحار الانوار ج ۱ ص ۲۲۴ / نزهه الناظر ج ۱ ص ۳۲ / کشف الغمه ج ۱ ص ۵۷۵ / منیه المرید ج ۱ ص ۲۵۸

است که می‌تواند روایات و آیات را به قلب مخاطب انتقال دهد. دیگر لازم نیست شما از ابزارهای دیگر استفاده کنید. سؤال، هم خاصیت ابلاغی را ارتقاء می‌دهد، هم در ماهیت استنباط تغییر ایجاد می‌کند. بیان مبتنی بر تامل این است.

۳/۱/۲. قاعده تنقیح (بررسی و تنقیح سوالات درست از غلط)؛ یکی از قواعد ذیل

قاعده بیان مبتنی بر تامل

ما در "بیان مبتنی بر تامل" و ذیل اینکه پرسش حسن چیست؛ حدود دوازده دسته بحث داریم. [در یک قسمت از این مباحث] می‌رسیم به اینکه [گاهی اوقات] یک سؤال، سؤال غلطی است؛ لذا حیث غلط بودن آن سؤال غلط را نشان و توضیح می‌دهیم.

می‌دانید یکی از فرق‌های مهم یک فقیه با کسی که فقاقت نمی‌کند این است که: فقیه، قدرت تنقیح سوالات غلط را دارد. قدرت این را دارد که نشان دهد چه سؤالی غلط و چه سؤالی درست است. مثلاً در همین بحثی که در این جلسه داریم انجام می‌دهیم، همیشه کارشناسان صداوسیما راجع به چگونگی "هدایت نقدینگی به سمت تولید" صحبت می‌کنند. اصلاً سؤال شبکه خبر و دانشکده اقتصاد این است. استاد از دانشجوی خود می‌پرسد که: چگونه "نقدینگی" را به سمت "تولید" هدایت کنیم؟ ممکن است همین سؤال را از حوزه علمیه و از یک مرجع تقلید هم بپرسد که: اسلام راجع به چگونگی "هدایت نقدینگی به سمت تولید" چه نظری دارد؟ حالا اگر فقیه، قدرت تنقیح سؤال را نداشته باشد، به این سؤال غلط پاسخ می‌دهد. درحالی که حکم اولی اصولی این است که: شما سؤال را بررسی کنید، شاید سوال، سؤال غلطی باشد.

۳/۱/۲/۱. تنقیح سؤال غلط وزارت بهداشت در مورد اینکه «چگونه چرخه ویروس کرونا را

مهار کنیم؟»؛ مثالی برای قاعده تنقیح

مثل همین بحث‌هایی که ما در کرونا داریم. وزارت بهداشت دائماً این سؤال را مطرح می‌کند که: «چگونه چرخه این ویروس را در جامعه مهار کنیم؟» وقتی این سؤال اصالت پیدا کرد؛ پروتکل ماسک، پروتکل فاصله اجتماعی، پروتکل پاکسازی سطوح و دست‌ها اصالت پیدا می‌کند.

اما اگر شما بررسی کردید که آیا خود این سؤال درست است یا نه؛ [در اینصورت احتمالاً تدابیر شما هم متفاوت خواهد شد.] مثلاً اگر شما روایات را بررسی کنید حضرت می‌فرماید: «الداء ثلاثة»^{۵۵} یعنی: «سه نوع درد داریم:

۵۵. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الدَّاءُ ثَلَاثَةٌ وَالدَّوَاءُ ثَلَاثَةٌ فَأَمَّا الدَّاءُ فَالدَّمُ وَالْمِرَّةُ وَالْبَلْغَمُ فَالدَّوَاءُ الدَّمُ الْحِجَامَةُ وَالدَّوَاءُ الْبَلْغَمُ الْحَمَامُ وَالدَّوَاءُ الْمِرَّةُ الْمَشِيءُ»

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دردها و بیماری‌ها سه گونه است و داروها نیز سه گونه است. اما دردها: خون، و مره (صفرا و یا سودا) و بلغم است. پس درمان خون حجامت است، و درمان بلغم حمام رفتن، و درمان صفرا و سودا مسهل است.

من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۲۶

بلغم، مزه، دم غلیان یافته و یا دم جامد.)) از لسان روایات معلوم می‌شود که: حضرت در تعریف بیماری و عامل‌های ایجاد بیماری، اساساً "میکروارگانیسم‌ها (microorganisms)"،^{۵۶} "ویروس‌ها"، "باکتری‌ها" و عوامل بیرونی را اصالت نمی‌دهند؛ [بلکه عوامل درونی بدن را عامل اصلی بیماری می‌دانند و مثلاً] می‌گویند: درد [و عامل اصلی بیماری]، "بلغم" است. "بلغم" یک اتفاق درونی در بدن است. وقتی غلبه بلغم در درون بدن اتفاق می‌افتد، عاملش میکروارگانیسم و ویروس نیست؛ بلکه عاملش عدم رعایت‌های تغذیه‌ای و غیر تغذیه‌ای است که فرد مرتکب می‌شود. وقتی یک دستگاه فکری این‌گونه بحث می‌کند که: منشأ اکثر قریب به اتفاق بیماری‌ها، در درون بدن است و نقش میکروارگانیسم‌ها، ویروس‌ها و باکتری‌ها در پیدایش بیماری، نزدیک به صفر است؛ در نتیجه این دستگاه فکری چنین خواهد گفت که: این سؤال که «چگونه چرخه ویروس را مهار کنیم؟» از بنیاد غلط است. بنابر این اصل، ما بیماری کرونا را اصلاً بر اساس آن ویروسی که دائماً جهش‌ها و سویه‌های جدید پیدا می‌کند، بررسی نمی‌کنیم؛ بلکه می‌گوییم: یک اختلال درونی در فرد پیدا شده است که مثلاً منجر به "سرماخوردگی کرونا" شده است. و با یک مدل دیگری بحث می‌کنیم. این مثال را زدم که بگویم فقیه باید سؤال را "تنقیح" کند.

۳/۱/۲/۲. تنقیح سؤال غلط «چگونه پول پرفشار را مهار کنیم؟»؛ مثالی دیگر برای قاعده

تنقیح

مثال دیگر اینکه: الان می‌گویند: «چگونه جلوی "پول پرفشار" را بگیریم؟» شما باید این سؤال را تنقیح کنید. آنها [در پاسخ به این سؤال] می‌گویند: مثلاً "ترازنامه بانک‌ها" را مهار و کنترل کنید [تا جلوی پول پرفشار گرفته شود].

مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۵۴

الوافی ج ۶ ص ۶۰۹ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۳۰ / الفصول المهمه ج ۳ ص ۱۷ / بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۱۲۷ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۸۵

مُحَمَّدُ بْنُ بَكْرِ قَالَ: حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى الْبَيْهَقِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُؤَدَّبُ بْنُ هَامَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ سَعْدِ الْمُؤَلَّى قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عَامَّةَ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ مِنَ الْمَرَّةِ الْعَالِيَةِ أَوْ دَمٍ مُحْتَرِقٍ أَوْ بَلْغَمٍ غَالِبٍ فَلْيَسْتَعِزَّ الرَّجُلُ بِمُرَاعَاةِ نَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ تَغْلِبَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ هَذِهِ الطَّبَائِعِ فَيُهْلِكُهُ. امام صادق (علیه السلام): همه این ارواح از مره غالبه یعنی صفرا و سوداست و یا از خون یا بلغم. پس انسان باید سلامت خود را رعایت و مراعات کند پیش از آنکه یکی از این طبع‌ها غالب شود و موجب هلاکتش گردد.

طب الأئمة (ابن‌ابسطام)، ج ۱، ص ۱۱۰

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۶۴

۵۶. **ارجاع پرورشی:** microbiology, Scientific study of **microorganisms**, a diverse group of simple life-forms including protozoans, algae, molds, bacteria, and viruses. Microbiology is concerned with the structure, function, and classification of these organisms and with ways of controlling and using their activities.

میکروبیولوژی، مطالعه علمی میکروارگانیسم‌ها، گروه متنوعی از اشکال ساده حیات از جمله تک یاخته‌ها، جلبک‌ها، کپک‌ها، باکتری‌ها و ویروس‌ها. میکروبیولوژی به ساختار، عملکرد و طبقه بندی این موجودات و راه‌های کنترل و استفاده از فعالیت‌های آنها می‌پردازد.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://www.britannica.com/facts/microbiology>

نظریه فقهی انفاق

شما می‌گویید: آیا اصلاً خود این سؤال درست است؟ اگر شما تعریف "پول اعتباری" را بپذیرید، یک‌طور مدیریت پولی جامعه را انجام می‌دهید. اما اگر تعریف "پول اعتباری" را نپذیرید، سیاست‌هایتان برای مهار "نقدینگی"^{۵۷} و کنترل معضلاتی مثل "خلق پول" و "پول پرفشار"^{۵۸} و... شکل متفاوتی پیدا خواهد کرد. این [مسئله و قاعده تنقیح] در همه حوزه‌ها جریان دارد. بنده در حال تبیین قواعد اصولی خودمان هستیم و می‌گوییم: ما به دلیل قاعده تنقیح، مسائل را به صورت اجتهادی بررسی کرده‌ایم و آمده‌ایم سوالات را تنقیح کرده‌ایم.

این یک مسئله جاری در فقه مستحدثه است؛ مثلاً از فقیه می‌پرسند: «بیمه را چه کار کنیم؟» فقیه می‌گوید: بیمه در نظامات موجود، جایگاه بزرگی دارد. سپس شروع می‌کند برای آن حکم استنباط می‌کند. ولی ما بیمه را تنقیح می‌کنیم. نشان می‌دهیم که چه عیب‌هایی بر حفظ سرمایه از طریق بیمه وجود دارد و بعد راه‌های جایگزین آن را بحث می‌کنیم.

در مجموع، ما در یک دهه گذشته حدود ۱۰۰ مسئله را تنقیح کرده‌ایم. الان هم در حال بررسی و تنقیح موضوعات به‌روزی مانند "هوش مصنوعی"^{۵۹} و "لیزر پر قدرت" هستیم.

۵۷. **ارجاع پرورشی:** نقدینگی به صورت کلی به دارایی‌های نقدی شما اشاره می‌کند. اسکناس‌هایی که برای خرید مایحتاج، روزانه با خود حمل می‌کنیم نقدترین دارایی‌های ما هستند. هرچه بتوان سریع‌تر دارایی را بدون به وجود آوردن تغییر بسیاری در ارزش آن، به پول نقد تبدیل کرد، نقدینگی آن بیشتر است. برای مثال شما به راحتی می‌توانید پول‌های نگهداری شده در حساب سپرده خود را به اسکناس تبدیل کرده و خرج کنید، اما نمی‌توانید واحد آپارتمانی خود را به همین سهولت به پول نقد تبدیل کنید. پیدا کردن خریدار برای واحد آپارتمانی‌تان زمان‌بر خواهد بود. همچنین ممکن است در نهایت نتوانید آن را به قیمت دلخواه بفروشید. بنابراین، نقدینگی حساب سپرده از املاک و مستغلات بیشتر است. به صورت کلی، در اقتصاد به جمع پول و شبه پول نقدینگی (Liquidity) می‌گویند.

منبع: ایبنا (رسانه مرجع بانک مرکزی و بانک‌ها) - <https://b2n.ir/k25737>

۵۸. **ارجاع پرورشی:** پایه پولی که به آن پول پر قدرت نیز گفته می‌شود مجموع اسکناس، مسکوک و سپرده‌های بانکی نزد بانک مرکزی است. به عبارتی پایه پولی، منبعی است که بانک مرکزی منتشر و در چرخه اقتصاد در اختیار بانک‌های تجاری قرار می‌دهد و بانک‌ها به کمک این منابع و از طریق خلق پول بانکی حجم پول را افزایش می‌دهند. دولت‌ها تلاش می‌کنند از پول پرفشار و منابع بانک مرکزی استفاده نکنند، زیرا رشد پایه پولی رابطه مستقیمی با تورم دارد. به گفته بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران هر دولتی که بتواند پایه پولی و نقدینگی را کنترل کند تورم را نیز کنترل خواهد کرد.

منبع: ایبنا (رسانه مرجع بانک مرکزی و بانک‌ها) - <https://b2n.ir/b17173>

پول بر قدرت، این اصطلاح از مکتب شیکاگو، که رهبر آن فریدمن (از بنیان‌گذاران نظریه سنتی ضریب تکاثر اعتبار) است، نشأت می‌گیرد. پولی که به طور مستقیم توسط بانک مرکزی به وجود می‌آید و این پول شامل موارد ترازنامه بانک مرکزی می‌شود، پول پر قدرت یا پایه پولی نامیده می‌شود.

منبع: اقتصاد برتر - <https://b2n.ir/t42629>

۵۹. **ارجاع پرورشی:** شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی تاکنون دو نشست تخصصی به محوریت بررسی هوش مصنوعی برگزار کرده است: اولین نشست در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰ با عنوان "هوش مصنوعی و طرح جایگزین" در پلاک ۳۱۳ مسجد جمکران برگزار گردید. در این نشست به بررسی چهار سوال و یک خاتمه پرداخته شد: سوال اول: جایگاه و علت اهمیت هوش مصنوعی در اسناد بین‌المللی چیست؟ سوال دوم: راه‌حل

۳/۱/۲/۳. تنقیح سوال غلط «نقش "لیزر" در جنگ‌های آینده چیست؟»؛ مثالی دیگر برای قاعده

تنقیح

مثلاً الان سؤالی مطرح است تحت این عنوان که: «نقش "لیزر" در جنگ‌های آینده چیست؟» ما تنقیح لیزر را از اینجا شروع کرده‌ایم که: کسی که این سؤال را مطرح کرده، فرض گرفته [و قطعی دانسته] که جنگ‌های آینده در عرصه تقابل‌های سخت نظامی خواهد بود. و در تقابل‌های سخت نظامی، "سلاح‌های اقلیمی" و جدید خیلی موضوعیت دارند. مثلاً شما باید حتماً "لیزر پرتوان" و "سلاح‌های لیزری" داشته باشید. ولی قبل از اینکه در مورد "لیزر" بحث کنیم؛ [باید در مورد این بحث کنیم که: آن شخصیتی که می‌گوید من باید سلاح لیزری بسازم، درکش از جنگ‌های آینده این است که: [جنگ‌های آینده بر مبنای جنگ‌های رباتی و تکنولوژی‌های آینده و سلاح‌های عجیب و غریب است؛ لذا دفاع و پدافند آینده را نیز بر اساس همین می‌بیند] و طراحی می‌کند. اما وقتی ما به روایات آخرالزمان مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که حضرات می‌فرمایند: «در اروپا (یا به تعبیر روایت: روم) هرج و مرج

جایگزین هوش مصنوعی در مواجهه با چالش‌های شهری چیست؟ سوال سوم: نتایج اجرای راه‌حل‌های جایگزین الگوی پیشرفت اسلامی در مواجهه با چالش‌های شهری چه خواهد بود؟ سوال چهارم: روش موضوع‌شناسی الگوی پیشرفت اسلامی در برخورد با موضوعات مدرن چگونه است؟ خاتمه: جایگاه و منزلت فناوری‌های هوشمند و متخصصین این حوزه چگونه تعریف می‌شود؟

لینک دریافت گزارش مکتوب این نشست از پیام‌رسان ایتا؛ با عنوان «هوش مصنوعی و طرح جایگزین»: <https://eitaa.com/olgou4/3650>

دومین نشست نیز در تاریخ ۹ آذر ماه ۱۴۰۰ در محل خبرگزاری حوزه‌های علمیه با عنوان "هوش مصنوعی یا روابط انسانی؟" برگزار گردید. در این نشست نیز به بررسی چهار سوال پرداخته شد: سوال اول: آیا در تحلیل موضوعات مدرن می‌توان به قول خبره اعتماد کرد؟ سوال دوم: هوش مصنوعی یک تکنولوژی و ابزار برای تسهیل برخی امور است؟ یا یک مدل جدید حکمرانی در دنیا؟ سوال سوم: مبنای حکمرانی الگوی پیشرفت اسلامی (به عنوان الگوی جایگزین حکمرانی هوش مصنوعی) چیست؟ سوال چهارم: بر فرض پذیرش "حکمرانی مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی": آیا استفاده بخشی از هوش مصنوعی را بپذیریم؟

لینک دریافت گزارش مکتوب این نشست از پیام‌رسان ایتا؛ با عنوان «هوش مصنوعی یا روابط انسانی؟»: <https://eitaa.com/olgou4/4000>

۶۰. **ارجاع پرورشی:** فناوری طراحی و ساخت سلاح‌های لیزری بسیار پیچیده و منحصر به فرد است. به نحوی که تاکنون فقط ۶ کشور در دنیا به این فناوری دست پیدا کرده‌اند. صنایع دفاعی جمهوری اسلامی ایران نیز جزو همین کشورهاست که سلاح‌های لیزری را برای دفاع هوایی کوتاه‌برد و همچنین دفاع از تاسیسات حساس و حیاتی طراحی و ساخته است. چندین سال بود که گفته می‌شد ایران به فناوری سلاح‌های لیزری دست پیدا کرده اما، نخستین بار معاون سابق وزیر دفاع و رئیس شرکت صایران اول شهریور ۹۸ آن را رسانه‌ای کرد. امیر شاهرخ شهرام گفت: استفاده از لیزر در سامانه‌های توپخانه‌ای با دو هدف صورت می‌گیرد که می‌تواند به افزایش حجم آتش، تحرک و دقت کمک کند. یکی از جاهایی که ما از لیزر الان هم استفاده می‌کنیم، برای آماده‌سازی سامانه‌های توپخانه‌ای و روانه‌سازی توپ و رادار است تا سامانه بتواند هدف را با دقت بالا ردگیری کرده و مورد اصابت قرار دهد.

به گفته رئیس سابق سازمان صایران، «صنایع دفاعی کشورمان در موضوع کُشنده‌گی دستاوردهای خوبی داشته که همه آن‌ها تولید داخل هستند، برای مثال در دنیا متداول است که پرنده‌های رادارگریز خود را از لایه‌های کامپوزیتی می‌سازند تا هم رادارگریز باشد، هم سبک باشد و هم به تداوم پروازی آن در هوا کمک کند. این بدنه کامپوزیتی در برابر لیزرهای پرتوان آسیب‌پذیر است و ما با استفاده از این لیزرها که در اختیار داریم می‌توانیم آن‌ها را منهدم کنیم.

منبع خبر: دنیای اقتصاد - <https://b2n.ir/e83163>

اتفاق می افتد و روابط انسانی به چالش کشیده می شود.^{۶۱} شما می دانید، هر جا روابط انسانی به چالش کشیده شد، آن حکومت نمی تواند از سلاحش استفاده کند. لذا بنده وقتی با نگاه فقهی به دفاع آینده کشور فکر می کنم، در واقع به مدل های دفاعی ای فکر می کنم که اروپا و آمریکا و مجموعه دشمنان ما را از درون دچار مشکل می کند. اصلاً تکنیک های دفاعی ما، "مبتنی بر روابط انسانی" است. که حالا بنده در "نظریه دفاع آینده"، همین ها را برای دوستان وزارت دفاع بحث کردم. در مورد لیزر پرتوان، سلاح های صوتی، سلاح های زیستی، یک مجموعه ای شامل حدود ۱۳-۱۴ مورد از سلاح های جدید وجود دارد. البته اشکالی ندارد که در مورد سلاح های آینده ای که ممکن است دنیای کفر علیه ما به کارگیری کند، مطالعه داشته باشیم که غافلگیر نشویم. بنده مطالعه کردن را عیب نمی دانم. راجع به "هوش مصنوعی" هم همین نظر را دارم. خوب است یک جمعیتی مطالعه کنند. ما هم در مدرسه خودمان در قم، همین چیزها را مطالعه می کنیم و جزو معدود آخوندهایی هستیم که مثلاً راجع به لیزر هم بحث می کنیم! ولی این بحث را برای این مطالعه نمی کنم که سیستم دفاعی کشور را بر اساس سلاح های مبتنی بر جنگ فیزیکی سخت طراحی کنم. چون در روایات مربوط به حضرت ولی عصر علیه السلام این طور

۶۱. ارجاع پژوهشی: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ هُوَلَاءِ الرِّجَالِ الْأَرْبَعَةِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ وَأَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ أَبُو جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى قَالَ وَحَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَغَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ وَحَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤَصِّلِيُّ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَاشِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرُو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا جَابِرُ الزَّمِ الْأَرْضَ وَلَا تُحَرِّكْ يَدًا وَلَا رِجْلًا حَتَّى تَرَى عَلَامَاتٍ أَذْكُرُهَا لَكَ إِنْ أَدْرَكْتَهَا أَوْلَهَا اخْتِلَافَ بَنِي الْعَبَّاسِ وَ مَا أَرَاكَ تُدْرِكُ ذَلِكَ وَ لَكِنْ حَدَّثَ بِهِ مَنْ بَعْدِي عَنِّي وَ مُنَادٍ يَنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَ يَجِئُكُمْ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِيَةِ دِمَشْقَ بِالْفَتْحِ وَ تُخَسَفُ قَرْيَةٌ مِنْ قَرْيِ السَّامِ تُسَمَّى الْجَابِيَّةَ وَ تَسْفُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقَ الْأَيْمَنِ وَ مَارِقَةٌ تَمُرُّ مِنْ نَاحِيَةِ الثَّرَكِ وَ يَغْفِيهَا هَزْجُ الرُّومِ وَ سَيُقْبَلُ إِخْوَانُ الثَّرَكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ وَ سَيُقْبَلُ مَارِقَةُ الرُّومِ حَتَّى يَنْزِلُوا الرَّمْلَةَ فَيَلِكُ السَّنَةُ يَا جَابِرُ فِيهَا اخْتِلَافٌ كَثِيرٌ فِي كُلِّ أَرْضٍ مِنْ نَاحِيَةِ الْمَغْرِبِ فَأَوَّلُ أَرْضٍ تَخْرُبُ أَرْضُ السَّامِ ثُمَّ يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَايَاتٍ رَايَةَ الْأَصْهَبِ وَ رَايَةَ الْأَبْقَعِ وَ رَايَةَ السُّفْيَانِيِّ فَيَلْتَقِي السُّفْيَانِيُّ بِالْأَبْقَعِ فَيَقْتُلُونَ فَيَقْتُلُهُ السُّفْيَانِيُّ وَ مَنْ تَبِعَهُ ثُمَّ يَقْتُلُ الْأَصْهَبَ ثُمَّ لَا يَكُونُ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا الْإِقْبَالَ نَحْوَ الْعِرَاقِ يَمُرُّ حَبِشَةَ بِقَرْبَسِيَاءَ فَيَقْتُلُونَ بِهَا فَيَقْتُلُ بِهَا مِنَ الْجَبَّارِينَ مِائَةَ أَلْفٍ...

جابر بن یزید جعفی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «ای جابر، بر زمین بنشین (خانه نشین باش) و دست و پائی نجبان (فعالیتی نکن) تا نشانه‌هایی را که برایت یاد می‌کنم ببینی چنانچه بدان برسی: نخستین آنها اختلاف بنی عباس است و من در تو نمی‌بینم که آن را دریابی ولی پس از من آن را از من روایت کن، و آواز دهنده‌ای از آسمان ندا کند و شما را آوازی از جانب دمشق به فتح برسد، و قریه‌ای از آبادیهای شام به نام جاییه فرورود، بخشی از قسمت راست مسجد دمشق فرو ریزد، و گروهی مارقه (که شورشیانی گمراه و بدعتگزار و گول خورده) از ناحیه ترک خروج کنند، و اغتشاش و بی‌قانونی روم به دنبال آن باشد، و طایفه ترک روی آورند تا آنکه در جزیره فرود آیند، و نیز شورشیان از روم روی آورند تا در رمله فرود آیند، پس در آن سال ای جابر در هر سرزمینی از ناحیه مغرب اختلاف فراوانی پدید آید، پس نخستین سرزمینی که ویران می‌شود سرزمین شام باشد، سپس در آن هنگام اختلاف آنان بر سه پرچم باشد: پرچم أصهَب و پرچم أبْقَع و پرچم سُفْيَانِي، پس سفیانی با ابقع برخورد کند و به جنگ پردازند، و سفیانی او و هر کس را که از او پیروی می‌کند خواهد کشت، سپس أصهَب را می‌کشد، و بعد دیگر همتی به کار نخواهد بست مگر روی آوردن به سوی عراق، و سپاهیانش به قرقسیا گذر کنند و در آنجا به جنگ پردازند و صد هزار تن از ستمکاران در آنجا کشته شوند.

الغیبه للنعمانی ج ۱ ص ۲۷۹

بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۷

است که: سلاح اصلی حضرت "زُعب" است،^{۶۲} حضرت وقتی که جهان را تصرف می‌کنند "منصور بالرُعب" هستند. این (زُعب) یک نوع سلاح دیگری است و تکنولوژی آن هم یک نوع تکنولوژی دیگری است. ما این افتخار را در مدرسه هدایت داریم که قدرت استحصال و به‌کارگیری این تکنولوژی‌ها را داشته و می‌توانیم آن را تنقیح و بحث کنیم. بنده نقش سلاح را صفر نمی‌کنم؛ اما می‌گویم: متغیرهای اصلی دفاعی - امنیتی، "مبتنی بر روابط انسانی" است که یک نوع سیستم دفاعی دیگری است. حالا این را ان‌شاء الله بعداً بحث خواهیم کرد.

بنابراین بنده الان "لیزر" را تنقیح کردم؛ [بدین صورت که] می‌گویم: کسی که به "سلاح لیزری" فکر می‌کند، یک پیش‌فرض مفهومی راجع به "جنگ‌های آینده" دارد که "مبتنی بر سلاح‌های سنگین" است. ما هم در روایات با هدایت معصومین علیهم‌السلام به این جمع‌بندی رسیده‌ایم که غلبه‌هایی که برای حضرت ولی عصر علیه‌السلام و مومنین پیدا می‌شود، عمده آنها به محوریت "مودت" [از سوی] و "اختلاف" [از سوی دیگر] است. قرآن می‌فرماید:

۶۲. **ارجاع پژوهشی:** و یاسناده عن محمد بن مسلم قال سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: القائم منا منصور بالرعب مؤيد بالنصر تطوى له الأرض و تظهر له الكنوز و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله عز و جل به دينه على الدين كله و لو كره المشركون فلا يبقى في الأرض خراب إلا عمر و ينزل روح الله عيسى بن مريم عليه السلام فيصلي خلفه - قال فقلت له يا ابن رسول الله متى يخرج قائمكم قال إذا شبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و اكتفى الرجال بالرجال و النساء بالنساء و ركب ذات الفروج السروج و قبلت شهادة الزور و ردت شهادة العدول - و استخف الناس بالدماء و ارتكاب الزنا و أكل الربا و اتقى الأشرار مخافة ألسنتهم - و خروج السفيناني من الشام و اليماني من اليمن و خسف بالبيداء و قتل غلام من آل محمد بين الركن و المقام اسمه محمد بن الحسن النفس الزكية و جاءت صيحة من السماء بأن الحق فيه و في شيعته فعند ذلك خروج قائمنا فإذا خرج أسند ظهره إلى الكعبة و اجتمع إليه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً فأول ما ينطق به هذه الآية - بَيِّتَ اللَّهُ خَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثم يقول أنا بقية الله و حجته و خليفته عليكم - فلا يسلم عليه مسلم إلا قال السلام عليك يا بقية الله في أرضه فإذا اجتمع له العقد و هو عشرة آلاف رجل خرج فلا يبقى في الأرض معبود دون الله عز و جل من صنم و وثن و غيره إلا و وقعت فيه نار فاحترق و ذلك بعد غيبة طويلة ليعلم الله من يطيعه بالغيب و يؤمن به.

و از آبی جعفر (علیه السلام) مرویست که فرمود: قائم از ما منصور خواهد بود به زُعب و مؤید به نصر که در نور دیده شود از برای او زمین، و ظاهر شود از برای او کنوز، و برسد سلطنت او مشرق و مغرب را، و حق سبحانه و تعالی دین خود را بر همه دینها غالب گرداند و اگر چه نخواهند مشرکان، پس باقی نماند در زمین خرابی الا که آبادان شود، و نازل شود روح الله عیسی بن مریم پس بگزارد نماز را در خلف او. راوی گوید که گفتیم: یا ابن رسول الله کی بیرون خواهد آمد قائم شما؟ فرمود که: هر گاه مانند شوند مردان بزنان و زنان بمردان، و اکتفا کنند مردان بمردان و زنان بزنان، و سوار شوند ذوات فروج بر سروج، و مقبول گردد شهادت زور، و مردود گردد شهادت عدول، و استخفاف نمایند مردم بریا، و ارتکاب زنا، و خوردن ربا، و پرهیزند اشرار از خوف زبانهای ایشان و بیرون آید سفینانی از شام و یمانی از یمن، و خسف به بیداء و کشته شود جوانی از آل محمد میانه رکن و مقام نام او محمد بن الحسن النفس الزکیه، و آید آوازی از آسمان بآن که حق با او است و با شیعه او، پس نزد این بیرون آید قائم ما، پس هر گاه که ظهور کند اسناد نماید پشت مبارک خود را بخانه کعبه، و اجتماع نمایند بسوی وی سیصد و سیزده مرد، و اول چیزی که تنطق کند بآن این آیت باشد که «بَيِّتَ اللَّهُ خَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» بعد از آن فرمود که: منم بقية الله و خليفه و حجته او بر شما پس سلام نکنند بر وی سلام‌کننده الا گوید: السلام عليك يا بقية الله في الارض، پس چون اجتماع نمایند مر او را عقد ده هزار مرد پس باقی نماند در زمین معبودی بجز حق سبحانه و تعالی از بتان الا که واقع شود در او آتش و بسوزند و ابن بعد از غیبت طویله خواهد بود تا اظهار فرماید حق تعالی علم خود را کسی که اطاعت کند او را بغیب و ایمان به وی.

کمال الدین ج ۱ ص ۳۳۰

اعلام الوری ج ۲ ص ۲۹۱ / کشف الغمة ج ۲ ص ۵۳۴ / اثبات الهدی ج ۵ ص ۳۴۶

الوافی ج ۲ ص ۴۶۵ / بحارأنوار ج ۵۲ ص ۱۹۱

«تَحَسُّبُهُمْ جَمِيعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّى»^{۶۳} (این‌ها آیات امنیتی ما است) می‌فرماید: شما فکر می‌کنید این‌ها (کفار) یکپارچه هستند؟! [اینطور نیست؛ بلکه] این‌ها دارای قلوب مُشْتَت هستند. خب؛ بنده همین آیه قرآن را ملاک قرار می‌دهم و ساختار نحوه تشتت قلوب کافرین را بحث می‌کنم. که این را باید در بحث و نظریه "دفاع آینده" و "دفاع مبتنی بر روابط انسانی" تشریح کنیم.

پس [خلاصه بحث این شد که: ما برای رسیدن به این تبویب [از فقه‌المکاسب] دارای یک قواعد اصولی هستیم. این خیلی مهم است! و از مهم‌ترین قواعد اصولی این است که: ابتدا شما باید "سؤال" را "تتقیح" کنید. نباید هر سؤالی که روی میز فقیه گذاشته شد، فقیه بگوید: من این سؤال را جواب می‌دهم. بلکه باید روی سؤال و اطراف و جوانب آن مباحثه کند تا نسبت به آنها آگاهی پیدا کند.

حالا تتقیح چگونه اتفاق می‌افتد؟ آیا ذوقی است یا دارای قواعد است؟ عرض کردیم که: ما یک "الگوی تتقیح مسائل" یا "الگوی موضوع‌شناسی" داریم که می‌گوید: تتقیح به ترتیب در سه مرحله: "تتقیح بیانی"، "تتقیح غیربیانی" و "تتقیح شاکله‌ای" رقم می‌خورد^{۶۴} که از شما اجازه می‌خواهم این بحث را در جلسه دیگری شرح بدهم

۶۳. **ارجاع پژوهشی:** لَا يُفَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحَسُّبُهُمْ جَمِيعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (سوره مبارکه حشر، آیه ۱۴)

همه آنان [به صورت متحد و یکپارچه] با شما نمی‌جنگند مگر در آبادی‌هایی که دارای حصار و قلعه و دژ هستند، یا از پشت دیوارها، دلاوری آنان میان خودشان شدید است [ولی از رویارویی با شما می‌ترسند]، آنان را متحد و هم‌دست می‌پنداری در حالی که دل‌هایشان پراکنده است زیرا آنان گروهی هستند که تعقل نمی‌کنند.

۶۴. **ارجاع پژوهشی:** یکی از بحث‌های مهم در تفقه بحث موضوع‌شناسی است. تتقیح موضوع را در سه مرحله ۱- تتقیح بیانی، ۲- تتقیح غیر بیانی و ۳- تتقیح شاکله‌ای انجام می‌دهیم. (جدول تحلیل موضوع)

اولین مرحله تتقیح یک موضوع، "تتقیح مفهومی و لفظی" موضوع است. به عنوان مثال اگر فقیه بخواهد درباره تورم حکم دهد؛ ابتدائاً مفهوم تورم را موشکافی می‌کند و ارتباط آن را با مفاهیم مرتبط مانند: تعریف پول، تعریف بازار، احتکار، انصاف، اقاله، خیار، ربح و... بررسی می‌کند و بعد از بررسی مفهومی مسئله تورم، استعمال لفظ جدید تورم - که نتیجه اش توهم "مالا نص فيه" و "منطقة الفراغ" است - را تبدیل به استعمال الفاظ متناسب با مفهوم موضوع - که عمدتاً الفاظ توقیفی هستند - می‌کند.

دومین مرحله تتقیح یک موضوع، "تتقیح غیر بیانی موضوع" است. در مرحله "تتقیح غیر بیانی" تأثیر زیرساخت‌های هدایت بر ایجاد موضوع بحث بررسی می‌شود. به عبارت روشن تر تضعیف ۹ امر ۱- امامت، ۲- علم صحیح، ۳- تزکیه ۴- عبرت، ۵- بیان، ۶- نظم، ۷- مکاسب، ۸- نفی سبیل و ۹- فرقان از عوامل بسیار مهم بر پیدایش موضوعات جدید هستند و تحلیل ارتباط این موضوعات زیرساختی و موضوع بحث، مسیر پیدایش آن موضوع را برای فقیه تصویر می‌کند. به عبارت سوم سیر ساخت موضوعات طبیعی نیست و موضوع ذیل یک الگوی مدیریتی ساخته می‌شود. اگر فقیه مسیر پیدایش یک موضوع در نظام اجتماعی را بداند؛ می‌تواند بخشی از مسیر تضعیف آن موضوع را به صورت فقهی تعریف کند. به عنوان مثال در مسئله تورم، بخش قابل توجهی از تورم به دلیل محوریت یافتن ارز واسط در کسب و کار ایران است و محوریت یافتن ارز واسط در کسب و کار ایران هم، به دلیل وابستگی اقتصاد ایران در تولید - خصوصاً غذا و لباس - به اقتصاد خارجی است. به عبارت بهتر اندراج اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی و ایجاد سبیل اقتصادی بر جامعه اسلامی، علت اصلی پیدایش تورم، در ایران است. (تبیین ارتباط نادیده گرفتن قاعده نفی سبیل و ایجاد تورم)

سومین مرحله تتقیح یک موضوع، "تتقیح شاکله‌ای موضوع" است. در مرحله "تتقیح شاکله‌ای" مسیر ارتباط انسان با یک موضوع جدید یا یک موضوع اصیل فقهی بحث می‌شود. به عنوان مثال بخشی از مسیر پیدایش مسئله تورم به تحریک حرص فعالین اقتصادی از پایگاه سیاست‌های پولی و مالی،

که خودش ۲-۳ ساعت وقت لازم دارد. ولی ما بر اساس این روش، مسائل جدیدی مانند "لیزر" و "هوش مصنوعی" را تقییح می‌کنیم. پس ما در موضوع‌شناسی روشی برای بررسی سؤال داریم.

مانند اعطای مشوق‌های صادراتی و معافیت‌های مالیاتی وابسته است. به عبارت دیگر دولت‌های مدرن با طراحی سیاست‌هایی در بخش‌های مالی، پولی، مدیریتی و... اوصاف رذیله انسانها را برای مشارکت در زنجیره تولید، توزیع و مصرف مدرن تحریک می‌کنند. به نظر ما فقیه در مرحله موضوع شناسی باید قدرت تشخیص عوامل موثر بر شاکله و نیت انسان از پایگاه آن موضوع را داشته باشد؛ تا بتواند فرآیند تضعیف یک موضوع را از پایگاه شاکله‌ای استنباط کند.

به دلیل مرتبط بودن موضوعات جدید به مفاهیم پیرامونی و الفاظ متناسب با آن مفاهیم، تضعیف زیرساخت‌های هدایت و انحراف شاکله‌ای افراد جامعه، موضوعات جدید به وجود می‌آیند و فقیه اگر از حیث‌های سه‌گانه این موضوعات جدید را تقییح نکند؛ به دلیل توهم مقوله مالانص فیه، اظهار نظر درباره موضوعات جدید را به کارشناسان پوزیتیویستی تفویض نموده و بر اساس گزارش آنها حکم می‌کند. (تلاش برای مدیریت فقهاء به وسیله گزارش‌های موضوعی). تبیین ارتباط موضوعات جدید به مراحل سه‌گانه فوق‌الذکر ما را به این نتیجه می‌رساند: که وظیفه فقیه مدیریت فرآیند ساخت موضوعات فقهی است و طراحی مسیر ساخت موضوعات فقهی از مسیر روشمندکردن موضوع‌شناسی در مباحث فقهی محقق می‌شود.

حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری - تبیین روش موضوع‌شناسی در فقه هدایت / یکشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۹ - حوزه علمیه قم

<http://nro-di.blog.ir/۱۷/۱۲/۱۳۹۹>

۴. سرفصل سوم: روش تنقیح دو مفهوم معارض با "انفاق" (یعنی: "پس انداز" و "هدایت نقدینگی") چگونه است؟

سؤال و سرفصل سوم: تنقیح دو مفهوم "هدایت نقدینگی" و مفهوم "پس انداز" است و سپس از درون این تنقیح که انجام می‌دهیم به سمت بحث "انفاق" خواهیم رفت.

۴/۱. تنقیح مفهوم "پس انداز" (با تعریف کینز (Keynes))؛ اولین مفهوم معارض با مفهوم "انفاق"

اولاً توجه داشته باشید که "کینز (Keynes)"^{۶۵} یک تعریفی از پس انداز مطرح کرده که آن تعریف، الان مبنای عملکرد بانک‌ها است. به صورت ساده کینز (Keynes) این مسئله را مطرح کرده است که: «پس انداز، مقدار پولی است^{۶۶} که پس از کسر هزینه‌ها از درآمدهای قابل مصرف هر فرد باقی می‌ماند و بعداً این پول باقی‌مانده، سرمایه‌گذاری شده و منشأ پیدایش یک درآمد دیگری می‌شود.»^{۶۷} این، اجمال تعریف کینز (Keynes) [از پس انداز] است.

۶۵. **ارجاع پرورشی:** John Maynard Keynes, (born June 5, 1883, Cambridge, Cambridgeshire, England—died April 21, 1946, Fittlehampton, Sussex), English economist, journalist, and financier best known for his economic theories (Keynesian economics) on the causes of prolonged unemployment. His most important work, *The General Theory of Employment, Interest and Money* (1933-36), advocated a remedy for economic recession based on a government-sponsored policy of full employment. جان مینارد کینز، (زاده ۵ ژوئن ۱۸۸۳، کمبریج، انگلستان - درگذشته ۲۱ آوریل ۱۹۴۶، فیرل، ساسکس)، اقتصاددان، روزنامه‌نگار و سرمایه‌دار انگلیسی که بیشتر به خاطر نظریه‌های اقتصادی خود (اقتصاد کینزی) در مورد علل بیکاری طولانی‌مدت شهرت دارد. بیکاری، مهمترین اثر او، نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول (۱۹۳۵-۱۹۳۶)، از دیگر آثار او هستند.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/biography/John-Maynard-Keynes>

۶۶. در عبارات کینز (Keynes) دقت کنید! که "پس انداز" را به "پول" محدود می‌کند.

انتقال از متن

۶۷. **ارجاع پرورشی:** **saving**, process of setting aside a portion of current income for future use, or the flow of resources accumulated in this way over a given period of time. Saving may take the form of increases in bank deposits, purchases of securities, or increased cash holdings. The extent to which individuals save is affected by their preferences for future over present consumption, their expectations of future income, and to some extent by the rate of interest.

There are two ways for an individual to measure his saving for a given accounting period. One is to estimate his income and subtract his current expenditures, the difference being his saving. The alternative is to examine his balance sheet (his property and his debts) at the beginning and end of the period and measure the increase in net worth, which reflects his saving.

Total national saving is measured as the excess of national income over consumption and taxes and is the same as national investment, or the excess of net national product over the parts of the product made up of consumption goods and services and

۴/۱/۱. نادیده گرفتن انواع پس اندازهای غیر از پول؛ یکی از اشکالات تعریف کینز از پس انداز

۴/۱/۱/۱. روابط انسانی پیوسته (مثل روابط خویشاوندی)، پس اندازهای آخرتی و پشتیبانی‌های خداوند؛ مصادیقی از پس اندازهای غیر از پول و نادیده گرفته شده در تعریف کینز از پس انداز

چند قید در این تعریف مطرح شده است: یکی اینکه گفته «مقدار پولی که پس از کسر هزینه‌ها...» یعنی: کینز (Keynes) انواع پس اندازهای دیگر [غیر از پول را که در آیات و روایات بیان شده است] را نادیده است. مثلاً: یکی از چیزهایی که در اسلام پس انداز محسوب می‌شود، "روابط انسانی پیوسته" است.^{۶۸} الان هم در جامعه ایران

items bought by government expenditures. Thus, in national income accounts, saving is always equal to investment. An alternative measure of saving is the estimated change in total net worth over a period of time.

Saving is important to the economic progress of a country because of its relation to investment. If there is to be an increase in productive wealth, some individuals must be willing to abstain from consuming their entire income. Progress is not dependent on saving alone; there must also be individuals willing to invest and thereby increase productive capacity.

پس انداز، فرآیند کنار گذاشتن بخشی از درآمد فعلی برای استفاده در آینده، یا جریان منابع انباشته شده از این طریق در یک دوره زمانی معین. پس انداز ممکن است به شکل افزایش سپرده‌های بانکی، خرید اوراق بهادار یا افزایش نگهداری وجه نقد باشد. میزان پس انداز افراد تحت تأثیر ترجیحات آنها برای مصرف آینده نسبت به فعلی، انتظارات آنها از درآمد آتی و تا حدی تحت تأثیر نرخ بهره است.

دو راه برای اندازه‌گیری پس انداز خود برای یک دوره حسابداری معین وجود دارد. یکی این است که درآمد او را تخمین بزنند و مخارج جاری او را کم کنند، تفاوت آن پس انداز او است. راه حل این است که ترازنامه او (اموال و بدهی‌های او) را در ابتدا و انتهای دوره بررسی کنید و افزایش ارزش خالص را اندازه‌گیری کنید که نشان‌دهنده پس انداز او است.

کل پس انداز ملی به عنوان مازاد درآمد ملی بر مصرف و مالیات سنجیده می‌شود و همان سرمایه‌گذاری ملی یا مازاد محصول خالص ملی بر بخش‌هایی از محصول است که از کالاها و خدمات مصرفی و اقلام خریداری شده توسط مخارج دولت تشکیل شده است. بنابراین در حساب‌های درآمد ملی، پس انداز همیشه برابر با سرمایه‌گذاری است. یک معیار جایگزین برای پس انداز، تغییر تخمینی در ارزش خالص کل در یک دوره زمانی معین است.

پس انداز به دلیل ارتباط آن با سرمایه‌گذاری برای پیشرفت اقتصادی یک کشور مهم است. اگر قرار است ثروت مولد افزایش یابد، برخی افراد باید از مصرف کل درآمد خودداری کنند. پیشرفت تنها به پس انداز وابسته نیست. همچنین باید افرادی مایل به سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش ظرفیت تولید باشند.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/topic/saving>

۶۸. **ارجاع پژوهشی:** یکی از مصادیق بارز روابط انسانی پیوسته، صله رحم (روابط پیوسته با خویشاوندان) و ارتباط پیوسته و حسنه با همسایه است که یکی از فوایدی که در بسیاری از روایات برای آنها ذکر شده است؛ افزایش مال است:

وَ يَأْتِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ وَ قَالَ: صَلَّةُ الْأَرْحَامِ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ زِيَادَةٌ فِي الْأَمْوَالِ.

امام رضا (علیه السلام): صله رحم و خوب همسایه‌داری، اموال انسان را زیاد می‌کند.

صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۸۵

مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۴۷ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۹۷

کِتَابُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ شَرِيحٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **الْبِرُّ وَحُسْنُ الْجَوَارِ زِيَادَةٌ فِي الرِّزْقِ وَ عِمَارَةٌ فِي الدِّيَارِ.**

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): **نیکی کردن و خوب همسایه داری نمودن، باعث زیاد شدن رزق (مال) و آبادانی در شهرهاست.**

الأصول الستة عشر، ص ۲۴۵
مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۴

وَ عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ حَطَّابِ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: **صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تُثْمِي الْأَمْوَالَ وَ تَدْفَعُ الْبُلُوَى وَ تُبَسِّرُ الْحَسَابَ وَ تُنْسِي فِي الْأَجَلِ.**

امام باقر (علیه السلام): **صله رحم اعمال را پاک می گرداند، و مال را زیاد، و بلاء را دفع، و حساب را آسان و مرگ را به تاخیر می اندازد.**

الكافي، ج ۲، ص ۱۵۰
تحف العقول، ص ۲۹۹ / مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۶۵
بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۱۱ / وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۵۳۴ / الوافي، ج ۵، ص ۵۰۸ / مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۳۷

وَ عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ حَفْصِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: **صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الْكُفَّ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُنْسِي فِي الْأَجَلِ.**

الكافي، ج ۲، ص ۱۵۱ و ۱۵۲ (با سند دیگری: **عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ قُرْطٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ**)
بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۱۴ / وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۵۳۵ / الوافي، ج ۵، ص ۵۰۷

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: **«صِلْ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ، وَ أَفْضَلُ مَا يُوَصَّلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا.»** وَ قَالَ: **صِلَةُ الرَّحِمِ مُنْسَأَةٌ فِي الْأَجَلِ، مُثْرَاءٌ فِي الْمَالِ، وَ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ»**

امام صادق (علیه السلام): **با خویشان خود صله رحم انجام ده و لو با یک نوشیدنی از آب... صله رحم مرگ را به تاخیر می اندازد و مال را زیاد می کند، و مایه محبت در خانواده می گردد.**

قرب الإسناد، ص ۳۵۵

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ) عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ حَطَّابِ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: **صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تَدْفَعُ الْبُلُوَى وَ تُثْمِي الْأَمْوَالَ وَ تُنْسِي لَهْ فِي عُمْرِهِ وَ تُوسِّعُ فِي رِزْقِهِ وَ تُحَبِّبُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لْيَصِلْ رَحِمَهُ.**

امام باقر (علیه السلام): **صله با خوشاوندان اعمال را پاک می کند، و بلاء را دفع می کند، و مال را رشد و نمو می دهد، و عمر را زیاد می کند، و به رزق وسعت می بخشد، و انسان را محبوب خانواده و فامیل می گرداند. پس تقوای الهی پیشه کن و با خویشان وصل کن.**

الكافي، ج ۲، ص ۱۵۲
الوافي، ج ۵، ص ۵۰۸ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۱۸ / وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۵۳۵

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْمَعْرُوفِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ **سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «مَنْ ذَا الَّذِي يَفْرِضُ اللَّهُ قَرَضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» قَالَ: تَزَكَّتْ فِي صِلَةِ الْأَرْحَامِ [الإمام].**

اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم (علیه السلام) در مورد کلام خداوند: **«کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا آن را برای او دو چندان کند و او را پاداشی نیکو و بارززش باشد»** سوال کردم. فرمود: در مورد صله با خویشان (یا با امام) نازل شده است.

تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۵۱

وقتی کسی مشکل مالی پیدا می‌کند، معمولاً پدر و مادر و فامیل‌های درجه یک حمایتش می‌کنند. یعنی مال آنها، مال فرزندشان محسوب می‌شود.^{۶۹} اما در تعریفی که کینز (Keynes) [از پس انداز] مطرح کرده، فقط "پول" خود فرد را پس انداز محسوب کرده است. به طریق اولی، کینز (Keynes) "پس اندازهای آخرتی"^{۷۰} را هم ندیده است. مثلاً

بِهَذَا الْإِسْتَادَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ ضَمِنَ لِي وَاحِدَةً ضَمِنْتُ لَهُ أَرْبَعَةً يَصِلُ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ يُوسِّعُ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ وَ يَزِيدُ فِي عُمْرِهِ وَ يَدْخُلُهُ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَهُ.

امام رضا (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس یک کار را برای من ضمانت کند، من چهار چیز را برای او ضمانت می‌کنم: هر کس صله رحم انجام دهد؛ پس خداوند او را دوست می‌دارد، و به روزی و مالش وسعت می‌دهد، و عمرش را طولانی می‌کند، و او را داخل در بهشتی که وعده داده است می‌نماید.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷ / صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۵۶ / روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۸۸
بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۹۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۴۶

وَبِهَذَا الْإِسْتَادَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَةَ.

امام رضا (علیه السلام) از امام حسین (علیه السلام): هر کس دوست دارد که عمرش طولانی و روزی و مالش زیاد گردد، پس صله رحم انجام دهد.
عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۴ / صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۹۰
بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۹۱

۶۹. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاعِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: صِلْ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ وَ أَفْضَلُ مَا تُوَصَّلُ بِهِ الرَّحِمَ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا وَ صِلَةُ الرَّحِمِ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَجَلِ مَحَبَّبَةٌ فِي الْأَهْلِ.

امام رضا (علیه السلام) از امام صادق (علیه السلام): با خویشاوندان خود ارتباط داشته باش ولو با یک نوشیدنی از آب. و بافضیلت‌ترین آنچه باعث ارتباط با خویشاوندان است، بازداشتن از اذیت آنان است. و صله رحم مرگ را به تاخیر می‌اندازد و مایه محبوب شدن نزد خویشان می‌گردد.
الکافی، ج ۲، ص ۱۵۱

بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۱۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۳۹ / الوافی، ج ۵، ص ۵۰۶

۷۰. **ارجاع پژوهشی:** ... وَ عَلِمَ أَنْ سَبَّحُونَ مِنْكُمْ مَرْضَى وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (سوره مبارکه مزمل، آیه ۲۰)

... او (خدا) می‌داند که به زودی برخی از شما بیمار می‌شوند، و گروهی برای به دست آوردن رزق و روزی خدا در زمین سفر می‌کنند، و بعضی در راه خدا می‌جنگند پس آنچه را از آن میسر است بخوانید و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و وام (قرض) نیکو به خدا بدهید و آنچه را از عمل خیر برای خود پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا به بهترین صورت و بزرگ‌ترین پاداش خواهید یافت و از خدا آموزش بخواهید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است

... وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (سوره مبارکه فتح، آیه ۲۹)

... خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.

... وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (سوره مبارکه فتح، آیه ۱۰)

... و کسی که به پیمانی که با خدا بسته است وفا کند، خدا به زودی پاداشی بزرگ به او می‌دهد.

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (سوره مبارکه اسراء، آیه ۹)
بی تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند، و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است.

... فَأَتَاهُمُ اللَّهُ تَوَابًا دُنْيَاً وَ حَسَنَ تَوَابٍ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۸)
... پس خدا پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا فرمود و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

ما كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ مَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا يَرْعَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَ لَا نَصَبٌ وَ لَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَطْؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَ لَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (سوره مبارکه توبه، آیه ۱۲۰)

شایسته نیست که اهل مدینه و بادیه نشینانی که پیرامون آنانند، از رسول خدا تخلف کنند و آنان را نسزد که به سبب پرداختن به خویش از حفظ جان او [در شداید و سختی‌ها] دریغ ورزند زیرا هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد، و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد، قدم نمی‌گذارند، و از هیچ دشمنی انتقام نمی‌گیرند [و با نبرد با او به کام دل نمی‌رسند] مگر آنکه به پاداش هر یک از آنان عمل شایسته‌ای در پرونده آنان ثبت می‌شود چرا که خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْضُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۴۵)
کیست آنکه به خدا وام نیکو دهد، تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که [روزی را] تنگ می‌گیرد و وسعت می‌دهد و [همه شما برای دریافت پاداش] به سوی او بازگردانده می‌شوید

... وَ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّزْتُمُوهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (سوره مبارکه مائده، آیه ۱۲)
... و خدا به آنان فرمود: یقیناً من با شمایم، اگر نماز را برپا دارید، و زکات پردازید، و به پیامبرانم ایمان آورید، و آنان را تقویت و یاری کنید و به خدا وامی (قرضی) نیکو دهید، مسلماً گناهانتان را محو می‌کنم، و شما را در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است در می‌آورم پس هر که از شما بعد از این کافر شود، یقیناً راه راست را گم کرده است

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يضاعفه لكم وَ يغفِر لكم وَ اللَّهُ شكورٌ حلیم (سوره مبارکه تغابن، آیه ۱۷)
اگر به خدا وام نیکو دهید، آن را برای شما دو چندان می‌کند و شما را می‌آمرزد و خدا عطا کننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک می‌باشد و بردبار است

إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَ الْمُصَدِّقَاتِ وَ أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يضاعف لهم وَ لهم أجرٌ کریم (سوره مبارکه حدید، آیه ۱۸)
بی تردید مردان و زنان انفاق کننده و آنان که به خدا وام نیکو داده‌اند [وامشان در پیشگاه خدا] برای آنان دو چندان شود، و برای آنان پاداش بالارزشی است.

در بعضی روایات داریم: «یا کَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ»^{۷۱} اصلاً پشتیبانی خدا را هم ندیده است. این روایت می‌فرماید: «خداوند، کنز و پس‌انداز توست». و کینز (Keynes) اصلاً وارد این وادی‌ها هم نشده است! لذا با همان نگاه "علم ناقص" خودش آمده و ذخیره پس‌انداز را به این مسئله (پول) محدود کرده است.

۴/۱/۲. توسعه معنایی مفاهیم عرفی در ادبیات آیات و روایات؛ نکته‌ای قابل توجه در

تنقیح مفهوم "پس‌انداز"

من در اینجا یک نکته فقهی را بیان کنم: یکی از کارهایی که اهل بیت علیهم‌السلام در آیات و روایات در همه حوزه‌ها انجام داده‌اند، این است که: نگذاشته‌اند مفاهیم دینی در اذهان حداقلی بشود. مثلاً وقتی دارند راجع به "زراعت" (که یک مفهوم عرفی است) وارد بحث می‌شوند، و یا راجع به "خرید و فروش" که همه متوجه می‌شوند، و یا در مورد همین مفهوم "کنز" و "پس‌انداز" بحث می‌کنند؛ این موضوعات را "توسعه معنایی" داده‌اند.

۴/۱/۲/۱. توسعه معنایی مفهوم "زراعت (کشاورزی)" به مفهوم "خودسازی"؛ نمونه‌ای از

توسعه معنایی مفاهیم عرفی در ادبیات آیات و روایات

مثلاً: حضرت می‌فرماید: «خودسازی، بهترین زراعت‌هاست».^{۷۲} یعنی: وقتی شما خود را تزکیه می‌کنید، [یک نوع] کشاورزی انجام می‌دهید. یعنی مفهوم کشاورزی را از این مفهومی که ما می‌فهمیم توسعه داده‌اند.

۷۱. **ارجاع پژوهشی:** وَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ أَسْمَاءِ اللَّهِ الْخُسْنَى وَ هُوَ دُعَاءُ الْمَسْئُولِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ... يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا دُخْرَ مَنْ لَا دُخْرَ لَهُ يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا كَهْفَ مَنْ لَا كَهْفَ لَهُ يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ يَا زُكْنَ مَنْ لَا زُكْنَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ذکر اسماء الله در دعاء مشلول: ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاه ندارد، ای پشتیبان کسی که پشتیبانی ندارد، ای سرمایه کسی که سرمایه ندارد، ای محافظ کسی که محافظی ندارد، ای پناهگاه کسی که پناهگاه ندارد، ای گنج و ذخیره کسی که گنج و ذخیره‌ای ندارد.

البلد الأمين ج ۱ ص ۳۳۷ / المصباح للكفعمي ج ۱ ص ۲۶۷ / زاد العماد ج ۱ ص ۳۸۸

الصحيفة العلوية ج ۱ ص ۶۱ / بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۳۳۳

۷۲. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ: أَخْبَرَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّقْرَقِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْعَبَّاسُ بْنُ بَكَّارٍ الصَّبَّيْ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ الْهَدَلِيُّ، عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: حَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ... فَإِنَّ الْتَقْوَى أَفْضَلُ كَنْزٍ، وَ أَحْرَزُ حِرْزٍ، وَ أَعَزُّ عِزٍّ. امام علی علیه السلام: تقوای الهی بالاترین گنج‌هاست و محکم‌ترین و قوی‌ترین حرزهاست و بالاترین عزتهاست.

امالی طوسی ج ۱ ص ۶۸۴

مجموعه ورام ج ۲ ص ۸۸ / بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۳۷۳ / غرر الحکم ج ۱ ص ۷۳

۴/۱/۲/۲. توسعه معنایی مفهوم "خرید و فروش"؛ نمونه‌های دیگر از توسعه معنایی مفاهیم عرفی در ادبیات آیات و روایات

و یا اینکه قرآن درباره آیات خرید و فروش این طور می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^{۷۳} یعنی: خداوند متعال با شما وارد خرید و فروش می‌شود. پس مفهوم خرید و فروش توسعه معنایی داده شده است.^{۷۴}

۷۳. ارجاع پژوهشی: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُعَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوَارِثِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. (سوره مبارکه توبه، آیه ۱۱۱)

یقیناً خدا از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد خریده همان کسانی که در راه خدا بیکار می‌کنند، پس [دشمن را] می‌کشند و [خود در راه خدا] کشته می‌شوند [خدا آنان را] بر عهده خود در تورات و انجیل و قرآن [وعده بهشت داده است] وعده‌ای حق و چه کسی به عهد و پیمان‌ش از خدا وفادارتر است؟ پس [ای مؤمنان!] به این داد و ستدی که انجام داده‌اید، خوشحال و شاد باشید و این است کامیابی بزرگ.

۷۴. ارجاع پژوهشی: نمونه‌هایی دیگر:

البقرة: ۱۶ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ
 آنان کسانی هستند که گمراهی را به جای هدایت خریدند، پس تجارتشان سود نکرد و از راه یافتگان [به سوی حق] نبودند.

البقرة: ۸۶ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ
 اینان کسانی‌اند که زندگی [زودگذر] دنیا را به جای آخرت خریدند پس نه عذاب از آنان سبک شود و نه یاری شوند.

البقرة: ۱۷۵ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ
 اینانند که گمراهی را به جای هدایت، و عذاب را به عوض آمرزش خریده‌اند، شگفتا! چه شکیبایند بر آتش.

آل عمران: ۱۷۷ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
 مسلماً کسانی که کفر را به بهای از ایمان خریدند، هرگز به خدا هیچ زیانی نمی‌رسانند، و برای آنان عذابی دردناک است.

البقرة: ۹۰ بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْياً أَنْ يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ

بد چیزی است آنچه خود را به آن فروختند که از روی حسد به آنچه خدا نازل کرده کفر می‌ورزند، [و معتراضانه می‌گویند:] چرا خدا از فضل و احسانش به هر کس از بندگانش که بخواهد [کتاب آسمانی] نازل می‌کند، پس آنان به خشمی بر روی خشمی سزاوار شدند. و برای کافران عذابی خوار کننده است.

آل عمران: ۱۸۷ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمناً قليلاً فَبَيْسَ مَا يَشْتَرُونَ
 و [یاد کنید] هنگامی که خدا از کسانی که به آنان کتاب آسمانی داده شد، پیمان گرفت که حتماً باید [احکام و حقایق] آن را برای مردم بیان کنید و پنهانش ننمایید. پس آن [عهد و کتاب] را ترك کردند و به آن اعتنایی نمودند، و در برابر ترك آن اندک بهایی به دست آوردند و بد چیزی است آنچه به دست می‌آورند.

التوبة: ۹ اشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمناً قليلاً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۴/۱/۲/۳. توسعه معنایی مفهوم "کنز (پس انداز)"; نمونه‌ای دیگر از توسعه معنایی مفاهیم عرفی

در ادبیات آیات و روایات

یا در مفهوم "کنز" دقت کنید: [شارع] اصلاً نمی‌گوید که شما "کنز" را از ذهنت پاک کن؛ بلکه می‌خواهد که شما نگاه حداقلی به "کنز" نداشته باشید و درکی حداکثری از آن پیدا کنید.

در اینجا [در بحث تنقیح مفهوم پس انداز با تعریف کینز (Keynes)] هم همین بحث [و اشکال] را داریم: اولین اشکالی که کینز (Keynes) مرتکب شده این است که: گفته: «پس انداز»، باقیمانده درآمد توست که در حساب و جیب باقی مانده است.» اولین اشکال ما این است که می‌گوییم: خیلی چیزها [غیر از درآمد مادی] می‌تواند پس انداز آدم‌ها باشد.

۴/۱/۲/۳/۱. رفیق و دوست خوب؛ یکی از مصادیق پس انداز در ادبیات آیات و روایات

اگر منظور شما [از درآمد] فقط مسائل اقتصادی است؛ [ما با توجه به روایات به شما اشکال وارد می‌کنیم]. روایتش را امروز می‌خوانم که حضرت می‌فرماید: «شما رفیق خوب داشته باش، مشکل اقتصادی‌ات حل می‌شود.» اصلاً یکی از کارکردهای رفیق، حل مشکل اقتصادی است.

عبارات عجیبی در روایات آمده است؛ مثلاً می‌فرمایند: «مَنْ رَدَّ دِرْهَمًا إِلَى الْخُصْمَاءِ أَعْتَقَ اللَّهُ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ»^{۷۵} می‌گوید: «اگر شما بدهکاری دوستت و یا کسی که بدهکار است را برطرف کردی، خداوند متعال گردن تو را از

آیات خدا را در برابر بهایی اندک فروختند و مردم را از راه خدا بازداشتند راستی چه بد است آنچه را همواره انجام می‌دادند.

فاطر: ۲۹ إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ قطعاً کسانی که همواره کتاب خدا را می‌خوانند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم در نهان و آشکار انفاق می‌کنند، تجارتی را امید دارند که هرگز کساد و نابود نمی‌شود

الصف: ۱۰ الی ۱۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُجْبِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ای اهل ایمان! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات می‌دهد؟ * به خدا و پیامبرش ایمان آورید، و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید این [ایمان و جهاد] اگر [به منافع فراگیر و همیشگی آن] معرفت و آگاهی داشتید، برای شما [از هر چیزی] بهتر است * تا گناهتان را بپامرزد، و شما را در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است و خانه‌های پاکیزه در بهشت‌های جاویدان درآورد این است کامیابی بزرگ.

۷۵. ارجاع پژوهشی: وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ رَدَّ دِرْهَمًا إِلَى الْخُصْمَاءِ أَعْتَقَ اللَّهُ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ وَأَعْطَاهُ بِكُلِّ دَانِقٍ تَوَابَ نَبِيٍِّّ وَبِكُلِّ دِرْهَمٍ مَدِينَةً مِنْ دُرَّةٍ حُمْرَاءَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هرکس یک درهم به طلبکاران بدهد خداوند گردن او را از آتش جهنم نجات می‌دهد و به هر دانقی [یک ششم درهم یا دینار] (که در این راه انفاق می‌کند) پاداش یک پیامبر، و در مقابل هر دره‌می یک شهری از درّ سرخ به او عطا می‌کند.

جامع الاخبار ج ۱ ص ۱۵۶

بحار الانوار ج ۱ ص ۲۹۵ / مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۰۴

نظریه فقهی انفاق

آتش جهنم آزاد می‌کند!)» یعنی: کاملاً فضا را به سمتی می‌برد که شما این را به عنوان اصل اولیه در نظر بگیرید که اگر دوستانان بدهکار بود، با صاف کردن بدهکاری او، آزاد شدن از عذاب جهنم را از خداوند متعال بخیرید: «أَعْتَقَ أَلَّهُ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ». که البته مجموعه‌ای از روایات در این حوزه داریم.^{۷۶}

حال من می‌خواهم بگویم که "رفیق خوب" هم "پس انداز" است و کارآمدی اقتصادی دارد.^{۷۷} چرا من باید حرف کینز (Keynes) را بپذیرم؟! چرا باید برای جوانان دانشجوی، تعریف کینز (Keynes) از پس انداز را مبنا قرار دهم و

۷۶. **ارجاع پژوهشی:** قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): مَنْ رَدَّ أَدْنَى شَيْءٍ إِلَى الْخُصْمَاءِ، جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ سِتْرًا كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَيَكُونُ فِي عِدَادِ الشُّهَدَاءِ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس کمترین چیزی را به طلبکاران برگرداند، خداوند، میان او و آتش، پرده‌ای به ضخامت آسمان تا زمین قرار می‌دهد. همان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: دِرْهَمٌ يَرُدُّ الْعَبْدَ إِلَى الْخُصْمَاءِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ وَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَلْفِ حَجٍّ وَ عُمْرَةٍ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): یک درهم که به طلبکاران برگردانده شود، بهتر است از عبادت هزار سال، و از آزاد کردن هزار بنده، و از هزار حج و هزار عمره.

همان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَدَائِنَ مِنْ نُورٍ وَ عَلَى الْمَدَائِنِ أَبْوَابٌ مِنْ ذَهَبٍ مُكَلَّلٍ بِالذَّرِّ وَ الْيَاقُوتِ وَ فِي جُوفِ الْمَدَائِنِ قَبَابٌ مِنْ مِسْكِ وَ زَعْفَرَانٍ مَنْ نَظَرَ إِلَى تِلْكَ الْمَدَائِنِ يَتَمَتَّى أَنْ يَكُونَ لَهُ مِنْهَا مَدِينَةٌ قَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ لِمَنْ هَذِهِ الْمَدَائِنُ قَالَ ص لِلتَّائِبِينَ التَّادِمِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُرْضِينَ الْخُصْمَاءِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا رَدَّ دِرْهَمًا إِلَى الْخُصْمَاءِ أَكْرَمَهُ اللَّهُ كَرَامَةً سَبْعِينَ شَهيداً فَإِنَّ دِرْهَمًا يَرُدُّ الْعَبْدَ إِلَى الْخُصْمَاءِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ صِيَامِ النَّهَارِ وَ قِيَامِ اللَّيْلِ وَ مَنْ رَدَّ نَادَاهُ مَلَكٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ يَا عَبْدَ اللَّهِ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... همانا درهمی که به طلبکاران برگردانده می‌شود، بهتر است از روزه گرفتن در روز و شب زنده‌داری. و هر کس این کار را انجام دهد، فرشته‌ای از زیر عرش الهی ندا می‌دهد که: ای بنده خدا! مل خود را از سر گیر؛ چرا که گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد.

همان

۷۷. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عُبيدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ عُبيدِ اللَّهِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تَكُونُ الصَّدَاقَةَ إِلَّا بِخُدُودِهَا فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ هَذِهِ الْخُدُودُ أَوْ شَيْءٌ مِنْهَا فَانْسُبْهُ إِلَى الصَّدَاقَةِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْهَا فَلَا تَنْسُبْهُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الصَّدَاقَةِ فَأُولَئِكَ أَنْ تَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَ عَلَانِيَتُهُ لَكَ وَاحِدَةً وَ الثَّانِي أَنْ يَرَى زَيْنَكَ زَيْنَةً وَ شَيْنَكَ شَيْنَةً وَ الثَّالِثُ أَنْ لَا تُغَيِّرَهُ عَلَيْكَ وَ لَا يَمَالَ وَ الرَّابِعُ أَنْ لَا يَمْنَعَكَ شَيْئاً تَنَالَهُ مَقْدَرَتُهُ وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخُصَالَ أَنْ لَا يُسَلِّمَكَ عِنْدَ التَّكْبَاتِ.

امام صادق علیه السلام: دوستی مرزهایی دارد که هر کس همه یا برخی از آنها را داشته باشد، دوست است وگرنه او را اصلاً دوست مشمار: نخست این که ظاهر و باطنش با تو یکی باشد؛ دوم این که آبروی تو را آبروی خودش داند و عیب و بی آبرویی تو را عیب و بی آبرویی خودش؛ سوم این که مقام و مال او را نسبت به تو عوض نکند؛ چهارم این که هر کمکی از دستش بر می‌آید از تو دریغ نکند؛ و پنجم که در بردارنده همه این خصلتهاست، این که در هنگام گرفتاری‌ها تو را تنها نگذارد.

الكافي، ج ۲، ص ۶۳۹ / الخصال، ج ۱، ص ۲۷۷

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ التَّهْدِيُّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عُمَرَ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي خَالِدٍ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ تَرِيذِ بْنِ خَالِدِ التَّيْسَابُورِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الأمالي (للصدوق)، ص ۶۶۹

سند امالی: حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ التَّهْدِيُّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي تَرِيذُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ التَّيْسَابُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ

بحث کنیم؟! در حالی که تعریف کینز (Keynes) مانند تعریف یک کودک ۸-۹ ساله‌ای است که با یک فهم پایین وارد بحث شده است! و مثلاً به او گفته‌ایم که نظر شما راجع به زمین چیست؟ او هم با توجه به درک خودش از زمین یک پاسخی به ما می‌دهد. حال آیا این صحیح است که ما برویم در دانشگاه‌ها بحث کنیم و بگوییم تعریف پسر از زمین این است؟! خب؛ آخر مگر پسر شما چقدر از زمین درک دارد که شما آن را دائماً تکرار می‌کنید؟! این [تمثیلی از] وضعیت دانشگاه‌های ما در آخرالزمان است! دائماً تکرار می‌کنند: آقای کینز (Keynes) از پس انداز این تعریف را ارائه کرده است.

حالا ما هم با افتخار می‌گوییم: امامان ما عليهم السلام هم یک تعریف توسعه‌یافته‌ای از "پس انداز" دارند که اولاً: پول نیست، بلکه پول بخشی از پس انداز است. ثانیاً: خیلی از چیزهای دیگری هم وجود دارد که پس انداز است [ولی کینز (Keynes) آن را ندیده است]. مهم‌ترین پس انداز هم خود خداوند متعال است. خدا را راضی نگه داریم، خدا

تحف العقول، ص ۳۶۶ / مشکاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۸۳

الوافي، ج ۵، ص ۵۷۳ / وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۲۵ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۴۹ / مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۳۰

عن علي عليه السلام: لا يكونُ الصديقُ صديقاً حتى يحفظَ أخاه في ثلاث: في نكبه [بليته]، وغيبته، ووفاته.

امام علی علیه السلام: دوست نباشد مگر آن که در سه جا مراقب برادرش باشد: در گرفتاریش، در غیابش، و بعد از مردنش.

نهج البلاغه، ص ۴۹۴ (حکمت ۱۳۴) / خصائص الأئمة عليهم السلام، (سیدالرضی) ص ۱۰۳ / إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمي)، ج ۱، ص ۱۹۳

غررالحکم و دررالکلم، ص ۷۸۶ / تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۲۱ / عیون الحکم و المواعظ (للثیثی)، ص ۵۴۱ (فیه "بلیته" بدل "نکبه")

وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۲۶ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۶۳

عن علي عليه السلام: الصديقُ الصدوق: من نصحك في عيبك، و حفظك في غيبك، و أتركك على نفسك.

امام علی (علیه السلام): دوست راستین، کسی است که تو را در بر طرف کردن عیبهایت راهنمایی کند، در غیابت مواظب تو باشد و تو را بر خودش ترجیح دهد.

غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۰۴ / تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۲۴

عن علي عليه السلام: أخوك الصديق من وقاك بنفسه، وأتركك على ماله وولده وعرضه.

امام علی علیه السلام: برادر راستین تو کسی است که خود را سپر تو گرداند و تو را بر مال و فرزند و زن خویش ترجیح دهد.

تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۱۵ / عیون الحکم و المواعظ (للثیثی)، ص ۱۲۷ و ۷۱

الإمام الصادق عليه السلام: يُمتحنُ الصديقُ بثلاثِ خصالٍ، فإن كان مُؤتياً فيها فهو الصديقُ المصافي، و إلا كان صديقاً رخواً لا صديقاً شدةً: تبتغي منه مالا، أو تأمنه على مالي، أو تُشاركه في مكروه.

امام صادق علیه السلام: دوست با سه چیز آزموده می‌شود: اگر در آنها همراهی کرد، دوست یکرنگ است و اگر نه دوست دوران خوشی است، نه دوست دوران سختی: از او مالی بخواهی، یا او را بر مالی امین کنی، و یا در سختی و ناخوشی او را شریک خود گردانی.

تحف العقول ج ۱ ص ۳۱۷

عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۸۵۵ / بحار الانوار ج ۷۵ ص ۲۲۹

پس انداز توسل! خدا ذخیره تو برای روزهایی است که دچار مشکل (اعم از مشکلات مالی و غیرمالی) می‌شوی!
این هم یک اشکال.

۴/۲. تنقیح مفهوم "هدایت نقدینگی به سمت تولید" (با تعریف کینز (Keynes))؛

دومین مفهوم معارض با مفهوم "انفاق"

می‌خواهم یک مقدار بحث را جلوتر ببرم: کینز (Keynes) در ادامه تعریفش می‌گوید: این پس‌انداز را قرار است سرمایه‌گذاری کنید. (یعنی مفهوم "هدایت نقدینگی" را از اینجا متولد می‌کند) بنابراین: پس‌انداز، باقیمانده پول شماست که می‌توانید در آینده آن را سرمایه‌گذاری کنید.

حالا [این باقیمانده پول خود را] کجا سرمایه‌گذاری کنیم؟ می‌گوید: در بخش تولید. حالا این سرمایه‌گذاری درآمد در بخش تولید چه اشکالاتی دارد؟ من برای "هدایت نقدینگی" یا "سرمایه‌گذاری باقیمانده پس‌انداز"، چهار مشکل را عرض می‌کنم:

۴/۲/۱. تقویت و گسترش تولید صنعتی؛ ثمره و لازمه هدایت نقدینگی به سمت تولید

[اولین اشکال: شما وقتی پس‌انداز خود را در حساب بانکی سرمایه‌گذاری می‌کنید، در واقع "تجمیع سرمایه" اتفاق می‌افتد. یعنی: سرمایه‌های خرد شما (مثلاً ۱۰۰ میلیون، یا ۲۰۰ میلیون، یا ۵۰ میلیون) سرهم تبدیل به چند ده میلیارد سرمایه می‌شود و مثلاً در حساب بانک صادرات قرار می‌گیرد. بانک صادرات این [سرمایه کلان] را کجا توزیع می‌کند؟ می‌گویند: بهتر است این را در بخش "تولید" سرمایه‌گذاری کنیم. یعنی: به یک "بنگاه صنعتی" بسپاریم. پس دقت کنید که ثمره "هدایت نقدینگی به سمت تولید"، در نهایت منجر به "تقویت صنایع" ما می‌شود.

۴/۲/۱/۱. گسترش بی‌عدالتی؛ اولین اشکال هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی

۴/۲/۱/۱/۱. واگذاری سرمایه‌های تجمیع‌شده توسط بانک‌ها به سرمایه‌داران و در نتیجه در اختیار قرار گرفتن

گردش اعتبارات و سود بنگاه‌های تولیدی صنعتی به نفع آنها؛ علت گسترش بی‌عدالتی با هدایت نقدینگی به سمت

تولید صنعتی

حال چه اتفاقی می‌افتد؟ اولین اتفاقی که می‌افتد این است که به عنوان مثال: بانک با آن پولی که تجمیع شده است، به یک سرمایه‌گذار وام می‌دهد، او هم با آن پول یک شرکت لبنیاتی (مثلاً شرکت لبنیاتی "کاله")^{۷۸} می‌زند.

۷۸. **ارجاع پردازشی:** برند کاله باهدف بهبود و ارتقای سطح سبب غذایی مردم ایران در سال ۱۳۶۶ تأسیس شد. نتیجه فعالیت‌های انجام‌شده در این مجموعه طی سال‌های گذشته که همگی در راستای ارتقای سبب غذایی هم‌وطنان و سرفرازی ایران اسلامی است، این برند را در جایگاه ۴۸ام صنایع غذایی در جهان (به گزارش یورو مانیتور)، برند محبوب و برتر و ۷ سال تنها صادرکننده نمونه در فرآورده‌های لبنی در ایران قرار داده است. کاله با جذب روزانه ۳ لیتر شیر فعالیت خود را آغاز کرد و امروز بیش از ۲۵۰۰ تن جذب شیر روزانه دارد؛ که این موضوع باعث تولید روزانه بیش از ۲۶۵۰ تن انواع فرآورده‌های لبنی می‌شود. در این فرآیند تولید، ۴۰۰۰ نفر به‌صورت روزانه در بخش‌های مختلف فعالیت دارند تا محصولات نهایی به دست مصرف‌کنندگان برسد. کاله توانایی تولید ۴۰۰۰ تن پنیر را دارد و توانسته محصولات متنوع که در خارج از کشور تولید می‌شود را با در اختیار داشتن متخصصان حرفه‌ای تولید و در اختیار ایرانیان قرار دهد.

منبع: گروه صنایع غذایی سولیکو کاله

بعد این شرکت می‌آید: ماست، شیر، پنیر، دوغ و همه این محصولات لبنیاتی را تولید می‌کند.^{۷۹} وقتی یک شرکت لَبَن (شیر) طراحی و راه‌اندازی می‌شود، گردش اعتبارات لبنیات در اختیار صاحبان آن شرکت قرار می‌گیرد و صاحبان آن شرکت به عدد هر ماست، پنیر و یا هر خامه‌ای که مصرف می‌شود، یک سودی به دست می‌آورند. حالا این را مقایسه کنید با وقتی که لبنیات را به نحو غیرمتمرکز (یعنی به نحو کارگاهی و محله‌ای) تولید کنیم؛ که در این صورت، گردش اعتبارات ناشی از تولید لبنیات بین صد کارگاه توزیع می‌شود. اگر خانگی هم باشد، توزیع گردش اعتبارات منطقی‌تر می‌شود. یعنی چه؟ یعنی ما به عدالت نزدیک‌تر می‌شویم.

من می‌گویم: وقتی شما "تولید صنعتی" راه می‌اندازید، در واقع جامعه را به سمت "بی‌عدالتی" سوق می‌دهید. اینجا مثال لبنیات را زدیم؛ ولی شما در سایر حوزه‌ها هم می‌توانید این اصل را تطبیق دهید. مثلاً به جای اینکه گوشت شهر اصفهان را ۳۰ یا ۵۰ روستا تأمین کنند، دو دامشهر راه‌اندازی می‌کنید. درست است که [در صورت تأمین گوشت توسط دامشهر] همه مردم گوشت مصرف می‌کنند ولی گردش اعتبارات گوشت در اختیار چه کسی قرار می‌گیرد؟ در اختیار دامشهر قرار می‌گیرد.^{۸۰} اما اگر قرار شد صد روستا گوشت شهر اصفهان را تأمین کنند، گردش اعتبارات در اختیار صد روستا قرار می‌گیرد. ببینید؛ "عدالت"، از "الگوی تولید" پایه‌گذاری می‌شود.

۴/۲/۱/۱/۲. تلاش برای تحقق عدالت از طریق بازتوزیع درآمدها در الگوی تولید صنعتی؛ افسانه‌ای تحقق‌نیافته در کشورهای توسعه‌یافته دنیا برای تحقق عدالت در بخش تولید

البته مثل بقیه بحث‌هایی که در اقتصاد موجود است، در اینجا هم موضوعی را مطرح می‌کنند و می‌گویند: ما عدالت را از روش "بازتوزیع درآمدها" محقق می‌کنیم. از نظر ما همان قدر که "افسانه جومونگ" افسانه بود، این

<https://kalleh.com/about/>

۷۹. این هم متأسفانه یکی از اقلام پرمصرف است و مردم در زمستان اینها را مصرف می‌کنند. حتی در بیمارستان به زنی که تازه فارغ شده هم ماست می‌دهند و مصرفش خیلی فراگیر است. حالا من به حوزه سلامت اشکالی نمی‌کنم که لبنیات با شکل فعلی چه ضربه‌هایی به سلامت انسان وارد می‌کند! این را بعداً جای دیگر بحث می‌کنیم. اما کار دیگری که رقم می‌خورد این است که...

انتقال از متن

۸۰. **ارجاع پردازشی:** برای نمونه: سرپرست معاونت بهبود تولیدات دامی سازمان جهاد کشاورزی قم عنوان کرد: دامشهر قم یکی از بزرگترین مجتمع‌های پرواربندی کشور است / ۱۲ هزار تن دام سبک و سنگین در قم تولید شده است. همت گفت: مجتمع دامشهر قم دارای یک هزار و ۲۷۸ واحد شامل ۵۷۱ واحد پرواربندی گوساله به ظرفیت ۳۹ هزار و ۲۶۰ راس و ۷۰۷ واحد پرواربندی گوسفند به ظرفیت ۱۳۴ هزار و ۱۰۰ راس در هر دوره پروار است. به گزارش گروه استان‌های باشگاه خبرنگاران جوان از قم، علی اصغر همت سرپرست معاونت بهبود تولیدات دامی سازمان جهاد کشاورزی قم گفت: ۱۲ هزار تن دام سبک شامل گوسفند و بز و ۲۸ هزار تن دام سنگین شامل گاو و گوساله پرواری و شتر تولید شده است.

منبع خبر: باشگاه خبرنگاران جوان

<https://b2n.ir/a03441>

حرف‌ها هم افسانه است! چون الان در این کشورهای توسعه‌یافته مثل آمریکا، "عدالت" از طریق "باز توزیع درآمدها" محقق نشده است. صاحبان کشور آمریکا، وال استریتی‌ها (Wall Street) هستند. گفته می‌شود که: دو درصد مردم آمریکا، عمده سرمایه این کشور را در اختیار دارند! یعنی ۹۸ درصد ثروت آمریکا در اختیار اینهاست! پس چرا باز توزیع درآمدها به عدالت محقق نشد؟ ما می‌گوییم: این تحلیل، از ابتدا یک تحلیل فریبنده بوده است. حتی در جاهایی که منجر شده بود که دولت رفاه به وجود بیاید، عملاً دولت رفاه، به فروپاشی در انگلستان و در جاهای دیگر رسیده است.

۴/۲/۱/۱/۳. تقویت و گسترش الگوی تولید خانگی و محلی؛ راهکار اصلی تحقق عدالت در بخش تولید

اما یک زمانی شما می‌گویید من "عدالت" را از پایگاه "تولید" شروع می‌کنم، پس الگوی تولید صنعتی را نمی‌پذیرید به جایش یک الگوی تولید خانگی یا کارگاهی یا محله‌ای و تولید غیرمتمرکز را می‌پذیرید. بعضی می‌گویند: این [تولید خانگی و محلی] در صنایع بزرگ قابل تحقق نیست. که در جواب می‌گوییم: حداقل در صنایع غذایی (که ۶۰ درصد صنایع ایران است)^{۸۱} که قابل تحقق است. هرچند اگر دقت کنید می‌بینید که در صنایع بزرگ هم قابلیت تحقق دارد؛ [مثلاً بدین صورت که: به جای اینکه شما مثلاً قطعات ماشین را یا قطعات صنایع بزرگ را به کارخانه‌ها بدهید که تولید کنند، این را می‌توانید به کارگاه‌های ماهر [کوچک] واگذار کنید تا آنها هم در گردش اعتبارات صنایع بزرگ سهم شوند.

بنابراین می‌بینید که بحث ما در حال تنقیح شدن است؛ [به این بیان که: وقتی اصطلاح "هدایت نقدینگی به سمت تولید" را به کار می‌برند، یعنی می‌خواهند شما را هم در فرآیند بی‌عدالتی جامعه شریک کنند! اگر به این موضوع فکر کنیم، آرام‌آرام به این نکته می‌رسیم که: وقتی من پول [و درآمد خود] را در بانک می‌گذارم، در حال کمک به فقیرتر شدن فقراء و غنی‌تر شدن اغنیاء هستیم!

۸۱. **ارجاع پردازشی:** آخرین آمار منتشر شده مرکز آمار ایران از کارگاه‌های صنعتی فعال کشور در سال ۱۳۹۴ گویای آن است که تعداد ۲ هزار و ۵۴۰ کارگاه صنعتی غذایی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در کشور فعال هستند که ارزش افزوده‌ای معادل ۱۴۴ هزار میلیارد ریالی را برای اقتصاد ایران رقم زده‌اند، که بیش از ۱۲ درصد از ارزش افزوده کل بخش صنعت را به خود اختصاص داده است. صنایعی چون تولید روغن و چربی حیوانی و نباتی خوراکی، تولید فرآورده‌های لبنی، تولید آرد غلات و حبوبات، عمل‌آوری و حفاظت میوه‌ها و سبزی‌ها از فساد، تولید قند و شکر و تولید نان شیرینی و بیسکویت، در میان صنایع غذایی با بیشترین ارزش افزوده در آن قرار دارند. تعداد شاغلان صنایع غذایی ایران نیز از ۱۶۶ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ با رشد چشمگیر ۳۰ درصدی به بیش از ۲۱۶ هزار نفر در سال ۹۴ رسیده است، این درحالی است که تعداد افراد شاغل در کل بخش صنعت ایران در این دوره با رشد ۱۸ درصدی مواجه بوده است. آمارها نشان‌دهنده آن هستند که بیشترین سهم اشتغال در میان حوزه‌های مختلف صنایع غذایی کشور به تولید فرآورده‌های لبنی اختصاص دارد، به طوری که این صنایع سهم بیش از ۴۸ هزار نفری در ایجاد اشتغال صنعت غذای کشور ایفا کرده‌اند.

۴/۲/۱/۲. افزایش آلودگی محیط زیست؛ دومین اشکال هدایت نقدینگی به سمت

تولید صنعتی

۴/۲/۱/۲/۱. گسترش بسته‌بندی‌های صنعتی و ایجاد فاجعه جزایر پلاستیک؛ یکی از علل افزایش

آلودگی محیط زیست با هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی

اشکال دوم این است که: اگر شما "هدایت نقدینگی به سمت تولید" را پذیرفتید، محیط‌زیست آلوده‌تر می‌شود. چرا؟ چون در "تولید صنعتی غذا"، شما به "بسته‌بندی صنعتی" نیاز دارید؛ بنابراین با هر محصول غذایی که مصرف می‌کنید، یک زباله جدید تولید می‌کنید. شخصی را فرض کنید که یک آب‌معدنی، یک کنسرو، آب‌میوه یا یک قالب پنیر یک‌نفره در روز مصرف می‌کند؛ این یعنی روزی چهار واحد زباله تولید کرده است. وقتی غذا را صنعتی می‌کنید، یعنی با هر وعده غذایی چند واحد زباله تولید می‌کنید. خب؛ این را ضرب در جمعیت هر کشوری کنید ببینید چقدر زباله تولید می‌شود. حالا از نتایجش این شده که: در اقیانوس آرام به‌اندازه مساحت کشور جمهوری اسلامی ایران زباله پلاستیکی جمع شده است! که به آن "جزایر پلاستیک" می‌گویند.^{۸۲} الان در رودخانه‌ها هم

۸۲. **ارجاع پردازشی:** The Pacific Garbage Patch is a floating island of trash, plastic bags and bottles in the northeast Pacific Ocean. The size of this floating garbage island is larger than the combined area of the three countries of France, Germany and Spain. «توده عظیم زباله اقیانوس آرام»، جزیره شناوری است از زباله و کیسه‌های پلاستیکی و بطری در شمال شرقی اقیانوس آرام. وسعت این جزیره شناور زباله‌ای بزرگتر از مجموع مساحت سه کشور فرانسه، آلمان و اسپانیاست.

منبع: خبرگزاری بین‌المللی یورو نیوز Euronews

<https://b2n.ir/m47481>

یک لکه متشکل از زباله در اقیانوس آرام، به بزرگترین ناحیه در میان پنج منطقه بزرگ تجمع پلاستیک در اقیانوس‌های جهان تبدیل شده است. محل دقیق این لکه حد وسط جزایر هاوایی و ساحل کالیفرنیا است. مساحت این لکه، ۱۰۶ میلیون کیلومتر مربع تخمین زده می‌شود؛ یعنی به اندازه مساحت ایران یا سه برابر مساحت فرانسه. سالانه بطور تخمینی بین ۱۰۱۵ تا ۲۰۴۱ میلیون تن پلاستیک از طریق رودخانه‌ها وارد اقیانوس‌ها می‌شود.

منبع: پایگاه خبری تابناک جوان

<https://b2n.ir/j08466>

سازمان ملل اصل تدوین یک معاهده الزام آور برای مقابله با آلودگی پلاستیکی را تصویب کرد / مجمع محیط زیست سازمان ملل متحد روز چهارشنبه دو مارس (۱۱ اسفند ۱۴۰۰) اصل تدوین یک معاهده بین‌المللی «الزام‌آور» علیه آلودگی‌های پلاستیکی را تصویب کرد. اعضای مجمع محیط زیست سازمان ملل که بالاترین نهاد بین‌المللی در این موضوعات است در شهر نایروبی، پایتخت کنیا گرد هم آمدند و طرحی را برای ایجاد «کمیته مذاکره بین دولتی» که مسئول تدوین متنی تا سال ۲۰۲۴ است، تصویب کردند. «کمیته مذاکره بین دولتی» طیف وسیعی از موضوعات را پیش رو دارد که می‌تواند شامل «کل چرخه حیات پلاستیک» از تولید و استفاده پایدار تا مدیریت زباله، استفاده مجدد یا بازیافت شود. این موضوع همچنین شامل آلودگی‌ها پلاستیک‌ها و میکروپلاستیک‌ها در خشکی و دریا می‌شود.

طبق گزارش‌ها، حدود ۴۶۰ میلیون تن پلاستیک در سال ۲۰۱۹، در سراسر جهان تولید شده است که ۳۵۳ میلیون تن زباله تولید کرده‌اند که کمتر از ۱۰ درصد آن در حال حاضر بازیافت می‌شوند و ۲۲ درصد آن‌ها در محل‌های دفن زباله به صورت کنترل نشده رها شده‌اند یا در هوای آزاد سوزانده می‌شوند و یا در محیط ریخته می‌شوند.

پلاستیک می بینید، در کوه‌ها هم پلاستیک می بینید. قرآن می فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»^{۸۳} یکی از مصادیق [ظهور فساد در دریا و خشکی] این است: «ظَهَرَ پلاستیک فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ!» چرا؟ چون شما گفتید تولید صنعتی غذا به صرفه است. حالا چه باید کرد؟ باید به "تولید محله‌ای و خانگی" غذا اصالت داد. در تولید محله‌ای و خانگی غذا، بسته‌بندی‌های یک‌بار مصرف موضوعیت ندارد یا کمتر موضوعیت دارد.

در اینجا یک انتقادی هم به محصولات طب اسلامی و محصولات طیب مطرح کنم: این دوستان آمده‌اند شعار تولید محصولات طیب را زنده کرده‌اند و الحمدلله به توسعه سلامت کمک کرده‌اند؛ ولی بسته‌بندی‌هایشان همان مدل بسته‌بندی‌های صنعتی است. یعنی الان شما آویشن و سویق هم بخورید زباله تولید می کنید. متأسفانه این بخش در عطاری‌ها و فروشگاه‌های طیبات ما شبیه نظام سرمایه‌داری شده است. به‌رحال ما نمی‌توانیم بسته‌بندی صنعتی را بپذیریم، چرا که اگر این کار را انجام دادیم، محیط‌زیست از دست خواهد رفت. کما اینکه الان از دست رفته است.

به این بحث، "آلودگی منابع آبی" به وسیله پسماند کارخانه‌ها، "آلودگی هوا" به خاطر ماشین‌ها و کارخانه‌ها، و "آلودگی‌های صوتی" را هم اضافه کنید. یعنی مجموعه‌ای از آلودگی‌ها در اثر تولید صنعتی به وجود آمده است؛ بنابراین اگر کسی پول خودش را در بانک گذاشت و خلاصه هدایت نقدینگی و هدایت سرمایه‌های خودش را به سمت تولید صنعتی پذیرفت، یعنی در تخریب محیط‌زیست مشارکت کرده است.

۴/۲/۱/۳. گسترش بیماری‌ها؛ سومین اشکال هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی

۴/۲/۱/۳/۱. از بین رفتن اصل تازه خوری غذا (گسترش تولید و مصرف کنسروبیجات) و استفاده

از مواد نگهدارنده در تولید صنعتی غذا؛ دو علت مهم در گسترش بیماری‌ها در تولید صنعتی

سومین حیث تنقیح مسئله هدایت نقدینگی این است که: اگر شما "هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی" را بپذیرید، "اصل تازه خوری" از بین خواهد رفت و اضافه شدن "مواد نگهدارنده" به غذا را هم پذیرفته‌اید. می‌دانید غذای صنعتی، نوعی "غذای پخته" است. غذای پخته، ماندگاری‌اش حداقل یک روز است. در روایات توصیه

منبع: خبرگزاری بین‌المللی یورونیوز (euronews)

<https://b2n.ir/h39470>

۸۳. ارجاع پژوهشی: ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (سوره مبارکه روم، آیه ۴۱) در خشکی و دریا به سبب اعمال زشتی که مردم به دست خود مرتکب شدند، فساد و تباهی نمودار شده است تا [خدا کیفر] برخی از آنچه را انجام داده‌اند به آنان بچشانند، باشد که [از گناه و طغیان] برگردند.

نظریه فقهی انفاق

شده است که "غذای عتیق و مانده" مصرف نکنید،^{۸۴} مگر موارد استثناء را مثل آلو.^{۸۵} اما اصل بر این است که آدم‌ها تازه‌خور باشند. مثلاً گوشت گوسفند را شما باید تا سه روز مصرف کنید و بعد از سه روز خاصیت‌های غذایی گوشت گوسفند کم می‌شود.^{۸۶} سبزیجات که کاملاً تازه هستند و بلافاصله بعد از چیده شدن باید مصرف شوند. به هر حال در اهمیت تازه‌خوری خیلی روایت داریم.

۸۴. **ارجاع پژوهشی:** مثلاً در مورد "شیر" مهمترین ویژگی مطرح شده در روایات، وصف "تازه بودن آن" است؛ که این وصف با تولید صنعتی شیر نقض می‌شود.

عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام: شكا نبي من الأنبياء إلى الله عز وجل الضعف، فقيل له: اطبخ اللحم باللبن؛ فأنتهما يشدان الجسم. قال: فقلت: هي المضيرة. قال: لا، ولكن اللحم باللبن الحليب.
به نقل از عبد الله بن سنان: امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبری از پیامبران، از ضعف، به درگاه خداوند عز و جل شکایت برد. پس به او گفته شد: گوشت را در شیر بپز؛ چرا که این دو، جسم را استحکام میدهند». گفتم: این، همان غذایی است که «مضیره» نام دارد؟ فرمود: «نه؛ بلکه گوشت همراه با شیر تازه است».

کافی، ج ۶، ص ۳۱۶ / محاسن، ج ۲، ص ۴۶۷

نکته: مضیره غذایی است پختنی که از شیر مانده و ترش شده درست می‌شود.

مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۷۰۲

قال الإمام الكاظم عليه السلام: «من تغيّر عليه ماء ظهره، يتفح له اللبن الحليب بالعسل».
امام کاظم علیه السلام فرمود: هر کس آب کمرش بر وی دگرگون شود، شیر تازه با عسل برایش سودمند است.

کافی، ج ۶، ص ۳۳۷

عن أمير المؤمنين عليه السلام: إذا ضعف المسلم فليأكل اللحم باللبن. وفي رواية عن الصادق عليه السلام أنه اللبن الحليب.
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هرگاه مسلمانی ضعیف شد پس گوشت را با شیر بخورد. و در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: منظور شیر تازه دوشیده شده است.

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۸۱

قیومی لغوی معروف (۷۷۰ق) در معنای حلیب می گوید: «يُقَالُ لَبْنٌ حَلِيبٌ وَرُطْبٌ جَنِيٌّ لِلطَّرِيِّ مِنْهُمَا دُونَ الَّذِي بَعْدَ عَنِ الطَّرَاوَةِ»
وقتی گفته می‌شود: لبن (شیر) حلیب و رُطْب جنی به تازه آنها گفته می‌شود نه آن شیر یا خرمایی که از طراوت و تازگی دور شده باشد.

مصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۷۱

۸۵. **ارجاع پژوهشی:** عنهم ع: عَلَيْكُمْ بِالْإِجَاصِ الْعَتِيقِ؛ فَإِنَّ الْعَتِيقَ قَدْ بَقِيَ نَفْعُهُ وَدَهَبَ صَرُّهُ، وَكُلُوهُ مُقَشَّرًا؛ فَإِنَّهُ نَافِعٌ لِكُلِّ مِرَارٍ وَحَرَارَةٍ وَوَهَجٍ يَهِيحُ مِنْهَا.

طب الأئمة عليهم السلام: بر شما باد آلوی مانده؛ چرا که در مانده آن، سودش بر جای مانده و زیانش رفته است. آن را پوست کنده بخورید؛ چرا که برای هر تلخه و حرارت و افروختگی ای که از حرارت برخاسته باشد، سودمند است.

طب الأئمة عليهم السلام (ابن‌اسطام)، ج ۱، ص ۱۳۶

بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۱۸۹ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۴۰۶

۸۶. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ يَقُولُ: مَا أَكَلْتُ طَعَامًا أَبْقَى وَلَا أَهَيَّجُ لِلدَّاءِ مِنَ اللَّحْمِ الْيَابِسِ يَعْنِي الْقَدِيدِ.

ولی در تولید صنعتی تازه‌خوری موضوعیت ندارد. من وقتی کُدکس‌های آلیمنتاریوس (Codex Alimentarius)^{۸۷} را بررسی می‌کردم، دیدم یک مجموعه کُدکس در مورد کنسرو دارد.^{۸۸} در واقع برای ساخت کنسروها

امام هادی علیه السلام فرمود: هیچ خوراکی را سنگین‌تر و بیماری‌آورتر از گوشت خشک‌شده نخورده‌ام.

کافی، ج ۶، ص ۳۱۴

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ الْقَدِيدُ لَحْمٌ سَوِيٌّ لِأَنَّهُ يَسْتَرْخِي فِي الْمَعِدَةِ وَيُهَيِّجُ كُلَّ دَاءٍ وَ لَا يَنْفَعُ مِنْ شَيْءٍ بَلْ يَضُرُّهُ.
امام هادی علیه السلام فرمود: گوشت نمک‌سود خشک‌شده، بد گوشتی است؛ زیرا در معده از هم باز می‌شود، هر بیماری‌ای را بر می‌انگیزد، هیچ سودی در بر ندارد، و تنها، زیان می‌رساند.

کافی، ج ۶، ص ۳۱۴

قَالَ (احمد بن محمد بن خالد): وَ زُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ يَهْدِمْنَ الْبَدَنَ وَ زُبْمَا قَتْلَنَ: أَكْلُ الْقَدِيدِ الْغَابِ، وَ دُخُولُ الْحَمَامِ عَلَى الْبِطْنَةِ، وَ نِكَاحُ الْعَجَائِزِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز، بدن را فرسوده می‌کند و شاید هم [فرد را] بکشد: خوردن گوشت خشک‌شده فاسد، حمام رفتن با شکم پر، و همبستری با پیرزنان.

کافی، ج ۶، ص ۳۱۴ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۶ و ج ۳، ص ۵۵۵ / محاسن، ج ۲، ص ۴۶۳ / مکارم الاخلاق، ص ۱۶۰

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَيْتَانِ صَالِحَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفَ وَاحِدٍ قَطُّ فَاسِيدًا إِلَّا أَصْلَحَاهُ، وَ شَيْتَانِ فَاسِدَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفًا قَطُّ صَالِحًا إِلَّا أَفْسَدَاهُ؛ فَالْصَالِحَانِ: الرُّمَانُ، وَ الْمَاءُ الْفَاتِرُ، وَ الْفَاسِدَانِ: الْجُبْنُ، وَ الْقَدِيدُ.

امام صادق علیه السلام فرمود: دو چیز مناسب‌اند که به هیچ درون نادرستی درنیابند، مگر این که آن را به درستی آورند، و دو چیز نامناسب‌اند که به هیچ درون سالمی درنیابند، مگر این که آن را نادرست [و ناسالم] کنند. آن دو چیز مناسب، عبارت‌اند از: انار و آب فاتر؛ و آن دو چیز نامناسب نیز عبارت‌اند از: پنیر و گوشت خشک‌شده.

کافی، ج ۶، ص ۳۱۴ / محاسن، ج ۲، ص ۴۶۳

۸۷. **ارجاع پردازشی:** اصطلاح «کُدکس آلیمنتاریوس» ریشه لاتین دارد و به معنای «قانون غذا» است.

آشنایی با کُدکس مواد غذایی و استانداردهای موجود

کدکس (Codex) ریشه لاتین داشته و در لغت به مفهوم "مقررات" است. کمیسیون مقررات مواد غذایی (CAC) [Codex Alimentarius Commission]، کمیسیون مشترک دو سازمان خواربار کشاورزی (FAO) [Food Agriculture Organization] و بهداشت جهانی (WHO) [World Health Organization] می‌باشد که در سال ۱۹۶۳ به دلیل اهمیت و لزوم تدوین استانداردهای غذایی، ایجاد گردید. این کمیسیون، تدوین استانداردهای غذایی را به طور واحد و یکسان برعهده دارد و اجلاس آن هر ساله در مقر یکی از سازمان‌های مذکور برگزار می‌گردد. در حال حاضر ۱۸۶ کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران عضو این کمیسیون است.

از ویژگی‌های مهم این کمیسیون، تصویب استانداردهای جهانی مواد غذایی با رعایت مسائل ایمنی و بهداشتی مصرف‌کنندگان، تسهیل تجارت و تبادل مواد غذایی بین کشورها است و با توجه به تاکید سازمان تجارت جهانی (WTO)، رعایت این استانداردها در تجارت مواد غذایی بین کشورهای منطقه و سایر کشورهای عضو کمیسیون حائز اهمیت و موثر می‌باشد.

ایران در سال ۱۳۶۸ به عضویت این کمیسیون پیوست، که طی همان سالها به دلیل فعالیت مناسب از سوی مدیر اجرایی کدکس مورد تشویق قرار گرفت.

در اجرای مصوبات یکصد و یکمین اجلاس شورای عالی استاندارد مورخ ۸۰/۲/۱۲ که در تاریخ ۹۰/۱۲/۲۳ در جلسه کمیسیون امور زیر بنایی، صنعت و محیط زیست مورد بازنگری قرار گرفت، به منظور ساماندهی مشارکت کارشناسان و صاحب نظران و گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌ربط جمهوری اسلامی

ایران در فعالیت کمیسیون مقررات مواد غذایی (CAC) و همکاری با سایر سازمان‌های مرتبط در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای، شورای هماهنگی کدکس غذایی ایران با مشارکت وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی؛ بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ صنعت، معدن و تجارت؛ علوم، تحقیقات و فن‌آوری؛ و سازمان ملی استاندارد ایران تشکیل و فعال گردید.

آدرس مطلب: سایت رسمی سازمان ملی استاندارد ایران - <https://b2n.ir/h17191>

۸۸. ارجاع پردازشی: مثال‌هایی از استاندارد و برچسب گذاری مواد غذایی در کدکس آلیمننتاریوس:

۲۰۱۸ CCFL General Standard for the Labelling of Prepackaged Foods			
	۲۰۱۳	CCFFP Standard for Canned Salmon	CXS 3-1981
	۲۰۱۹	CCS Standard for Honey	CXS 12-1981
	۲۰۱۷	CCPFV Standard for Preserved Tomatoes	CXS 13-1981
	۲۰۱۷	CCPFV Standard for Canned Applesauce	CXS 17-1981
۲۰۲۱	CCFO	Standard for Edible Fats and Oils not Covered by Individual Standards	CXS 19-1981
	۲۰۲۱	CCFO Standard for Olive Oils and Olive Pomace Oils	CXS 33-1981
۲۰۱۷	CCFFP	Standard for Quick Frozen Finfish, Uneviscerated and Eviscerated	CXS 36-1981
	۲۰۱۸	CCFFP Standard for Canned Shrimps or Prawns	CXS 37-1991
	۱۹۸۱	CCPFV Standard for Edible Fungi and Fungus Products	CXS 38-1981
	۱۹۸۱	CCPFV Standard for Dried Edible Fungi	CXS 39-1981
	۱۹۸۱	CCEURO Regional Standard for Chanterelles	CXS 40R-1981
	۲۰۱۹	CCPFV Standard for Quick Frozen Peas	CXS 41-1981
	۱۹۸۷	CCPFV Standard for Canned Pineapple	CXS 42-1981
	۲۰۱۹	CCPFV Standard for Quick Frozen Strawberries	CXS 52-1981
		Standard for Special Dietary Foods with Low-Sodium Content (Including Salt Substitutes)	CXS 53-1981
	۲۰۱۹	CCNFSDU	
	۲۰۱۷	CCPFV Standard for Processed Tomato Concentrates	CXS 57-1981
	۱۹۸۱	CCPFV Standard for Canned Raspberries	CXS 60-1981
	۲۰۱۹	CCPFV Standard for Canned Strawberries	CXS 62-1981
	۲۰۱۳	CCPFV Standard for Table Olives	CXS 66-1981
	۲۰۱۹	CCPFV Standard for Raisins	CXS 67-1981
	۲۰۱۹	CCPFV Standard for Quick Frozen Raspberries	CXS 69-1981
	۲۰۱۸	CCFFP Standard for Canned Tuna and Bonito	CXS 70-1981
		Standard for Infant Formula and Formulas for Special Medical Purposes Intended for Infants	CXS 72-1981
	۲۰۲۰	CCNFSDU	
	۲۰۱۷	CCNFSDU Standard for Canned Baby Foods	CXS 73-1981
۲۰۱۹	CCNFSDU	Standard for Processed Cereal-Based Foods for Infants and Young Children	CXS 74-1981
	۲۰۱۹	CCPFV Standard for Quick Frozen Peaches	CXS 75-1981
	۲۰۱۹	CCPFV Standard for Quick Frozen Bilberries	CXS 76-1981
	۱۹۸۱	CCPFV Standard for Quick Frozen Spinach	CXS 77-1981
	۲۰۱۷	CCPFV Standard for Canned Fruit Cocktail	CXS 78-1981
	۲۰۱۶	CCCPC Standard for Cocoa Butter	CXS 86-1981
	۲۰۱۶	CCCPC Standard for Chocolate and Chocolate Products	CXS 87-1981

	۲۰۱۹	CCPMPP	Standard for Corned Beef	CXS 88-1981
	۲۰۱۹	CCPMPP	Standard for Luncheon Meat	CXS 89-1981
	۲۰۱۸	CCFFP	Standard for Canned Crab Meat	CXS 90-1981
	۲۰۱۷	CCFFP	Standard for Quick Frozen Shrimps or Prawns	CXS 92-1981
	۲۰۱۸	CCFFP	Standard for Canned Sardines and Sardine-Type Products	CXS 94-1981
	۲۰۱۷	CCFFP	Standard for Quick Frozen Lobsters	CXS 95-1981
	۲۰۱۹	CCPMPP	Standard for Cooked Cured Ham	CXS 96-1981
	۲۰۱۹	CCPMPP	Standard for Cooked Cured Pork Shoulder	CXS 97-1981
	۲۰۱۹	CCPMPP	Standard for Cooked Cured Chopped Meat	CXS 98-1981
	۲۰۱۷	CCPFV	Standard for Canned Tropical Fruit Salad	CXS 99-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Blueberries	CXS 103-1981
۲۰۱۶	CCCPC		Standard for Cocoa powders (cocoas) and dry mixtures of cocoa and sugars	CXS 105-1981
	۲۰۰۳	CCFH	General Standard for Irradiated Foods	CXS 106-1983
۲۰۱۶	CCFA		General Standard for the Labelling of Food Additives when sold as such	CXS 107-1981
	۲۰۱۹	CCNMW	Standard for Natural Mineral Waters	CXS 108-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Broccoli	CXS 110-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Cauliflower	CXS 111-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Brussels Sprouts	CXS 112-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Green and Wax Beans	CXS 113-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen French Fried Potatoes	CXS 114-1981
	۲۰۲۰	CCPFV	Standard for Pickled Cucumbers (Cucumber Pickles)	CXS 115-1981
	۲۰۲۱	CCSB	Standard for Bouillons and Consommé s	CXS 117-1981
۲۰۱۵	CCNFSDU		Standard for Foods for Special Dietary Use for Persons Intolerant to Gluten	CXS 118-1979
	۲۰۱۸	CCFFP	Standard for Canned Finfish	CXS 119-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Dried Apricots	CXS 130-1981
	۱۹۸۱	CCPFV	Standard for Unshelled Pistachio Nuts	CXS 131-1981
۲۰۱۶	CCCPC		Standard for Cocoa (Cacao) Mass (Cocoa/Chocolate Liquor) and Cocoa Cake	CXS 141-1983
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Dates	CXS 143-1985
	۲۰۱۷	CCPFV	Standard for Canned Chestnuts and Canned Chestnut Puré e	CXS 145-1985
			General Standard for the Labelling of and Claims for Prepackaged Foods for Special Dietary Uses	CXS 146-1985
	۲۰۰۹		CCFL	
	۲۰۱۲	CCFA	Standard for Food Grade Salt	CXS 150-1985
	۲۰۱۹	CCCPL	Standard for Gari	CXS 151-1985
	۲۰۲۱	CCCPL	Standard for Wheat Flour	CXS 152-1985
	۲۰۱۹	CCCPL	Standard for Maize (Corn)	CXS 153-1985
	۲۰۱۹	CCCPL	Standard for Whole Maize (Corn) Meal	CXS 154-1985
	۲۰۱۹	CCCPL	Standard for Degermed Maize (Corn) Meal and Maize (Corn) Grits	CXS 155-1985
	۲۰۱۷	CCNFSDU	Standard for Follow-up formula	CXS 156-1987

...

استاندارد عمومی برای برچسب گذاری مواد غذایی از پیش بسته بندی شده 2018 CCFL

- استاندارد 1981-3 CXS برای کنسرو سالمون 2013 CCFFP
- استاندارد 1981-12 CXS برای Honey CCS 2019
- استاندارد 1981-13 CXS برای گوجه فرنگی های کنسرو شده 2017 CCPFV
- استاندارد 1981-17 CXS برای سس سیب کنسرو شده 2017 CCPFV
- استاندارد 1981-19 CXS برای چربی ها و روغن های خوراکی که تحت پوشش استانداردهای فردی 2021 CCFO نیستند
- استاندارد 1981-33 CXS برای روغن زیتون و روغن تفاله زیتون 2021 CCFO
- استاندارد 1981-36 CXS برای ماهی باله ماهی منجمد سریع، 2017 CCFFP بدون احشاء و بیرون زده
- استاندارد 1991-37 CXS برای کنسرو میگو یا میگو 2018 CCFFP
- استاندارد 1981-38 CXS برای محصولات قارچی و قارچی خوراکی 1981 CCPFV
- استاندارد 1981-39 CXS برای قارچ های خوراکی خشک شده 1981 CCPFV
- استاندارد منطقه ای 1981-40R CXS برای Chanterelles CCEURO 1981
- استاندارد 1981-41 CXS برای نخود فرنگی سریع منجمد 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-42 CXS برای کنسرو آناناس 1987 CCPFV
- استاندارد 1981-52 CXS برای توت فرنگی های منجمد سریع 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-53 CXS برای غذاهای رژیمی خاص با محتوای کم سدیم (شامل جایگزین های نمک) 2019 CCNFSDU
- استاندارد 1981-57 CXS برای کنسراتره گوجه فرنگی فرآوری شده 2017 CCPFV
- استاندارد 1981-60 CXS برای کنسرو تمشک 1981 CCPFV
- استاندارد 1981-62 CXS برای کنسرو توت فرنگی 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-66 CXS برای زیتون های رومیزی 2013 CCPFV
- استاندارد 1981-67 CXS برای کشمش 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-69 CXS برای تمشک منجمد سریع 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-70 CXS برای کنسرو ماهی تن و بونیتو 2018 CCFFP
- استاندارد 1981-72 CXS برای شیر خشک و فرمول هایی برای مقاصد پزشکی ویژه در نظر گرفته شده برای نوزادان 2020 CCNFSDU
- استاندارد 1981-73 CXS برای غذاهای کنسرو شده کودک 2017 CCNFSDU
- استاندارد 1981-74 CXS برای غذاهای فرآوری شده مبتنی بر غلات برای نوزادان و کودکان خردسال 2019 CCNFSDU
- استاندارد 1981-75 CXS برای هلوهای منجمد سریع 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-76 CXS برای زغال اخته سریع منجمد 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-77 CXS برای اسفناج سریع منجمد 1981 CCPFV
- استاندارد 1981-78 CXS برای کوکتل میوه ای کنسرو شده 2017 CCPFV
- استاندارد 1981-86 CXS برای کره کاکائو 2016 CCCPC
- استاندارد 1981-87 CXS برای شکلات و محصولات شکلاتی 2016 CCCPC
- استاندارد 1981-88 CXS برای CCPMPP گاو ذرت ۲۰۱۹
- استاندارد 1981-89 CXS برای ناهار گوشت 2019 CCPMPP
- استاندارد 1981-90 CXS برای کنسرو گوشت خرچنگ 2018 CCFFP
- استاندارد 1981-92 CXS برای میگوها یا میگوهای منجمد سریع 2017 CCFFP
- استاندارد 1981-94 CXS برای کنسرو ساردین و محصولات از نوع ساردین 2018 CCFFP
- استاندارد 1981-95 CXS for Quick Frozen Lobsters 2017 CCFFP

استانداردگذاری کرده است. وقتی در نظام غذایی "کنسرو" اصالت دارد، معنای واضحش اصالت داشتن "غذای پخته" است. و غذای پخته‌ای که مثلاً بعد از شش ماه مصرف شود، از نظر مفاهیم طب اسلامی دیگر ارزش

- استاندارد 1981-96 CXS برای ژامبون پخته شده CCPMPP 2019
- استاندارد 1981-97 CXS برای شانه خوک پخته شده CCPMPP 2019
- استاندارد 1981-98 CXS برای گوشت خرد شده پخته شده CCPMPP 2019
- استاندارد 1981-99 CXS برای کنسرو سالاد میوه استوایی CCPFV 2017
- استاندارد 1981-103 CXS برای بلوبری سریع منجمد CCPFV 2019
- استاندارد 1981-105 CXS برای پودرهای کاکائو (کاکائو) و مخلوط خشک کاکائو و شکر CCCPC 2016
- استاندارد عمومی 1983-106 CXS برای غذاهای تحت تابش CCFH 2003
- استاندارد عمومی 1981-107 CXS برای برچسب زدن افزودنی های غذایی در صورت فروش به عنوان CCFA 2016
- استاندارد 1981-108 CXS برای آبهای معدنی طبیعی CCNMW 2019
- استاندارد 1981-110 CXS برای بروکلی سریع منجمد CCPFV 2019
- استاندارد 1981-111 CXS برای گل کلم سریع منجمد CCPFV 2019
- استاندارد 1981-112 CXS برای کلم بروکسل سریع منجمد CCPFV 2019
- استاندارد 1981-113 CXS برای لوبیاهای سبز و مومی سریع منجمد CCPFV 2019
- استاندارد 1981-114 CXS برای سیب زمینی سرخ شده فرانسوی سریع منجمد CCPFV 2019
- استاندارد 1981-115 CXS برای خیارشور (خیاری ترشی) CCPFV 2020
- استاندارد 1981-117 CXS برای Bouillons and Consommés CCSB 2021
- استاندارد 1979-118 CXS برای مواد غذایی برای استفاده در رژیم غذایی خاص برای افراد غیر قابل تحمل به گلوتن CCNFSDU 2015
- استاندارد 1981-119 CXS برای کنسرو Finfish CCFFP 2018
- استاندارد 1981-130 CXS برای زردآلو خشک CCPFV 2019
- استاندارد 1981-131 CXS برای پسته بدون پوست CCPFV 1981
- استاندارد 1983-141 CXS برای توده کاکائو (کاکائو) (الکل کاکائویی / شکلاتی) و کیک کاکائویی CCCPC 2016
- استاندارد 1985-143 CXS برای تاریخ های CCPFV 2019
- استاندارد 1985-145 CXS برای کنسرو شاه بلوط و پوره شاه بلوط کنسرو شده CCPFV 2017
- استاندارد عمومی 1985-146 CXS برای برچسب زدن و ادعاهای مربوط به غذاهای از پیش بسته بندی شده برای مصارف رژیمی خاص CCFL 2009
- استاندارد 1985-150 CXS برای نمک درجه مواد غذایی CCFA 2012
- استاندارد 1985-151 CXS برای Gari CCCPL 2019
- استاندارد 1985-152 CXS برای آرد گندم CCCPL 2021
- استاندارد 1985-153 CXS برای ذرت (ذرت) CCCPL 2019
- استاندارد 1985-154 CXS برای کنجاله کامل ذرت (ذرت) CCCPL 2019
- استاندارد 1985-155 CXS برای کنجاله ذرت جوانه زده (ذرت) و بلغور ذرت (ذرت) CCCPL 2019
- استاندارد 1987-156 CXS برای فرمول پیگیری CCNFSDU 2017

...

غذایی ندارد. و اینها برای اینکه غذای پخته ظاهرش حفظ شود به سمت استفاده حداکثری از مواد نگهدارنده می‌روند. پس غذای صنعتی، از حیث غذای پخته بودن و از حیث داشتن مواد نگهدارنده، برای سلامت انسان مضر است؛ بنابراین هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی یعنی اقدام علیه سلامت عمومی. نه تنها ثواب ندارد بلکه عقاب هم دارد. یعنی همه آنهایی که پول در بانک می‌گذارند، در فشارخون^{۸۹} و بیماری‌های قلبی عروقی^{۹۰} و سرطان و همه این‌ها شریک‌اند!

۴/۲/۱/۴. گسترش اسراف در انرژی؛ چهارمین اشکال هدایت نقدینگی به سمت

تولید صنعتی

بحث دیگری که در تولید صنعتی مطرح است، بحث "گسترش اسراف" است. ما با کمک بعضی از کارشناسان محاسباتی انجام داده‌ایم. می‌گوییم تولید صنعتی غذا، میزان مصرف انرژی در دنیا را ارتقاء جدی داده است. یعنی فقط به خاطر تولید صنعتی غذا، چه در فرایند تولیدش، چه در فرایند بسته‌بندی و نگهداری و چه در فرایند انتقال آن، شما باید دائماً از "یخچال" استفاده کنید. خب؛ این یخچال هم برق مصرف می‌کند و میزان مصرف انرژی را بالا می‌برد. خود آن کارخانه‌ها هم برق زیادی استفاده می‌کنند. درحالی‌که شما اگر بروید به سمت تولید غذای خانگی، لااقل میزان مصرف انرژی در بخش نگهداری حذف می‌شود. ولی الان به خاطر فرهنگ غذای صنعتی، در خود خانه‌ها هم یخچال وجود دارد. اگر این فرهنگ "تازه‌خوری" احیاء شود، یخچال تبدیل به یک کالای کم‌مصرف می‌شود. کم‌کم ممکن است برای خانواده‌های پیشرفته هم حذف شود. آن‌وقت در نسل آینده

۸۹. **ارجاع پردازشی:** نمکی وزیر بهداشت تاکید کرد: اصلاح شیوه زندگی مردم در مدرسه شکل می‌گیرد. در مدرسه دانش آموز می‌آموزد که تغذیه سالم چیست و چاقی و اضافه وزن می‌تواند عامل دیابت و پرفشاری خون زودرس باشد. از ۳۸۰ هزار مورد مرگ و میر سالانه در سالهای اخیر، ۹۷ هزار مورد مربوط به فشارخون بالا بوده است. الان این همه برای کرونا و مرگ و میر بالای کرونا غصه می‌خوریم متوجه نیستیم که سالانه ۱۰۰ هزار نفر به وسیله قاتل خاموشی به نام پرفشاری خون، جان خود را از دست می‌دهند. «می‌گوییم هر سه دقیقه یک ایرانی به دلیل کرونا می‌میرد اما هر دو دقیقه یک نفر به دلیل پرفشاری خون، می‌میرد که هیچ وقت هیچ کدام از ما به آن فکر نکرده‌ایم.

منبع: خبرگزاری صدا و سیما

<https://b2n.ir/t90967>

۹۰. **ارجاع پردازشی:** به گزارش روابط عمومی بهداشت، علیرغم بروز مرگ‌های منتسب به کووید-۱۹، بیماری‌های قلبی عروقی با ۱۸.۶ میلیون مرگ در سال کماکان رتبه اول علل مرگ و میر در جهان را به خود اختصاص داده‌اند. دکتر عباسعلی گفت: به مناسبت هفتم مهرماه به عنوان روز جهانی قلب، در خصوص بیماری‌های قلبی عروقی اظهار کرد: بیماری قلبی عروقی از جمله حمله‌های قلبی و سکنه‌های مغزی مسئول نیمی از بیماری‌های غیرواگیر و اولین عامل مرگ و میر در جهان بوده و تقریباً ۱۹ میلیون نفر سالانه در سراسر دنیا به علت این بیماری فوت می‌کنند. وی با تاکید به اینکه **بیماری‌های قلبی عروقی بزرگترین قاتل دنیاست**، گفت: ۶.۱۸ میلیون مرگ در سال در جهان ناشی از بیماری قلبی عروقی است و در سنین ۳۰ تا ۷۰ سال از هر ۱۰ نفر یک نفر به علت بیماری قلبی عروقی فوت می‌کنند که همچنین ۳۱ درصد تمام مرگ‌ها ناشی از بیماری قلبی عروقی است.

منبع: سایت معاونت وزارت بهداشت

<https://b2n.ir/s02107>

خانواده‌هایی با فرهنگ تازه‌خوری بالا خواهیم داشت. البته اگر باید شرایط اجتماعی هم آماده باشد، [که در اینصورت] مردم کمتر از یخچال استفاده می‌کنند؛ بنابراین هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی منجر به مصرف بیش از حد انرژی در دنیا هم شده است.

حالا خود مصرف انرژی هزینه‌های اقتصادی دارد، فضای زیستی بشر را آلوده می‌کند! مثلاً الان می‌گویند یکی از مشکلات پیش روی بشر، "گازهای گلخانه‌ای" است، البته بنده راجع به گازهای گلخانه‌ای یک بحثی دارم که باید یک وقت دیگری بگویم.

پس تعریفی که آقای کینز (Keynes) برای ما ارائه کرده بود، چهار اشکال داشت. ایشان گفته بودند که: «شما پس‌انداز کن، و این پس‌انداز را در بخش تولید سرمایه‌گذاری کن.» [ما نیز در اشکال به ایشان] عرض کردیم که: «سرمایه‌گذاری در بخش تولید" یا همان "هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی"، منجر به گسترش بی‌عدالتی، آلودگی محیط‌زیست، گسترش بیماری و گسترش اسراف در جامعه می‌شود. بنابراین [پس‌انداز و هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی] یک سیئه (گناه) است و حسنه (ثواب) محسوب نمی‌شود.»

پس دو اشکال به کینز (Keynes) وارد کردیم: (۱) اینکه پس‌انداز را واقعاً کودکانه تعریف کرده! و [به علاوه] چیزهایی که پس‌انداز واقعی برای انسان هستند را اصلاً بیان نکرده است. (۲) محل مصرف پس‌انداز را در یک جایی پیشنهاد داده است که به زندگی بشر ضربات حداکثری وارد می‌کند. و این بخش را نیز از چهار حیث بررسی کردیم.

۵. سرفصل چهارم: موارد تعارض مفهوم "انفاق" با "پس انداز" و "هدایت

نقدینگی "چیست؟"

حالا از دل سؤال قبل یک پرسشی ایجاد می‌شود که: حالا مردم با پس اندازشان چه کاری انجام بدهند؟ شما گفتید که مردم نقدینگی‌شان را به سمت تولید [صنعتی] نبرند و در آنجا سرمایه‌گذاری نکنند، حال باید بگویید که محل مصرف پس اندازشان کجا باشد؟

پاسخ مکتب کینز (Keynes) برای "پس انداز"، "هدایت نقدینگی به سمت تولید" بود. این سؤال را جواب داده بود ولی غلط جواب داده بود. ما می‌گوییم پاسخ کینز (Keynes) غلط است.

حالا پاسخ فقه چیست؟ پاسخ فقه، "انفاق" و "هدایت نقدینگی بر اساس مکانیزم انفاق" است.

بحثی که کینز (Keynes) ارائه کرده بود دو قسمت داشت: یکی اینکه: مفهوم "پس انداز" را ناقص تبیین کرده بود. دیگری اینکه: مفهوم "سرمایه‌گذاری" و "هدایت نقدینگی" را ناقص ارائه نموده بود. بنابراین به ترتیب، تعریف کینز (Keynes) را ارتقاء می‌دهیم: [در مرحله اول] "پس انداز" را از نظر اسلام بررسی می‌کنیم. و در مرحله بعد هم "هدایت نقدینگی" را از منظر آیات و روایات بحث خواهیم نمود. یعنی سعی می‌کنیم هر دو حیثی که کینز (Keynes) ناقص بحث کرده بود را با اتکاء به برخی از روایات تبیین و ارتقاء بدهیم.

۵/۱. بررسی حدود و موارد تعارض مفهوم "پس انداز" (با تعریف کینز (Keynes))

با مفهوم "انفاق" در اسلام (طبق روایت مُفَضَّل از امام صادق ع در کتاب "التمحیص" و

"تَحْفَ الْعُقُول"):

اولاً در همان بخشی که کینز (Keynes) گفته بود پول خودتان را پس انداز کنید؛ ائمه ع یک بحثی دارند که می‌فرمایند: میزان پس انداز پول، باید مشخص باشد. نباید از یک حدی جلوتر برود. من فعلاً بر مبنای تعریف کینز (Keynes) می‌گویم: باقیمانده درآمد من در اختیارم قرار گرفته است. ائمه ع می‌فرمایند: این باقیمانده را در یک حدی پس انداز کنید و بیشتر از آن پس انداز نکنید؛ چرا که اگر بیشتر از یک حدی آن را پس انداز کنید، به حکم "کنز" مبتلا خواهید شد. و یکی از آثار و نتایج [پس انداز در حد "کنز"]، "بی‌آبرویی در دنیا" و مبتلا شدن به "عذاب اخروی" است.^{۹۱}

۹۱. ارجاع پرورشی: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ!

ای اهل ایمان! یقیناً بسیاری از عالمان یهود و راهبان، اموال مردم را به باطل [و به صورتی نامشروع] می‌خورند و همواره [مردم را] از راه خدا بازمی‌دارند و کسانی را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، به عذاب دردناکی مژده ده!

۵/۱/۱. پس انداز چهار هزار درهم (معادل ۲۰۰ میلیون تومان)؛ حد مجاز پس انداز در اسلام (برای گذران مخارج جاری خانواده)

من روایت را خدمتتان بخوانم. این روایت هم در کتاب "التمحیص"^{۹۲} و هم در کتاب "تحف العقول"^{۹۳} ذکر شده است. عن المفضل عن الصادق عليه السلام: «الْمَالُ أَرْبَعَةُ أَلْفٍ»^{۹۴} می فرماید: اگر دوست دارید، مال و پولی را در اختیار

يَوْمَ يَحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَا تَفْسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ!
روزی که آن اندوخته‌ها را در آتش دوزخ به شدت گرما دهند و پیشانی و پهلو و پشتشان را به آن داغ کنند [و به آنان نهب زند] این است ثروتی که برای خود اندوختید، پس کیفر زراندوزی خود را بچشید!

سوره مبارکه توبه، آیات ۳۴ و ۳۵

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «عذاب اخروی و مذمت شدید "کنز (مال اندوزی) در غیر حق"؛ به پیوست شماره ۵ مراجعه فرمایید.

۹۲. **ارجاع پرورشی:** مرحوم علامه مجلسی (ره) در فصل اول از مقدمه کتاب شریف بحار الانوار، در ذکر اصول و مصادر کتابش (فی بیان الأصول و الكتب المأخوذ منها) در مورد کتاب شریف "التمحیص" چنین فرموده است: «... و کتاب التمحیص لبعض قدمائنا و يظهر من القرائن الجلیة أنه من مؤلفات الشيخ الثقة الجلیل ابي علي محمد بن همام و عندنا منتخب من کتاب الأنوار له قدس سره.»
«یکی از مصادر کتاب بحار الانوار: کتاب تمحیص است؛ که برای برخی از قدماء ماست و از قرائن روشن، ظاهر می‌گردد که این کتاب از تالیفات شیخ ثقه (مورد اطمینان) ابوعلی محمد بن همام [از اصحاب سرفرای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (۲۵۸-۳۳۶ هجری)] است. و به نظر ما این کتاب منتخبی از کتاب "الانوار" که از تالیفات ابوعلی محمد بن همام است، می باشد.»

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷

و همچنین ایشان در بیان وثوق و اطمینان به این کتاب (در فصل دوم از مقدمه: فی بیان الوثوق علی الكتب المذكورة و اختلافها فی ذلك) می‌فرماید: «اعلم أن أكثر الكتب التي اعتمدنا عليها في النقل مشهورة معلومة الانتساب إلى مؤلفيها ... و کتاب التمحیص متانتہ تدل علی فضل مؤلفه و إن كان مؤلفه أبا علي كما هو الظاهر فضله و توثيقه مشهوران.»

«بدان که اکثر کتبی که ما در نقل روایات به آنها اعتماد کرده‌ایم، معلوم الانتساب به مولفینشان هستند ... و متانت (و قوت متن) کتاب "التمحیص" نیز دلالت بر فضل مؤلف آن دارد. اگرچه مؤلفش -کما هو الظاهر- ابوعلی (محمد بن همام) است؛ پس فضیلت و وثاقتش هر دو مشهور است.»

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۴

۹۳. **ارجاع پرورشی:** علامه مجلسی (ره) در فصل اول و دوم از مقدمه بحار الانوار: «و کتاب تحف العقول عن آل الرسول تألیف الشيخ ابي محمد الحسن بن علي بن شعبة. و کتاب تحف العقول عثرنا منه علی کتاب عتیق و نظمه يدل علی رفعة شأن مؤلفه و أكثره فی المواعظ و الأصول المعلومة التي لا نحتاج فیها إلى سند.»

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۰ و ۲۹

۹۴. **ارجاع پژوهشی:** عن المفضل عن ابي عبد الله ع قال: الْمَالُ أَرْبَعَةُ أَلْفٍ، وَ إِنَّا عَشْرَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ كَنْزٌ، وَ لَمْ يَجْتَمِعْ عَشْرُونَ أَلْفًا مِنْ حَلَالٍ، وَ صَاحِبُ الثَّلَاثِينَ أَلْفًا هَالِكٌ، وَ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَمْلِكُ مِائَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ.

امام صادق علیه السلام: مال (حد مطلوب از مال)، چهار هزار [درهم] است. و حد کنز، دوازده هزار درهم است. و بیست هزار [درهم] از راه حلال به دست نیاید. و صاحب سی هزار [درهم] هلاک گردد. و هر کس صد هزار درهم داشته باشد، از شیعیان ما نیست.

تحف العقول ج ۱ ص ۳۳۷ / التمحیص (ابن همام اسکافی، ۳۳۶ ق)، ص ۵۰

نظریه فقهی انفاق

داشته باشید و آن را نگهدارید تا زندگی تان را با آن بچرخانید؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: «[نگهداری و پس انداز] چهار هزار درهم، خوب است؛ یعنی: چهار هزار درهم، مال (حد مطلوب مال) است.» هر دره‌می به قیمت امروز حدود ۵۰ هزار تومان می شود. پس [چهار هزار درهم] حدود ۲۰۰ میلیون تومان می شود. حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: «اگر مال کسی حدود ۲۰۰ میلیون تومان باشد، خوب است. یعنی: می تواند زندگی خودش را با آن بچرخاند.»

۵/۱/۱/۱. دارا بودن خانواده گسترده (دارای فرزندان فراوان، همراه با صله رحم گسترده و اطعام و کمک به ایتم و فقراء محل و...) نه خانواده کوچک و هسته‌ای؛ لازمه متناسب برای حد مجاز پس انداز در اسلام

یک توضیحی راجع به این روایت عرض کنم: چون الان شما خانواده‌ها را هسته‌ای [و کوچک] در نظر می گیرید، لذا می گوئید: این ۲۰۰ میلیون تومان خیلی پول زیادی است! درحالی که فرض امام صادق علیه السلام [در این روایت]، زندگی‌های خانوادگی گسترده است؛^{۹۵} بنابراین خانواده کوچک فرض روایت نیست. یعنی: سیاق روایت به ما

عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۸۱۷ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱ / بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۶۷ و ج ۷۵، ص ۲۶۳

۹۵. **ارجاع پژوهشی:** برخی از نیازها و ویژگی‌های خانواده گسترده مدنظر اهلبیت (علیهم السلام): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَرْبَعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَأَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ فَأَلْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَالْمَسْكِنُ الْوَاسِعُ وَالْجَارُ الصَّالِحُ وَالْمَرْكَبُ الْبَهِيُّ وَالْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ الْجَارُ السَّوُّءُ وَالْمَرْأَةُ السَّوُّءُ وَالْمَسْكِنُ الضَّيِّقُ وَالْمَرْكَبُ السَّوُّءُ.

پیغمبر (ص) فرمود: چهار چیز از سعادت است و چهار چیز از شقاوت، اما چهار چیزی که از سعادت است: زن صالح، خانه وسیع، همسایه خوب و مرکب راهوار، و چهار چیزی که از بدبختی است: همسایه بد، زن بد، خانه تنگ و مرکب بد. (ترجمه میرباقری)

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶
بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ: إِنَّ لِلدَّارِ شَرْفًا وَشَرَفَهَا السَّاحَةُ الْوَاسِعَةُ وَالْخُلَطَاءُ الصَّالِحُونَ. وَإِنَّ لَهَا بَرَكَةً وَبَرَكَتُهَا جُودَةٌ مَوْضِعِهَا وَسَعَةُ سَاحَتِهَا وَحُسْنُ جَوَارِ حَيْرَانِهَا.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): «برای هر چیزی شرفی است، و شرف خانه وسعت صحن و حیاط خانه و معاشران و آمیزش کنندگان صالح می باشد، و برای خانه برکتی است و برکت آن خوب بودن مکان آن و وسعت صحن و خوبی همسایگان آن است.»

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶
بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ سَلِيمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ: أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ ع كَانَ يُنْتَبَى عَلَيْهِ وَ قَالَ بَشْرٌ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ع فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فِي حَلْقَةِ بَنِي هَاشِمٍ وَ فِيهَا الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ غَيْرُهُ فَتَذَاكَرُوا عَيْشَ الدُّنْيَا فَذَكَرَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَعْنَى فُسَيْلِ أَبِي الْحَسَنِ ع فَقَالَ: سَعَةٌ فِي الْمَنْزِلِ وَ فَضْلٌ فِي الْخَادِمِ.

مفضل گوید: امام کاظم (علیه السلام) در مسجد الحرام میان حلقه‌ای از بنی هاشم بود که عباس بن محمد و جز او هم بودند و در خوشی دنیا گفتگو کردند و هر کدام چیزی درباره آن گفتند و از آن حضرت پرسش شد و فرمود: در وسعت منزل است و خوبی و فضل خدمتکار.

المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱
بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۲ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۰۰

می‌گوید که شما باید روابط فامیلی و صله‌رحم گسترده و مردم‌داری داشته باشید. در صورتی که شما الان خانواده‌هایی دارید که سال به سال سفره هم نمی‌اندازید! روابط فامیلی‌اش هم عید به عید است. خودشان هم سه نفرند؛ [با این فرض] این ۲۰۰ میلیون (که غیر از خانه و سایر املاک شماست و در حساب بانکی‌تان است) برای گذران زندگی زیاد است. ولی ۲۰۰ میلیون برای کسی که هم صله‌رحم دارد، هم اولادش زیاد است، هم فقرا و ایتام را در محله رسیدگی می‌کند؛ زیاد نیست بلکه متناسب است. بنابراین حضرت در این روایت این فرض (خانواده گسترده) را بیان می‌کنند. و می‌فرمایند که: هر کس به تعبیر زشت امروزی‌ها و به تعبیر بانکی‌اش ۲۰۰ میلیون تومان پول داشته باشد، [وضعیت خوبی است و] می‌تواند گذران زندگی کند.

۵/۱/۲. پس‌انداز دوازده هزار درهم (معادل ۶۰۰ میلیون تومان)؛ حد "کنز" (حدّ

ممنوعه و نهایی پس‌انداز) در اسلام

بعد [حضرت در ادامه همین روایت] می‌فرمایند: «إِنَّمَا عَشْرَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ كَنْزٌ»^{۹۶} یعنی: اگر کسی ۱۲ هزار درهم داشت، این به حد خطرناک "کنز" رسیده است! امام صادق علیه السلام راجع به پس‌انداز، مثل کینز (Keynes) بحث

عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ ع سُئِلَ عَنْ أَفْضَلِ عَيْشِ الدُّنْيَا فَقَالَ: سَعَةُ الْمَنْزِلِ وَكَثْرَةُ الْمُحِبِّينَ.
از بهترین زندگی دنیا از امام کاظم (علیه السلام) سوال شد؛ فرمود: وسعت منزل و فراوانی دوستان.

المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۲ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۵۱ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۰۰ / الوافی، ج ۲۰، ص ۷۹۰

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ، وَزَكَاةُ الدَّارِ بَيْتُ الضَّيَافَةِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیزی زکاتی دارد، و زکات خانه، اتاق مهمانی است.

تاریخ دمشق، ج ۴۷، ص ۳۴۴، ح ۱۰۲۴۷

کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۹۰، ح ۴۱۵۰۴

قِيلَ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَكَى يَوْمًا، فَسَأَلُوهُ عَنْ سَبَبِ بُكَائِهِ، فَقَالَ: مَضَتْ لَنَا سَبْعَةُ أَيَّامٍ لَمْ يَأْتِنَا ضَيْفٌ.

می‌گویند: روزی امیر مؤمنان علیه السلام گریه کرد. سبب گریه‌اش را از او پرسیدند. فرمود: «هفت روز است که گذشته ولی مهمانی بر ما وارد نشده است!».

إرشاد القلوب (للديلمي)، ج ۱، ص ۱۳۶

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ: مَنْ لَمْ يُكْرَمْ صَيْفُهُ فَلَيْسَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَلَا مِنْ إِبْرَاهِيمَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس به مهمانش اکرام نکند، نه از محمد (صلی الله علیه و آله) است و نه از ابراهیم.

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۵۹

۹۶. ارجاع پژوهشی: عَنْ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمَالُ أَرْبَعَةُ أَلْفٍ، وَإِنَّمَا عَشْرَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ كَنْزٌ، وَ لَمْ يَجْتَمِعْ عَشْرُونَ أَلْفًا مِنْ حِلَالٍ، وَ صَاحِبِ الثَّلَاثِينَ أَلْفًا هَالِكٌ، وَ لَيْسَ مِنْ شَيْعَتِنَا مَنْ يَمْلِكُ مِائَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ.

نظریه فقهی انفاق

نمی‌کند؛ یعنی: بسیط بحث نمی‌کند، بلکه آن را مُدَرَّج (درجه‌بندی) می‌کند. می‌فرمایند: اگر کسی پس‌اندازش به ۱۲ هزار درهم رسید، این به "حدّ کنز" رسیده است. "حدّ کنز" یعنی چه؟ یعنی: «حدّ ممنوعه پس‌انداز»،^{۹۷} یعنی: اگر به این حدّ از پس‌انداز رسید، این دیگر خطرناک است! به دو خطر مبتلا می‌شود که عرض کردم: (۱) خطر عذاب اخروی؛ چون به "مال اندوزی" و "حرص" مبتلا شده است. (۲) خطر بی‌آبرویی در دنیا؛ چون فرد متهم می‌شود که حریص، غیرقابل اعتماد و بخیل است؛ لذا در دنیا بی‌آبرو می‌شود.^{۹۸}

در مجموع؛ طبق محاسبه‌ای که انجام داده‌ایم: ۱۲ هزار درهم، حدود ۶۰۰ میلیون تومان می‌شود که "حدّ کنز" به حساب می‌آید. البته خود انسان به صورت روزانه باید محاسبه کند. درهم با نقره است پس باید با "نقره شرعی" هم محاسبه کرد. اندازه‌اش دو و خورده‌ای قیراط است^{۹۹} که این را باید محاسبه کرد. من در ماه گذشته که محاسبه کرده بودم حدود ۵۱ هزار تومان شده بود.

امام صادق علیه السلام: مال (حدّ مطلوب از مال)، چهار هزار [درهم] است. و حدّ کنز، دوازده هزار درهم است. و بیست هزار [درهم] از راه حلال به دست نیاید. و صاحب سی هزار [درهم] هلاک گردد. و هر کس صد هزار درهم داشته باشد، از شیعیان ما نیست.

تحف العقول ج ۱ ص ۳۳۷ / التمیص (ابن همام اسکافی، ۳۳۶ ق)، ص ۵۰

عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۸۱۷ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱ / بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۶۷ و ج ۷۵، ص ۲۶۳

۹۷. **ارجاع پژوهشی / پرورشی:** در مورد «حدّ ممنوعه کنز (مال اندوزی)»: علاوه بر روایتی که در متن ذکر شد (که حدّ کنز را ۱۲ هزار درهم ذکر فرمودند)؛ روایات مختلف و متنوع دیگری هم وجود دارد که حدود کنز را با ارقام دیگری بیان فرموده‌اند. جهت مشاهده روایات این موضوع و اقوال برخی از فقهاء در جمع‌بندی این روایات؛ به پیوست شماره ۶ مراجعه فرمایید.

۹۸. **ارجاع پژوهشی:** الإمام علي عليه السلام: لا يجمع المال إلا الحرص، والحرص شقي ومذموم.

امام علی علیه السلام: تنها حرص است که سبب گردآوری مال است. و انسان حریص، تیره‌بخت و نکوهیده است.

غرر الحکم، ج ۱۰۸۴۲

۹۹. **ارجاع پرورشی:** و القیراط: نصف دانق. ... القیراط جزء من أجزاء الدینار، و هو نصف عشر فی اکثر البلاد، و أهل الشام يجعلونه جزءاً من أربعة وعشرين.

هر قیراط نصف دانق است. ... قیراط جزئی از اجزاء دینار است که در اکثر بلاد نصف از ده است، و اهل شام آن را جزئی از ۲۴ قرار می‌دهند.

مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۶۷ / النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۴، ص ۴۲

درهم پولی فلزی از جنس نقره است که از صدر اسلام تا اوائل سده چهاردهم هجری واحد پولی رایج در میان مسلمانان بود. وزن آن در اصطلاح شرع و فقه، شش دانق است. با احتساب هر دانق هشت حبه جو متوسط، وزن درهم مساوی ۴۸ دانه جو خواهد بود. با این حساب، درهم کمتر از مثقال شرعی است و یک مثقال شرعی برابر است با یک درهم و سه هفتم درهم. در نتیجه هفت مثقال شرعی برابر با ده درهم خواهد بود.

... درهم به لحاظ پولی: درهم همانند دینار بر خلاف پولهای امروزی دارای ارزش ذاتی است؛ بدین جهت احکامی ویژه دارد که پولهای اعتباری ندارند. ... نقره مسکوک از اشیاء نه گانه‌ای است که زکات به آنها تعلق می‌گیرد. نصاب آن دویست درهم و زکات آن یک چهل (پنج درهم) است. با اضافه شدن هر چهل درهم بر دویست درهم، یک درهم بر زکات آن افزوده می‌شود. بنابراین، زکات ۲۴۰ درهم شش درهم خواهد بود. ... درهم یکی از شش چیزی است که دیه قتل با آنها تعیین و محاسبه می‌گردد. دیه قتل مرد مسلمان بر حسب درهم، ده هزار درهم است.

۵/۱/۳. پس انداز بیست هزار درهم (معادل یک میلیارد تومان)؛ نشانه عدم انباشت مال از حلال!

حالا [در ادامه] می‌فرمایند: «لَمْ يَجْتَمِعْ عَشْرُونَ أَلْفًا مِنْ حَلَالٍ»^{۱۰۰} ۲۰ هزار درهم از حلال برای کسی جمع نمی‌شود. یا "احتکار" انجام داده است، یا "اختلاس"! خلاصه اینکه اگر حساب‌های بانکی کسی را بررسی کردید و دیدید موجودی‌اش زیاد است بدانید که یک اتفاقی افتاده است!

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام؛ ج ۳، ص ۶۰۴

هر درهم شرعی ۱۲ / ۶ نخود است و هر نخود تقریباً ۲ / ۲ گرم است؛ پس هر درهم تقریباً ۵ / ۲ گرم است.

استفتاءات (مرحوم آیت الله العظمی بهجت (ره))، ج ۴، ص ۳۶

۱۰۰. **ارجاع پژوهشی:** عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمَالُ أَرْبَعَةُ آلَافٍ، وَ إِثْنَا عَشَرَ أَلْفَ دِرْهَمٍ كَنْزٌ، وَ لَمْ يَجْتَمِعْ عَشْرُونَ أَلْفًا مِنْ حَلَالٍ، وَ صَاحِبُ الثَّلَاثِينَ أَلْفًا هَالِكٌ، وَ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَمْلِكُ مِائَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ.

امام صادق علیه السلام: مال (حدّ مطلوب از مال)، چهار هزار [درهم] است. و حدّ کنز، دوازده هزار درهم است. و بیست هزار [درهم] از راه حلال به دست نیاید. و صاحب سی هزار [درهم] هلاک گردد. و هر کس صد هزار درهم داشته باشد، از شیعیان ما نیست.

تحف العقول ج ۱ ص ۳۳۷ / التمهیص (ابن همام اسکافی، ۳۳۶ ق)، ص ۵۰

عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۸۱۷ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱ / بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۶۷ و ج ۷۵، ص ۲۶۳

* در مورد مقدار انباشت مالی که نشانه عدم حلال بودن آن است؛ در برخی از روایات، حدود دیگری نیز بیان شده است:

عَنْهُ (الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ) عَنْ حَمَادٍ عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ... مَا جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ مِنْ حِلٍّ وَ قَدْ يَجْمَعُهَا لِأَقْوَامٍ إِذَا أُعْطِيَ الْقُوَّةَ وَ زُرِقَ الْعَمَلَ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ.

امام صادق علیه السلام: ... انسان نتواند ده هزار درهم از راه حلال به کف آورد. و گاه خدا برای برخی از اقوام چنین کند. هر گاه کسی معاشش تأمین گردد و عمل شایسته نصیبش گردد، خداوند برایش دنیا و آخرت را گرد آورده است.

تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۲۸ / التمهیص (ابن همام اسکافی، ۳۳۶ ق)، ص ۵۰

الوافی، ج ۱۷، ص ۵۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۶ / بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۶۶

مُحَمَّدُ بْنُ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَطِيَّةَ أُخِي أَبِي الْعَرَامِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ: إِنَّا لَنُحِبُّ الدُّنْيَا وَ لَا نُؤَاتَاهَا خَيْرٌ لَنَا وَ مَا أُوتِيَ عَبْدٌ مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا كَانَ أَنْقَصَ لِحَظِّهِ فِي الْآخِرَةِ ... وَ مَا جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشْرَةَ آلَافٍ مِنْ حِلِّهَا قَالَ أَبُو الْحَسَنِ دَرَاهِمٍ.

امام باقر علیه السلام: همانا ما دنیا را دوست می‌داریم، اما دنیا به ما داده نمی‌شود؛ و این برای ما خیر است. و هیچ بنده‌ای نیست که چیزی از دنیا به وی داده شود، مگر آن که از بهره آخرتش کم نهاده شود ... و هرگز کسی نتواند ده هزار درهم حلال گرد آورد.

السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، ج ۳، ص ۵۶۵

بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۶۶

جهت درک بهتر و جمع‌بندی مجموعه روایات متفاوت در مورد حدود انباشت مال؛ می‌توانید به پیوست شماره ۶ مراجعه بفرمایید.

۵/۱/۴. پس انداز سی هزار درهم (معادل یک میلیارد و پانصد میلیون تومان)؛ باعث هلاکت صاحب مال!

بعد حضرت می فرمایند: «صَاحِبُ الثَّلَاثِينَ أَلْفًا هَالِكٌ»^{۱۰۱} اگر کسی ۳۰ هزار درهم در حسابش بود؛ هلاک می شود، از این مال نفعی نمی برد! خوار می شود، زندگی خوبی برایش تأمین نمی شود و هلاک می شود.

۵/۱/۵. پس انداز صد هزار درهم (معادل پنج میلیارد تومان)؛ عامل خروج از دایره ولایت اهلیت عَلَيْهِ السَّلَامُ!

حضرت می فرمایند: «وَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَمْلِكُ مِائَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ»^{۱۰۲} اگر کسی ۱۰۰ هزار درهم دارد، اصلاً این شیعه ما نیست! و از دایره شیعه‌گی خارج می شود.

۱۰۱. ارجاع پژوهشی: عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمَالُ أَرْبَعَةُ أَلْفٍ، وَإِنَّمَا عَشْرَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ كَنْزٌ، وَ لَمْ يَجْتَمِعْ عِشْرُونَ أَلْفًا مِنْ حَلَالٍ، وَ صَاحِبُ الثَّلَاثِينَ أَلْفًا هَالِكٌ، وَ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَمْلِكُ مِائَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ.

امام صادق علیه السلام: مال (حدّ مطلوب از مال)، چهار هزار [درهم] است. و حدّ کنز، دوازده هزار درهم است. و بیست هزار [درهم] از راه حلال به دست نیاید. و صاحب سی هزار [درهم] هلاک گردد. و هر کس صد هزار درهم داشته باشد، از شیعیان ما نیست.

تحف العقول ج ۱ ص ۳۳۷ / التمهیص (ابن همام اسکافی، ۳۳۶ ق)، ص ۵۰

عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۸۱۷ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱ / بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۶۷ و ج ۷۵، ص ۲۶۳

۱۰۲. ارجاع پژوهشی: عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمَالُ أَرْبَعَةُ أَلْفٍ، وَإِنَّمَا عَشْرَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ كَنْزٌ، وَ لَمْ يَجْتَمِعْ عِشْرُونَ أَلْفًا مِنْ حَلَالٍ، وَ صَاحِبُ الثَّلَاثِينَ أَلْفًا هَالِكٌ، وَ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَمْلِكُ مِائَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ.

امام صادق علیه السلام: مال (حدّ مطلوب از مال)، چهار هزار [درهم] است. و حدّ کنز، دوازده هزار درهم است. و بیست هزار [درهم] از راه حلال به دست نیاید. و صاحب سی هزار [درهم] هلاک گردد. و هر کس صد هزار درهم داشته باشد، از شیعیان ما نیست.

تحف العقول ج ۱ ص ۳۳۷ / التمهیص (ابن همام اسکافی، ۳۳۶ ق)، ص ۵۰

عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۸۱۷ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱ / بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۶۷ و ج ۷۵، ص ۲۶۳

* در مورد مقدار انباشت مالی که انسان را از دایره ولایت اهلیت (علیهم السلام) خارج می کند؛ در برخی روایات، حدود دیگری نیز ذکر شده است: عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ: لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ مَلَكَ عَشْرَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ - إِلَّا مَنْ أُعْطِيَ يَمِينًا وَ شِمَالًا وَ [مِنْ] قُدَامٍ وَ خَلْفٍ.

امام صادق علیه السلام: از شیعیان ما نیست کسی که ده هزار درهم داشته باشد، مگر آن که از راست و چپ و پشت و پیش [به همگان] احسان کند.

مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۷۴

عوالم العلوم، ص ۸۱۲

عَنْ جَعْفَرِ ع قَالَ: نُحِبُّ الْمَالَ وَ لَا نُؤْتِي إِلَّا خَيْرًا وَ مَا أُوتِيَ عَبْدٌ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَّا كَانَ نَقَصَ [أَنْقَصَ] لِحَظِّهِ فِي الْآخِرَةِ وَ مَا مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَهُ مِائَةُ أَلْفٍ دِرْهَمٍ.

امام صادق علیه السلام: مال را دوست می داریم؛ اما جز خیر به ما داده نمی شود. و هیچ بنده‌ای نیست که چیزی از این دنیا به وی داده شود، مگر آن که از بهره آخرتش کم نهاده شود. و از شیعیان ما نیست آن کس که صد هزار درهم داشته باشد.

مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۷۴

پس [خلاصه این شد که:]: حضرت [در این روایت] مصادیق مختلف پس انداز مالی را بحث کردند؛ [بدین بیان که] فرمودند: [پس انداز] ۴ هزار درهم مطلوب است، ۱۲ هزار درهم در خط قرمز است، ۲۰ هزار درهم از حلال نیست و اگر دیدید که یک زمانی این مقدار از سرمایه، [پس انداز و] جمع شد، حتماً یک خطایی صورت گرفته است. سپس حضرت در ادامه می‌فرمایند: [کسی هم که] ۳۰ هزار درهم [انباشت و پس انداز کرده است]، هلاک است. و ۱۰۰ هزار درهم هم خروج از مفهوم شیعه بودن است و از شفاعت معصومین علیهم‌السلام محروم می‌شود. خب این یک مطلب شد که خود این پس انداز مالی را نباید به صورت محدود [و بسیط] بحث کرد؛ بلکه باید دقیق‌تر بحث کرد. پس دوستان دانشگاهی باید این روایات را هم بخوانند.

۵/۲. بررسی تعارض مفهوم "هدایت نقدینگی" با مفهوم "انفاق" در اسلام:

۵/۲/۱. مصرف کردن و عدم منع مال (ولو کمتر از حد کفر) در طریق حق؛ تعریف مفهوم

"انفاق" در اسلام (معارض و جایگزین مفهوم "هدایت نقدینگی")

بحث دیگر این است که به جای هدایت نقدینگی چه بگذاریم؟ در روایتی از امام صادق علیه‌السلام که در کتاب شریف کافی است چنین می‌فرمایند: «ما من عبد یمنع درهما فی حقّ إلا أنفق اثین فی غیر حقه»^{۱۰۳} حضرت ابتدا یک مفهوم کلی را بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «شما چه مال داشته باشید، چه کنز، باید آن را در مسیر حق

مُحَمَّدُ بْنُ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَطِيَّةِ أَخِي أَبِي الْعَرَامِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ: إِنَّا لَنُحِبُّ الدُّنْيَا وَ لَا نُؤْتَاهَا خَيْرَ لَنَا وَ مَا أُوتِيَ عَبْدٌ مِنْهَا شَيْئاً إِلَّا كَانَ أَنْقَصَ لِحَظِّهِ فِي الآخِرَةِ وَ لَيْسَ مِنْ شَيْعَتِنَا مَنْ لَهُ مِائَةٌ أَلْفٍ وَ لَا خَمْسُونَ أَلْفاً وَ لَا أَرْبَعُونَ أَلْفاً وَ لَوْ شِئْتُ أَنْ أَقُولَ ثَلَاثُونَ أَلْفاً لَقُلْتُ وَ مَا جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشْرَةَ آلَافٍ مِنْ جَلْهَأَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ دَرَاهِمٍ.

امام باقر علیه السلام: همانا ما دنیا را دوست می‌داریم، اما دنیا به ما داده نمی‌شود؛ و این برای ما خیر است. و هیچ بنده‌ای نیست که چیزی از دنیا به وی داده شود، مگر آن که از بهره آخرتش کم نهاده شود. و از شیعیان ما نیست آن کس که صد هزار یا پنجاه هزار یا چهل هزار یا حتی توانم گفت: سی هزار [درهم] داشته باشد. و هرگز کسی نتواند ده هزار درهم حلال گرد آورد.

السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، ج ۳، ص ۵۶۵

بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۶۶

جهت درک بهتر و جمع‌بندی مجموعه روایات متفاوت در مورد حدود انباشت مال؛ می‌توانید به پیوست شماره ۶ مراجعه بفرمایید.

۱۰۳. ارجاع پژوهشی: علی بن ابراهیم عن ابيه عن حماد عن حريز عن عبيد بن زرارة قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: ما من رجل يمنع درهما من حقّ إلا أنفق اثنين في غير حقه و ما من رجل يمنع حقاً في ماله إلا طوّقه الله به حبيته من نار يوم القيامة.

عبید بن زراره گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هرکس يك درهم را در راه حق خود نپردازد، دو درهم را در راه ناحق تلف خواهد کرد.

الكافي ج ۳ ص ۵۳۶ / تهذيب الاحكام ج ۴ ص ۱۰۲ / من لايحضره الفقيه ج ۲ ص ۱۱۱ / المقنعة (شيخ مفيد)، ص ۲۶۸

الوافي ج ۱۰ ص ۴۱ / وسایل الشیعه ج ۹ ص ۴۳

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «تاکید بر عدم مصرف مال (انفاق) در طریق حق»؛ به پیوست شماره ۷ مراجعه بفرمایید.

«انفاق» کنید.» حضرت به جای [اینکه بفرمایند این مال خود را] در بخش تولید سرمایه‌گذاری کنید؛ می‌فرمایند: «این مال را در طریق حق سرمایه‌گذاری کنید» که بعداً طریق حق را هم شرح می‌دهند. می‌فرمایند: «اگر این کار را انجام ندادید، دوبرابر در راه باطل (که غیر حق است) مصرف خواهید کرد.» [بدین صورت که مثلاً] «تلف مال» برای آنها اتفاق می‌افتد که انواعی دارد؛ مثلاً: خداوند متعال یک شرایطی را ایجاد می‌کند که شما ماشینی دارید، بعد یکی دیگر را نیز می‌خرید، بعد می‌بینید که آتش گرفت و از بین رفت. یک اتفاق به این شکل می‌افتد. یا مثلاً: اولاد ناصالح قسمت شما می‌شود! بیشترین چیزی که سرمایه‌داران را زمین می‌زند، اولادشان است. [و مثلاً این فرزند ناصالح اموال پدر را] در بزم و خوشی و تفریحات ناسالم به یک نوعی تلف می‌کند. و بالاخره نوعی از انواع تلف برای آنها رقم می‌خورد.

حضرت می‌فرماید: «اگر شما پس‌انداز داشتید (چه در حد مال، چه در حد کنز که حد قرمز است)؛ آن مال را منع نکن و در طریق حق انفاق کن.» می‌فرماید: «ما مِنْ عَبْدٍ يَمْنَعُ دِرْهَمًا فِي حَقِّهِ» نباید منع انفاق را در دستور کار خودتان قرار دهید. دقت کنید! روایت شامل مورد "مال" نیز می‌شود، هرچقدر که مال داشتید، باید به فکر انفاق آن در مسیر حق باشید. بعداً بنده مصادیق مختلف را توضیح می‌دهم.

پس ببینید؛ تعریف کینز (Keynes) از مفهوم "کنز (پس‌انداز)" و از مفهوم "سرمایه‌گذاری" یا "هدایت نقدینگی" غلط بود. حالا ما یک تعریف جدیدی جای آن قرار دادیم: می‌گوییم مفهوم "مال"، مفهوم "کنز"، مفهوم "مال حرام"، مفهوم "مال منجر به هلاکت"، و مفهوم "مال منجر به خروج از دایره ولایت اهل بیت علیهم‌السلام". بنابراین امام صادق علیه‌السلام مفهوم "پس‌انداز" را در این بحث گسترش دادند و این مفاهیم را به جای آن قراردادند.

پس ما چند نوع پس‌انداز داریم: (۱) پس‌اندازهای خوب که [طبق اصطلاح به کار رفته در روایت مورد بحث] "مال" هستند. (۲) پس‌اندازهایی که در حد "کنز" هستند. (۳) پس‌اندازهای حرام که حضرت سه نوع آن را بحث کردند. البته در بعضی از روایت‌های دیگر در رابطه با مصادیق پس‌اندازهای حرام، مباحث دیگری نیز مطرح شده است و همه بحث فقط همین یک روایت نیست.

پس حضرت مسئله "مال" را توسعه معنایی دادند. مثلاً فرمودند: وقتی می‌روید حساب بانکی باز می‌کنید، اگر مشاهده کردید که از حد ۶۰۰ میلیون بیشتر شد، مواظب باشید که از "حد کنز" خارج شده‌اید. [برخی‌ها] همسایه‌شان گرسنه است^{۱۰۴} ولی بیش از ۶۰۰ میلیون پول در حسابشان هست! بخاطر همین بود که مرحوم امام

۱۰۴. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ (أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْبَجَلِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْوَصَّافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا أَمَّنَ بِي مِنْ بَاتٍ شَبَعَانَ وَجَاوَةَ جَانِعٍ قَالَ وَ مَا مِنْ أَهْلِ قَرْيَةٍ بَيْتٌ وَ فِيهِمْ جَانِعٌ يُنْظَرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

و نیز فرمود علیه السلام: که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده: بمن ایمان ندارد کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد، و فرمود: اهل یک آبادی که شب را بگذرانند و در ایشان گرسنه‌ای باشد روز قیامت خداوند بآنها نظر رحمت نیفکند.

عظیم‌الشان می‌فرمودند: «سرمایه‌دارهای زالو صفت!»^{۱۰۵} و واقعاً هم همین است؛ کلی مشکل و محرومیت وجود دارد؛ ولی این اشخاص حاضر نیستند برای این موضوع از سرمایه خود استفاده کنند. اینجا اسلام دعوا راه می‌اندازد. دعوی بزرگتر را باید با کینز (Keynes) راه انداخت که چرا مفهوم پس‌انداز را کودکانه بحث کردید؟! و دعوی بعدی هم با دانشگاه‌هاست که چرا شما این مطالب را تدریس می‌کنید؟! پس تعریف فقهی «هدایت نقدینگی»، عبارت از «انفاق» است. و تعریف فقهی «پس‌انداز» نیز موارد متعددی پیدا کرد که عرض کردم.

الکافی ج ۲ ص ۶۶۸

الوافی ج ۵ ص ۵۱۸ / وسائل الشیعة ج ۱۲ ص ۱۲۹

۱۰۵. **ارجاع پرورشی:** امروز نیز همچون گذشته شکارچیان استعمار در سرتاسر جهان از مصر و پاکستان و افغانستان و لبنان و عراق و حجاز و ایران و اراضی اشغالی به سراغ شیردلان روحانیت مخالف شرق و غرب و متکی به اصول اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - رفته‌اند و از این پس نیز جهان اسلام هر از چند گاه شاهد انفجار خشم جهانخواران علیه یک روحانی پاکبخته است. **علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پول پرستان و خوانین نرفته‌اند** و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه داران در یک کاسه است. و خداوند کسانی را که اینگونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می‌کنند، نمی‌بخشد. **روحانیت متعهد، به خون سرمایه داران زالو صفت تشنه است** و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پرفتوت آنان برای کسب معارف می‌کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده‌اند و با قناعت و بزرگواری زیستند.

صحیفه امام خمینی ره ج ۲۱ ص ۲۷۶

۶. سرفصل پنجم: نحوه مدیریت ریشه‌ای مفهوم "کنز (مال اندوزی)" از نگاه آیات و روایات چگونه است؟

۶/۱. توسعه معنایی مفهوم "کنز" در ادبیات آیات و روایات؛ اولین راه حل مدیریت مفهوم "کنز"

سرفصل پنجم را هم بحث کنم. جدای از اینکه حضرت معصومین علیهم السلام مسئله "مال" و "پس انداز" را از آن بساطت خارج کردند و یک "توسعه معنایی" به آن دادند؛ کار دیگری نیز انجام داده‌اند: مفهوم "کنز" را نیز "توسعه معنایی" داده‌اند. دقت کنید حضرات علیهم السلام مسئله "کنز" را در وجود انسان‌ها توسعه می‌دهند. چرا؟ چون انسان‌ها دوست دارند ثروت داشته باشند. خیلی حرف غلطی است که شما به یک انسان فقیری که هزار [نوع خرج در زندگی خود] دارد، بگویید شما حق ندارید "کنز" داشته باشید! اسلام اصل "کنز" را می‌پذیرد و می‌گوید: کنز داشته باش؛ اما در یک حد و حدود مشخص. موارد مصرف "کنز" را نیز بحث می‌کند و می‌گوید در موارد حق آن را مصرف کن؛^{۱۰۶} اما نمی‌گوید که "کنز" نداشته باش. و کار دوم هم این بود که: مفهوم "کنز" را توسعه [معنایی] می‌دهند. [و می‌گویند: اگر] شما کنز می‌خواهید؛ این چیزها مصادیق "کنز" هستند؛ دقت کنید ببینید که حضرات چقدر دقیق وارد بحث می‌شوند:

۱۰۶. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ ضُرَيْسٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: **إِنَّمَا أُعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتُوجَّهُوا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ وَ لَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتَكْتَبُوهَا.**

امام صادق (علیه السلام): جز آن نیست که خداوند این ثروت‌های بیشین را به شما عطا فرموده تا آن را هر گونه خدا خواهد، صرف کنید، نه آن که آن را انباشته نمایید.

الكافي، ج ۴، ص ۳۲ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۷

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۲۷۴

وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۲۹۷ / الوافي، ج ۱۰، ص ۳۷۶

و فِي رَوَايَةٍ أَبِي الْجَاوِدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِهِ «وَالَّذِينَ يَكْتَبُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ - وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ - فَبَشَّرَهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»: **فَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ كَنْزَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَ أَمَرَ بِانْفَاقِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.**

امام باقر علیه السلام درباره این سخن خدای تعالی: «و آنان که طلا و نقره (دینار و درهم) می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس ایشان را به عذابی دردناک مژده ده»: همانا خداوند انباشتن طلا و نقره را حرام فرموده و انفاق آن را در راه خدا امر نموده است.

تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۸۹

تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۴۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۷۲

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «مذمت "کنز (مال اندوزی)" در غیر حق»: به پیوست شماره ۵ مراجعه فرمایید.

۶/۱/۱. شهرت داشتن به خیر و نیکی؛ یکی از مصادیق مفهوم "کنز" در ادبیات آیات و

روایات

می‌فرمایند: «المعروف أئمة زرع و أفضل كنز»^{۱۰۷} اینکه شما آبرودار باشید، معروف باشید؛ (یعنی: تلقی بد از شما در جامعه نباشد یا به تعبیر ساده یعنی "خیر" باشید) می‌فرمایند: این «أفضل كنز» (بهترین کنز) است. چرا شما فکر می‌کنید که وقتی خیر هستید ضرر می‌کنید؟! اتفاقاً همین "خیر بودن"، "کنز" است. مثلاً بعضی از بازاری‌ها هستند که با آبرویشان کار می‌کنند یعنی پول ندارند ولی مردم قبولشان دارند. حضرت همین (آبروداشتن در نزد مردم) را می‌فرمایند [که بهترین کنز است]. یعنی: وقتی مردم به تو اعتماد دارند [و نزد آنها آبرو داری]؛ این آبرو کارکرد مالی هم دارد.

ببینید؛ حضرت دارند [معنای "کنز" را] توسعه معنایی می‌دهند؛ و می‌فرمایند: خسیس، بخیل و حریص نباشید [و اهل خیر باشید]؛ [که در این صورت] حتی مثلاً در وقتی که شما در یک مسئله‌ای نیاز مالی دارید؛ اگر آدم آبروداری باشید، نیاز مالی شما برطرف خواهد شد.^{۱۰۸} حضرت می‌فرمایند: «أفضل كنز» یعنی: حتی از آن کنز

۱۰۷. ارجاع پژوهشی: عن علی ع: الْمَعْرُوفُ أئمة زرع و أفضل كنز. خوبی کردن، از بالنده‌ترین زراعت‌هاست و بهترین گنج و ذخیره است.

عیون الحکم و المواعظ (للثی)، ص ۴۸ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۱

و یاسناده عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده علي بن الحسين عن أبيه عن علي بن أبي طالب عليهم السلام أنه كان يقول: إنما المعروف زرع من أئمة الزرع، و كنز من أفضل الكنوز؛ فلا يهدنك في المعروف كثر من كثره، و لا جحود من جحده؛ فإنه قد يشكرك عليه من يسمع منك فيه. امیرالمومنین (علیه السلام): خوبی کردن، زراعتی است از بالنده‌ترین زراعت‌ها، و گنج و ذخیره‌ای است از برترین گنج‌ها. پس، ناسپاسی ناسپاسان و انکار انکارکنندگان، تو را به خوبی کردن بی رغبت نسازد؛ زیرا خداوندی که خوبی تو درباره آنان را می‌شنود پاداش تو را خواهد داد.

الأشعثيات ج ص ۲۳۵

مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۳۴۰

عن أمير المؤمنين ع أنه قال: الْمَعْرُوفُ كَنْزٌ مِنْ أَفْضَلِ الْكُنُوزِ وَ زَرْعٌ مِنْ أئمة الزرع فلا تَهْدُوا فِيهِ وَ لَا تَمَلُّوا.

امیرالمومنین (علیه السلام): خوبی کردن، گنج و ذخیره‌است از بهترین گنج‌ها و ذخیره‌هاف و زراعتی است از بالنده‌ترین زراعت‌ها؛ پس از انجام آن بی‌رغبت و ملول و خسته نشوید.

مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۴۴

۱۰۸. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: تَجَاوَزُوا [تجاوؤا] عَنْ ذَنْبِ السَّخِيءِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَخَذَ بِيَدِهِ كُلَّمَا عَتَرَ، وَ فَاتِحَ لَهُ كُلَّمَا افْتَقَرَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): از خطای شخص سخاوتمند درگذرید که هرگاه بلغزد، خدای متعال دستش را می‌گیرد و هرگاه نیازمند شود در روزی را بر او می‌گشاید.

نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۱۲

مجموعه ورام، ج ۱، ص: ۱۷۱

عن رسول الله صلى الله عليه و آله: تَجَاوَزُوا عَنْ ذَنْبِ السَّخِيءِ فَإِنَّ اللَّهَ أَخَذَ بِيَدِهِ كُلَّمَا عَتَرَ.

پولی هم بافضیلت تر است. این یک بحث که حضرات علیهم السلام وارد می‌شوند و گفتگو می‌کنند. که بعداً دوباره این بحث را شرح خواهم داد.

۶/۱/۲. انتظار نماز بعد از نماز؛ یکی دیگر از مصادیق مفهوم "کنز" در ادبیات آیات و

روایات

مثال دیگر: حضرت می‌فرماید: «انتظار الصلاة بعد الصلاة كنز»^{۱۰۹} اگر الان نماز صبح را خواندید و بعد به خدا گفتید: کی نماز ظهر می‌شود تا من یک بار دیگر بر تو سجده کنم؟ این هم خیلی ثروت بزرگی است. این یعنی فرد شوق به حضرت پروردگار دارد. وقتی هم کسی حالت شوق داشت، خدای متعال هم نسبت به این فرد، مشتاق خواهد بود و خیلی کمکش می‌کند.

مثلاً: یکی از کمک‌های خدا به این شخص، کمک "عافیت" است. در روایات آمده است که: یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله پای منبر پیامبر نشستند. حضرت فرمودند: کاری کنید تا گناهانتان بخشیده شود و در برزخ گرفتار نشوید. شب رفت خانه و گفت: خدایا! مرا به یک بیماری مبتلا کن تا پاک شوم. بعد پیامبر صلی الله علیه و آله به عیادت او رفت و فرمود: چرا این طور دعا کردی؟! بگو: خدایا من را ببخش و عافیت به من بده.^{۱۱۰}

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): از خطای شخص سخاوتمند درگذرید؛ زیرا هر بار بلغزد، خداوند دست او را می‌گیرد.

شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، ص ۳۲۲

نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۳۷۹

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَجَافَوْا عُقُوبَةَ ذَوِي الْمُرُؤَاتِ، فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ أَحَدَهُمْ لَيُعْتَرُ وَيَدُهُ فِي يَدِ اللَّهِ تَعَالَى.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): از لغزش جوانمردان بگذرید زیرا بخدائی که جان من بدست اوست جوانمرد می‌لغزد و دست او در دست خداست.

نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۱۱

نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۳۷۹

۱۰۹. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَحْمَدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنْ تَظَنَّا أَنْ نَكُونُ مِنَ الْجَنَّةِ .

امام علی (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): اینکه بعد از يك نماز، انسان منتظر فرا رسیدن زمان نماز دیگری باشد، این گنجی از گنجهای بهشت است.

تهذيب الاحكام ج ۲ ص ۲۳۷

الوافي ج ۷ ص ۲۹ / وسائل الشيعة ج ۴ ص ۱۱۷

۱۱۰. ارجاع پژوهشی: رُوِيَ أَنَّ النَّبِيَّ عَصَى دَخَلَ عَلَيَّ مَرِيضًا قَالَ مَا شَأْنُكَ قَالَ صَلَّيْتُ بِنَا صَلَاةَ الْمَغْرِبِ فَقَرَأْتُ الْقَارِعَةَ فَقُلْتُ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ لِي عِنْدَكَ ذَنْبٌ تُرِيدُ [أَنْ] تُعَذِّبَنِي بِهِ فِي الْآخِرَةِ فَعَجِّلْ ذَلِكَ فِي الدُّنْيَا فَصَرْتُ كَمَا تَرَى - فَقَالَ ص بَسْمًا قُلْتُ أَلَا قُلْتُ - رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ فَدَعَا لَهُ حَتَّى أَفَاقَ

روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بر بیماری وارد شد و حالش را پرسید او گفت: نماز مغرب برای ما خواندی و سوره قارعه را در آن تلاوت کردی؛ من گفتم: خدایا، اگر من گناهی نزد تو دارم که می‌خواهی مرا بدان در آخرت عذاب کنی، آن را در همین دنیا جلو بینداز؛ پس اینگونه که می‌بینی

وقتی کسی با خدا ارتباط مبتنی بر "محبت" پیدا می‌کند، گناهایش بخشیده می‌شود و در بعضی از آیات و روایات دارد که: حتی گناهانش را به حسنه تبدیل می‌کنند! ^{۱۱۱} این نوع حالت برای کسی است که از حالت "عبادت تُجَار" عبور کرده است ^{۱۱۲} و به مرحله "شوق" رسیده است. این خیلی گنج بزرگی است و مصادیقی هم دارد؛ مثلاً خداوند تا روز قیامت در نسلش آدم مؤمن قرار می‌دهد. "اولاد ناصالح" یکی از عذاب‌های بزرگ است که در روایات به آن اشاره شده است. ^{۱۱۳} خدا این‌طور جبران می‌کند. مگر همه کنزها، پول است؟! حضرت این‌طور می‌فرماید: «اتِّظَرُّوا

گرفتار شدم. حضرت فرمود: بد حرفی زدی. چرا نگفتی: «ای پروردگار ما! ما را در دنیا و در آخرت نیکی عطا فرما و از عذاب آتش نگرمان دار»؟ سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله برای سلامتی آن مرد دعا کرد و او بهبود یافت.

الدعوات (للاروندی)، ص ۱۱۴

بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۲۸۵ / ج ۷۸، ص ۱۷۴ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۴۹

۱۱۱. **ارجاع پژوهشی:** إِمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. (سوره مبارکه فرقان، آیه ۷۰) مگر آنان که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، که خدا بدی‌هایشان را به خوبی‌ها تبدیل می‌کند و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

۱۱۲. **ارجاع پژوهشی:** اشاره به روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در انواع عبادت و عبادت‌کنندگان؛ که فرمود: الإمام علی علیه السلام: إِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): گروهی خدا را از روی میل به ثواب عبادت کردند و این عبادت تاجران است. و گروهی از ترس کيفر عبادت کردند و این عبادت بردگان است. و گروهی به خاطر سپاسگزاری عبادت کردند و این عبادت آزادگان است

نهج البلاغه، ص ۵۱۰ (حمت ۲۳۷)

تحف العقول، ص ۲۴۶ / نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۹۹ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۹

وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۶۳ / بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۱۴

۱۱۳. **ارجاع پژوهشی:** عن علی علیه السلام: أَشَدُّ الْمَصَائِبِ سُوءُ الْخَلْفِ.

امام علی علیه السلام: بدترین مصیبت‌ها، فرزندی ناخلف است.

غرر الحکم، ح ۲۹۶۳

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقِ التَّمْلِيسِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَرَّ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ ع بِقَبْرِ يُعَذَّبُ صَاحِبُهُ ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ فَقَالَ يَا رَبِّ مَرَرْتُ بِهِذِهِ الْقَبْرِ عَامَ أَوَّلِ فَكَانَ صَاحِبُهُ يُعَذَّبُ ثُمَّ مَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ. فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: يَا رُوحَ اللَّهِ! إِنَّهُ أَذْرَكَ لَهُ وَكَدَّ صَالِحٍ فَأُصْلِحَ طَرِيقًا وَ أَوَى يَتِيمًا فَغَفَرْتُ لَهُ بِمَا عَمِلَ ابْنُهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیسی بن مریم بر گوری گذشت که صاحب آن عذاب می‌کشید. سال بعد نیز بر همان گور گذشت و دید دیگر عذاب نمی‌شود. عرض کرد: پروردگارا! پارسال از این گور عبور کردم و صاحبش عذاب می‌شد و امسال که از آن می‌گذرم دیگر عذاب نمی‌کشد؟ خداوند، جل جلاله، به او وحی فرمود: ای روح الله! فرزند صالحی از او بزرگ شد و راهی را درست کرد و یتیمی را سرپرستی نمود و من او را بخاطر کار فرزندش آمرزیدم.

الأمالي (للصدوق)، ص ۵۱۲

روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۲۹

الصَّلَاةَ بَعْدَ الصَّلَاةِ كَنْزٌ» (انتظار نماز بعد از نماز کنز و گنج است؛ آن‌هم) نه کنزی از کنوز دنیا، بلکه «كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ» (از گنج‌های بهشت است!) این روایت از عیسی بن عبدالله هاشمی، عن ایبه عن جدّه عن علی (علیه السلام) در کتاب تهذیب نقل شده است.

پس این هم یک نوع مدیریت کردن [مفهوم کنز] است که حضرات علیهم السلام مفهوم "کنز" را در ذهن توسعه می‌دهند. بعداً به موارد دیگری [از این توسعه معنایی] اشاره خواهیم کرد.

۶/۲. بحث و تکیه بر وصف "پایداری" و "عدم پایداری" کنز در ادبیات آیات و روایات؛ دومین راه حل مدیریت مفهوم "کنز"

۶/۲/۱. معرفی "کنز مالی" به عنوان "کنز ناپایدار" در ادبیات آیات و روایات

یک کار دیگری که حضرات علیهم السلام در روایات انجام داده‌اند [این است که:] آمده‌اند بر روی "وصف پایداری کنز موجود" ایستاده‌اند و با مردم حرف زده‌اند. می‌فرمایند: «این کنزهایی که شما جمع می‌کنید برایتان نمی‌ماند!» فکر نکنید همین که در بانک گذاشتید برای شما خواهد ماند! [هر آن ممکن است] یک اتفاقی بیفتد یا یک مشکلی پیش بیاید و یا اینکه بمیرید و آن را از دست بدهید. به‌رحال این کنزها پایدار و ماندنی نیستند! ^{۱۱۴}

وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۳۸ / بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۸۷

الإمام علی علیه السلام: وَكَلَّدَ السُّوءَ يَهْدِمُ الشَّرْفَ، وَيَشِينُ السَّلْفَ.

امام علی علیه السلام: فرزند ناشایست، شرافت را از بین می‌برد و نیاکان را بدنام می‌کند.

غرر الحکم، ح ۱۰۰۶۵

عن علی علیه السلام: وَكَلَّدَ السُّوءَ يَغُرُّ السَّلْفَ، وَيُفْسِدُ الْخَلْفَ.

امام علی علیه السلام: فرزند ناشایست، نیاکان را لگه دار می‌سازد و بازماندگان را تباه می‌کند.

غرر الحکم، ح ۱۰۰۶۶

۱۱۴. ارجاع پژوهشی: علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یحیی بن عقیبة الأزدي عن أبي عبد الله قال قال أبو جعفر ع: ... قال أبو عبد الله ع كان فيما وعظ به لقمان ابنه: يا بني! إن الناس قد جمعوا قبلك لأولادهم فلم يبق ما جمعوا ولم يبق من جمعوا له وإنما أنت عبدٌ مستأجر... امام صادق (علیه السلام): در زمره اندرزهای لقمان به فرزندش چنین بود: «ای فرزندانم! همانا پیش از تو، مردم برای فرزندانشان مال گرد آوردند. اما نه آنچه گرد آوردند باقی ماند، و نه آنان که برایشان مال باقی نهاده شده بود، باقی ماندند. و جز این نیست که تو نیز بنده‌ای مستاجر هستی! ...»

الکافی، ج ۲، ص ۱۳۴

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۹۴

الوافی، ج ۴، ص ۳۹۸ / بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۴۲۵

قال أميرالمؤمنين ع: معاشِرَ النَّاسِ! اتَّقُوا اللَّهَ فَكَمْ مِنْ مُؤَمِّلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ! وَبِأَنْ مَا لَا يَسْكُنُهُ! وَجَامِعِ مَا سَوْفَ يَبْرُكُهُ! وَ لَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ وَ مِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ أَصَابُهُ حَرَامًا وَ اِحْتَمَلَ بِهِ أَتَامًا فَبَاءَ بِوَرِيهِ وَ قَدِمَ عَلَى رَبِّهِ أَسْفًا لَاهِفًا «قَدْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِين.»

امیرالمؤمنین (علیه السلام): ای مردم! از خدا بترسید، چه بسیار آرزومندی که به آرزویش نمی‌رسد! و [چه بسیار] بنا کننده‌ای که در بنایش ساکن نمی‌شود! و [چه بسیار] ثروت‌اندوزی که به زودی آن را ترک می‌کند! ثروتی که شاید از حرام جمع کرده، و از حقی که منع نموده فراهم ساخته، از حرام به

این روایت از حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است که: «**اِكْرِزُوا كَنْزَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا يُضَيِّعُهُ**»^{۱۱۵} یعنی: «اگر می‌خواهید پولتان را پس انداز کنید، پیش کسی پس انداز کنید که آنرا از بین نمی‌برد»؛ «**فَإِنَّ صَاحِبَ كَنْزِ الدُّنْيَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْآفَئَةَ**» یعنی: اگر کسی کنز دنیایی داشته باشد، باید از آفت از بین رفتنش بترسد «**وَ صَاحِبُ كَنْزِ الْآلِهَةِ (أَوْ صَاحِبُ كَنْزِ الْآخِرَةِ) لَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْآفَئَةَ**» (ولی کنز الهی و آخرتی، ترس از بین رفتنش نیست).^{۱۱۶}

آن رسیده و به خاطر آن زیر بار گناهان رفته، با وزر و وبالش به آخرت باز گشته و متأسف و اندوهگین بر خدا وارد شده، «دنيا و آخرت را زیان کرده، این است زیان آشکار.»

نهج البلاغه، ص ۵۳۵ (حکمت ۳۴۴) / إرشاد القلوب (للديلمي)، ج ۱، ص ۳۹
بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۸۳

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمَفْضَلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَيْهَقِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُونَ بْنُ عَمْرِو الْمُجَاشِعِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ. قَالَ الْمُجَاشِعِيُّ: وَ حَدَّثَنَا الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): **أَيُّكُمْ مَالٌ وَارِثُهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ مَالِهِ؟** قَالُوا: مَا فِينَا أَحَدٌ يُحِبُّ ذَلِكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ. قَالَ: **بَلْ كُنْتُمْ يُحِبُّ ذَلِكَ. ثُمَّ قَالَ: يَقُولُ ابْنُ آدَمَ: مَالِي مَالِي! وَ هَلْ لَكَ مِنْ مَالِكَ إِلَّا مَا أَكَلْتَ فَأَفْتَيْتَ أَوْ لَبَسْتَ فَأَبْلَيْتَ أَوْ تَصَدَّقْتَ فَأَمْضَيْتَ؟! وَ مَا عَدَا ذَلِكَ فَهُوَ مَالُ الْوَارِثِ.**

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): کدام يك از شما مال وارث را بیشتر از مال خود دوست دارد؟ گفتند: کسی در میان ما این چنین وجود ندارد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خیر؛ همه شما چنین می‌باشید، سپس فرمودند: فرزند آدم می‌گوید: مال من مال من! آیا تو بیش از اینکه خوردی و از دست دادی، و یا پوشیدی و کهنه کردی و یا صدقه دادی؛ مال دیگری داری؟! بیش از این هر چه داری متعلق به ورثه می‌باشد.

الأمالی (للطوسی)، ص ۵۱۹
بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۳۸

۱۱۵. **ارجاع پژوهشی:** وَ قَالَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَتَّخِذُوا الدُّنْيَا رَبًّا فَتَتَّخِذَكُمْ عِبِيدًا **اِكْرِزُوا كَنْزَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا يُضَيِّعُهُ** فَإِنَّ صَاحِبَ كَنْزِ الدُّنْيَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْآفَئَةُ وَ صَاحِبُ كَنْزِ الْآلِهَةِ لَا يُخَافُ عَلَيْهِ الْآفَئَةُ.

عیسی بن مریم علیه السلام: دنیا را خدای خود نگیرید که شما را بنده خودش خواهد کرد. گنج (ثروت و دارایی)تان را نزد کسی ذخیره کنید که آنرا از بین نبرد چرا که کسی که در دنیا گنجی دارد از آفت زده شدنش می‌ترسد اما کسی که گنجی خدایی دارد از هیچ آفتی بر آن نمی‌هراسد.

مجموعه ورام ج ۱ ص ۱۲۹
بحار الانوار ج ۱۴ ص ۳۲۷ / شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۳۳۰ (و فيه "صاحب كنز الآخرة" بدل "صاحب كنز الله")

۱۱۶. **ارجاع پژوهشی:** **فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ** (سوره مبارکه شوری، آیه ۳۶) پس آنچه [از کالا، وسایل و ابزار مادی] به شما داده‌اند، متاع [اندک و زودگذر] زندگی دنیاست، و آنچه [از بهره و پاداش] نزد خداست، برای کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، بهتر و پایدارتر است.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى * بَلْ تُؤْتَوْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى (سوره مبارکه اعلی، آیات ۱۶ تا ۱۷)
بی‌تردید کسی که خود را [از زشتی‌های باطن و ظاهر] پاک کرد، رستگار شد. * و نام پروردگارش را یاد کرد، پس نماز خواند. * [ولی شما منکران لجوج به سوی راه رستگاری نمی‌روید] بلکه زندگی دنیا را [بر آن] ترجیح می‌دهید. * در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است.

نظریه فقهی انفاق

این یک نوع مدیریت کردن است. نمی‌گویید: کنز نداشته باشید. بلکه می‌گویید: چرا دنبال کنز پایدار نیستید؟ چرا برنامه‌ریزی برای یک گنج پایدار نمی‌کنید؟ چرا حرف کینز (Keynes) را گوش می‌دهید و پول را در بانک می‌گذارید که ناپایداری دارد؟ و حداکثر در همین شصت - هفتاد سال دنیا برایت باقی می‌ماند. [البته برخی از] مردم کنز را در بورس می‌گذارند، بعد [یک دولتی مثل] دولت روحانی می‌آید، همان کنز هم از بین می‌رود! ^{۱۱۷} این روایت هم همین را می‌گوید، بولتان را در بورس نگذارید! دیدید که همه ضرر کردید!

پس اهل بیت علیهم‌السلام موضوع کنزخواهی و ثروت خواهی را این‌گونه به صورت ریشه‌ای مدیریت کرده‌اند. به جای اینکه بگویند: «کنز اندوزی نکنید»؛ [آمده‌اند] مفهوم "کنز" را توسعه معنایی داده‌اند. از دو حیث هم توسعه معنایی داده‌اند: هم مصادیق کنز را در ذهن ما گسترش داده‌اند و هم در پایداری کنزهای دنیا تردید ایجاد کرده‌اند.

این ادبیات را در کنار "ادبیات امر و نهی" بعضی‌ها بگذارید؛ بعضی‌ها همواره در حال امر و نهی هستند! می‌گویند: «چرا ذخیره‌سازی می‌کنید؟!»، [در حالی که] توجه ندارند که با آدم‌ها نمی‌شود فقط به محوریت امر و نهی صحبت

وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ (سوره مبارکه قصص، آیه ۶۰)
آنچه به شما داده شده کالا و ابزار زندگی دنیا و زینت آن است، و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است آیا نمی‌اندیشید؟!

وَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى (سوره مبارکه طه، آیه ۱۳۱)
دیدگانت را به آنچه برخی از اصناف آنان را بهره‌مند کردیم مدوز، [آنچه به آنان داده‌ایم] شکوفه [بی‌میوه و زیور و زینت] دنیا است تا آنان را در آن بیازماییم، و رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است.

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (سوره مبارکه نحل، آیه ۹۶)
آنچه [از ثروت و مال] نزد شماست، فانی می‌شود و آنچه [از پاداش و ثواب] نزد خداست، باقی می‌ماند، و قطعاً آنان که [برای دینشان] شکیبایی ورزیدند، پاداششان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می‌داده‌اند، می‌دهیم

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَ بَاقِيَ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ (سوره مبارکه الرحمن، آیات ۲۶ و ۲۷)
همه آنان که روی این زمین هستند، فانی می‌شوند * و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی می‌ماند.

۱۱۷. **ارجاع پردازشی:** انجمن توسعه سرمایه گذاری حرفه‌ای اعلام کرد: تقریباً نیمی از ایرانیان ۴۰ درصد دارایی خود را در بورس از دست دادند و اینک بی پناه و درمانده در بحران کرونا یا به صورتی کاملاً گورکوران راهی بازارهایی نظیر رمز ارزها شده‌اند که بی تردید به خروج نقدینگی از کشور منجر شده و یا در بازار ارز و سکه به انتظار سقوط اقتصاد کشور یا در بازار املاک به دنبال گرانی و تورم آینده هستند. به راستی آیا هیچ کشوری در جهان می‌تواند خود را در برابر از دست رفتن دارایی و ثروت نیمی از مردم خود بی تفاوت بداند؟
انجمن توسعه سرمایه گذاری حرفه‌ای با انتشار یک نامه سرگشاده پیش از برگزاری جلسه سران قوا در هفته جاری به طرح پاره‌ای از درخواست‌ها در مورد بازار سرمایه پرداخت.

کرد؛ بلکه باید آدم‌ها را اقناع کرد تا از یک مسئله کوچک [و کم اهمیت] به سمت یک مسئله بزرگ‌تر [و با اهمیت] حرکت کنند.

۶/۲/۲. معرفی مصادیق مختلف "کنزهای پایدار" به عنوان جایگزین "کنزهای

ناپایدار دنیوی" در ادبیات آیات و روایات (توسعه معنایی مفهوم کنز)

اهل بیت علیهم‌السلام "کنز کینزی" را در ذهن ما کوچک می‌کنند و "کنز فقهی" و "کنز مبتنی بر وحی" را در ذهن ما ایجاد می‌کنند. این مسئله مصادیق فراوانی دارد:

۶/۲/۲/۱. علم؛ یکی از مصادیق کنزهای پایدار

چند روایت دیگر بخوانم: این روایت را جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه‌السلام در کتاب کافی نقل کرده است: «لَا كَنْزٌ أَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ»^{۱۱۸} (هیچ گنجی نافع‌تر از علم نیست) یعنی: "علم" هم "کنز" است. می‌فرماید: دنبال گنج می‌گردید؟ "علم"، "گنج" است؛ چون باعث می‌شود آدم سلطان و نفوذ پیدا کند.^{۱۱۹} الان هرکسی ولو به اندازه دانستن خاصیت‌های آویشن هم باشد، محل رجوع دیگران قرار خواهد گرفت و می‌تواند مشکل حل کند. پس: "علم" هم "کنز" است.

۱۱۸. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامٍ [عَاصِمٍ] الْكَلْبَسِيُّ، رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَعْنٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عَاتِكَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ الْفَهْرِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خُطْبَةٍ حَطَبَهَا بَعْدَ مَوْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِتِسْعَةِ أَيَّامٍ وَ ذَلِكَ حِينَ فَرَعَ مِنْ جَمْعِ الْقُرْآنِ فَقَالَ: ... أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا شَرَفَ أَعْلَى مِنَ الْإِسْلَامِ وَلَا كَرَمَ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى وَلَا مَغْفِلَ أَحْرَزُ مِنَ الْوَرَعِ وَلَا شَفِيعَ أَنْجَحَ مِنَ التَّوْبَةِ وَلَا كَنْزٌ أَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ.

این خطبه را امیر المؤمنین (علیه السلام) نه روز پس از وفات پیغمبر هنگام فراغت از جمع قرآن ایراد نمود و فرمود: ... ای مردم! هیچ شرافتی برتر از اسلام، و هیچ کرامتی عزیزتر از تقوی، و هیچ پناهگاهی مصون‌تر از ورع، و هیچ شفاعت‌کننده‌ای مفیدتر از توبه، و هیچ گنجی سودمندتر از علم نیست. التوحید للصدوق ج ۱ ص ۷۲ / الأمالی للصدوق ج ۱ ص ۳۲۰ / من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۴۰۶ / الکافی ج ۸ ص ۱۸ / اعلام الدین ج ۱ ص ۸۴ / بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۸۳ / الوافی ج ۲۶ ص ۱۷ / غرر الحکم ج ۱ ص ۷۷۵

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد تبیین «کنز پایدار علم»: به پیوست شماره ۸ مراجعه کنید.

۱۱۹. ارجاع پژوهشی: فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالٍ بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلَ عَلَيْهِ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حکمت‌های منسوب به ایشان: دانایی، توانایی است. هر کس آن را نیابد، بدان پیروز می‌شود و هر کس آن را نیابد، مغلوب می‌گردد.

شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹

۶/۲/۲/۲. سکوت؛ یکی دیگر از مصادیق کنزهای پایدار

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الصَّمْتُ كَنْزٌ»^{۱۲۰} زیاد حرف نزنید؛ "سکوت"، "کنز" است. بعد می‌فرماید: «كَنْزٌ وَافِرٌ» یک کنز با عظمتی است. بعضی روایت می‌فرمایند: «آدم ساکت مورد محبت دیگران قرار می‌گیرد؛ هر انسانی ساکت‌تر باشد، بیشتر در دل انسان‌های دیگر جا می‌گیرند.»^{۱۲۱} پس "سکوت" هم "کنز" می‌شود.

۱۲۰. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الصَّمْتُ كَنْزٌ وَافِرٌ وَ زَيْنُ الْحَلِيمِ وَ سِتْرُ الْجَاهِلِ»

امام صادق (علیه السلام): سکوت کردن گنجی فراوان، زینت انسان صبور، و پوششی برای عیوب انسان جاهل است.

من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۹۶ / الإختصاص ج ۱ ص ۲۳۲

الوافي ج ۴ ص ۴۵۵ / وسائل الشيعة ج ۱۲ ص ۱۸۵ / بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۲۸۸ / عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۶۸۶ / مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۶

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ هَازُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ قَالَ: قَالَ دَاوُدُ لِسُلَيْمَانَ ع يَا بَنِيَّ عَلَيْكَ بِطُولِ الصَّمْتِ فَإِنَّ التَّدَامَةَ عَلَى طُولِ الصَّمْتِ مَرَّةٌ وَاحِدَةٌ خَيْرٌ مِنَ التَّدَامَةِ عَلَى كَثْرَةِ الْكَلَامِ مَرَاتٍ يَا بَنِيَّ! لَوْ أَنَّ الْكَلَامَ كَانَ مِنْ فَضَّةٍ كَانَ يُتْبَغَى لِلصَّمْتِ أَنْ يَكُونَ مِنْ ذَهَبٍ.

امام صادق (علیه السلام) از پدرانش: داود به سلیمان گفت: ای پسر! بر تو باد به سکوت طولانی؛ چرا که یک بار پشیمانی بر سکوت طولانی، بهتر است از پشیمانی فراوان بعد از سخن گفتن‌های فراوان. ای پسر! اگر کلام از نقره باشد، سزاوار است که سکوت از طلا باشد.

قرب الإسناد، ص ۶۹

بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۵ و ج ۶۸، ص ۲۷۷ / وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۱۸۶

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد تبیین «کنز پایدار سکوت»؛ به پیوست شماره ۹ مراجعه کنید.

۱۲۱. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرُّضَاعِ: مِنْ عَلَامَاتِ الْفِيهِ الْجَلْمُ وَالْعِلْمُ وَالصَّمْتُ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ.

امام رضا (علیه السلام): سه چیز از علامات فقه (فهم عمیق) است: حلم (صبر)، و علم و سکوت. همانا سکوت دری از درهای حکمت است. سکوت باعث ایجاد محبت می‌شود و راهنمایی برای هر خیر است.

الكافي، ج ۲، ص ۱۱۳ / قرب الإسناد، ص ۳۶۹ / الخصال، ج ۱، ص ۱۵۸ / عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۵۸

سن خصال و عيون: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرِ الْكُمَيْتَانِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ الْبَرْزَنْطِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ

تحف العقول، ص ۴۴۵ / كشف الغمة، ج ۲، ص ۲۹۳

بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴۸ / وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۱۸۵ و ۱۸۲ / الوافي، ج ۴، ص ۴۴۹

وَ قَالَ ع: بِكَثْرَةِ الصَّمْتِ تَكُونُ الْهَيْبَةُ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): زیادی سکوت باعث هیبت انسان می‌گردد.

نهج البلاغة، ص ۵۰۸ / نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۴۷

بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۰ / وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۱۸۷

۶/۲/۲/۳. شغل و حرفه؛ یکی دیگر از مصادیق کنزهای پایدار

حضرت دوباره در یک روایت دیگر می‌فرماید: «حِرْفَةُ الْمَرْءِ كَنْزٌ»^{۱۲۲} حرفه یاد بگیر؛ دائم برای تو از آن پول در می‌آید. چرا می‌خواهید پول را در بانک بگذارید؟ در یک حرفه‌ای خَرِيط (ماهر) بشوید؛^{۱۲۳} این هم "کنز" است.

۶/۲/۲/۴. قناعت؛ یکی دیگر از مصادیق کنزهای پایدار

بعد حضرت امیر عليه السلام در یک روایت دیگر می‌فرماید: «لَا كَنْزٌ أَغْنَىٰ مِنَ الْقَنَاعَةِ»^{۱۲۴} (هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست) برخی از آدم‌ها می‌گویند: من خیلی خواسته دارم. [این روایت] می‌گوید: خواسته‌هایت را تعدیل

۱۲۲. ارجاع پژوهشی: قال امیرالمؤمنین ع: حرفة المرء كنز.

امام علی علیه السلام: حرفه و شغل انسان، گنج است.

المواعظ العددیه، ص ۵۵

قال امیرالمؤمنین ع: حرفة المرء كنزه.

امام علی علیه السلام: حرفه و شغل انسان، گنج اوست.

نثر اللآلی ج ۱ ص ۶۲

۱۲۳. ارجاع پژوهشی: عن امیرالمؤمنین علیه السلام - فی الحِکْمِ الْمُنَسْوَبَةِ إِلَيْهِ -: لَا تَطْلُبْ شُرْعَةَ الْعَمَلِ، وَاطْلُبْ تَجْوِيدَهُ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَسْأَلُونَ: فِي كَمْ فُرْعَ مِنَ الْعَمَلِ؟ إِنَّمَا يَسْأَلُونَ عَنِ جُودَةِ صَنْعَتِهِ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) - در کلمات حکیمانه‌ای که به ایشان نسبت داده شده است - فرمود: به دنبال شتاب در کار نباش، بلکه نیک به جای آوردنش را دنبال کن؛ زیرا مردم نمی‌پرسند: در چه مدت، کار را انجام داد؛ بلکه از کیفیت حرفه و شغل فرد سؤال می‌کنند.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۲۰، ص ۲۶۷

۱۲۴. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ امیرالمؤمنین ع: لَا شَرَفَ أَعْلَىٰ مِنَ الْإِسْلَامِ وَلَا عِزَّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَىٰ وَلَا مَعْقِلَ أَحْسَنَ مِنَ الْوَرَعِ وَلَا شَفِيعَ أَنْجَحَ مِنَ التَّوْبَةِ وَلَا كَنْزٌ أَغْنَىٰ مِنَ الْقَنَاعَةِ وَلَا مَالٌ أَذْهَبَ لِلْفَاقَةِ مِنَ [الرِّضَا] الرِّضَىٰ بِالْقَوَاتِ وَمَنِ اقْتَصَرَ عَلَىٰ بُلْغَةِ الْكَفَافِ فَقَدْ ائْتَمَّ الرَّاحَةَ وَ تَبَوَّأَ حَفْصَ الدَّعَةِ وَ [الدَّعَةَ] الرَّغْبَةَ مِفْتَاحَ النَّصَبِ وَ مَطِيئَةَ النَّعْبِ وَ الْحِرْضَ وَ الْكِبْرَ وَ الْحَسَدَ دَوَاعِ إِلَى التَّقَحُّمِ فِي الدُّنُوبِ وَ الشَّرَّ [جَامِعٌ لِمَسَاوِي] جَامِعٌ مَسَاوِي الْعُيُوبِ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): هیچ شرافتی برتر از اسلام، و هیچ عزتی گرامی‌تر از تقوا، و هیچ سنگری نیکوتر از پارسایی، و هیچ شفاعت‌کننده‌ای کار سازتر از توبه، و هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت، و هیچ مالی در فقر زدایی، از بین برنده‌تر از رضایت دادن به روزی نیست و کسی که به اندازه کفایت زندگی از دنیا بردارد به آسایش دست یابد، و آسوده خاطر گردد، در حالی که دنیا پرستی کلید دشواری، و مرکب رنج و گرفتاری است، و حرص ورزی و خود بزرگ بینی و حسادت، عامل بی‌پروایی در گناهان است، و بدی، جامع تمام عیب‌ها است.

نهج البلاغة، ص ۵۴۰ (حکمت ۳۷۱)

بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۱

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَكَايَةَ التَّمِيمِيِّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ الْفَهْرِيِّ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شِمْرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ أَرْمَضَنِي إِخْتِلَافُ السَّبْعَةِ فِي مَذَاهِبِهَا فَقَالَ يَا جَابِرُ أَلَمْ أَقِفْكَ عَلَى مَعْنَى إِخْتِلَافِهِمْ مِنْ أَيْنَ اخْتَلَفُوا وَمِنْ أَيِّ جِهَةٍ تَفَرَّقُوا قُلْتُ بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ: ... وَلَا وَقَايَةَ أَمْنَعُ مِنَ السَّلَامَةِ وَلَا مَالٌ أَذْهَبَ بِالْفَاقَةِ مِنَ الرِّضَا بِالْقَنَاعَةِ وَلَا كَنْزٌ أَغْنَىٰ مِنَ الْفُتُوحِ وَمَنِ اقْتَصَرَ عَلَىٰ بُلْغَةِ الْكَفَافِ فَقَدْ ائْتَمَّ الرَّاحَةَ وَ تَبَوَّأَ حَفْصَ الدَّعَةِ.

کن، چرا یکسره می‌خواهی مقدار پس انداز خود را تقویت کنی؟! "قناعت" یعنی: "تعدیل کردن خواسته‌ها". این هم یک "کنز" است.

۶/۲/۲/۵. وجود خداوند متعال؛ مهم‌ترین مصادیق کنزهای پایدار

تا اینکه در نهایت می‌رسد به اینجا که می‌گوید: «یاکنز من لاکنز له»^{۱۲۵} می‌گوید: "خدا" هم "کنز" است. یعنی: کسانی که ناپایداری کنوز دنیا را می‌بینند؛ خدای متعال می‌گوید: من خودم جای کنوز دنیا را برای تو می‌گیرم.^{۱۲۶}

جابر بن یزید می‌گوید: بر ابو جعفر علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: ای فرزند پیامبر! اختلاف شیعه در مذاهب گوناگون مرا گداخته است. پس حضرت فرمود: ای جابر! آیا تو را به مفهوم اختلاف آنها و خاستگاه این اختلاف و جهت پراکندگی مسلمانان آگاه نسازم؟ عرض کردم: آری ای فرزند پیامبر. فرمود... نگاهبانی منبع‌تر از سلامت، و نه مالی نیاز برآورنده‌تر از دل دادن به قناعت و نه گنجی پر ثروت‌تر از قناعت، وجود دارد. هر که به کفایت گذران زندگی بسنده کند آسایش خود را پا بر جا کرده و در مهد آرامش آرمیده است.

الکافی ج ۸ ص ۱۸ / من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۸۴

مجموعه ورام ج ۲ ص ۳۹

الوافی ج ۲۶ ص ۱۷ / بحار الأنوار ج ۶۶ ص ۴۱۱

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد تبیین «کنز پایدار قناعت»: به پیوست شماره ۱۰ مراجعه بفرمایید.

۱۲۵. **ارجاع پژوهشی:** وَمِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ أَسْمَاءِ اللَّهِ الْخُسْنَى وَهُوَ دُعَاءُ الْمَسْئُولِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ... يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا دُخْرَ مَنْ لَا دُخْرَ لَهُ يَا حِزْرَ مَنْ لَا حِزْرَ لَهُ يَا كَهْفَ مَنْ لَا كَهْفَ لَهُ يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ.

امام علی علیه السلام: ای پشتیبان انسان بی پشتوانه، ای ذخیره‌ی هر که پس اندازی ندارد... ای گنج و ثروت هر که گنج و دارایی ندارد.

الخصال ج ۲ ص ۵۱۰

البلد الامین ج ۱ ص ۳۳۷ / المصباح (للكنعمی) ج ۱ ص ۲۶۰ / زاد المعاد ج ۱ ص ۳۸۸ / الصحيفة العلوّیة ج ۱ ص ۶۱

۱۲۶. **ارجاع پژوهشی:** يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (سوره مبارکه فاطر، آیه ۱۵)

ای مردم! شما باید نیازمندان به خدا، و فقط خدا بی‌نیاز و ستوده است.

ها أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ سَأَلْتُمْ لَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (سوره مبارکه محمد، آیه ۳۸)

آگاه باشید! شما همان مردمی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید، پس برخی از شما بخل می‌ورزند، و هر که بخل پیشه کند، فقط نسبت به [سعادت و خوشبختی] خود بخیل است، و خدا [از انفاق و صدقات شما] بی‌نیاز است، و شما باید که نیازمند هستید و اگر [از فرمان‌ها او] روی بگردانید به جای شما گروه دیگری را می‌آورد که مانند شما [روی گردان، سست عقیده و بخیل] نخواهند بود.

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (سوره مبارکه حج، آیه ۶۴)

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست و یقیناً خداست که خود بی‌نیاز و ستوده است.

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (سوره مبارکه لقمان، آیه ۲۶)

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست یقیناً خدا همان بی‌نیاز و ستوده است.

[این مباحث را] در ذهنتان با حرف‌های کینز (Keynes) مقایسه می‌کنید؟ [متوجه هستید که] به اسم اینکه دکترای اقتصاد و کارشناس اقتصاد هستند؛ چه بلایی بر سر ما می‌آورند؟! با این القاب دهان‌پُرکن! به من طلبه هم می‌گویند: «تو حرف نزن! چون تو کینز (Keynes) نخوانده‌ای!» می‌گوییم: «درست است؛ ولی ما قال الصادق علیه السلام که خوانده‌ایم.» می‌گوییم: «بنشینید بحث‌های ما را با مباحث کینز (Keynes) مقایسه کنید و گسترش آن را ببینید.» این یک بحث شد.

پس من در سرفصل پنجم، سعی کردم اجمالاً مفهوم "کنز" را توسعه دهم. مفهوم "پس‌انداز" را [نیز در سرفصل قبلی] توسعه دادم. همان بحث را که من اول جلسه وعده دادم، تقریباً اجمالاً محقق شد. "پس‌انداز" این چیزی که کینز (Keynes) گفته (که باقیمانده درآمد است) نیست؛ بلکه "کنز" مصادیق بسیار دیگری نیز دارد که باید همه مصادیق آن را بحث و بیان کرد.

۶/۲/۲/۶. ذکر لا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ یکی دیگر از مصادیق کنزهای پایدار

من یک روایت آخری هم بخوانم که شما درک کنز را داشته باشید و ان‌شاء الله ثروتمند باشید. حضرت می‌فرمایند: «لا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ»^{۱۲۷} یعنی: این ذکر "لا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ" از کنوز (گنج‌های) دنیا نیست؛ بلکه از کنوز بهشت است! این ذکر را بگویند و بر آن مداومت کنید و در روایت داریم اولین پس‌اندازی که برای شما ایجاد می‌کند این است که هم و غم شما را از بین می‌برد.^{۱۲۸} چقدر ثروت بزرگی است که کسی هم و غم

۱۲۷. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ تَمِيمٍ السَّرْحَسِيُّ بِسَرْحَسٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو لَيْبِدٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ الشَّامِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا هَاشِمُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْمَخْزُومِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَيُّوبَ عَنْ خَالِدِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَشْرُوحٍ عَنْ رَبِيعَةَ بْنِ بَوْرَاءَ [يُورَا] عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ أَرَادَ كَنْزَ الْحَدِيثِ فَعَلَيْهِ بِلا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. پیامبر رحمت صلوات الله علیه: هرکس گنج سخن را می‌خواهد پس ذکر لا حول و لا قوه الا بالله العظیم را بگوید.

معانی الاخبار ج ۱ ص ۱۳۹

بحار الانوار ج ۹۰ ص ۱۸۷ / مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۳۸۷

۱۲۸. ارجاع پژوهشی: قَالَ مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ قَالَ جَعَفَرُ يَوْمًا لِسُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ يَا سُفْيَانُ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَأَحْبَبْتَ بَقَاءَهَا فَأَكْثِرْ مِنَ الْحَمْدِ وَ الشُّكْرِ عَلَيْهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ لَنْ يَنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَ إِذَا اسْتَبَطَّتْ الرِّزْقَ فَأَكْثِرْ مِنَ الإِسْتِغْفَارِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيِّنَ يَعْني فِي الدُّنْيَا وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ فِي الآخِرَةِ. يَا سُفْيَانُ! إِذَا حَزَنَكَ أَمْرٌ مِنْ سُلْطَانٍ أَوْ غَيْرِهِ فَأَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ لا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ الْفَرَجِ وَ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ.

مالك بن انس گفت حضرت صادق (ع) روزی به سفیان ثوری فرمود: سفیان، هر گاه خدا بتو نعمتی ارزانی داشت و مایل بودی آن نعمت پایدار بماند زیاد حمد و سپاس خدا را بکن. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَنْ يَنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ» (اگر شکرگزاری کردید افزایش میدهم برای شما.) و هر گاه دچار تنگدستی شدی زیاد استغفار کن زیرا خداوند می‌فرماید: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا. يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيِّنَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ». (از خدا طلب مغفرت کنید او بخشنده است از آسمان برای شما باران فراوان و پی در پی می‌فرستد و بوسیله اموال و فرزندان یاریتان

نظریه فقهی انفاق

نداشته باشد. این نوع پس انداز باعث می شود شما هم و غم نداشته باشید. شما می دانید اولین کاری که هم و غم می کند این است که قلب را فرسوده^{۱۲۹} و آدم را پیر می کند.^{۱۳۰} ببینید اینها گنج است.

میکند.) امام فرمود یعنی در دنیا و بشما باغها ارزانی میدارد فرمود یعنی در آخرت. سفیان، هر گاه مطلبی تو را غمگین کرد چه مربوط به سلطان باشد یا دیگری زیاد بگو: «لا حول و لا قوة الا بالله» این ذکر کلید فرج و گنجی از گنجینه های بهشت است.

کشف الغممة في معرفة الأئمة (اربلی، ۶۹۲ ق) ج ۲، ص ۱۵۶ / العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة (یوسف بن مطهر حلی، ۷۰۳ ق)، ص ۱۴۹
حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام (سید هاشم بحرانی، ۱۱۰۷ ق)، ج ۴، ص ۵۰
بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۱ و ۲۲۷

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاخْفِظْهَا فَلَا تَزَلْ بِخَيْرٍ مَا حَفِظْتَ وَصِيَّتِي: يَا عَلِيُّ أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْهَمِّ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَى مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ.
از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود: ای علی تو را سفارش می کنم سفارشی که آن را حفظ کن که همیشه نیک است آنچه را که حفظ کرده ای: ... ای علی! امان و پناه امت من از غم و غصه این ذکر است: هیچ یار و نیرویی و هیچ پناه و نجات بخشی جز خدا نیست.

من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۵۲
مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۴۳۳ / الوافی ج ۲۶ ص ۱۶۸ / بحار الانوار ج ۷۴ ص ۲۶

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ فَلْيَقُلْ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».
پیامبر رحمت صلوات الله علیه: هر که از چیزی ناراحت شده ذکر لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم را بگوید.

عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۷۶
مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۳۶۷ / بحار الانوار ج ۹۰ ص ۱۸۷

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: إِذَا تَزَلَّتِ الْهُمُومُ فَعَلَيْكَ بِلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَمَنْ وَجَدَ هَمًّا وَلَا يَدْرِي مَا هُوَ فَلْيَغْسِلْ رَأْسَهُ.
امام صادق (علیه السلام): هر گاه هم و غم بر تو نازل شد؛ پس بر تو باد به «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» ...

الدعوات (للراوندي)، ص ۱۲۰
بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۲۳ (وفیه "تَوَلَّتِ الْهُمُومُ" بدل "تَزَلَّتِ الْهُمُومُ")

۱۲۹. ارجاع پژوهشی: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْأَحْزَانُ أَسْقَامُ الْقُلُوبِ كَمَا أَنَّ الْأَمْرَاضَ أَسْقَامُ الْأَجْذَانِ.

امام صادق (علیه السلام): غم و اندوه بیماری های قلب هاست همانطور که مرض ها بیماری های بدن هاست.

الدعوات (للراوندي)، ص ۱۱۸
بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۲۸۰

عن علی علیه السلام: الْأَحْزَانُ سَقَمُ الْقُلُوبِ.

امام علی علیه السلام: غصه ها بیماری قلب هاست .

غرر الحکم ج ۱ ص ۱۸۵ / عیون الحکم ص ۴۲

۱۳۰. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عُبيدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرَيْسِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع: وَكَانَ الْمَسِيحُ ع يَقُولُ مَنْ كَثُرَ هَمُّهُ سَقِمَ بَدَنُهُ.

۷. سرفصل ششم: محل مصرف مال (انفاق) از نگاه اسلام و ساختار سود ناشی از آن کدام است؟

سرفصل آخر را بحث کنم و از خدمت شما مرخص شوم. [تا به اینجا] حضرات معصومین علیهم السلام "کنز" را برای ما توسعه معنایی دادند. ولی حالا در آخرین و ششمین سرفصل: "محل مصرف کنز" از منظر حضرات معصومین علیهم السلام را بحث خواهیم نمود. منتها در این جلسه فعلاً فقط "محل مصرف کنز مالی" را بحث می‌کنیم. یعنی اگر شما گفتید: "علم" هم "کنز" است؛ محل مصرف آن در روایت بحث شده است. مثلاً می‌گویند: علم را به اهلش بدهید.^{۱۳۱} ولی چون الان در حال بحث در مورد مکاسب هستیم؛ بنابراین فقط "محل مصرف کنوز مالی" را توضیح خواهیم داد. [به این بیان که مثلاً:] آن چهار هزار درهم و دوازده هزار درهم را کجا مصرف کنیم؟ و این نقدینگی را کجا هدایت کنیم؟

امام صادق (ع) فرمود شوخی مکن تا روشنیت برود و دروغ مگو تا خرمیت برود و از دو خصلت بر کنار باش تنک خلقی و تبلی زیرا اگر خلقت تنک شود بر حق صبر نتوانی و اگر تبلی باشی حقی ادا نکنی. و حضرت مسیح (ع) همیشه می‌فرمود: هر که غمش بسیار است تنش بیمار گردد هر که بد خلق است خود را شکنجه کند، هر که سخن بسیار گوید بسیار در غلط افتد و هر که بسیار گناه کند بهایش برود و هر که با مردان در افتد مروتش برود. الأمالی (للصدوق)، ص ۵۴۳

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع عَنْ اميرالمومنين ع : ... اللَّهُمَّ نَصِّفْ الْهَرَمَ
اميرالمومنين (عليه السلام): حزن و اندوه، نیمی از پیری است.

الخصال، ج ۲، ص ۶۲۰ / من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۶ / نهج البلاغة، ص ۴۹۵ / تحف العقول، ص ۱۱۱
سند من لا يحضر: زَوْي صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي غَمْبَرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع

الإمام علي عليه السلام: الحزنُ يهدمُ الجسدَ.

امام علی علیه السلام: حزن و اندوه، بدن را نابود می‌کند.

غررالحکم، ص ۴۰

۱۳۱. ارجاع پژوهشی: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةً وَ زَكَاةَ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ أَهْلَهُ.

امام صادق (عليه السلام): هر چیزی زکاتی دارد و زکات علم این است که آن را به اهلش بیاموزی.

تحف العقول، ص ۳۶۴ / عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۷۲ / مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۳۹

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۴۷ و ج ۹۳، ص ۱۳۶

عن علي ع: زَكَاةُ الْعِلْمِ بَدَلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ وَ إِجْهَادُ النَّفْسِ بِالْعَمَلِ بِهِ.

امام علی (عليه السلام): زکات علم، یاد دادن آن به شایستگان، و وادار کردن خود به عمل به آن است.

عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص ۲۷۵ / غرر الحكم و درر الكلم، ص ۳۹۱ / تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ۴۴

مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۶

۷/۱. هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی؛ تعریف انفاق و محل مصرف

مال از نگاه اسلام

در مجموع؛ بنده از روایات، "تنقیح مناط"^{۱۳۲} کرده‌ام که: "انفاق" یعنی: «هدایت نقدینگی به سمت "تنظیم روابط انسانی"؛^{۱۳۳} نه به سمت "تولید".» چون روابط انسانی (رابطه انسان‌ها با یکدیگر)، اصل است؛ بنابراین شما از "پس انداز" و "کنز" خودتان برای "تنظیم صحیح روابط انسانی" استفاده کنید، به جای اینکه آن را به سمت "تولید صنعتی" ببرید که در آن چهار فساد [که در سرفصل سوم ذکر شد] شریک شوید.^{۱۳۴} حضرت می‌فرمایند: اگر می‌خواهید به این بلا مبتلا نشوید؛ الحمدلله حالا که پس انداز دارید، پس اینها را در این محل‌هایی که من می‌گویم برای خودتان ذخیره کنید:

۱۳۲. **ارجاع پرورشی: تنقیح مناط** نزد اصولیین یعنی: الحاق فرع به اصل، با الغای فرق بین آنها. به این صورت که بگوییم: بین اصل و فرع فرقی نیست جز این مورد، و این مورد نیز در حکم دخالت ندارد، بنابراین: چون در علت حکم مشترکند، پس در حکم نیز مشترکند. به عبارت دیگر: تنقیح مناط یعنی پاک کردن علت حکم و تعمیم دادن آن.

فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۱، ص ۲۵۷

جهت مطالعه بیشتر در مورد اصطلاح "تنقیح مناط"؛ به پیوست شماره ۱۱ مراجعه فرمایید.

۱۳۳. **ارجاع پژوهشی:** ما با استنباطی که انجام داده‌ایم، سیزده حوزه **رابطه انسانی** مهم وجود دارد که بر تمام حوزه‌های زندگی تاثیر می‌گذارند. عناوین این سیزده حوزه عبارتند از: رابطه انسان با امام، رابطه انسان با معلم، رابطه انسان با خانواده، رابطه انسان با همسایه، رابطه انسان با دوست، رابطه انسان با دشمن، رابطه انسان با شریک شغلی، رابطه انسان با طرف معامله، رابطه انسان با فقیر، رابطه انسان با یتیم، رابطه انسان با این‌سبیل، رابطه انسان با مهمان، رابطه انسان با همسفر.

حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری، نشست تخصصی الگوی جدید مدیریت روستا، ص ۲۳

۱۳۴. روز قیامت شما را می‌آورند و به شما می‌گویند: «چرا دنیا را آلوده کردید؟!» شما می‌گویید: «این‌طور نیست!» اما پاسخ می‌دهند: «چرا همین‌طور است؛ شما چرا پول را در بانک گذاشتید؟!» من وقتی اینها را می‌بینم اذیت می‌شوم. بعضی طلبه‌ها در بورس جهانی هم سرمایه‌گذاری می‌کنند! معلوم می‌شود کلاً در حوزه که بوده فقط "فلسفه" خوانده، و اصلاً "روایت" نخوانده است! در نتیجه (چون روابط مالی را که شما تشخیص نمی‌دهید) می‌بینید که پول شما بخشی از سرمایه "شرکت سامسونگ" شده است! نهایت اینکه در همه مسائلی که او ایجاد کرده است، تو هم شریک هستی که من چهار مورد آن را گفتم. [دوباره در قیامت از شما سوال می‌شود که: مثلاً] «چرا به این فقرایی که در آفریقا هستند نان نرساندی؟» می‌گویید: «خدایا من در شهر دیگری بودم، من اصلاً در آفریقا اینها را نمی‌شناختم.» به شما گفته می‌شود: «نه؛ شما تولید صنعتی را تقویت کردی در نتیجه تولید خانگی و کسب‌وکارهای خرد از کار افتاد و این اتفاق‌ها رقم خورد.»

انتقال از متن

۷/۱/۱. انفاق مال در راه حج؛ نمونه‌ای از هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط

انسانی

۷/۱/۱/۱. یک درهم در برابر بیست هزار درهم؛ سود ناشی از انفاق مال در راه حج

روایات را ببینید، قال الصادق علیه السلام: «دَرَهْمٌ تُنْفِقُهُ فِي الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنْ عَشْرِينَ أَلْفَ دَرَهْمٍ تُنْفِقُهَا فِي حَقٍّ»^{۱۳۵}
 من عمداً این روایت را به خاطر عرض ارادت به مولایم امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر می‌کنم: حضرت در نهج البلاغه این روایت را می‌فرمایند که: «مواظب باشید حج تعطیل نشود، اگر حج تعطیل شد، کفار بر شما غلبه پیدا می‌کنند و در نتیجه خداپرستی تعطیل خواهد شد!»^{۱۳۶} لذا روایت دارد که: «اگر پول هم نداشتید، قرض کنید و به عمره بروید»^{۱۳۷} خداوند متعال آن قرض را برای شما جبران خواهد نمود.»

۱۳۵. ارجاع پژوهشی: وَ عَنْهُ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَرَهْمٌ تُنْفِقُهُ فِي الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنْ عَشْرِينَ أَلْفَ دَرَهْمٍ تُنْفِقُهَا فِي حَقٍّ.

امام صادق علیه السلام: یک درهم که برای حج مصرف کنید بهتر است از بیست هزار درهم که در راه خیر دیگری خرج کنید.

الکافی ج ۵ ص ۲۵۵

الوافی ج ۱۲ ص ۲۴۷ / وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۱۱۵

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «سود ناشی از انفاق در راه حج»؛ به پیوست شماره ۱۲ مراجعه بفرمایید.

۱۳۶. ارجاع پژوهشی: قال امیرالمؤمنین ع: ... اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكَ لَمْ تَنَاطَرُوا!

امیرالمؤمنین (علیه السلام): ... خدا را خدا را در باره خانه خدا، تا هستید آن را خالی نگذارید، زیرا اگر کعبه خلوت شود، مهلت داده نمی‌شوید!

نهج البلاغه، نامه ۴۷ / الکافی ج ۷ ص ۴۹ / تحف العقول ج ۱ ص ۱۹۷ / من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۱۸۹

بحارالانوار ج ۴۲ ص ۴۰۶ / الوافی ج ۲ ص ۳۲۹ / وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۲۳ / تسلیه المجالس ج ۱ ص ۴۸۸

أبي ره قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: كَانَ فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: لَا تَتْرَكُوا حَجَّ بَيْتِ رَبِّكُمْ فَتَهْلِكُوا. وَقَالَ: مَنْ تَرَكَ الْحَجَّ لِحَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا لَمْ يَقْضِ [نَقْضًا] حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى الْمُحَلِّقِينَ.

امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت نموده که فرمود: یکی از وصیت‌های امیر مؤمنان علیه السلام این بود که: حج خانه خدا را رها نکنید که نابود می‌شوید. و نیز فرمود: هر که حج را به خاطر دستیابی به خواسته‌ای دنیایی وارهد تا آن هنگام که زیارتگران خانه خدا با سرهای تراشیده از حج بازگردند خواسته‌اش برآورده نشود.

نواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۶ / المحاسن، ج ۱، ص ۸۸

بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۹ / وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۳

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلُوهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: أَمَا إِنَّ النَّاسَ لَوْ تَرَكَوا حَجَّ هَذَا الْبَيْتِ لَنَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ وَمَا أَنْظَرُوا!

ابوبصیر گوید: از حضرت ابا عبد الله علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: اگر مردم زیارت این بیت (بیت الله) را ترک می‌کردند قطعاً حق تعالی عذاب بر ایشان نازل می‌فرمود و مهلتشان هم نمی‌داد!

علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۲۲

نظریه فقهی انفاق

خیلی مهم است: اگر می‌خواهیم کفار بر ما مسلط نشوند، نگذاریم حج تعطیل شود. حضرت می‌فرماید: یکی از کارهای مفیدی که هرکسی می‌تواند انجام دهد، این است که کمک کند با پولش آدم‌های دیگر به حج بروند. می‌گویند: «اگر یک درهم در راه حج انفاق کردید، **أَفْضَلُ مِنْ عِشْرِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ تُنْفِقُهَا فِي حَقِّ**. از بیست هزار درهم با فضیلت‌تر است.» ببینید؛ این مدل محاسبه بانکداری خداوند است؛ خداوند می‌فرماید: «اگر پنجاه هزار تومان بدهید، ما بیست هزار برابر برای شما حساب خواهیم کرد.» و می‌دانید که بانک خداوند متعال ورشکسته نخواهد شد. وقتی که [به سرای آخرت] می‌روید، می‌بینید که بیست هزار درهم در حسابتان است! این مطالبی را که بنده برای شما بیان می‌کنم، استنباط خود من این نیست؛ بلکه عین لفظ روایت است: حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «خداوند متعال برای تو ذخیره می‌کند و به تو برمی‌گرداند.» من نمی‌دانم چرا بعضی‌ها فکر می‌کنند وقتی انفاق می‌کنند، چیزی پرداخت می‌کنند اما در مقابل چیزی به دست نمی‌آورند. [در حالی که] تعبیر روایت این است که: «خداوند برای تو ذخیره می‌کند و روزی که هیچ چیز نداری به شما بازمی‌گرداند.»^{۱۳۸} آن روایتی را که خواندم؛ علی بن حمزه از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در کتاب کافی نقل کرده بود.

هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۱۰ / بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۹ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۲۲

۱۳۷. **ارجاع پژوهشی:** رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُقْبَةَ قَالَ: جَاءَنِي سَدِيرُ الصَّيْفِيِّ فَقَالَ إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ مَا لَكَ لَا تَحُجُّ اسْتَفْرَضَ وَحُجَّ. به نقل از عقبه - سدير صيرفي، نزد من آمد و گفت: امام صادق عليه السلام به تو سلام می‌رساند و به تو می‌فرماید: چرا حج نمی‌روی؟! قرض کن و به حج برو.

تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۴۴۱ / الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج ۲، ص ۳۲۹
الوافي، ج ۱۲، ص ۲۷۲ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۴۰

۱۳۸. **ارجاع پژوهشی:** قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْتُمْ بِمِنْ شَيْءٍ فَهَوٍ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (سوره مبارکه سبأ آیه ۳۹)

بگو: یقیناً پروردگرم روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می‌دهد و یا تنگ می‌گیرد، و هرچه را انفاق می‌کنید [چه کم و چه زیاد] خدا عوضی را جایگزین آن می‌کند و او بهترین روزی دهندگان است.

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شَعِيبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ يَحُجُّ بِدَيْنٍ وَ قَدْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ قَالَ نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ سَيَفْضِي عَنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

از یعقوب بن شعیب روایت شده است که گفت: از امام صادق علیه السلام در باره مردی سؤال کردم که با گرفتن وام حج بجا می‌آورد، در صورتی که حجة الاسلام را بجا آورده است. آیا این عمل جایز است؟ امام فرمود: آری، زیرا خدای عز و جل قرض او را به زودی اداء خواهد کرد، ان شاء الله تعالی.

الكافي، ج ۴، ص ۲۷۹ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۴۳۶
وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۴۲ / الوافي، ج ۱۲، ص ۲۷۱

سُئِلَ الصَّادِقُ ع عَنْ رَجُلٍ ذِي دَيْنٍ يَسْتَدِينُ وَيَحُجُّ؟ فَقَالَ: نَعَمْ هُوَ أَفْضَى لِلدَّيْنِ!

از امام صادق (علیه السلام) در مورد مردی که دارای دین است؛ آیا قرض کند و به حج برو؟ فرمود: بله؛ انجام حج، قرض او را زودتر اداء خواهد کرد!

۷/۱/۲. انفاق مال در راه سلامتی و بهداشت فردی؛ نمونه‌های دیگر از هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی

۷/۱/۲/۱. انفاق برای خضاب(حنا)؛ یکی از مصادیق انفاق مال در راه سلامتی

۷/۱/۲/۱/۱. یک درهم انفاق برای خضاب، بالاتر از یک درهم (یا هزار درهم) در راه خدا؛ سود ناشی از انفاق مال برای خضاب(حنا)

روایت دیگر می‌فرماید: قال رسول الله ﷺ: «نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^{۱۳۹} (یعنی: یک درهم انفاق کردن برای خضاب، بهتر است از یک درهم انفاق در راه خدا.) حضرت خیلی حرف بزرگی زده‌اند، الان آدم‌ها تعجب می‌کنند!

در ادامه حضرت می‌فرماید: «إِنَّ فِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ خَصْلَةً» برای خضاب، چهارده خاصیت وجود دارد. می‌فرماید: «نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي الْخِضَابِ»، یک درهم در راه خضاب گرفتن (حناگرفتن) خرج کنید، از یک درهم در راه خدا

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۲۱ / عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية، ج ۴، ص ۲۷
الوافي، ج ۱۲، ص ۲۷۲

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي رَجُلٌ ذُو دَيْنٍ أَفَأَتَدَيُّنُ وَأُحْجُّ فَقَالَ تَعَمُّ هُوَ أَفْضَى لِلدَّيْنِ!

تهذیب الأحكام- به نقل از معاویة بن وهب، با سندهای متعدّد:- به امام صادق علیه السلام گفتم: من مردی بدهکارم. آیا وام بگیرم و به حج بروم؟ فرمود: «آری! حج، بهتر، قرض را ادا می‌کند!».

تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۴۴۱ / الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۲، ص ۳۲۹
الوافي، ج ۱۲، ص ۲۷۲ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۴۰

۱۳۹. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَخْمَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ إِنَّ فِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ خَصْلَةً: يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأَذْنَيْنِ وَ يَجْلُو الْعِشَاءَ عَنِ الْبَصَرِ وَ يُلَيِّنُ الْخَبَاشِيمَ وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يُشَدُّ اللَّئَةَ وَ يَدْهَبُ بِالْعَسْبَانَ وَ يُقِلُّ وَسْوَسةَ الشَّيْطَانِ وَ تَفْرُحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَ يَسْتَبَشِرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَغِيظُ بِهِ الْكَافِرَ وَ هُوَ زِينَةٌ وَ هُوَ طَيْبٌ وَ بَرَاءَةٌ فِي قَبْرِهِ وَ يَسْتَحْيِي مِنْهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ.

یامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: هزینه یک درهم برای خضاب، برتر از هزینه یک درهم در راه خدا است؛ به‌راستی که در خضاب چهارده ویژگی است: باد گوش‌ها را دور می‌کند، پرده را از چشم دور می‌نماید، خیشوم‌های بینی را نرم و روان می‌کند، دهان را خوشبو می‌کند، لثه را محکم می‌نماید. غشیان (بیهوشی به خاطر غلبه زردآب) را از بین می‌برد، وسوسه شیطان را اندک می‌کند. فرشتگان به آن شادمان می‌شوند، مؤمن به آن بشارت می‌گیرد و کافر را به خشم می‌آورد. خضاب زینت و پاکی و موجب برائت در قبر است و دو فرشته نکیر و منکر از آن شرم و حیا می‌کنند.

الکافی ج ۶ ص ۴۸۲

الوافي ج ۶ ص ۶۳۶ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۴۸۵

افضل است «مِنْ نَفَقَةِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». در بعضی از روایات دیگر هم تصریح بیشتری به آن شده است.^{۱۴۰} بعد حضرت می فرمایند: به خاطر اینکه موضوع خضاب، "سلامت" شما است.^{۱۴۱} اگر شما خضاب نگرفتید، یک

۱۴۰. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّازِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عُمَرَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ التَّهَوَنْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: **دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ فِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ خَصْلَةً...**
رسول خدا (صلی الله علیه و آله): یک درهم برای خضاب خرج کردن، بهتر است از انفاق هزار درهم در راه خدا ...

الخصال، ج ۲، ص ۴۹۷

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو زَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ **دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ دِرْهَمٍ يُنْفَقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ فِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ خَصْلَةً...**

الخصال، ج ۲، ص ۴۹۷

علاوه بر این روایات که «سود ناشی از انفاق در راه خضاب (حناء)» را هزار درهم ذکر کرده اند؛ روایات دیگری نیز وجود دارد. جهت مشاهده آنها به پیوست شماره ۱۳ مراجعه بفرمایید.

۱۴۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **الْحِنَاءُ خِضَابُ الْإِسْلَامِ؛ يَزِيدُ فِي الْمُؤْمِنِ عَمَلَهُ، وَ يَذْهَبُ بِالصَّدَاقِ، وَ يُجِدُّ الْبَصَرَ، وَ يَزِيدُ فِي الْوِقَاعِ، وَ هُوَ سَيِّدُ الرَّيَاحِينِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.**

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): حناء، خضاب اسلام است؛ کار مومن را زیاد می کند، و سر درد را می برد، بینایی را تیز می کند، همبستری را زیاد می کند، و آقا و سید گل های دنیا و آخرت است.

طب النبي صلى الله عليه وآله وسلم، ص ۳۰

مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۹۳ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۹

باسناده [أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ الْأَجَلُ الْعَالِمُ الرَّاهِدُ الرَّاشِدُ أَمِينُ الدِّينِ ثِقَّةُ الْإِسْلَامِ أَمِينُ الرَّؤَسَاءِ أَبُو عَلِيٍّ الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّبْرِسِيُّ أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ عُرَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْأَضَمِّ رَجَبِ سَنَةِ تِسْعٍ وَ عَشْرِينَ وَ حَمْسِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ السَّعِيدُ الرَّاهِدُ أَبُو الْفَتْحِ عُيَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ هَوَازَنَ الْفُشَيْرِيُّ أَدَامَ اللَّهُ عُرَّةَ قِرَاءَةً عَلَيْهِ دَاخِلَ الْقُبَّةِ النَّبِيِّ فِيهَا قَبْرُ الرَّضَاعِ عُرَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْمُبَارَكِ رَمَضَانَ سَنَةِ إِحْدَى وَ حَمْسِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْجَلِيلُ الْعَالِمُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْخَاتِمِيُّ الرَّوْرَنِيُّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ حَمْسِينَ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ هَازُونَ الرَّوْرَنِيُّ بِهَا قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ حَفَدَةَ الْعَبَّاسِ بْنِ حَمْرَةَ النَّبَشَابُورِيِّ سَنَةِ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِبِيِّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي سَنَةَ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «عَلَيْكُمْ بِسَيِّدِ الْخِضَابِ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الْبَشْرَةَ وَ يَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): بر شما باد به سید و آقای خضابها [حناء]: چرا که پوست و چهره را پاکیزه و شاداب می کند و همبستری را زیاد می نماید.

صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۹۰ / مكارم الأخلاق، ص ۸۲

مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۹۴

قَالَ ص: **مَا خَلَقَ اللَّهُ شَجَرَةً أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْحِنَاءِ.**

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خداوند در نزد خودش درختی را محبوب تر از حناء خلق نفرمود.

طب النبي صلى الله عليه وآله وسلم، ص ۳۰

وزارت بهداشتی می‌آید که یک چهارم بودجه کشور را مصرف می‌کند^{۱۴۲} و همه‌تان مریض می‌شوید و سالم‌تر هم نخواهید شد! بنابراین هر وقت مال داشتید، از مالتان در حوزه سلامت استفاده کنید.

۷/۱/۲/۱/۱. رفع برخی از مشکلات شنوایی و بینایی؛ دو نمونه از چهارده خاصیت خضاب (حنا)

برای سلامتی

حالا "حنا" چهارده خصلت دارد که من دو مورد از آنها را اشاره می‌کنم: [خاصیت اول خضاب این است که: «يَطْرُقُ الرِّيحَ مِنَ الْأَذْنَيْنِ» جلوی ریح در گوش را می‌گیرد، دیدید که بعضی از افراد دچار وز وز در گوش هستند و گوششان صدا می‌دهد. یک مشکلی ایجاد شده است که پزشک هم نمی‌تواند آن را حل کند. حضرت می‌فرماید: «اگر حنا گرفتید این مشکل هم برطرف می‌شود.» چون می‌دانید که وقتی سمع و قدرت شنوایی انسان قطع می‌شود، زندگی انسان دچار چالش می‌شود؛ لذا اگر شما پول دار هستید، حنا بخرید و به آدم‌های دیگر بدهید تا حنا بگذارند. ببینید حضرت "هدایت نقدینگی" را بحث می‌کند.

بعد [در بیان خاصیتی دیگر از خضاب] می‌فرماید: «يَجْلُو الْغِشَاءَ عَنِ الْبَصَرِ» جلوی آن بیماری‌ای که منشأ ایجاد غشاء در مقابل چشم است، (حالا به تعبیر ساده مثلاً آب مروارید) را می‌گیرد.

می‌فرمایند: پولتان را [برای خضاب] بگذارید، [تا] جلوی "گری" و "کوری" مردم را بگیرید! اگر می‌خواهید پولتان را استفاده کنید در این راه استفاده کنید.

۷/۱/۲/۲. انفاق برای "نوره"؛ یکی دیگر از مصادیق انفاق مال در راه سلامتی

من "خضاب" را از باب نمونه بیان کردم. درباره "نوره" هم همین‌طور است. در روایتی می‌فرمایند: «اگر فقیر هم هستید، قرض کنید و بروید نوره بگیرید و استفاده کنید.»^{۱۴۳} چون شما اگر این کار را انجام ندهید، منافذ پوست

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۹۳

۱۴۲. **ارجاع پردازشی:** بودجه سال ۱۴۰۰ حوزه سلامت در مجموع ۵۷ درصد نسبت به سال ۹۹ افزایش داشت و ۱۵ درصد از اعتبارات عمومی دولت به بخش سلامت تخصیص داده شد. بر اساس آنچه در لایحه بودجه پیشنهادی ۱۴۰۱ که دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه داده است، بودجه وزارت بهداشت در سال آینده، ۱۷۴ هزار و ۱۳۳ میلیارد و ۷۹۳ میلیون تومان پیش بینی شده است.

منبع: خبرگزاری مهر

<https://b2n.ir/f86401>

۱۴۳. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: السُّنَّةُ فِي الثُّورَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْماً فَإِنْ أَتَتْ عَلَيْكَ عِشْرُونَ يَوْماً وَ لَيْسَ عِنْدَكَ فَاسْتَقْرِضْ عَلَى اللَّهِ.

امام صادق (علیه السلام): سنت در نوره در هر پانزده روز یک بار است. پس اگر بیست روز بر او بگذرد و پولی نداری قرض کن بر خدا (واین کار را انجام بده).

الكافي، ج ۶، ص ۵۰۶ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۹ / تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۷۵

سند تهذيب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

نظریه فقهی انفاق

شما باز نمی شود در نتیجه "سودا" و "اخلاط ناسالم" هم [از بدن شما] خارج نمی شود.^{۱۴۴} [در نتیجه دچار بیماری های گوناگون می شوید] آن وقت یک وزارت بهداشتی می آید یک چهارم بودجه کشور را می گیرد و زندگی مردم را هم به چالش می کشد.

وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۱ / الوافی، ج ۶، ص ۶۱۶

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكُ عَانَتَهُ فَوْقَ أُذُنَيْهِ يَوْمًا وَلَا يَجُلُّ لِامْرَأَةٍ تُوْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تَدَعَ ذَلِكَ مِنْهَا فَوْقَ عِشْرِينَ يَوْمًا.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و اله): هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد پس (ازاله) موی زهار خود را بیش از چهل روز ترک نکند. و حلال نیست برای زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد که این کار را بیش از پانزده روز رها کند.

الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹

مکارم الأخلاق، ص ۵۹

الوافی، ج ۶، ص ۶۱۶ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۳۹

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَحَبُّ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَطَّلِيَ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشْرَ يَوْمًا.

امیرالمومنین (علیه السلام): دوست دارم برای مومن که در هر پانزده روز یکبار نوره بکشد.

الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹

الوافی، ج ۶، ص ۶۱۵ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۱

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَدِيثَةِ بْنِ مَنصُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَطَّلِي الْعَانَةَ وَ مَا تَحْتَ الْأَيْتِينَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله همواره در هر جمعه نوره می کشید.

الکافی ج ۶ ص ۵۰۷

وسائل الشیعة ج ۷ ص ۳۶۷ / الوافی ج ۶ ص ۶۱۶

۱۴۴. **ارجاع پژوهشی:** الرسالة الذهبية، للرضا ع: وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَحْرِقَهُ السُّودَاءُ فَعَلَيْهِ بِكَثْرَةِ الْقِيَاءِ وَ فَصْدِ الْعُرُوقِ وَ مَدَاوِمَةِ الثُّورَةِ (خ ل: الإطلاء بالثورة).

امام رضا (علیه السلام): هر کس می خواهد که سوداء او را نسوزاند؛ پس بر او باد به کثرت قیاء و فصد رگ ها و مداومت نوره.

نسخه بدل: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحْرِقَ السُّودَاءَ: كَسَى كَمَا مِي خَوَاهِد سُودَا رَا بَسُوَزَانْد پَس بر او باد به ...

طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۴۲

مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۸۸ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۵ / مكاتيب الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۲۳۱

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَادٍ عَنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ عَقْبَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ع مَعَ رَجُلٍ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَتَنَظَّرَ إِلَيْهِ وَ قَدْ أَخَذَ الْحَنَاءَ مِنْ يَدَيْهِ فَقَالَ بَعْضُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ أَمَا تَرَوْنَ إِلَيَّ هَذَا كَيْفَ أَخَذَ الْحَنَاءَ مِنْ يَدَيْهِ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ فِيهِ مَا تَخْبِرُهُ وَ مَا لَا تَخْبِرُهُ ثُمَّ التَفَتَ إِلَيْهِ فَقَالَ: إِنَّهُ مَنْ أَخَذَ مِنَ الْحَنَاءِ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنَ اطَّلَاءِ الثُّورَةِ مِنْ قَرْزِهِ إِلَى قَدَمِهِ أَمِنَ مِنَ الْأَدْوَاءِ الثَّلَاثَةِ الْجُنُونِ وَ الْجُدَامِ وَ الْبَرَصِ.

حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در کنار قبر رسول خدا (صلی الله علیه و اله) همراه یک مردی بودند، به آن مرد نگاهی کردند در حالی که در دستانش حناء زده بود. پس برخی از اهل مدینه گفتند: آیا نمی بینید که این مرد چگونه از دستانش حناء گرفته، و رو به او کردند و آنچه می دانستند و

[به تدریج کلمه] «فی حَقِّهِ» [که در روایت آمده بود]^{۱۴۵} دارد معنا می‌شود. اول در موضوع "حج" بحث کردم، و بعد هم در موضوع "سلامت" بحث گفتم. آدم‌ها را دعوت کنید "پس انداز" هایشان را به سمت "سلامت" هدایت کنند. حضرت کلی‌گویی هم نکرده‌اند، فرموده‌اند به سود شما است که خضاب بگیرد. من هم الان روی خضاب ایستاده‌ام. یک بررسی اجمالی کردم دیدم بیماری‌های شنوایی و چشمی در جامعه ما در حال زیاد شدن است. این فرق "فقه" با "مکاتب اقتصادی موجود در دنیا" است. حضرت نمی‌فرمایند: بنیاد و مؤسسه توزیع حنا درست کنید، دوباره تشکیلات و بروکراسی درست کنید. بلکه می‌فرماید: نفر به نفر این کار را انجام بدهید، هرکسی درهمی اضافه دارد، برود این کار را بکند. یعنی: اصطلاحاً پیامبر ﷺ ساختارسازی نمی‌کنند، بلکه به خود فرد تکلیف می‌کنند. می‌گویند اگر می‌خواهید "فی سبیل‌الله" کار کنید، "فی سبیل سلامت" کار کنید. وقتی ما از طب اسلامی

نمی‌دانستند در مورد او گفتند! سپس حضرت رو به من کردند و فرمودند: هر کس بعد از فراغ از نوره کشیدن، از قدم تا گردن خود را حناء بگیرد؛ از بیماری‌های سه‌گانه ایمن می‌گردد: جنون، جذام و برص (پسی).

الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰

الوافی، ج ۶، ص ۶۲۸ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۵

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: **التُّورَةُ نُشْرَةٌ وَ طَهْوَرٌ لِلْجَسَدِ.** امیرالمؤمنین (علیه السلام): نوره باعث ایجاد نشاط و پاکیزگی بدن است.

الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۲

سند ثواب الاعمال: أَبِي رَه حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

الخصال، ج ۲، ص ۶۱۱ (حدیث اربعماه)

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ الْبُقَطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

الوافی، ج ۶، ص ۶۱۴ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۸۹ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۶۵

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ عَمَّنْ رَوَاهُ قَالَ: بَعَثَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ابْنَ أُخِيهِ فِي حَاجَةِ فَجَاءَ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَدِ أَطْلَى بِالتُّورَةِ. فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: أَطَّلِ. فَقَالَ: إِنَّمَا عَهْدِي بِالتُّورَةِ مُنْذُ ثَلَاثٍ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: **إِنَّ التُّورَةَ طَهْوَرٌ.**

امام صادق (علیه السلام) برادر زاده خود را دنبال کاری فرستاده بودند، پس وقتی بازگشت دید که امام صادق (علیه السلام) نوره کشیده اند. پس حضرت به او فرمود: نوره بکش. او گفت: سه روز پیش این کار را انجام داده‌ام. حضرت فرمود: نوره مایه پاکیزگی بدن است.

الکافی، ج ۶، ص ۵۰۵

الوافی، ج ۶، ص ۶۱۴ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۰

۱۴۵. **ارجاع بزوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزِ بْنِ حَرِيزٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: **مَا مِنْ رَجُلٍ يَمْتَنِعُ دِرْهَمًا مِنْ حَقِّ إِلَّا أَنْفَقَ اثْنَيْنِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ مَا مِنْ رَجُلٍ يَمْتَنِعُ حَقًّا فِي مَالِهِ إِلَّا طَوَّقَهُ اللَّهُ بِهِ حَبِيَّةً مِنْ نَارِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.**

عبید بن زراره گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هرکس يك درهم را در راه حق خود نپردازد، دو درهم را در راه ناحق تلف خواهد کرد.

الکافی ج ۳ ص ۵۳۶ / تهذیب الاحکام ج ۴ ص ۱۰۲ / من لایحضره الفقیه ج ۲ ص ۱۱۱ / المقنعة (شیخ مفید)، ص ۲۶۸

الوافی ج ۱۰ ص ۴۱ / وسایل الشیعة ج ۹ ص ۴۳

دفاع می‌کنیم؛ بنده احساس می‌کنم که یک کار با فضیلتی انجام می‌دهیم. چون حضرت می‌فرماید: [«انفاق در راه خضاب، از جهاد فی سبیل الله افضل است!»]^{۱۴۶} خواهش می‌کنم واقعاً راجع به خضاب، از همین امروز این کار را انجام بدهید. لااقل برای اطرافیان این کار را انجام بدهید که این مشکل به وجود نیاید. بنده بعضی وقت‌ها نگاه می‌کنم، بچه ۸ ساله هم مشکل بینایی و شنوایی دارد. خیلی مسئله مهمی است. میزان این آمار را مطالعه کنید تا اهمیت این توصیه‌های اهل بیت علیهم‌السلام را درک کنید.

۷/۱/۳. انفاق مال در راه زیارت امام حسین علیه‌السلام؛ نمونه‌ای دیگر از هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی

۷/۱/۳/۱. یک درهم در برابر ده هزار درهم؛ سود ناشی از انفاق مال در راه زیارت امام حسین علیه‌السلام

یک روایتی را حلبی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که هم در "تهذیب الاحکام" و هم در "کامل‌الزیارات" وجود دارد. روایت مفصلی راجع به زیارت امام حسین علیه‌السلام است که بخشی از آن را می‌خوانم: حضرت می‌فرماید: «يُجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ»^{۱۴۷} یعنی: اگر پولی گذاشتید و آدم‌ها را برای زیارت به کربلا فرستادید؛

۱۴۶. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَبِشَةَ بْنِ فُؤَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الشُّلَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ الْكُتَيْبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي الْخَضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...
یامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: هزینه یک درهم برای خضاب، برتر از هزینه یک درهم در راه خدا است ...

الکافی ج ۶ ص ۴۸۲

الوافی ج ۶ ص ۶۳۶ / وسائل الشیعه ج ۲ ص ۴۸۵

۱۴۷. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَبِشَةَ بْنِ فُؤَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الشُّلَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا تَقُولُ فِيمَنْ تَرَكَ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ؟ قَالَ: «إِنَّهُ قَدْ عَقَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَقْنَا وَ اسْتَحَفَّ بِأَمْرِ هُوَ لَهُ. وَ مَنْ زَارَهُ كَانَ اللَّهُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ حَوَاجِهِ وَ كَفِي مَا أَهْمُهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَا، وَ إِنَّهُ يَجْلِبُ الرِّزْقَ عَلَى الْعَبْدِ، وَ يُخَلِّفُ عَلَيْهِ مَا يُنْفِقُ، وَ يُغْفِرُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً، وَ يَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ وَ مَا عَلَيْهِ وَزْرٌ وَ لَا حَاطِينَةٌ إِلَّا وَ قَدْ مُحِبَّتْ مِنْ صَاحِبَتِهِ، فَإِنْ هَلَكَ فِي سَفَرَتِهِ نَزَلَتْ الْمَلَائِكَةُ فَعَسَلَتْهُ وَ فَتِحَ لَهُ بَابٌ إِلَى الْجَنَّةِ يَدْخُلُ عَلَيْهِ رَوْحُهَا حَتَّى يُشَسَّرَ، وَ إِنْ سَلِمَ فَتُحِبُّ لَهُ الْبَابُ الَّذِي يَنْزِلُ مِنْهُ رِزْقُهُ، وَ يُجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ دَخِرَ ذَلِكَ لَهُ، فَإِذَا حُشِرَ قَبِيلَ لَهُ: لَكَ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ لَكَ فَدَخَرَهَا لَكَ عِنْدَهُ.

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد البصری، از عبد الله بن عبد الرحمن الاصم، از حسین، از حلبی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام در ضمن حدیث طویلی نقل کرده، وی گفت: محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتیم: فدایت شوم چه می‌فرمائید در باره کسی که با داشتن قدرت زیارت آن حضرت را ترک می‌کند؟ حضرت می‌فرمایند: می‌گویم: این شخص عاق رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم و عاق ما اهل بیت می‌باشد و امری که به نفع او است را سبک شمرده است. و کسی که آن حضرت را زیارت کند: خداوند متعال حوائجش را برآورده نماید و آنچه از دنیا مقصود او است را کفایت فرماید. و نیز زیارت آن حضرت موجب جلب رزق برای زائر می‌باشد. و آنچه در این راه انفاق کرده بر او جبران و جایگزین خواهد شد و همچنین زیارت آن حضرت موجب می‌شود: گناهان پنجاه ساله او آمرزیده شده و وی به اهلس بازرگردد در حالی که بر عهد‌اش نه وزر و وبالی بوده و نه لغزشی و آنچه از گناه در صحیفه اعمالش ثبت شده جملگی محو و پاک می‌گردد. اگر زائر

می‌فرماید: «اگر یک درهم [برای زیارت امام حسین علیه السلام] گذاشتید، خداوند متعال ۱۰ هزار درهم برایتان حساب می‌کند.» بعد می‌فرماید: «و دُخِرَ ذَلِكَ لَهُ» یعنی: خداوند این را برایتان ذخیره می‌کند. نزد خداوند سرمایه‌گذاری می‌کنید و خدا هم آن را برای شما ذخیره می‌کند. می‌فرماید: «فَإِذَا حُشِرَ»، کی پس می‌دهد؟ روز حشر. «قِيلَ لَهُ: لَكَ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ» [در روز حشر] خداوند کسی را می‌فرستد و به شما می‌گوید: «به ازای هر درهمی که داده‌ای، ۱۰ هزار برابرش را خدا برایت نوشته است.» بعد می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ لَكَ»: خدا به خاطر این کار به تو نگاه [و نظر ویژه] کرده است؛ (چون خداوند در روز قیامت، به خیلی‌ها نگاه نمی‌کند!)^{۱۴۸} «فَدَخَرَهَا لَكَ عِنْدَهُ»: و این اجر را در نزد خودش ذخیره کرده است.

حالا اگر شما این مطالب را برای مردم بگویید؛ خواهید دید که این "پس انداز"ها به چه سمتی خواهند رفت! شما اینها را نمی‌گویید، ولی بانک‌ها می‌گویند: [ما به شما] ۲۰ درصد، ۳۰ درصد، ۴۰ درصد سود می‌دهیم؛ در نتیجه مردم پول‌ها را [در بانک‌ها پس انداز می‌کنند و] به سمت "تولید صنعتی" می‌برند و این وضعیت جامعه ما شده است.

در سفر زیارت فوت شود فرشتگان نازل گشته و او را غسل می‌دهند و نیز درب‌هایی از بهشت به روی او گشوده می‌شود و نسیم خوش آن در قبر بر او وزیده و در قبر پراکنده و منتشر می‌گردد. و اگر وی در سفر زیارت سالم و از گزند مرگ در امان ماند دربی به روی او گشوده می‌شود که رزق و روزی وی از آن نازل می‌گردد و در مقابل هر درهمی که انفاق کرده ده هزار درهم [پاداش] قرار داده می‌شود و آن را برای وی ذخیره کرده و هنگامی که محشور شد و از قبر بیرون آمد به او گفته می‌شود: در مقابل هر درهمی که در سفر زیارتت خرج کردی ده هزار درهم مال تو است و خداوند به تو نظر نموده و آنها را نزد خودش برای او ذخیره کرد.

تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۴۵ / کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۲۷

وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۱۷۱ / زاد المعاد ج ۱ ص ۵۰۵ / الوافی ج ۱۴ ص ۱۴۶۹ / بحار الانوار ج ۹۸ ص ۲

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «سود ناشی از زیارت امام حسین (علیه السلام)»؛ به پیوست شماره ۱۴ مراجعه بفرمایید.

۱۴۸. **ارجاع پژوهشی:** إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. (سوره مبارکه آل عمران آیه ۷۷)

قطعا کسانی که پیمان خدا و سوگندهایشان را [برای رسیدن به مقاصد دنیایی] به بهای اندکی می‌فروشند، برای آنان در آخرت بهره‌ای نیست و خدا با آنان سخن نمی‌گوید، و در قیامت به آنان نظر [لطف و رحمت] نمی‌نماید، و [از گناه و آلودگی] پاکشان نمی‌کند و برای آنان عذاب دردناکی خواهد بود.

۷/۱/۴. انفاق مال برای رفع خصومت و ادای دین بدهکاران؛ نمونه‌ای دیگر از

هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی

۷/۴/۱/۱. یک درهم در برابر آزادی از آتش جهنم!؛ سود ناشی از انفاق مال برای رفع خصومت

و ادای دین بدهکاران

یک روایت دیگری از رسول خدا ﷺ در کتاب "جامع الاخبار" است (که قبلاً ذکر کردیم) که می‌فرمایند: «مَنْ رَدَّ دِرْهَمًا إِلَى الْخُصْمَاءِ أَعْتَقَ اللَّهُ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ»^{۱۴۹} می‌فرماید: پولتان را برای حل اختلافات مردم خرج کنید؛ مثلاً کسی قرض کرده و الان ندارد پس بدهد و دعوا شده است. می‌گوید: تو درهمی به او بده. می‌گوید: اگر من یک درهم بدهم چه می‌شود؟ می‌گوید: به‌ازای آن یک درهم، "برات (جواز) آزادی از آتش جهنم" را برای تو می‌نویسم. پس [یکی از انواع] هدایت نقدینگی [در اسلام]، "هدایت نقدینگی به سمت قوه قضائیه و حل اختلاف جامعه" است. اسلام برای آن مؤسسه و بنیاد حل اختلافات نمی‌سازد. بلکه می‌گوید: تک‌به‌تک این کار را انجام بدهید. مگر نمی‌خواهید پس‌انداز کنید؟ اینها موارد پس‌انداز است که در روایات بحث شده است.

۷/۱/۵. انفاق مال در راه نصرت و تقویت امام علی؛ بالاترین و مهم‌ترین نمونه از

هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی

۷/۱/۵/۱. یک درهم در برابر دومیلیون درهم؛ سود ناشی از انفاق مال در راه نصرت و

تقویت امام علی

در روایتی دیگر حسن بن میاح از پدرش نقل می‌کند که: امام صادق علی‌ه السلام به من فرمودند: «يَا مِيَاخُ! دِرْهَمٌ يُوصَلُ بِهِ الْإِمَامُ أَعْظَمُ وَزَنًا مِنْ أُحَدٍ»^{۱۵۰} یعنی: اگر شما یک درهم به امام خود رساندی و دادی، «أَعْظَمُ وَزَنًا مِنْ أُحَدٍ»

۱۴۹. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ رَدَّ دِرْهَمًا إِلَى الْخُصْمَاءِ أَعْتَقَ اللَّهُ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ وَ أَعْطَاهُ بِكُلِّ دَانِقٍ تَوَابَ نَبِيِّ وَ بِكُلِّ دِرْهَمٍ مَدِينَةً مِنْ دَرَّةٍ حُمْرَاءَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هرکس یک درهم به طلبکاران بدهد خداوند گردن او را از آتش جهنم نجات می‌دهد و به هر دانقی [یک ششم درهم یا دینار] (که در این راه انفاق می‌کند) پاداش یک پیامبر، و در مقابل هر درهمی یک شهری از در سرخ به او عطا می‌کند.

جامع الاخبار ج ۱ ص ۱۵۶

بحار الانوار ج ۱ ص ۲۹۵ / مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۰۴

جهت مشاهده روایات بیشتر در زمینه «پاداش انفاق مال برای رفع خصومت و ادای دین بدهکاران»؛ به ارجاع شماره ۷۶ مراجعه فرمایید.

۱۵۰. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مِيَاخٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مِيَاخُ! دِرْهَمٌ يُوصَلُ بِهِ الْإِمَامُ أَعْظَمُ وَزَنًا مِنْ أُحَدٍ.

امام صادق علیه السلام: ای میاح! ای میاح! یک درهم که به امام برسد بالاتر است از کوه احد.

أُحْدٍ» (سنگین تر از کوه اُحْد) برای حساب می‌شود. بالاترین [و با فضیلت‌ترین] جایی که انسان می‌تواند پولش را خرج کند، سپردن پول و مال به امام علیه السلام است. حالا ما الان در دوره غیبت هستیم، چگونه پولمان را به امام بدهیم؟ این یک سؤال.

روایتی دیگر با یک تعبیر دیگری بخوانم: «دِرْهَمٌ يُوصَلُ بِهِ الْإِمَامُ أَفْضَلُ مِنَ الْفِيءِ دِرْهَمٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنْ وَجُوهِ الْبِرِّ»^{۱۵۱} می‌فرماید: [اتفاق در راه امام،] دو میلیون برابر ارزش دارد! (ما پاداش بیشتر از این در روایات [و در موضوعات دیگر] نداریم!)^{۱۵۲} چرا؟ چون امام علیه السلام "محل مصرف مال" را خیلی دقیق انتخاب می‌کند؛ محل مصرف امام علیه السلام هم "اقامه اسلام" است. روایت می‌فرماید: «اگر شما یک درهم به امامتان رسانید، دو میلیون برابر سایر وجوه بر پاداش و ارزش دارد.» یکی از وجوه بر، "حج" بود؛^{۱۵۳} یکی از وجوه بر، "خضاب" بود.

الکافی ج ۱ ص ۵۳۷

الوافی ج ۱۰ ص ۳۶۱ / تفسیر البرهان ج ۵ ص ۳۸۴

۱۵۱. **ارجاع پژوهشی:** علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن بعض رجاله عن ابي عبد الله عليه السلام قال: دِرْهَمٌ يُوصَلُ بِهِ الْإِمَامُ أَفْضَلُ مِنَ الْفِيءِ دِرْهَمٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنْ وَجُوهِ الْبِرِّ. امام صادق علیه السلام فرمود: يك درهم که بامام برسد. بهتر است از دو میلیون درهمی که در راه خیر دیگر صرف شود.

الکافی ج ۱ ص ۵۳۸

الوافی ج ۱۰ ص ۳۶۲

۱۵۲. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ عِيْسَى بْنِ سَلِيمَانَ النَّحَّاسِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْخَبَرِيِّ وَ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ إِخْرَاجِ الدَّرَاهِمِ إِلَى الْإِمَامِ وَإِنَّ اللَّهَ لَيَجْعَلُ لَهُ الدَّرْهَمَ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَ جَبَلِ أُحُدٍ. ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» قَالَ: هُوَ وَ اللَّهِ فِي صَلَاةِ الْإِمَامِ خَاصَّةً. امام صادق (علیه السلام): هیچ چیزی نزد خداوند، محبوب‌تر از خرج کردن درهم‌ها در راه امام نیست. خداوند، يك درهم [داده شده به] او را، در بهشت، مانند کوه اُحْد می‌گرداند. سپس فرمود: «خدای متعال در کتاب خود می‌فرماید: «کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا آن را برای او چندین و چند برابر سازد؟». به خدا سوگند! این، همان صله‌دادن به امام است.

الکافی، ج ۱، ص ۵۳۷

تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۶۳۳ / الوافی، ج ۱۰، ص ۳۶۱ / بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۷۹

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «سود ناشی از اتفاق مال در راه امام (علیه السلام)»: به پیوست شماره ۱۵ مراجعه فرمایید.

۱۵۳. **ارجاع پژوهشی:** زُوي: أَنَّ دِرْهَمًا فِي الْحَجِّ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ أَلْفٍ دِرْهَمٍ فِي غَيْرِهِ وَ دِرْهَمٌ يَصِلُ إِلَى الْإِمَامِ مِثْلُ أَلْفِ أَلْفٍ دِرْهَمٍ فِي حَجٍّ. و روایت شده است که: درهمی در حج بهتر از هزار هزار درهم در غیر آنست، و درهمی که به امام برسد بمانند هزار هزار درهم در حج است.

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۲۵

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۱۱۷ / الوافی، ج ۱۲، ص ۲۴۸

این روایت را جناب یونس بن عبدالرحمن^{۱۵۴} نقل می‌کند. لذا وقتی آدم می‌خواهد پس‌انداز کند، یکی از موارد پس‌انداز این است که پولش را به دست امام برساند. اینکه جایگزین رساندن پول به دست امام، در دوره غیبت چیست؟ در بعضی روایات دیگر بحث شده است.

۷/۲. استخراج جدول "سود ناشی از انفاق" در مقایسه با جدول بانک‌ها در مورد "سود ناشی از پس‌انداز در بخش تولید"؛ ثمره و نتیجه سرفصل ششم و بحث نظریه فقهی انفاق

بینید پس جدولی در سرفصل ششم استخراج می‌شود که "سود ناشی از انفاق" را توضیح می‌دهد؛ در مقایسه با جدولی که بانک‌ها "سود ناشی از پس‌انداز در بخش تولید" را ارائه می‌دهند. این جدول را ما در باب ششم "فقه‌البیان"، تولید کرده‌ایم. حالا به زودی هم ان‌شاء‌الله منتشر شده و در اختیارتان قرار می‌گیرد. این جدول باید دائماً برای مردم توضیح داده شود. یعنی نباید نشر علم، اختصاص به طلبه‌ها داشته باشد؛ همه شما در مساجد، هیئات و جلسات خانوادگی؛ برای فرزندان و همسران این جدول را ببرید و توضیح دهید. [اگر این کار را انجام دادیم] در یک دهه آینده بخش عمده‌ای از "هدایت نقدینگی" در جامعه تغییر پیدا خواهد کرد. مثلاً در مورد "کمک به فقراء"^{۱۵۵}، در مورد "زکات"^{۱۵۶}، در مورد "خمس"^{۱۵۷}، در مورد "رسیدگی به خانواده"^{۱۵۸}، در مورد "هدیه برای

۱۵۴. که یکی از روایات جلیل‌القدر شیعه است، در بعضی روایات است که بعد از جناب سلمان، فقیه‌تر از یونس بن عبدالرحمن نداریم. ایشان نفر دوم فقهای کل تاریخ اسلام و خیلی آدم فهمیده‌ای بوده است. [۱]

انتقال از متن

ارجاع پژوهشی: [۱] جَعْفَرُ بْنُ مَعْرُوفٍ، قَالَ حَدَّثَنِي سَهْلُ بْنُ بَحْرٍ، قَالَ سَمِعْتُ الْفَضْلَ بْنَ شاذَانَ، يَقُولُ: مَا نَشَأُ فِي الْإِسْلَامِ رَجُلٌ مِنْ سَائِرِ النَّاسِ كَانَ أَفْقَهُ مِنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، وَلَا نَشَأُ رَجُلٌ بَعْدَهُ أَفْقَهُ مِنْ يُؤُسِّ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ. در اسلام مردی فقیه‌تر از سلمان فارسی نداریم و بعد از ایشان هم یونس بن عبدالرحمان هستند.

رجال کشی ج ۱ ص ۴۸۴ / وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۴۸۶

۱۵۵. ارجاع پژوهشی: إِنْ تُبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ يُكْفَرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۱)

اگر صدقه‌ها را آشکار کنید، کاری نیکوست، و اگر آنها را پنهان دارید و به فقراء دهید برای شما بهتر است و خدا [به این سبب] بخشی از گناهانتان را محو می‌کند و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَمِّهِ هَارُونَ بْنِ عَيْسَى قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِمُحَمَّدِ بْنِ يَاقَانَ كَمْ فَضَّلَ مَعَكَ مِنْ تِلْكَ التَّفَقُّةِ قَالَ أَرْبَعُونَ دِينَارًا قَالَ أَخْرَجَ فَتَصَدَّقَ بِهَا قَالَ إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ مَعِيَ غَيْرُهَا قَالَ تَصَدَّقْ بِهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْلِفُهَا أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِفْتَاحًا وَ مِفْتَاحَ الرِّزْقِ الصَّدَقَةُ فَتَصَدَّقْ بِهَا فَفَعَلَ فَمَا لَبِثَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَشْرَةَ أَيَّامٍ حَتَّى جَاءَهُ مِنْ مَوْضِعِ أَرْبَعَةِ آلَافِ دِينَارٍ فَقَالَ يَا بُنَيَّ أَعْطَيْتَنَا لِلَّهِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا فَأَعْطَانَا اللَّهُ أَرْبَعَةَ آلَافِ دِينَارٍ.

امام صادق (علیه السلام) به فرزندش محمد فرمود: ای پسر! از این خرجی چه مقدار در نزد تو اضافه آمده است؟ گفت: چهل دینار. امام فرمود: بیرون برو و به وسیله آن صدقه بده. محمد گفت: همانا در نزد من غیر از این چهل درهم چیزی باقی نمانده است. حضرت فرمود: با آن صدقه بده! چرا که خداوند عزّوجلّ آن را جایگزین خواهد کرد؛ مگر نمی دانی که برای هر چیزی کلیدی است و کلید رزق صدقه است؟! پس با آن صدقه بده. پس محمد این کار را انجام داد. پس بیش از ده روز نگذشت که محمد با چهارهزار دینار نزد امام آمد! پس حضرت فرمود: ای پسر! ما برای خدا چهل دینار بخشیدیم، پس خداوند چهار هزار دینار بخشید.

الکافی، ج ۴، ص ۹

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «سود ناشی از انفاق در راه کمک به فقراء و نیازمندان»؛ به پیوست شماره ۱۶ مراجعه فرمایید.

۱۵۶. **ارجاع پژوهشی:** وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبِّاً لِيَتْرَبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَتْرَبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضَعِفُونَ (سوره مبارکه روم، آیه ۳۹)

اموال و اجناسی را که [به صورت وام] به ربا می‌دهید تا در میان اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آنچه از زکات می‌دهید که [به سبب پرداختنش] خشنودی خدا را می‌خواهید [مایه فزونی است] پس این زکات دهندگانند که مال و ثوابشان دو چندان می‌شود.

وَ قَالَ اميرالمؤمنين ع: فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِّكَ وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ وَ الزَّكَاةَ تَنْزِيهاً لِلرِّزْقِ وَ الصِّيَامَ ابْتِلاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ وَ الْحَجَّ [تَقْوِيَةً] تَقْرِبَةً لِلدِّينِ وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ...

خداوند ایمان را جهت پاک شدن از شرک واجب نمود، و نماز را برای منزّه شدن از کبر، و زکات را موجب روزی، و روزه را آزمایشی برای اخلاص مردم، و حج را سبب تقویت دین، و جهاد را برای ارجمندی اسلام...

نهج البلاغه (للصبي صالح)، ص ۵۱۲ (حکمت ۲۵۲) / مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۲، ص ۳۷۸

عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص ۳۶۱ / غرر الحكم و درر الكلم، ص ۴۸۸

الوافي، ج ۵، ص ۱۰۶۵ / بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۱۰

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «سود ناشی از انفاق در راه پرداخت زکات»؛ به پیوست شماره ۱۷ مراجعه فرمایید.

۱۵۷. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنِّي لَأَتَّخِذُ مِنْ أَحَدِكُمُ الدَّهْمَ وَ إِنِّي لَمِنَ أَكْثَرِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَا لَأَ مَا أَرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا أَنْ تُطَهَّرُوا.

امام صادق (علیه السلام): هر آینه من درهمی (خمس) را از یکی از شما می‌ستانم، در صورتی که خود از ثروتمندترین مردم مدینه‌ام. از این کار جز این نمی‌خواهم که شما پاک و پاکیزه شوید.

الکافی، ج ۱، ص ۵۳۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۴۴ / علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۷۸

سند علل: أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

الوافي، ج ۱۰، ص ۲۷۹ / بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۸۶ / وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۴۸۴

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى امير المؤمنين ع فَقَالَ يَا امير المؤمنين أَصَبْتُ مَا لَأَ أَغْمَضْتُ فِيهِ أَفْلي تَوْبَةً قَالَ أَتَيْتَنِي بِخُمْسِهِ فَأَتَاهُ بِخُمْسِهِ فَقَالَ هُوَ لَكَ إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَابَ تَابَ مَالُهُ مَعَهُ.

مردی به نزد امام امیر المؤمنین علیه السلام آمد، و گفت: یا امیر المؤمنین، من مالی به دست آورده‌ام که در تحصیل آن سهل‌انگاری کرده‌ام - و مسائل حلال و حرام را به دقت منظور نداشته‌ام - پس آیا برای من توبه‌ای هست؟ فرمود: خمس آن را نزد من آور، پس آن مرد چنین کرد، آنگاه امام علیه السلام به او فرمود: آن مال از آن تو است، زیرا مرد چون تائب شود مال او نیز با او توبه می‌کند.

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۴۳

نظریه فقهی انفاق

خانم"،^{۱۵۹} در مورد "هدیه به یتیم"^{۱۶۰} و موارد بسیار زیاد دیگر (که به خاطر اینکه وقت جلسه تمام شده است آنها را ادامه نمی‌دهم).^{۱۶۱} تمام این موارد جزو مصادیق سرمایه‌گذاری است [که در این جدول لحاظ شده است].

وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۰۶ / الوافی، ج ۱۰، ص ۳۱۵

ارجاع پژوهشی: وَقَالَ الْعَالِمُ ع: صَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَوِرَ وَ اعْلَمَ أَنَّ تَفَقُّتَكَ عَلَى نَفْسِكَ وَ عِيَالِكَ صَدَقَةٌ وَ الْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حِلٍّ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

در کلام منسوب به امام رضا (علیه السلام): ... بدان که نفقه و خرج کردن تو برای خود و خانواده‌ات صدقه است و کسی که برای [کسب روزی] خانواده‌اش از راه حلال زحمت بکشد، مانند مجاهد در راه خداست.

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۵۵

بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۷۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۴ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۸۴

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «سود ناشی از انفاق در راه خانواده»: به پیوست شماره ۱۸ مراجعه کنید.

۱۵۹. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَأْكُلُ الْهَدِيَّةَ وَ لَا يَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَ يَقُولُ: تَهَادَوْا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَسْلُ السَّخَائِمَ وَ تُجَلِّي ضَغَائِنَ الْعَدَاوَةِ وَ الْأَحْقَادِ .

جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله: ... به یکدیگر هدیه بدهید، که هدیه کینه‌های درونی را دور می‌کند، و دشمنی‌ها و کینه‌های آشکار را نیز از بین می‌برد.

الکافی ج ۵ ص ۱۳۳

مشکاه الانوار ج ۱ ص ۲۱۹ / الوافی ج ۱۷ ص ۳۶ / وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۲۸۷

عَلَيْهِ بِنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَأَنْ أُهْدِيَ لِأَخِي الْمُسْلِمِ هَدِيَّةً تَتَّقَعُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِمِثْلِهَا .

سکونی گوید: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: این که به برادر مسلمانم هدیه مفیدی بدهم، برایم محبوب‌تر از آن است که مانند آن چیز را صدقه بدهم.

الکافی ج ۵ ص ۱۴۴ / تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۳۸۰

الوافی ج ۱۷ ص ۳۷۰ / وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۲۷۶

۱۶۰. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَارًا يُقَالُ لَهَا دَارُ الْفَرَحِ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرَحَ بِتَامِي الْمُؤْمِنِينَ .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): در بهشت خانه‌ای هست که آن را "خانه خوشحالی" نامند و جز کسانی که بتیمان مؤمنان را خوشحال کرده باشند، وارد آن نمی‌شوند.

نهج الفصاحة، ص ۳۲۹

كَيْسَ الْبِرِّ أَنْ تُؤَلُّوا وَ جُوهُكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۷۷)

می‌خواهم بگویم که: میوه [و ثمره] این بحث (نظریه فقهی انفاق)، همین جدول خواهد بود؛ که "سود ناشی از انفاق (یا به تعبیر امروزی‌ها: هدایت نقدینگی) به سمت تنظیم روابط انسانی" را توضیح می‌دهد. این فضای بحثی است.

حالا این جدول را با "هدایت نقدینگی به سمت تولید" مقایسه کنید. در هدایت نقدینگی به سمت تولید، شراکت فرد در گناه بیشتر است که چهار مصداقش را گفتم: (۱) گناه بی‌عدالتی، (۲) گناه آلودگی محیط زیست، (۳) تخریب سلامت و گسترش بیماری، و (۴) گناه اسراف. در این سمت هم "هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی"، [یک نوع پس‌اندازی است که] پایداری و فواید بیشتری دارد. این مجموعه مباحث بود.

بنده یکبار دیگر سؤالات را می‌خوانم که بحث مرور شود: **سؤال اول:** جایگاه بحث انفاق در فقه‌المکاسب و تبیین ضرورت ارائه یک تبویب جدید از فقه‌المکاسب. **سؤال دوم:** روش اصولی استنباط و تبویب فقه‌المکاسب با تاکید بر قاعده تنقیح. ([که گفتیم یعنی: هر سؤالی را جواب ندهید] و تمام سؤالات را بررسی و تنقیح کنید). **سؤال سوم:** تنقیح مفهوم "هدایت نقدینگی" و مفهوم "پس‌انداز" با نگاه کینز (Keynes). **سؤال چهارم:** نشان‌دادن تعارض مفهوم "پس‌انداز" با مفهوم "کنز"، مفهوم مال و سایر مصداق پس‌انداز و تعارض مفهوم "هدایت نقدینگی" و "سرمایه‌گذاری" با مفهوم "انفاق". **سؤال پنجم:** مدیریت ریشه‌ای مفهوم "کنز (مال‌اندوزی)" بر اساس توسعه معنایی مفهوم "کنز" و بر اساس تکیه بر وصف پایداری. (خیلی مهم است به آدم‌ها بگویید پولشان را جایی بگذارند که برایشان بماند). **سؤال ششم:** معرفی ساختار سود ناشی از انفاق.

نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی [واقعی و کامل، که شایسته است در همه امور شما ملاک و میزان قرار گیرد، منش و رفتار و حرکات] کسانی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده‌اند، و مال و ثروتشان را با آنکه دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و سائلان و [در راه آزادی] بردگان می‌دهند، و نماز را [با همه شرایطش] برپای می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و چون یتیمان بندند و فاداران به یتیمان خویشند، و در تنگدستی و تهیدستی و رنج و بیماری و هنگام جنگ شکیباییند اینانند که [در دین‌داری و پیروی از حق] راست گفتند، و اینانند که پرهیزکارند.

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ وَالرَّسُولِ وَاللَّذِينَ فِي الْأَقْرَبِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا تَقَعُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۱۵)

از تو می‌پرسند: چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر مال و مایه سودمندی که انفاق می‌کنید باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و نیازمندان و محتاج در راه مانده باشد، و هر کار نیکی انجام دهید، خدا به آن داناست.

جهت مشاهده روایات در مورد «سود ناشی از انفاق در راه ایتم»: به پیوست شماره ۱۹ مراجعه فرمایید.

۱۶۱. **ارجاع پژوهشی:** جهت مشاهده مثال‌هایی از «سود ناشی از انفاق در راه حق» (مانند: صدقه، قرض‌الحسنه، جهاد و...): به پیوست شماره ۲۰ مراجعه فرمایید.

نظریه فقهی انفاق

بنده اصرار داشتم این بحث را در شهر اصفهان بیان کنم؛ چون مردم اصفهان خیلی محاسبه‌گر هستند. و اگر این بحث در اصفهان تبیین شود [و جا بیفتد]، خیلی اتفاقات خوبی رخ خواهد داد.

والحمد لله رب العالمین

پیوست‌ها:

پیوست شماره ۱: اعتراضات مراجع عظام تقلید به ربوی بودن بانک‌های

کشور

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

مهر؛ ۲۲ اردیبهشت ۹۷ - بعضی بانک‌ها قرض الحسنه ۲۸ درصدی می‌دهند، یعنی چه؟ نام ربا خواری را به دروغ، قرض الحسنه می‌گذارند، درست نیست.

رسا؛ ۸ آذر ۹۷ - وی افزود: برخی می‌گویند ما ازدواج کردیم اما آرامشی ندیدیم، در جواب اینها باید گفت ازدواج شما مبتنی بر آموزه‌ها و اخلاق اسلامی نبوده است، به چند دلیل؛ دلیل نخست توقعات زیاد. فرد به دلیل توقعات زیاد مجبور به گرفتن وام شده و در بازپرداخت اقساط آن دچار مشکل می‌شود آن هم با وضعیت کنونی بانک‌ها که می‌دانید چه بلایی سر مردم در می‌آورند.

این مرجع تقلید افزود: بانک‌ها وام با سودهای کلان به مردم پرداخت می‌کنند، اگر فرد در پرداخت اقساط تاخیر کرد، جریمه دیرکرد می‌گیرند و باز بر همان جریمه هم جریمه مضاعف می‌گیرند.

تسنیم؛ ۲ بهمن ۹۷ - بانک‌ها وام قرض الحسنه ای که می‌دهند قطعاً خلاف شرع است، چهار درصد حق الزحمه را تعیین کردیم که بانک‌ها با یک زرنگی بیش از این میزان را از مردم دریافت می‌کنند که میزان آن به ۲۰ درصد رسیده و نوعی رباخواری آشکار محسوب می‌شود.

پایگاه مرجع عالیقدر؛ ۲۲ بهمن ۹۷ - معظم له با انتقاد از سیستم بانکی کشور، تصریح کردند: بانک‌ها با وضعیتی که ایجاد کرده‌اند، مردم را بیچاره کرده و به خاک سیاه نشانده‌اند؛ به اسم تسهیلات قرض الحسنه و به جای این که چهار درصد کارمزد برای طول دوره بازپرداخت تسهیلات دریافت کنند، هر سال ۴ درصد دریافت می‌کنند و در پایان سال پنجم بیست درصد سود از باقیمانده از مردم دریافت می‌کنند، این رباخواری آشکار است که به نام قرض الحسنه انجام می‌شود.

حضرت آیت‌الله مظاهری:

حوزه‌نیوز؛ ۱۷ دی ۹۷ - آیت‌الله العظمی مظاهری گفتند: متأسفانه در زمان حاضر، رباخوردن و ربادادن عادی شده و بعضی مثل اینکه بخواهند با حیل‌های شرعی موش را آب بکشند و بخورند، ربا می‌خورند.

حضرت آیت‌الله سبحانی:

تسنیم؛ ۲ بهمن ۹۷ - مرجع تقلید شیعیان با بیان اینکه دیرکرد بانک‌ها ربا محسوب می‌شود، گفت: هم اکنون استفتائات رسیده به دفتر مراجع و علما مربوط به عملکرد بانک‌ها در زمینه تسهیلات بانکی است.

حضرت آیت‌الله نوری همدانی:

ایلنا؛ ۷ اردیبهشت ۹۷ - وی به تعطیلی برخی کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی کشور اشاره کرد و گفت: به نظرم مهمترین عامل تعطیلی کارخانجات و واحدهای تولیدی سیستم ربوی بانک‌هاست. بسیاری از بانک‌ها در ابتدا تسهیلاتی در اختیار برخی از کارخانه‌ها قرار می‌دهند اما بعد از مدتی به گرفتن سود و حتی دیرکرد از تسهیلات داده شده اقدام می‌کنند در حالی که دیرکرد اقساط توسط بانک‌ها ربا محسوب می‌شود که مهمترین عامل ناتوانی اقتصادی است.

وی با بیان اینکه در هفت جای قرآن کریم مساله ربا مطرح و مورد نکوهش قرار گرفته است، گفت: بارها گفته‌ایم که گرفتن دیرکرد توسط بانک‌ها نوعی رباست و امیدواریم وزارت رفاه، کار و تعاون اجتماعی با هدف کمک واحدهای تولیدی برای رفع این مشکل اقدام کنند.

آیت‌الله نوری همدانی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی باید متفاوت باشد، گفت: در کشورهای غربی تمرکزشان روی همین بانک‌های ربوی است تا بتوانند ۹۹ درصد جامعه را زیر سیطره یک درصد ثروتمند قرار دهند. تازه بیشتر امتیازاتشان برای کارخانه‌های اسلحه‌سازی است اما ما نباید به سمت بانک‌های ربوی حرکت کنیم.

تسنیم؛ ۲۴ شهریور ۹۷ - آیت‌الله نوری همدانی تصریح کرد: حوزه علمیه قم همیشه در کنار دانشگاه بوده و است و دشمنان اسلام سعی می‌کنند حوزه علمیه و انقلاب را ناکارآمد نشان دهند درحالی‌که این مسئله درست نیست، خیلی از اوقات نیز حرف‌های بزرگان حوزه پخش نمی‌شود به همین جهت مردم فکر می‌کنند که ما مطالبه‌گر نیستیم؛ به عنوان مثال بارها تأکید کرده‌ایم که اخذ دیرکرد توسط بانک‌ها حرام است ولی یا به گوش مسئولان نمی‌رسد و یا می‌رسد ولی عمل نمی‌کنند.

مهر؛ ۲ بهمن ۹۷ - وی خاطرنشان کرد: در چند سال اخیر بارها گفتم که دیرکرد حرام است و دیرکرد ربا به شمار می‌رود، اما باز هر روز مردم به من نامه می‌نویسند که در بانک‌ها از آن‌ها دیرکرد گرفته می‌شود.

رسا؛ ۱۵ اسفند ۹۷ - گاهی اسم ربا را تغییر می‌دهند و آن را پیگیری می‌کنند، قرض با زیادت در هر صورت ربا است و گاهی با عنوان اوراق قرضه و مشارکت چنین مسأله‌ای را طراحی می‌کنند.

رسا؛ ۲۲ اسفند ۹۷ - حضرت آیت‌الله حسین نوری همدانی امروز در درس خارج خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد، با بیان این که بانکداری در نظام اسلامی باید بدون ربا باشند، گفت: متأسفانه امروز ربا به اشکال مختلف در نظام بانکی مشاهده می‌شود، در حالی که ربا از شدیدترین گناه‌ها و مشی غربی‌ها است و نباید در جامعه و نظام اسلامی وجود داشته باشد.

وی افزود: باید ماهیت بانک‌ها تغییر کند و رباخواری برچیده شود، بانک بدون ربا این است که پول برای خود انسان باشد و به عنوان اعتماد به بانک سپرده شود تا در جریان اقتصادی حلال و صحیح مورد استفاده قرار گیرد نه این که بانک‌ها بنگاه اقتصادی راه اندازی کنند و ربا وجود داشته باشد.

حضرت آیت الله نوری همدانی با تأکید بر تسریع در رفع اشکالات نظام بانکی و رفع دغدغه‌های مردم و بزرگان اظهار داشت: ۴۰ سال از انقلاب گذشته و هنوز وضعیت بانک‌ها سامان پیدا نکرده است، علما باید در رسانه‌ها و تلویزیون مردم را نسبت به مسائل بانکی توجیه کنند تا خواسته و ناخواسته دچار ربا نشوند.

وی ادامه داد: متأسفانه هیچ فکری برای بانکداری بدون ربا نشده است در حالی که مسئولان مربوطه باید در این زمینه اهتمام داشته باشند، بانک‌های جامعه اسلامی نباید دنباله رو غرب باشند، کمیسیون اقتصادی مجلس باید بانکداری اسلامی بدون ربا را تصویب و دولت آن اجرایی کند.

استاد برجسته درس خارج علمیه قم ابراز داشت: در گزارش کمیسیون اقتصادی آمده که قرار است بانکداری بدون ربا را تصویب کنند اما این طرح کامل و دقیق نیست و باز هم اشکالاتی دارد.

حضرت آیت الله علوی گرگانی:

تسنیم؛ ۲ بهمن ۹۷ - مرجع تقلید شیعیان با انتقاد از بی‌توجهی نسبت به اصلاح سیستم بانکی و حذف پدیده تأسف ربا گفت: پدیده زشت ربا سبب شده تا مردم چند برابر وامی که دریافت می‌کنند بازپرداخت به بانک‌ها تحویل بدهند، ربا و دیرکرد باید از سیستم بانکی حذف شود.

حوزه‌نیوز؛ ۹ بهمن ۹۷ - این مرجع تقلید گفتند: موضوع دیگر در حال حاضر، مسئله بانکداری است که بسیار مهم است. اکثر استفتائاتی برای ما می‌آید در مورد طلاق و بانکداری است، مسئله بانکداری باید به صورتی که حقیقی باشد، انجام شود.

معظم له ادامه دادند: خدا شهید آیت الله صدر را رحمت کند که کتابی در مورد بانک ربوی و... نوشت، ولی این سبک در ایران قابل پیاده و اجرا شدن نیست، ولی فکر خوبی است، مسئله بانکداری را باید در کشور حل کرد. ایشان افزودند: این همه ربا در کشور، برکات را از بین خواهد برد. بسیاری از کسانی که گرفتار زندان هستند، به دلیل همین سود بانکی است.

استاد برجسته درس خارج علمیه قم با بیان این که درصد و جریمه گرفتن از مردم به ویژه در این شرایط بد اقتصادی کار اشتباهی است.

حضرت آیت الله جوادی آملی:

ایرنا؛ ۴ فروردین ۹۷ - آیت‌الله جوادی آملی با انتقاد از عملکرد برخی بانکها و اخذ دیرکرد از تسهیلات اعطایی خاطر نشان کرد: این اقدام بانکها ریاست و با آموزه‌های قرآن، پیامبر اکرم و ائمه معصومین مغایرت دارد.

ایکنا؛ ۱۵ فروردین ۹۷ - قرآن، شیطان را مستکبر معرفی کرده ولی من به خاطر ندارم محاربه به شیطان نسبت داده شود؛ ولی فرمود بانکهای ربوی محارب هستند، بنابراین شما دائماً بگویید سال اشتغال و تولید، ولی تا سرمایه غیرربوی نباشد درست نخواهد شد .

تسنیم؛ ۲۴ فروردین ۹۷ - طبق بیان قرآن کریم، ربا و بانکداری ربوی سبب آبرویری است که ما به آن دچار هستیم، از طرف دیگر سرمایه‌های کشور با سوء مدیریت به بخش مسکن هدایت شد که نتیجه و حاصل آن تولید مسکن‌های انبوهی است که خالی افتاده‌اند.

این مفسر قرآن کریم ادامه داد: شما ببینید چرا قرآن رباخوار را دیوانه می‌داند؟ اینها سالیان متمادی درس خواندند، کیفیت سود، کیفیت درآمد، کیفیت وام دادن، کیفیت وام گرفتن، را آموختند تا شدند متخصص فنّ بانکداری ربوی! اینها در رشته خود عالم هستند. اما در سوره مبارکه «بقره» فرمود: *الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ*، می‌فرماید این مخبّطانه [دیوانه‌وار] دارد زندگی می‌کند، چون حرف خدا و پیغمبر را گذاشته زمین، و دنبال سود حرام رفته است .

آدرس مطلب: خبرگزاری تسنیم

<https://b2n.ir/150132>

پیوست شماره ۲: روایاتی در مورد حرمت تقویت کفار

روایاتی که در باب مذمت و نهی از معامله با کفار و هر کاری که باعث تقویت کفر شود در منابع روایی ما بسیار زیاد است.

که ما به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْتِنَاهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: «لَا تُعْنَهُمْ عَلَيَّ بِنَاءِ مَسْجِدٍ.»

امام صادق (علیه السلام) به یونس بن یعقوب فرمود: «کفار (و ظالمین) را بر ساخت مسجد هم یاری مکن!»

تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۳۸

الوفایی، ج ۱۷، ص ۱۶۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۸۰ / الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۲،

ص ۲۴۰ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۶، ص ۴۷ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۵۴۸

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ آبَائِهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ أَعْوَانُ الظَّالِمَةِ وَمَنْ لَأَقٍ لَهُمْ دَوَاةٌ أَوْ رَبِطٌ كَيْسًا أَوْ مَدًّا لَهُمْ مَدَّةً قَلَمٍ فَاحْشُرُوهُمْ مَعَهُمْ.»

«امام صادق (علیه السلام) از پدرش نقل کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: چون روز قیامت شود منادی ندا کند: کجایند یاری دهندگان به ستمکاران؟! و کسانی که برای آنان دواتی لایقه کردند، یا در کیسه‌ای برایشان بستند، یا قلمی برای آنان اصلاح نمودند؟! [آن‌گاه خطاب می‌رسد:] آنان را نیز با ستمکاران محشور کنید.»

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۶۰

جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۱۵۵ / أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص: ۴۰۸

بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۷۲ و ۳۸۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۸۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۲۳

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ أَعْمَالِهِمْ - فَقَالَ لِي: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَا وَلَا مَدَّةَ قَلَمٍ؛ إِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يُصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ شَيْئًا إِلَّا أَصَابُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ أَوْ حَتَّى يُصِيبُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ.» الْوَهُمْ مِنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ.

ابابصیر نقل می‌کند که او می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد اعمال کفار (و ظالمین) سوال کردم. ایشان به من فرمودند: «ای ابامحمد! نه [اصلا به دنبال آنها نباش و هیچ کاری که باعث تقویت آنها شود انجام

مده! و نه حتی به اندازه اصلاح قلم آنها! هیچ کس به چیزی از دنیای آنان نمی‌رسد مگر آن که (یا تا آن که) آنان به همان اندازه از دینش را بربایند.» تردید در حدیث از جانب ابن عمیر، یکی از راویان آن است.

الکافی، ج ۵، ص ۱۰۷ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۳۱

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۷۹ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۵۴ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص ۵۴۶

مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ (الکشی) فِي كِتَابِ الرَّجَالِ: عَنْ حَمْدَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الرَّازِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مَهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانُ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ حَسَنٌ جَمِيلٌ مَا خَلَا شَيْئاً وَاحِداً. قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّ شَيْءٍ؟ قَالَ: إِكْرَاؤُكَ جَمَالَكَ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ يَعْنِي هَارُونَ. قُلْتُ: وَاللَّهِ مَا أَكْرَيْتُهُ أَشْراً وَ لَا بَطْراً وَ لَا لِلصَّيْدِ وَ لَا لِللَّهْوِ وَ لَكِنِّي أَكْرَيْتُهُ لِهَذَا الطَّرِيقِ يَعْنِي طَرِيقَ مَكَّةَ وَ لَا أَتَوَلَّاهُ بِنَفْسِي وَ لَكِنِّي أَبَعْتُ مَعَهُ غِلْمَانِي. فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانُ أَيُّعُ كِرَاؤُكَ عَلَيْهِمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ: فَقَالَ لِي: أَتُحِبُّ بَقَاءَهُمْ حَتَّى يَخْرُجَ كِرَاؤُكَ؟ قُلْتُ؟ نَعَمْ. قَالَ: مَنْ أَحَبَّ بَقَاءَهُمْ فَهُوَ مِنْهُمْ وَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ كَانَ وَرَدَ النَّارِ! قَالَ صَفْوَانُ: فَذَهَبْتُ فَبِعْتُ جَمَالِي عَنْ آخِرِهَا فَبَلَغَ ذَلِكَ إِلَى هَارُونَ فَدَعَانِي. فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانُ بَلَغَنِي أَنَّكَ بَعْتَ جَمَالَكَ. قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: وَ لِمَ؟ قُلْتُ: أَنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ وَ إِنَّ الْغُلَمَانَ لَا يَفُونَ بِالْأَعْمَالِ. فَقَالَ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ إِنِّي لَأَعْلَمُ مَنْ أَشَارَ عَلَيْكَ بِهَذَا، أَشَارَ عَلَيْكَ بِهَذَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ. قُلْتُ: مَا لِي وَ لِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ؟ دَعَا هَذَا عَنْكَ فَوَّ اللَّهُ لَوْ لَا حُسْنُ صُحْبَتِكَ لَقَتَلْتَنِيكَ.

امام کاظم (ع) - صفوان جمال می‌گوید: بر ابو الحسن اول (ع) «حضرت امام موسی بن جعفر (ع)» داخل شدم، به من فرمود: «ای صفوان! همه چیز تو نیکو و زینده است مگر یک چیز». گفتم: فدایت شوم، آن کدام چیز است؟ فرمود: «کرایه دادن شتران به این مرد» - یعنی هارون - گفتم: از روی سرخوشی و نعمت‌زدگی، یا برای شکار و کار لهُو به او کرایه ندادم، بلکه برای این راه، یعنی راه مکه، چنین کردم، نیز خود شخصا این کار را انجام نمی‌دهم بلکه کارکنانم را با او می‌فرستم. پس فرمود: «ای صفوان! آیا کرایه آنها به عهده آنان نیست؟» گفتم: چرا، فدایت شوم! فرمود: «آیا باقی ماندن ایشان را تا زمان گرفتن کرایهات دوست می‌داری؟»، گفتم: آری. فرمود: «هر کس بقای ایشان (ظالمان) را دوست داشته باشد، از ایشان است، و هر کس از ایشان باشد، اهل دوزخ است...».

رجال الکشی، ص ۴۴۱

وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۵۹ و ج ۱۷، ص ۱۸۲

برای مطالعه بیشتر روایات در این زمینه می‌توانید: به باب ۱ و باب ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵ از أبواب ما یکنسب به از کتاب التجارة کتاب وسایل الشیعه نیز مراجعه فرمایید.

پیوست شماره ۳: کلام برخی از فقهاء در مورد حرمت تقویت کفار

آنچه فقهاء بزرگوار در مورد معامله با کفار می‌فرمایند آن است که: هر معامله و یا هر کار دیگری (غیر از معامله) که باعث تقویت کفر یا کفار و باطل شود، حرام است؛ و این یکی از قواعد قطعی استنباط فقهی در نزد شیعه می‌باشد که در جای جای فروع فقهی مختلف به کار رفته است:

از باب نمونه:

مرحوم علامه حلی (ره) در منتهی چنین می‌فرماید:

« یحرم حفظ كتب الضلال، و نسخها لغير النقص أو الحجّة عليهم بلا خلاف. و کذا یحرم نسخ التوراة و الإنجیل و تعلیمهما، و أخذ الأجرة علی ذلك کله؛ لأنّ في ذلك مساعدة علی الحقّ و تقوية للباطل، و لا خلاف فيه. »

« حفظ و نسخه برداری از کتب ضاله حرام است؛ بدون خلاف. و همینطور نسخه برداری از تورات و انجیل و تعلیم و آموزش دادن آنها حرام است. و گرفتن اجرت بر همه اینها حرام است؛ چون که در تمام اینها کمک کردن بر علیه حق و تقویت باطل است. و هیچ خلافتی در این نیست. »

منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ ج ۱۵، ص ۳۸۳

مرحوم سبزواری (ره) نیز در این باره:

« یحرم کل ما یوجب تقوية الباطل علی الحقّ بأي نحو کان، و لو بیع معدات الحرب منهم؛ للأدلة الأربعة: فمن الكتاب: ما دل علی حرمة الإعانة علی الإثم کقوله تعالی و تَعَاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوَى، وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَی الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ أی إثم أشد من هذا؟! و من الإجماع: إجماع المسلمین بل العقلاء علی أصل الکبری إلا أن مصداق الحق و الباطل یختلف لديهم، لأن کلا یرى مذهبه حقا و ما یخالفه باطلا. و من السنة القویة: أخبار لا تحصى فی موارد شتی: منها: ما تقدم. و منها: قول أبي عبد الله علیه السلام فی رواية أبي حمزة: «لو لا أن بنی أمیة وجدوا لهم من یرکتب و یجیب لهم الفیء و یقاتل عنهم و یشهد جماعتهم لما سلبونا حقنا» [۱]. و منها: قول أبي عبد الله علیه السلام: «و کل منهي عنه مما یتقرب به لغير الله تعالی أو یقوی به الکفر و الشرك من جمیع وجوه المعاصی، أو باب یوهن به الحق فهو حرام محرم بیعه و شراؤه و إمساکه و ملکه و هبته و عاریته و جمیع التقلب فيه» [۲]. و من السنة العملية: بناء جمیع الشرائع الإلهیة خصوصا الشریعة الختمیة المقدسة علی المدافعة مع الباطل بأي وجه أمکن. و هی [ای: تقویه الباطل] تختلف باختلاف الاعصار و الأمصار، بلا فرق فیها بین حال قیام الحرب و الهدنة إذا کان الاشرء و الجمع للتهيئة و العدة. و لا یرتبر فی حرمة البیع القصد إلی الإعانة و التقوية، بل المناط الصدق العرفی. »

«هر چیزی که موجب تقویت باطل بر حق شود حرام است؛ به هر صورتی که باشد، ولو با فروش معدّات جنگ به آنها باشد. دلیل این مطلب ادله اربعه است: اما دلیل از کتاب (قرآن): آنچه که دلالت بر حرام بودن کمک کردن بر گناه می‌کند: مثل قول خداوند متعال: وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ، وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ (سوره مبارکه مایده، آیه ۳) و چه گناهی بزرگتر از تقویت باطل؟! . اما دلیل از اجماع: اجماع تمام مسلمین بلکه تمام عقلاء بر اصل کبری (حرام بودن تقویت باطل) است. الا اینکه در مصداق حق و باطل بین عقلاء و مسلمین اختلاف است، چون تمام آنها مذهب خود را حق و مخالف خود را باطل می‌دانند! و دلیل از سنت قولی (روایات): اخبار و روایاتی است که قابل احصاء نیست در موارد مختلف: یکی از آنها: کلام امام صادق (علیه السلام) در روایت ابی حمزه: «اگر بنی امیه کسانی را نمایافتند که برای آنها کتابت کند و فیء را برای آنها جمع آوری کند و برای آنها جنگ کند و در جمات آنها حضور داشته باشد؛ همانا حق ما اهل بیت (ع) گرفته نمی‌شد!» و روایتی دیگر: کلام امام صادق (ع): «... و [از جمله معاملات حرام: همچنین معامله هر چیزی که مایه سرگرمی باشد (چون آلات موسیقی) یا موجب تقرب به غیر خدا (از دستگاه‌های طاغوت) یا باعث تقویت کفر و شرک گردد (مانند فروش سلاح و غیره به دشمنان اسلام) یا نوعی گمراهی و ضلالت را نیرو بخشد، یا باطلی را تقویت کند (چون نشر افکار مسموم یا ترویج بی‌عفتی و غیره) یا حقی را تضعیف نماید (و باعث سستی عقاید مردم شود، از قبیل نشر کتب و نوشته‌های ضد دین) که اینها همه فروش، خرید، نگهداشتن، مالک شدن، عاریه دادن و کلیه تصرفاتش حرام است.» و اما سنت عملی: بناء تمام شرایع الهی خصوصاً شریعت حضرت ختمی مرتبت بر دفاع کردن در مقابل باطل به هر نحوی که امکان دارد.

و تقویت باطل با اختلاف اعصار و شهرها مختلف می‌شود، بدون فرق بین حال جنگ یا صلح. و در حرام بودن خرید و فروش [ی که باعث تقویت باطل می‌شود] قصد کمک و تقویت باطل شرط نیست؛ بلکه صدق عرفی شرط است [یعنی: چه بسا قصد تقویت نداشته باشد ولی -بخاطر اینکه عرفاً تقویت باطل محسوب می‌شود- حرام باشد.]»

مذهب الأحكام (للسبزواری)؛ ج ۱۶، ص: ۷۱

مرحوم آیت الله شیخ محمدجواد تبریزی (ره) نیز می‌فرماید:

« إذا انطبق عنوان تقوية الكفر و تضعيف الحق و أهل الايمان أو ثبوت السبيل للكافر على المسلم على بيع العبد المسلم منه و الوفاء بها فالظاهر عدم صحة تلك المعاملة. »

هر گاه عنوان تقویت کفر و تضعیف حق و اهل ایمان یا ثابت شدن راه کفار بر مسلمان، بر خرید بنده مسلمان از کافر و وفاء به آن صدق کند؛ ظاهر آن است که این معامله صحیح نیست.

إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب؛ ج ۳، ص ۱۶۸

و همچنین در شرح کتاب شرح لمعه می‌خوانیم:

« و في خبر تحف العقول جعل مناط الحكم تقوية الكفر أو الشرك أو توهين الحق حيث قال: (أو يقوى به الكفر و الشرك من جميع وجوه المعاصي، أو باب يوهن به الحق فهو حرام) إلى آخره، وهي ظاهرة في حرمة بيع كل ما يوجب غلبتهم علينا و تقويتهم و توهين الحق.»

« در خبر تحف العقول تقویت کفر یا شرک یا وهن و سستی حق را مناط [و قاعده] حکم [حرمت] قرار داده است؛ آنجا که فرموده: ([از معاملات حرام هر معامله ای است که به وسیله آن] کفر و شرک تقویت شود، یا حق به وسیله آن سست شود... تا آخر روایت). و این روایت ظاهر در حرام بودن خرید و فروش هر چیزی است که باعث غلبه کفار بر ما و تقویت آنها و باعث وهن و سستی حق گردد.»

الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية؛ ج ۴، ص ۲۸۹

پیوست شماره ۴: گستره عظیم "انفال" در آیات و روایات (مانند: معادن و زمین‌های موات)

آیات قرآن:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (سوره مبارکه انفال، آیه ۱)

از تو درباره انفال [یعنی غنایم جنگی و هر گونه مالی که مالک معینی ندارد] می‌پرسند، [که مالک آنها کیست و چگونه باید تقسیم شود؟] بگو: [مالکیت حقیقی] انفال ویژه خدا و پیامبر است، پس اگر مؤمن هستید [نسبت به انفال] از خدا پروا کنید و [اختلاف و نزاع] بین خود را [درباره آن] اصلاح نمایید، و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كَيْفَ اللَّهُ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (سوره مبارکه حشر، آیه ۶)

اموال و زمین‌هایی را که خدا به عنوان غنیمت به پیامبرش بازگرداند، شما برای به دست آوردنش اسب و شتری نتازانید [و در نتیجه به زحمت نیفتادید]، ولی خدا پیامبرانش را بر هر که بخواهد مسلط و چیره می‌کند، و خدا بر هر کاری تواناست.

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلرَّسُولِ وَ لِلَّذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (سوره مبارکه حشر، آیه ۷)

آنچه خدا از [اموال و زمین‌های] اهل آن آبادی‌ها به پیامبرانش بازگرداند اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان دارد، تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد. و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بپذیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید زیرا خدا سخت کیفر است.

روایات:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْأَنْفَالُ مَا لَمْ يُوجَفْ عَلَيْهِ بِ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ أَوْ قَوْمٌ صَالَحُوا أَوْ قَوْمٌ أَعْطُوا بِأَيْدِيهِمْ وَ كُلُّ أَرْضٍ خَرِبَةٍ وَ بُطُونُ الْأَوْدِيَةِ فَهِيَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ هُوَ لِلْإِمَامِ مِنْ بَعْدِهِ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ.

امام صادق (علیه السلام): انفال سرزمینی است که با تاختن اسب فتح نشده است، یا زمینی است که قومی آن را مصالحه کرده و بخشیده، و هر زمین خراب، و عرصه وادی‌ها؛ همه برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و بعد از رسول برای امام است که در هر موضعی که بخواهد قرار می دهد.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۵۳۹

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۳

وَ عَنْهُ (عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ) عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ إِنَّ الْأَنْفَالَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ لَمْ يَكُنْ فِيهَا هِرَاقَةٌ دَمٍ أَوْ قَوْمٌ صَوْلِحُوا وَ أَعْطُوا بِأَيْدِيهِمْ فَمَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ خَرِبَةٍ أَوْ بَطُونٍ أَوْ دِيَّةٍ فَهَذَا كُلُّهُ مِنَ الْفِيءِ وَ الْأَنْفَالَ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ ص فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِلرَّسُولِ ص وَ يَضَعُهُ حَيْثُ يُحِبُّ .

محمد بن مسلم می گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) فرمود: انفال سرزمینی است که بدون خونریزی فتح شده است، یا زمینی است که قومی آن را مصالحه کرده و بخشیده، و هر زمین خراب، و عرصه وادی‌ها؛ همه برای خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) است. پس هر آنچه برای خداست برای رسول است که در هر موضعی که دوست داشته باشد قرار می دهد.

مصدر اصلی: تهذیب الأحكام، ج ۴، ص ۱۴۹

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۷

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْأَنْفَالِ فَقَالَ هِيَ الْقَرَى الَّتِي قَدْ خَرِبَتْ وَ انْجَلَى أَهْلُهَا فَهِيَ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ مَا كَانَ لِلْمَلُوكِ فَهُوَ لِلْإِمَامِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْأَرْضِ الْخَرِبَةِ لَمْ يُوجَفْ عَلَيْهِ بِخَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ وَ كُلُّ أَرْضٍ لَا رَبَّ لَهَا وَ الْمَعَادِنُ مِنْهَا وَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ مَوْلَى فَمَالُهُ مِنَ الْأَنْفَالِ .

اسحاق بن عمار می گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد "انفال" سوال کردم. حضرت فرمود: انفال روستاهایی که خراب شده اند و اهل آن آن را رها کرده اند؛ همه برای خدا و رسول است. و همچنین اموال پادشاهان است، برای امام است. و زمین ویرانی که با اسب دواندن و لشگرکشی فتح نشده است، و هر زمینی که صاحب ندارد، و معادن زمین، و هرکسی که مُرده باشد و سرپرستی نداشته باشد مالش جزو انفال است.

مصدر اصلی: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۵۴

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۳۲ / بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۱۳

عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» قَالَ مِنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ مَوْلَى فَمَالُهُ مِنَ الْأَنْفَالِ.

امام صادق (علیه السلام) در مورد "انفال" فرمودند: هر کس بمیرد و سرپرستی نداشته باشد، اموالش جزوه انفال است.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۷، ص ۱۶۹

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۲۴۷

وَ عَلِيٌّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سِنْدِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَاءٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «الْفَيْءُ وَ الْأَنْفَالُ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ لَمْ يَكُنْ فِيهَا هِرَاقَةٌ الدَّمَاءِ وَ قَوْمٌ صَوْلِحُوا وَ أَعْطُوا بِأَيْدِيهِمْ وَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ خَرِبَةٍ أَوْ بُطُونٍ أَوْ دِيَّةٍ فَهُوَ كُلُّهُ مِنَ الْفَيْءِ فَهَذَا لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ - فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِرَسُولِهِ يَضَعُهُ حَيْثُ شَاءَ وَ هُوَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ الرَّسُولِ...»

امام باقر (علیه السلام): «فیء و انفال آن زمین‌هایی هستند که بدون خونریزی فتح شده است، یا خودشان مصالحه کرده‌اند و با دستان خودشان آن را بخشیده‌اند و همچنین زمین خراب یا عرصه وادی‌ها همه اینها جزو فیء هستند و برای خدا و رسولش است، و هر چه برای خداوند باشد برای رسولش است هر طور بخواهد قرارش می‌دهد و بعد از رسول برای امام است...»

مصادر اصلی: تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۳۴ / تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۷

إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ: «إِنَّ الْأَنْفَالَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ لَمْ يَكُنْ فِيهَا هِرَاقَةٌ دَمٍ أَوْ قَوْمٌ صَوْلِحُوا وَ أَعْطُوا بِأَيْدِيهِمْ وَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ خَرِبَةٍ أَوْ بُطُونٍ أَوْ دِيَّةٍ فَهَذَا كُلُّهُ مِنَ الْفَيْءِ وَ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِلرَّسُولِ يَضَعُهُ حَيْثُ يُحِبُّ.»

امام صادق (علیه السلام): «انفال آن زمینی است که بدون خونریزی فتح شده است، یا خودشان مصالحه کرده‌اند و با دستان خودشان آن را بخشیده‌اند، و همچنین زمینی خراب، یا عرصه وادی‌ها همه اینها جزو فیء و انفال هستند. و انفال برای خدا و رسول است، و هر چه برای خدا باشد، برای رسول است و هر جا دوست داشته باشد قرارش می‌دهد.»

مصادر اصلی: تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۳۳ / تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۷

نظریه فقهی انفاق

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْأَنْفَالِ فَقَالَ: كُلُّ قَزِيَّةٍ يَهْلِكُ أَهْلَهَا أَوْ يَجْلُونَ عَنْهَا فَهِيَ نَفْلٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ نَصْفُهَا يُفَسِّمُ بَيْنَ النَّاسِ وَ نِصْفُهَا لِرَسُولِ اللَّهِ ص فَمَا كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص فَهُوَ لِلْإِمَامِ.

محمد بن مسلم می گوید: شنیدم از امام صادق (علیه السلام در مورد "انفال" سوال شد و حضرت فرمود: هر روستایی که اهلش از بین رفته اند، یا از آن رفته اند (و دیگر بر نمی گردند)؛ اینها جزو انفال هستند که نیمی از آن برای خداست که بین مردم تقسیم می شود، و نیمی دیگر برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، و هر آنچه برای رسول خداست پس برای امام است.

مصدر اصلی: تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۳۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۶

مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ فِي الْمُقْنَعَةِ: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ: الْأَنْفَالُ هُوَ النَّفْلُ وَ فِي سُورَةِ الْأَنْفَالِ جَدْعُ الْأَنْفِ. قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَنْفَالِ. فَقَالَ: كُلُّ أَرْضٍ خَرِبَتْ أَوْ شَيْءٌ كَانَ يَكُونُ لِلْمُلُوكِ وَ بُطُونِ الْأَوْدِيَةِ وَ رُءُوسِ الْجِبَالِ وَ مَا لَمْ يُوجَفْ عَلَيْهِ بِخَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ؛ فَكُلُّ ذَلِكَ لِلْإِمَامِ خَالِصًا.

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: انفال به معنای زیادی است و در سوره انفال قطع کردن بینی (جدع الانف) است! و از انفال از حضرت سوال کرد. فرمود: هر زمین خراب، یا هر چیزی که برای پادشاهان بوده است، و عرصه وادی ها، و قله کوه ها، و سرزمینی که بدون اس دوانی و لشگرکشی فتح شده باشد؛ تمام اینها فقط برای امام است.

مصدر اصلی: المقنعة، ص ۲۹۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۳

* در معنای "جدع الأنف":

"جدع الأنف" بالمهملة قطعته یعنی في هذه السورة قطع أنف الجاحدين لحقوقنا و إرغامهم. جرع الانف یعنی قطع کردن بینی. و منظور از آن در این سوره و روایت آن است که: (با نازل شدن این آیه؛ بینی منکرین حقوق ما قطع گردید و به خاک مالیده شد!

الوافي (فیض کاشانی)، ج ۱۰، ص ۳۰۲

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ لَنَا: الْأَنْفَالُ. قُلْتُ: وَ مَا الْأَنْفَالُ؟ قَالَ: مِنْهَا الْمَعَادِنُ وَ الْأَجَامُ وَ كُلُّ أَرْضٍ لَا رَبَّ لَهَا وَ كُلُّ أَرْضٍ بَادَ أَهْلَهَا؛ فَهُوَ لَنَا.

ابوبصیر می گوید: از انفال برای ما صحبت کردند. گفتیم: انفال چیست؟ حضرت فرمود: بخشی از آن: معادن، آجام (زمینهایی که با نی و درختان پوشانده شده است)، و هر زمینی که صاحب ندارد، و هر زمینی که اهلش آن را رها کرده اند؛ همه برای ماست.

مصدر اصلی: تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۸

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۳۳

عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ طَاعَتَنَا فِي كِتَابِهِ فَلَا يَسَعُ النَّاسَ حَمْلَنَا [جَهْلُنَا] لَنَا صَفْوُ الْمَالِ وَ لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا قَرَائِنُ الْقُرْآنِ.

امام صادق (علیه السلام): خداوند اطاعت از ما را در کتابش واجب و فرض کرد؛ پس مردم توان حمل آن را ندارند! برگزیده اموال برای ماست! انفال برای ماست! قرینه های (فهم) قرآن برای ماست.

مصدر اصلی: تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۷

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۱۰

عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَنْفَالِ فَقَالَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ بَادَ أَهْلُهَا فَذَلِكَ الْأَنْفَالُ فَهُوَ لَنَا.

امام کاظم (علیه السلام): زمینی که اهلش آن را رها کرده اند؛ جزو انفال است و برای ماست!

مصدر اصلی: تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۷

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۱۰

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ مَاتَ لَا مَوْلَى لَهُ وَلَا وَرَثَةَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْأَيَّةِ يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس بمیرد در حالی که سرپرست و ورثه ای ندارد؛ پس او از اهل این آیه است: يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ.

مصادر اصلی: تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۳۸۷ / الإستبصار، ج ۴، ص ۱۹۵ / تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۸

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۲۴۹ / بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۱۰

فِي رِوَايَةِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ: هِيَ الْقَرْيَةُ الَّتِي قَدْ جَلَا أَهْلُهَا وَ هَلَكُوا فَخَرِبَتْ فَقَالَ هِيَ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ.

در روایت ابن سنان آمده است: انفال، آن روستایی است که اهلش آن را رها کرده اند و از بین رفته اند، در نتیجه خراب شده است. پس حضرت فرمود: آن برای خدا و رسول است.

مصدر اصلی: تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۸

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۳۳

کلام مرحوم شیخ حرّ عاملی (ره) در مورد گستره انفال:

أَنَّ الْأَنْفَالَ كُلُّ مَا يَصْطَفِيهِ مِنَ الْغَنِيمَةِ وَ كُلُّ أَرْضٍ مَلَكَتْ بِغَيْرِ قِتَالٍ وَ كُلُّ أَرْضٍ مَوَاتٍ وَ زُءُوسُ الْجِبَالِ وَ بُطُونُ الْأُودِيَةِ وَ الْأَجَامُ وَ صَفَايَا الْمُلُوكِ وَ قَطَائِعُهُمْ غَيْرُ الْمَغْصُوبَةِ وَ مِيرَاثُ مَنْ لَا وَارِثَ لَهُ وَ مَا غَنِمَهُ الْمُقَاتِلُونَ بِغَيْرِ إِذْنِهِ. در عنوان باب اول از ابواب انفال: انفال هر آن چیزی است که از غنیمت به دست می آید، و هر زمینی که بدون جنگ فتح شده است، و هر زمین موات، و قله کوهها، و عرصه وادیها، و آجام (زمینهایی که با نی و درختان پوشیده شده است)، و اموال منقول و غیرمنقول پادشاهان به شرط عدم غصبی بودن، میراث کسی که وارث ندارد، آنچه جنگجویان مسلمین بدون اذن امام به غنیمت برده اند.

وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۳

پیوست شماره ۵: عذاب اخروی و مذمت شدید "کنز (مال اندوزی)" در غیر

حق

فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» فَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ كَنْزَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَأَمَرَ بِإِنْفَاقِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَوْلِهِ: «يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» قَالَ كَانَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ: يَغْدُو كُلَّ يَوْمٍ وَهُوَ بِالشَّامِ فَيَنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ بِشَرِّ أَهْلِ الْكُنُوزِ بِكَيْ فِي الْجِبَاهِ وَكَيْ بِالْجُنُوبِ وَكَيْ بِالظُّهُورِ أَبَدًا حَتَّى يَتَرَدَّدَ الْحَرَقُ فِي أَجْوَابِهِمْ.

ابو الجارود از امام باقر (علیه السلام) روایت می کند که در تفسیر آیه شریفه «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» فرمودند: خداوند کنز طلا و نقره را حرام کرده است و مردم را امر فرموده طلا و نقره را در راه خدا انفاق کنند و بصورت گنج در نیاورند در آیه شریفه دیگری آمده است: «يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» روزی که درهم و دینار را در آتش جهنم داغ کنند و بر پیشانی و پهلو و پشت آنها به چسبانند، و به آنها می گویند این است آنچه ذخیره کردید و اینک آنها را به چشید. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ابوذر غفاری هر روز صبح و شام با صدای بلند فریاد می زد: به کسانی که درهم و دینار را گنج می کنند (مال اندوزی می کنند) بشارت دهید که آنها را بر پیشانی ها و پهلوها و پشت می چسبانند تا اینکه درون آنها هم خواهد سوخت!

تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۸۹

بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۳۸

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمْرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا بَلََا اللَّهُ الْعِبَادَ بِشَيْءٍ أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنْ إِخْرَاجِ الدَّرْهِمِ.

امام صادق (علیه السلام): خداوند بندگان را به چیزی مبتلا نکرده که سخت تر از انفاق درهم باشد.

الخصال، ج ۱، ص ۸

وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۱۹ / بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۳۹

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ زِيَادِ الْقُنْدِيِّ عَنْ أَبِي وَكَيْعٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّبْعِيِّ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ أَهْلَكَمَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَهُمَا مُهْلِكَاكُمْ.

امیر المؤمنین (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): درهم و دینار، گذشتگان شما را هلاک کردند و شما را هم هلاک خواهد کرد.

الكافي، ج ۲، ص ۳۱۶ / الخصال، ج ۱، ص ۴۳

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي وَكَيْعٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْحَارِثِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، ج ۲، ص ۴۲۷ / مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۲۶

وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۲۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۶۴ / بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۳

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عِكْرَمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ دِرْهَمٍ وَ دِينَارٍ ضُرِبَا فِي الْأَرْضِ نَظَرَ إِلَيْهِمَا إِبْلِيسُ فَلَمَّا عَايَنَهُمَا أَخَذَهُمَا فَوَضَعَهُمَا عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ ضَمَّهُمَا إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ صَرَخَ صَرْخَةً ثُمَّ ضَمَّهُمَا إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ: أَنْتُمَا قُرَّةُ عَيْنِي وَ ثَمَرَةُ فُؤَادِي! مَا أَبَالِي مِنْ بَنِي آدَمَ إِذَا أَحْبَبُوكُمَا أَنْ لَا يَعْبُدُوا وَتَنَّا وَ حَسْبِي مِنْ بَنِي آدَمَ أَنْ يُحِبُّوكُمَا!

ابن عباس روایت می کند که: نخستین درهم و دیناری که روی زمین به کار گرفته شد ابلیس به آن نگاه کرد، و بعد آنها را گرفت و روی چشم خود گذاشت و به سینه خود چسباند بعد از آن فریادی زد و بار دیگر آنها را به سینه گذاشت و گفت: شما (درهم و دینار) نور دیدگان من می باشید و میوه دل من هستید! من باکی ندارم هنگامی که فرزندان آدم به شما علاقه مند باشند بتها را نپرستند! و فقط تنها محبت شما کافی است و من از این طریق از آنها بهره گیری خواهم کرد!

الأمالي (للسدوق)، ص ۲۰۱

مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۶۳ / بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۳۷

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَا دِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: الْفِتْنُ ثَلَاثٌ: حُبُّ النِّسَاءِ وَ هُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ، وَ شُرْبُ الخَمْرِ وَ هُوَ فَخُّ الشَّيْطَانِ، وَ حُبُّ الدِّينَارِ وَ الدَّرْهَمِ وَ هُمُ سَهْمُ الشَّيْطَانِ. فَمَنْ أَحَبَّ النِّسَاءَ لَمْ يَنْتَفِعْ بِعَيْشِهِ وَ مَنْ أَحَبَّ الْأَشْرِبَةَ حَرَمَتْ عَلَيْهِ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَحَبَّ الدِّينَارَ وَ الدَّرْهَمَ فَهُوَ عَبْدُ الدُّنْيَا...

امیر المؤمنین (علیه السلام): فتنه بر سه گونه است: محبت زن که آن شمشیر شیطان است، آشامیدن شراب که آن دام شیطان میباشد و محبت دینار و درهم که آن تیر شیطان است هر کس زنان را دوست بدارد از زندگی خود سودی نخواهد برد، و هر کس شراب را دوست داشته باشد بهشت بر وی حرام خواهد شد، و هر کس درهم و دینار را دوست بدارد بنده دنیا خواهد بود...

الخصال، ج ۱، ص ۱۱۳ / جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۵۳
بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۵ و ج ۷۰، ص ۱۴۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۶

عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ: أَتَى يَهُودِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ فَكَانَ فِيهَا سَأَلُهُ لِمَ سُمِّيَ الدَّرْهَمُ دِرْهَمًا وَ الدِّينَارُ دِينَارًا فَقَالَ ع: إِنَّمَا سُمِّيَ الدَّرْهَمُ دِرْهَمًا لِأَنَّهُ دَارُ هَمٍّ مِنْ جَمَعَةٍ وَ لَمْ يُنْفَقْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَوْرَثَهُ النَّارَ. وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الدِّينَارُ دِينَارًا لِأَنَّهُ دَارُ النَّارِ مِنْ جَمَعَةٍ وَ لَمْ يُنْفَقْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَوْرَثَهُ النَّارَ فَقَالَ الْيَهُودِيُّ صَدَقْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

يك یهودی خدمت علی (علیه السلام) آمد و از آن جناب مسائلی سؤال کرد، یکی از آن مسائل آن بود که چرا درهم را درهم، و دینار را دینار نامیده‌اند؟ علی (علیه السلام) فرمودند: درهم را از این جهت درهم گفته‌اند که آن "دار(خانه) هم و اندوه" می‌باشد کسی که درهم‌ها را جمع کند و در راه خداوند انفاق نماید گرفتار مصیبت و غم می‌شود و سرانجام وارد آتش می‌گردد. و "دینار" را هم از این جهت دینار نامیده‌اند که: او "دار نار(خانه آتش)" می‌باشد کسی که آن را بدست آورد و انفاق نکند گرفتار آتش می‌شود. یهودی گفت: راست گفتمی یا امیرالمؤمنین.

علل الشرائع، ج ۱، ص ۲
بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۴۰

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَاسِمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بَطَّةٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا ع يَقُولُ: لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالٍ خَمْسٍ: بِبُخْلِ شَدِيدٍ، وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ، وَ حِرْصٍ غَالِبٍ، وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ، وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ.

امام رضا (علیه السلام): ثروت اندوخته نشود مگر با پنج خصلت: بخلی فراوان، و آرزوی دراز، و حرصی زیاد از حد، و گسستن از خویشان (قطع رحم)، و برگزیدن دنیا بر آخرت.

الخصال، ج ۱، ص ۲۸۲ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۶
سند عیون: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَاسِمِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بَطَّةٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا
مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۲۷۱
وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۴ / بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۳۸

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَايَ أَنْتَ وَ أُمِّي عِظْنِي مَوْعِظَةً فَقَالَ ع إِنَّ كَانَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ تَكْفَلَ بِالرِّزْقِ فَاهْتِمَامُكَ لِمَا دَا وَ إِنْ كَانَ الرِّزْقُ مَفْسُومًا فَالْحِرْصُ لِمَا دَا وَ إِنْ كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا فَالْجَمْعُ لِمَا دَا ؟ وَ إِنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ حَقًّا فَالْبُخْلُ لِمَا دَا ؟ ...

مردی بخدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد پدر و مادرم بقربانیت مرا پندی ده حضرت فرمود: اگر خدای تبارک و تعالی عهده دار روزی است پس برای چه غم روزی می خورند؟ و اگر روزی قسمت شده است چرا باید حرص ورزید؟ و اگر حساب حق است؛ پس جمع مال برای چه؟ و اگر عوض آنچه در راه خدا داده شود حق است بخل ورزیدن برای چه؟ ...

الخصال، ج ۲، ص ۴۵۰ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۳ / التوحید (للسدوق)، ص ۷ و ۳۷۶

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الصُّهْبَانِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادِ الْأَزْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي
أَبَانُ الْأَحْمَرُ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

مختصر البصائر، ص ۳۶۱ / روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۴۴۲

الوافي، ج ۲۶، ص ۲۷۰ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۷

پیوست شماره ۶: روایات در بیان حد ممنوعه "کنز (مال اندوزی)"

روایات در باب بیان حد ممنوعه کنز (مال اندوزی) در غیر حق، مختلف و متعارض هستند؛ در یک دسته بندی می توان آنها را به چهار دسته تقسیم کرد:

دسته اول روایات:

مطلق مال اندوزی (بیش از مخارج معمول زندگی)، کنز است:

تفسیر القمی: نَظَرَ عُمَانُ بْنُ عَفَانَ إِلَى كَعْبِ الْأَحْبَارِ، فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا إِسْحَاقَ، مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ آدَى زَكَاةَ مَالِهِ الْمَفْرُوضَةَ؛ هَلْ يَجِبُ عَلَيْهِ فِي مَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ؟ فَقَالَ: لَا، وَلَوْ اتَّخَذَ لَبَنَةً مِنْ ذَهَبٍ وَلَبَنَةً مِنْ فِضَّةٍ مَا وَجِبَ عَلَيْهِ شَيْءٌ. فَرَفَعَ أَبُو ذَرٍّ عَصَاهُ فَضَرَبَ بِهَا رَأْسَ كَعْبٍ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: يَا بَنَ الْيَهُودِيَّةِ الْكَافِرَةِ! مَا أَنْتَ وَالْتَنَطُرُ فِي أَحْكَامِ الْمُسْلِمِينَ؟! قَوْلُ اللَّهِ أَصْدَقُ مِنْ قَوْلِكَ حَيْثُ قَالَ: «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ».

تفسیر قمی: عثمان بن عفان به کعب الاحبار نگریست و به وی گفت: «ای ابواسحاق! نظرت چیست درباره کسی که زکات واجب مالش را پرداخته؛ آیا باز هم وظیفه ای دارد؟» گفت: «نه! حتی اگر خشتی از طلا و خشتی دیگر از نقره داشته باشد، چیزی بر وی واجب نیست». ابوذری عصای خود را برافراشت و بر سر کعب زد و به وی گفت: «ای زاده یهودی کافر! تو را چه رسد که درباره احکام مسلمانان نظر دهی؟ سخن خدای راست تر از سخن تو است که فرمود: «آنان که زر و سیم اندوزند و در راه خدا انفاق نکنند، به عذابی دردناک مژده شان ده.»»

تفسیر القمی، ج ۱، ص ۵۲

تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۵۵ / بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۲۶

حَدَّثَنَا عَفَّانُ، حَدَّثَنَا هَمَّامٌ، حَدَّثَنَا قَتَادَةُ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ: أَنَّهُ كَانَ مَعَ أَبِي ذَرٍّ، فَخَرَجَ عَطَاؤُهُ وَمَعَهُ جَارِيَةٌ لَهُ، فَجَعَلَتْ تَقْضِي حَوَائِجَهُ، قَالَ: فَفَضَّلَ مَعَهَا سَبْعَ، قَالَ: فَأَمَرَهَا أَنْ تَشْتَرِيَ بِهِ فُلُوسًا، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: لَوْ أَدَّخَرْتَهُ لِلْحَاجَةِ تَتَوَبَّكَ، أَوْ لِلصَّيْفِ يَنْزِلُ بِكَ. قَالَ: إِنَّ خَلِيلِي عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ أَيُّمَا ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ أُوكِي عَلَيْهِ، فَهُوَ جَمْرٌ عَلَى صَاحِبِهِ حَتَّى يُفْرَغَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

مسند ابن حنبل از سعید بن ابوالحسن از عبدالله بن صامت: وی همراه ابوذری بود [و دید] که او سهمش از بیت المال را گرفت و خدمتکارش نیازهای [سالانه] او را تدارک دید و هفت دینار اضافه آورد. ابوذری به خدمتکار دستور داد که آن دینارها را بفروشد و پول سیاه بگیرد. راوی گوید: «به وی گفتم: "خوب است این دینارها را برای روز نیازمندی یا هنگامی که مهمانی برایت رسد، باقی نهد!"» ابوذری گفت: «دوست محبوبم [پیامبر صلی الله علیه و آله] به من سفارش فرمود: "هر زر و سیمی که ذخیره شود، پاره آتشی است بر صاحبش، مگر این که آن را در راه خدا انفاق کند."»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳۵، ص ۳۰۷ و ۴۲۰

مروج الذهب في ما وَقَعَ بَيْنَ عُثْمَانَ وَ أَبِي ذَرٍّ: وَمِنْ ذَلِكَ مَا فُعِلَ بِأَبِي ذَرٍّ، وَهُوَ أَنَّهُ حَضَرَ مَجْلِسَهُ ذَاتَ يَوْمٍ، فَقَالَ عُثْمَانُ: أَرَأَيْتُمْ مَنْ زَكَّى مَالَهُ هَلْ فِيهِ حَقٌّ لغيرِهِ؟ فَقَالَ كَعْبٌ: لَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. فَدَفَعَ أَبُو ذَرٍّ فِي صَدْرِ كَعْبٍ وَقَالَ لَهُ: كَذَبْتَ يَا بَنَ الْيَهُودِيِّ! ثُمَّ تَلَا: «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.»

مروج الذهب در باب آن چه میان عثمان و ابوذر گذشت: و از آن جمله، کاری بود که با ابوذر شد؛ از این قرار که روزی وی در مجلس عثمان حاضر بود. عثمان [به حاضران] گفت: «به رأی شما، اگر کسی زکات مالش را داده باشد، آیا باز حقی بر گردن او است؟» کعب گفت: «نه! ای امیرالمؤمنین». ابوذر به سینه او کوبید و گفت: «دروغ می‌گویی ای یهودی زاده!» سپس این آیه را تلاوت کرد: «نیکی آن نیست که روی‌های خود را به سوی شرق و غرب بگردانید؛...».

مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۴۸

بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۹۳

و أخرج ابن أبي شبة و ابن مردويه عن أبي ذر رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: فِي الْإِبِلِ صَدَقْتَهَا، وَ فِي الْغَنَمِ صَدَقْتَهَا، وَ فِي الْبَقَرِ صَدَقْتَهَا، وَ فِي الْبُرِّ صَدَقْتَهُ. وَ مَنْ رَفَعَ دَنَانِيرَ أَوْ دَرَاهِمَ أَوْ تَبْرًا وَ فِضَّةً لَا يُعِدُّهَا لِغَرِيمٍ وَ لَا يُنْفِقُهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَهُوَ كَنْزٌ يُكْوَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. و أخرج ابن مردويه عن أبي هريرة رضي الله عنه مرفوعاً مثله.

ابوذر از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): شتر و گوسفند و گاو و گندم، زکات دارند. هر که دینار یا درهم یا شمش و نقره بیندوزد و آن را برای پرداخت بدهی کنار نگذاشته باشد و در راه خدا نیز انفاق نکند، زر اندوخته به شمار آید و روز قیامت، با همان بر وی داغ نهاده شود.

الدر المنثور في تفسير المأثور، ج ۳، ص ۲۳۳

المستدرک على الصحيحين، ج ۱، ص ۵۴۵، ح ۱۴۳۱ / السنن الكبرى، ج ۴، ص ۲۴۷، ح ۷۵۹۹

و أخرج ابن مردويه عن أبي هريرة رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه و آله: الدِّينَارُ كَنْزٌ، وَ الدَّرْهَمُ كَنْزٌ، وَ الْقَبْرَاطُ كَنْزٌ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [گرد آوردن] دینار و درهم و قیراط [یک ششم درهم] زراندوزی به شمار آید.
 الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۳، ص ۲۳۳

رَوَيْنَاهُ بِأَسَانِيدٍ مُتَعَدِّدَةٍ أَحَدُهَا الْإِسْنَادُ الْمُتَقَدِّمُ فِي الْحَدِيثِ السَّابِعِ إِلَى الشَّيْخِ أَبِي الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قُؤَلَوَيْهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ التُّوفَلِيِّ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ ع فِي كِتَابِهِ لِعَبْدِ اللَّهِ النَّجَاشِيِّ وَالِي الْأَهْوَازِ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! اجْهَدْ أَنْ لَا تَكُنْ زَهِبًا وَلَا فِضَّةً فَتَكُونَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، وَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ مِنْ حُلُوِّ أَوْ فَضْلِ طَعَامٍ تَصْرِفُهُ فِي بُطُونِ خَالِيَةٍ يَسْكُنُ بِهَا غَضَبُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.

امام صادق علیه السلام در نامه‌اش به عبدالله نجاشی، حاکم اهواز: ای عبدالله! بکوش تا زر و سیمی انباشته نکنی؛ که مسمول این آیه خواهی گشت که خدای تعالی فرموده است: «آنان که زر و سیم بیندوزند و در راه خدا انفاق نکنند...»؛ و حتی قدری شیرینی یا مانده غذا را کوچک مشمار، که می‌توانی آن را صرف شکمی خالی کنی؛ و با این کار، خشم خدای بزرگ والا رتبه فرو نشیند.

کشف الریبه (شہید ثانی، ۹۶۶ ق)، ص ۸۹

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۰۹ / بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۶۲ و ج ۷۴، ص ۱۹۱ و ج ۷۵، ص ۲۷۳ /

جامع احادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص ۶۰۴

مَا رَوَى أَحْمَدُ بْنُ قَابُوسَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ دَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ خُرَّاسَانَ فَقَالَ ابْتِدَاءً قَبْلَ أَنْ يُسْأَلَ: مَنْ جَمَعَ مَالًا يَحْزُنُهُ عَذْبَةُ اللَّهِ عَلَى مِقْدَارِهِ. فَقَالُوا لَهُ بِالْفَارِسِيَّةِ: لَا نَفْهَمُ بِالْعَرَبِيَّةِ. فَقَالَ لَهُمْ: «هر که درم اندوزد جزایش دوزخ باشد.»

احمد بن قابوس از پدرش از امام صادق علیه السلام: مردمی از خراسان نزد وی آمدند. پیش از آن که پرسشی کنند، امام فرمود: «هر که مالی گرد آورد و آن را نگاهبانی کند، خداوند به همان اندازه عذابش فرماید». به فارسی، او را گفتند: «ما عربی را درنیابیم». [به زبان فارسی] فرمود: «هر که درم اندوزد، جزایش دوزخ باشد.»

الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۵۳

بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۱۱۹

دسته دوم روایات:

هر مالی که حقوق واجب آن (مثل زکات) پرداخت نشود، کنز است. و در صورت پرداخت حقوق واجب، از حکم کنز خارج می‌شود:

نظریه فقهی انفاق

و بِإِسْنَادِهِ [أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَيْهَقِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ عَمْرٍو الْمُجَاشِعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ. قَالَ الْمُجَاشِعِيُّ: وَ حَدَّثَنَا الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: [قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): مَا لَ تُوَدَّى زَكَاتُهُ فَلَيْسَ بِكَزْرٍ وَ إِنْ كَانَ تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ، وَ كُلُّ مَالٍ لَا تُوَدَّى زَكَاتُهُ فَهُوَ كَنْزٌ وَ إِنْ كَانَ فَوْقَ الْأَرْضِ.

امام علی علیه السلام: این آیه نازل شد: «و آنان که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، به عذابی دردناک مژده شان بخش!» رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول آن، فرمود: «هر مالی که زکات آن ادا شده باشد، کنز (زراندوخته) به شمار نیاید، هر چند زیر هفت زمین باشد؛ و هر مالی که زکات آن ادا نگردد، کنز (زراندوخته) است، هر چند روزی زمین باشد.»

الأمالی (للطوسي)، ص ۵۱۹

بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۳۹ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۳۰

وَ بِإِسْنَادِهِ [أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَيْهَقِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ عَمْرٍو الْمُجَاشِعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ. قَالَ الْمُجَاشِعِيُّ: وَ حَدَّثَنَا الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الدَّنَانِيرِ وَ الدَّرَاهِمِ، وَ مَا عَلَى النَّاسِ فِيهَا. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: هِيَ حَوَاتِيمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، جَعَلَهَا اللَّهُ مَصْلَحَةً لِخَلْقِهِ، وَ بِهَا تَسْتَقِيمُ شُئُونُهُمْ وَ مَطَالِبُهُمْ، فَمَنْ أَكْثَرَ لَهُ مِنْهَا فَقَامَ بِحَقِّ اللَّهِ (تَعَالَى) فِيهَا وَ أَدَّى زَكَاتَهَا، فَذَلِكَ الَّذِي طَابَتْ وَ حَلَصَتْ لَهُ، وَ مَنْ أَكْثَرَ لَهُ مِنْهَا فَبَخِلَ بِهَا، وَ لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ فِيهَا وَ اتَّخَذَ مِنْهَا الْآيَةَ فَذَلِكَ الَّذِي حَقَّ عَلَيْهِ وَعِيدُ اللَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ) فِي كِتَابِهِ، قَالَ اللَّهُ: «يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ.»

امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال درباره دینار و درهم و وظیفه مردم درباره آن‌ها: آن‌ها مهرهای خداوند در زمین هستند که خدا برای مصلحت آفریدگانش قرار داده است و کارها و خواسته‌های ایشان با آنها سامان پذیرد. پس هر که از آن فراوان داشته باشد و حق خدا را ادا و زکاتش را پرداخت نماید، آن مال برایش پاک و خالص گردد؛ و هر که از آن بسیار داشته باشد و بدان بخل ورزد و حق خدا در آن را ادا نکند و از آن، ظرف سازد، هشدار خداوند در کتابش درباره وی تحقق پذیرد که فرموده است: «روزی که آن [زر و سیم] را در آتش دوزخ بتابند و با آن، پیشانی‌ها و پهلوها و پشت‌های آنان را داغ نهند: این است آن چه برای خویشان می اندوختید؛ پس کیفر آن چه را می اندوختید، بچشید.»

الأمالی (للطوسي)، ص ۵۲۰

وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۳۰ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۹۷ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۵۲۸ و ج ۹۳، ص ۱۵
و ج ۷۰، ص ۱۳۸

الْقُطْبُ الرَّاَوْنَدِيُّ فِي فَهْمِ الْقُرْآنِ، عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: مَا مِنْ صَاحِبٍ كَنْزٍ لَا يُؤَدِّي زَكَاتَهُ كَنْزِهِ إِلَّا جِيءَ بِكَنْزِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُحْمَى بِهِ جَنْبُهُ وَ جَبِينُهُ لِعُبُوسِهِ وَ اِزْوَارِهِ وَ جَعَلَ السَّائِلِ وَ السَّاعِي وَرَاءَ ظَهْرِهِ.
پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): هیچ دارنده مال انباشته‌ای نیست که زکات آن را ندهد، مگر آن که روز قیامت آورده شود در حالی که با آن، بر پهلو و پیشانی اش داغ نهند؛ زیرا [در دنیا] ابرو درهم می‌کشیده و راه کج می‌کرده و به نیازخواه و گردآورنده زکات پشت می‌کرده است.

فقه القرآن (قطب راوندی)، ج ۱، ص ۲۴۱

مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۳

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى، حَدَّثَنَا عَتَّابٌ - يَعْنِي: ابْنَ بَشِيرٍ - عَنْ ثَابِتِ بْنِ عَجَلَانَ، عَنْ عَطَاءٍ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: كُنْتُ أَلْبَسُ أَوْصَاخًا مِنْ ذَهَبٍ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَكَنْزٌ هُوَ؟ فَقَالَ: «مَا بَلَغَ أَنْ تُؤَدِّيَ زَكَاتَهُ فَزُكِّيَ فَلَيْسَ بِكَنْزٍ».
سنن ابی داود از ام سلمه: خلخالی از طلا را زینت خود می‌کردم. گفتم: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! آیا این زراندوخته به شمار آید؟» فرمود: «هر چه به نصاب زکات رسیده و زکاتش پرداخت شده باشد، کنز (زر اندوخته) به شمار نیاید».

سنن ابی داود، ج ۲، ص ۶۷۴

دسته سوم روایات:

روایاتی که حدی مشخص برای حد ممنوعه برای مال اندوزی بیان فرموده اند:

الف) بیش از دو هزار درهم، کنز است:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ الْآيَةَ قَالَ إِنَّمَا عَنَى ذَلِكَ مَا جَاؤُوا الْفِي دَرَاهِمٍ وَ ذَكَرَ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُحَاسِبُونَ أَنْفُسَهُمْ كُلَّ لَيْلَةٍ فَإِنْ كَانَ عِنْدَهُمْ مِنَ الْعَيْنِ أَكْثَرَ مِنْ الْفِي دَرَاهِمٍ أَخْرَجُوهُ فَفَسَّمُوهُ وَ لَا يَثْبُتُ عِنْدَهُمْ أَكْثَرَ مِنْ الْفِي دَرَاهِمٍ.

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۲۷۴

عن سعدان عن أبي جعفر ع في قول الله «الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ» إنما عنى بذلك ما جاوز ألفي درهم.

امام باقر (علیه السلام) درباره این سخن خدای: «آنان که زر و سیم بپندوزند...»: جز این نیست که مراد از آن، بیش‌تر از دو هزار درهم است.

تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۸۷

تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۴۰ / بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۴۲

ب) بیش از چهار هزار درهم، کنز است:

روي عن علي (ع): ما زاد على اربعة آلاف فهو كنز ادى زكاته او لم يودها و ما دونها فهي نفقة «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»

از امام علی (علیه السلام) روایت شده است که: هر چه از چهار هزار (درهم) بیشتر باشد "کنز" است خواه زکاتش را پردازند یا نه، و آنچه کمتر از آن باشد نفقه (هزینه زندگی) محسوب می‌شود، «پس ثروت‌اندوزان را به عذاب دردناک بشارت ده.»

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۰

التبیان فی تفسیر القرآن (شیخ طوسی)، ج ۵، ص ۲۱۲

ج) حدّ نهایی کنز، دوازده هزار درهم است: (روایت مذکور در متن جزوه)

عَنِ الْمُفْضَلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمَالُ أَرْبَعَةُ آلَافٍ، وَإِثْنَا عَشَرَ أَلْفَ دِرْهَمٍ كَنْزٌ، وَ لَمْ يَجْتَمِعْ عَشْرُونَ أَلْفًا مِنْ حَلَالٍ، وَ صَاحِبُ الثَّلَاثِينَ أَلْفًا هَالِكٌ، وَ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَمْلِكُ مِائَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ.

امام صادق علیه السلام: مال (حدّ مطلوب از مال)، چهار هزار [درهم] است، و حدّ کنز، دوازده هزار درهم است، و بیست هزار [درهم] از راه حلال به دست نیاید، و صاحب سی هزار [درهم] هلاک گردد، و هر کس صد هزار درهم داشته باشد، از شیعیان ما نیست.

تحف العقول ج ۱ ص ۳۳۷ / التمهیص (ابن همام اسکافی، ۳۳۶ ق)، ص ۵۰

عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۸۱۷ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱ / بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۶۷ و ج ۷۵، ص ۲۶۳

دسته چهارم روایات:

عدم تعیین حد مشخص برای کنز، تا قبل از ظهور

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: مُوسِعٌ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ فَيُسْتَعِينَ بِهِ

عَلَىٰ عَدُوِّهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ».

امام صادق علیه السلام: شیعیان ما فعلا آزادند که از آنچه در دست دارند در راه خیر انفاق کنند (و باقیمانده برای آنها حلال است) اما هنگامی که "قائم" ما قیام کند تمام کنزها و ثروت‌های اندوخته را تحریم خواهد کرد تا همه را نزد او آرند و از آن در برابر دشمنان کمک گیرد و این مفهوم کلام خداست که در کتابش فرموده «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ...»؛ «و آنان که زر و سیم می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس ایشان را به عذابی دردناک مژده ده».

الكافي، ج ۴، ص ۶۱ / تهذيب الأحكام، ج ۴، ص ۱۴۴

سند تهذيب: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُونُسَ جَمِيعاً عَنْ

مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ طَلْحَةَ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ بَيَّاعِ الْأَكْسِيَّةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

تفسير العياشي، ج ۲، ص ۸۷ (عن معاذ بن كثير صاحب الأكسية قال: سمعت أبا عبد الله)

بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۴۳ / وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۵۴۷ / الوافي، ج ۱۰، ص ۳۴۱

* جمع‌بندی روایات:

جمع‌بندی مرحوم ملامحسن فیض کاشانی (ره):

ایشان در ذیل آیه مربوطه در مورد کنز (سوره مبارکه توبه، آیات ۳۴ و ۳۵)؛ پس از ذکر روایات بیان‌کننده حد "کنز" اینچنین می‌فرمایند:

«أقول: لعلَّ التوفيق بين هذه الأخبار أن يقال بجواز الجمع لغرض صحيح إلى ألفي درهم أو إلى أربعة آلاف بعد إخراج الحقوق و من جملة الحقوق حق الإمام إذا كان ظاهراً و هو ما زاد على ما يكف صاحبه.»

«شاید وجه جمع بین این روایات این باشد که گفته شود: بعد از اینکه حقوق واجب مالی پرداخت شد؛ اگر با غرض صحیح و در راه درست مال خرج شد، تا دو هزار درهم [که در روایت عیاشی ذکر شد] یا چهار هزار درهم [که در روایت مجمع‌البیان ذکر شد]، حد کنز است. که همان مقدار کفایت (حد معمول برای اداره زندگی) است.»

تفسير الصافي، ج ۲، ص ۳۴۱

جمع‌بندی مرحوم آیت الله ری شهری (ره):

مرحوم استاد آیت‌الله محمد محمدی‌ری شهری (ره) که یکی از اساتید مبرز در رابطه با علوم مربوط به حدیث به شمار می‌آیند؛ در کتاب «توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث» روایات بیان‌کننده حد کنز را اینچنین تبیین و جمع‌بندی کرده‌اند:

«می‌توان احادیث مربوط به زراندوزی را بدین شکل تفسیر کرد:

یکم. احادیثی که مال ذخیره شده را به طور مطلق، زراندوخته می‌شمارند، در حقیقت ناظر به حقوق مالی واجب هستند. بدین ترتیب، سرباز زدن از ادای این حقوق، حتی به اندازه يك قیراط، زراندوزی محسوب می‌شود و فردی که این حقوق را ادا نکند، مشمول آیه مزبور می‌گردد.

دوم. احادیثی که زراندوزی را درباره اموالی که زکاتشان پرداخت نکرده، صادق می‌دانند، ناظر به حقوق مالی واجب هستند؛ زیرا هر گاه این حقوق ادا گردند، مشکلات اقتصادی جامعه حل خواهد شد. بنابراین، ذخیره سازی ثروت برای کسی که حقوق مالی واجب را ادا کند، جایز است؛ البته مادام که به بنیان جامعه زیان نرساند و به اختلافات ژرف طبقاتی نینجامد.

سوم. احادیث تعیین کننده مقدار معین برای زراندوزی، ناظر به اوضاع اقتصادی و اجتماعی گوناگون است، چرا که نیازهای مالی انسان به تناسب اوضاع گوناگون و حجم تورم، متفاوت است. بدین ترتیب، افزون بر آن نیازها، در قلمرو اندوخته‌هایی جای می‌گیرد که باید زکات آن را ادا کرد و حقوق مالی واجب آن را پرداخت.

چهارم. برخی روایات، انسان را از ذخیره سازی بیش از مقداری معین منع می‌کنند، خواه زکات آن پرداخت گردد و خواه نکرده. نیز برخی احادیث حدی معین از ثروت را برای انسان مسلمان ذکر می‌کنند که شایسته است فرد از آن تخطی ننماید. این دو دسته از روایات، احتمالاً به دو حقیقت مهم اقتصادی در اسلام اشاره دارند:

نکته یکم. ذخیره سازی ثروت حلال، تا زمانی مشروع است که به اقتصاد جامعه زیان نرساند.

نکته دوم. این هشدار است برای ثروتمندان پاینده به اصول اسلامی که بدانند ثروت اندوزی حلال هم اگر از حد معینی، به فراخور اوضاع اقتصادی گوناگون، فراتر رود، ممکن است برای شخص ثروتمند خطر داشته باشد، حتی اگر برای اقتصاد جامعه زیانی نداشته باشد. این خطر که ثروتمند را تهدید می‌کند، آن است که وی به بیماری «اثراف [خوشگذرانی و عیاشی]» دچار گردد و ثروتش او را به طغیان و فساد بکشاند.»

توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۹۰۳ تا ۹۰۷

(انتشارات موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث)

جمع‌بندی حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی (در تفسیر نمونه):

«از بررسی مجموع احادیث فوق به ضمیمه خود آیه می‌توان چنین نتیجه گرفت که در شرائط عادی و معمولی یعنی در مواقعی که جامعه در وضع ناگوار و خطرناکی نیست و مردم از زندگانی عادی بهره‌مندند پرداختن زکات کافی است و باقیمانده کنز محسوب نمی‌شود... و اما در مواقع فوق العاده و هنگامی که حفظ مصالح جامعه اسلامی ایجاب کند حکومت اسلامی می‌تواند محدودیتی برای جمع‌آوری اموال قائل شود (آن چنان که در روایت علی ع خواندیم) و یا به کلی همه اندوخته‌ها و ذخیره‌های مردم را برای حفظ موجودیت جامعه اسلامی مطالبه کند (آن

چنان که در روایت امام صادق ع در باره زمان قیام قائم آمده است که با توجه به ذکر علت در آن روایت سایر زمانها را نیز شامل می‌شود زیرا می‌فرماید: فیسستعین به علی عدوه.

... و اما داستان "ابوذر"، ممکن است ناظر به همین موضوع باشد که در آن روز جامعه اسلامی آن چنان نیاز شدیدی داشت که اندوختن ثروت در آن روز مخالف منافع جامعه و حفظ موجودیت آن بود.

و یا اینکه نظر "ابوذر" به اموال بیت المال بود که در دست "عثمان" و "معاویه" قرار داشت، و می‌دانیم این گونه اموال را با وجود مستحق و نیازمند لحظه‌ای نمی‌توان ذخیره کرد، بلکه باید به صاحبانش داد و مسئله زکات در اینجا به هیچوجه مطرح نیست.

به خصوص همه تواریخ اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت گواهی می‌دهد که عثمان اموال کلانی از بیت المال را به خویشاوندان خود داد، و معاویه از آن کاخی ساخت که افسانه کاخهای ساسانیان را زنده کرد و "ابوذر" حق داشت که در برابر آنها این آیه را خاطر نشان سازد.!

تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۹۴ تا ۳۹۷

پیوست شماره ۷: تاکید بر عدم منع مصرف مال (انفاق) در طریق حق

منع مصرف مال (انفاق) در راه حق؛ منجر به مصرف چند برابر در راه باطل!

قَالَ النَّبِيُّ ص: مَنْ مَنَعَ مَالَهُ مِنَ الْأَخْيَارِ اخْتِيَاراً صَرَفَ اللَّهُ مَالَهُ إِلَى الْأَشْرَارِ اضْطِرَّاراً.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که مال خود را به اختیار از نیکان دریغ کند، خداوند مالش را به اجبار نصیب بدان گرداند.

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۷۸

بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۳۱ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۳۶

إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ صَبَّحَ حَقًّا إِلَّا أُعْطِيَ فِي بَاطِلٍ مِثْلَيْهِ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمْتَنِعُ مِنْ مَعُونَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَالسَّعْيِ لَهُ فِي حَوَائِجِهِ فَضِيَّتْ أَوْ لَمْ تُفْضَ إِلَّا ابْتِلَاءَهُ اللَّهُ بِالسَّعْيِ فِي حَاجَةٍ مَنْ يَأْتُمُّ عَلَيْهِ وَلَا يُؤْجِرُ بِهِ وَمَا مِنْ عَبْدٍ يَخْلُ بِنَفَقَةٍ يُنْفِقُهَا فِيمَا رَضِيَ اللَّهُ إِلَّا ابْتُلِيَ أَنْ يُنْفِقَ أَضْعَافاً فِيمَا يُسَخِطُ اللَّهُ

امام باقر علیه السلام: هیچ بنده‌ای نیست که از خرج کردن چیزی در راهی خداپسندانه بخل ورزد، مگر اینکه به خرج کردن دو چندان آن در راهی خدا ناپسند گرفتار شود.

الإختصاص (مفید)، ص ۲۴۲ / تحف العقول، ص ۲۹۳

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۷۳ / مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۷۴

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ مَنَعَ حَقًّا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْفَقَ فِي بَاطِلٍ مِثْلَيْهِ.

امام صادق (علیه السلام): هر که يك حق از خداوند عزوجل دریغ ورزد، دو برابر آن را در راه باطل خرج کند.

الکافی، ج ۳، ص ۵۰۶

الوافی، ج ۱۰، ص ۴۲ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۳

جبران و جایگزین شدن مال مصرف شده در راه حق از طرف خداوند:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ رَاشِدٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَتَقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالتَّقَةِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس یقین داشته باشد که خداوند (مالی را که در راه او انفاق می کنی را) جایگزین و جبران می کند، به انفاق و خرج کردن (در راه خدا) سخاوتمند خواهد شد.

الکافی، ج ۴، ص ۴۳ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲

مکارم الأخلاق، ص ۱۳۴ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۵۴ / الإختصاص (مفید)، ص: ۳۰

و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالتَّفَقَّةِ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»

من لا يحضره الفقيه، ج ۲،

ص ۶۲ وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۱۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ بَعْضِ مَنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي كَلَامٍ لَهُ: وَ مَنْ يَبْسُطُ يَدَهُ بِالْمَعْرُوفِ إِذَا وَجَدَهُ يُخْلِفُ اللَّهُ لَهُ مَا أَنْفَقَ فِي دُنْيَاهُ وَ يُضَاعِفُ لَهُ فِي آخِرَتِهِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): هر کس وقتی موقعیت کار نیک پیدا شد؛ دستش را برای آن کار باز کند (و آن کار را انجام دهد)، خداوند آنچه را انفاق کرده در دنیا جبران خواهد کرد و در آخرت نیز چندین برابر جایگزین خواهد نمود.

الکافی، ج ۴، ص ۴۳

الوافی، ج ۱۰، ص ۴۸۸ / وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۵۴۸

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُقْبَلُ بِوَجْهِهِ إِلَى النَّاسِ فَيَقُولُ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ ... [يُنَادِي مَلَكَانَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ]: اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُنْفِقٍ خَلْفًا وَكُلَّ مُمَسِكٍ تَلْفًا.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): در هر شب جمعه دو فرشته ندا سر می دهند که: خدایا برای هر کس که (در راه خدا) انفاق می کند جایگزین و جبران کن، و برای هر کسی که دست از انفاق باز می دارد، تلف شدن مال نصیبش کن.

الکافی، ج ۴، ص ۶۷ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۹۷ / تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۹۳ /

الأمالی (للصدوق)، ص ۴۷

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيه أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوهِ الْقُمِّي رَضَوَانُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضَوَانُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ

روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۳۹

نظریه فقهی انفاق

وَقَالَ النَّبِيُّ ص: مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ عَلَى الْعِبَادِ إِلَّا وَفِيهِ مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُنْفِقٍ خَلْفًا وَ يَقُولُ الْآخَرُ اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُنْسِكٍ تَلْفًا.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هیچ صبحی بر بندگان نمی گذرد؛ مگر اینکه دو فرشته در آن نازل می شوند؛ پس یکی از آنان می گوید: خدایا برای هر کس که (در راه خدا) انفاق می کند جایگزین و جبران کن. و دیگری می گوید: خدایا برای هر کسی که دست از انفاق باز می دارد، تلف شدن مال نصیب کن.

عوالي اللثالی العزیزية فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۳۶۶

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ: يَا حُسَيْنُ! أَنْفِقْ وَ أَيْقِنْ بِالْخَلْفِ مِنَ اللَّهِ فَإِنَّهُ لَمْ يَبْخَلْ عَبْدٌ وَ لَا أُمَّةٌ بِنَفَقَةٍ فِيمَا يُرْضِي اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا أَنْفَقَ أَضْعَافَهَا فِيمَا يُسْخِطُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ.

الكافي، ج ۴، ص ۴۳

وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۵۴۸ / الوافي، ج ۱۰، ص ۴۸۸

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَوْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: يُنْزِلُ اللَّهُ الْمَعُونَةَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْعَبْدِ بِقَدْرِ الْمُتُونََةِ فَمَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالتَّفَقَةِ.

الكافي، ج ۴، ص ۴۴

وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۵۴۸ / الوافي، ج ۱۰، ص ۴۸۷

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: دَخَلَ عَلَيْهِ مَوْلَى لَهُ فَقَالَ لَهُ: هَلْ أَنْفَقْتَ الْيَوْمَ شَيْئًا؟ قَالَ: لَا وَ اللَّهَ. فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع: فَمِنْ أَيْنَ يُخْلِفُ اللَّهُ عَلَيْنَا؟! أَنْفِقْ وَ لَوْ دِرْهَمًا وَاحِدًا.

الكافي، ج ۴، ص ۴۴

وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۴۶۴ / الوافي، ج ۱۰، ص ۴۸۸

پیوست شماره ۸: کنز پایدار "علم"

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ فَهُوَ كَالصَّائِمِ نَهَارَهُ الْقَائِمِ لَيْلَهُ وَإِنَّ أَبَاكَ مِنَ الْعِلْمِ يَتَعَلَّمُهُ الرَّجُلُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَبُو قُبَيْسٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): هر که دانش بجوید، مانند کسی است که روز خود را به روزه گذراند و شبش را به عبادت. اگر کسی يك باب علم بیاموزد، برایش بهتر است از این که کوه ابو قبیس طلا باشد و او آن را در راه خدا انفاق کند.

منية المرید، ص ۱۰۰

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۸۴

عن عليّ عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُضُ عَلَى الْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ.

امیرالمومنین (علیه السلام): هر چیزی با خرج کردن کم می شود مگر علم.

غرر الحکم، ح ۶۸۸۸ / عیون الحکم والمواعظ، ص ۳۷۷ ح ۶۳۹۹

حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ الْخَوَّاصُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ الْكُذَيْمِيُّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ وَكَيْعٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ كَمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ قَالَ: ... يَا كَمَيْلُ! الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَالْمَالُ تَنْقُضُ النَّفْقَةَ وَالْعِلْمُ يَرْكُزُ عَلَى الْإِنْفَاقِ.

کمیل بن زیاد از امیرالمومنین (علیه السلام): ای کمیل! علم بهتر از مال است؛ چرا که علم تو را حفاظت می کند، و تو از مال. مال با خرج کردن کم می شود ولی علم با خرج کردن (نشر دادن) زیاد می شود.

الخصال، ج ۱، ص ۱۸۶ / کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۹۰ / نهج البلاغة، ص ۴۹۶ (حکمت ۱۴۷) /

الإرشاد (مفید)، ج ۱، ص ۲۲۷ / الأماي (للمفید)، ص ۲۴۸ / کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۱۹ / نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۵۷ /

الأماي (للطوسي)، ص ۲۰ / روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۱۰ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۱۴ / منية المرید،

ص ۱۱۰ / أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۸۵

عِيسَى ع: مِنْ عِلْمٍ وَ عَمَلٍ وَ عِلْمٌ عُدَّ فِي الْمَلَكُوتِ الْأَعْظَمِ عَظِيمًا.

عیسی علیه السلام: هر کس بداند و عمل کند و یاد دهد، در ملکوت اعظم با عظمت به شمار آید!

مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۲ / إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۱۴

أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى وَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مُعَلِّمُ الْخَيْرِ يَسْتَعْفِرُ لَهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ وَ حَيْثَانُ الْبُحُورِ وَ كُلُّ صَغِيرَةٍ وَ كَبِيرَةٍ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ سَمَائِهِ.

امام باقر علیه السلام: جنبندگان زمین و ماهیان دریاها و هر موجود ریز و درشتی در زمین و آسمان خدا، برای تعلیم دهنده خوینها آموزش می طلبند.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۳۱ / بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۴
سند بصائر: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ قَالَ حَدَّثَنِي جَابِرٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۷

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ سَلَكَ طَرِيقاً يَطْلُبُ فِيهِ عِلْماً سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقاً إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَتَّعُجُ أَجْنَحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ رِضًا بِهِ وَإِنَّهُ يَسْتَعْفِزُ لَطَالِبِ الْعِلْمِ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْخُوتِ فِي الْبَحْرِ وَ فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَ إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِينَاراً وَ لَا دِرْهماً وَ لَكِنْ وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَحَدَ مِنْهُ أَحَدٌ يَحْطُ وَافِرٍ.

امام صادق علیه السلام از پدران ایشان علیهم السلام روایت نموده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که راهی را پوید که در آن دانشی جوید خداوند راهی به بهشت برای او گشاید که در آن گام نهد و به راستی، فرشتگان به سبب خرسندی از جوینده دانش بالهای خویش را برای او فرو نهند و همانا هر آن کس که در آسمان و زمین است بر جوینده دانش آموزش جوید، حتی ماهی در دریا. و برتری دانشمند بر عبادت پیشه همچون برتری ماه در شب چهارده بر دیگر ستارگان است. و به راستی، دانشمندان میراث داران پیامبرانند و پیامبران دینار و درهمی به ارث نهند ولی دانش را به ارث گذارند؛ پس هر که دانشی از آنان برگیرد ثمری فراوان برگرفته است.

الكافي، ج ۱، ص ۳۴ / الأمالي (للسدوق) ص ۶۰

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ص ۱۳۱

سند ثواب الاعمال: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۳

سند بصائر: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ السَّعِيدِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

عوالي اللئالي العزیزية فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۷۴ / روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۸

الوافي، ج ۱، ص ۱۵۵ / بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۶۴

پیوست شماره ۹: کنز پایدار "سکوت"

يُونُسُ عَنْ مُثَنَّى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ: كَانَ أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ يَقُولُ يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ إِنَّ هَذَا
اللِّسَانَ مِفْتَاحُ خَيْرٍ وَ مِفْتَاحُ شَرٍّ فَاحْتِمِ عَلَى لِسَانِكَ كَمَا تَحْتِمُ عَلَى ذَهَبِكَ وَ وَرِقِكَ.

امام باقر (علیه السلام): ابوذر همیشه می گفت: ای طالب علم! همانا این زبان کلید خوبی و کلید بدی است. پس
بر زبانت مَهر بزن همانطور که بر طلا و نقرهات مَهر می زنی.

الکافی، ج ۲، ص ۱۱۴

مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۷۵ / إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۱۴۱

الوافی، ج ۴، ص ۴۵۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۹۱ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۰۱

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: الْكَلَامُ فِي وَتَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَتَاقِهِ فَاحْزُنْ لِسَانَكَ
كَمَا تَحْزُنُ ذَهَبَكَ وَ وَرِقَكَ فَرَبَّ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً وَ جَلَبَتْ نِقْمَةً.

امیرالمومنین (علیه السلام): سخن در بند توست، تا آن را نگفته باشی، و چون گفתי، تو در بند آنی، پس زبانت را
نگهدار چنانکه طلا و نقره خود را نگه می داری، زیرا چه بسا سخنی که نعمتی را طرد یا نعمتی را جلب کرد.

نهج البلاغة، ص ۵۴۳ (حکمت ۳۸۱) / روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۲، ص ۴۶۹

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۰۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۸۷

قَالَ اميرالمومنين ع: مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطْوُهُ، وَ مَنْ كَثُرَ خَطْوُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَ مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَ مَنْ قَلَّ
وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ.

امیرالمومنین (علیه السلام): کسی که زیاد سخن می گوید، زیاد هم اشتباه دارد. و هر کس که بسیار اشتباه کرد،
شرم و حیاء او اندک است. و آن که شرم او اندک باشد، پرهیزکاری او نیز اندک خواهد بود. و کسی که پرهیزکاری او
اندک است، قلبش می میرد. و آن که دلش مُرده باشد، در آتش جهنم سقوط خواهد کرد.

نهج البلاغة، ص ۵۳۶ (حکمت ۳۴۹) / روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۲، ص ۴۶۹ / کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۴

سند کنزالفوائد: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو الْحَسَنِ بْنُ شَادَانَ قَالَ حَدَّثَنِي خَالُ أُمِّي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ فُلُوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ
حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضِيلِ عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ
الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۸۶ / مكاتيب الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۳۹

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْحَلْبِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَمْسِكْ لِسَانَكَ فَإِنَّهَا
صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ بِهَا عَلَى نَفْسِكَ.

ثُمَّ قَالَ: وَلَا يَعْرِفُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَخْزُنَ مِنْ لِسَانِهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): زبان خود را نگه‌دار؛ چرا که نگه‌داشتن زبان (سکوت) یک صدقه‌ای است برای تو.

سپس حضرت فرمود: بنده به حقیقت ایمان نمی‌رسد مگر اینکه از زبان خود محافظت کند.

الکافی، ج ۲، ص ۱۱۴

مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۷۵

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۹۸ / الوافی، ج ۴، ص ۴۵۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۸۴

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يُكْتَبُ مُحْسِنًا مَا دَامَ سَاكِنًا فَإِذَا تَكَلَّمَ كُتِبَ مُحْسِنًا أَوْ مُسِيئًا.

امام صادق (علیه السلام): بنده مومن تا مادامی که ساکت است، نیکوکار محسوب شود؛ پس هرگاه به سخن آید (با توجه به سخنی که می‌گوید) یا نیکوکار و یا بدکار نوشته شود.

الکافی، ج ۲، ص ۱۱۶ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۶

الخصال، ج ۱، ص ۱۵ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۶۴

سند خصال و ثواب الاعمال: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۷۳

وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۸۴ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۷۷ / الوافی، ج ۴، ص ۴۵۴ / مستدرک الوسائل، ج ۹،

ص ۱۶

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْحَلْبِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: نَجَاةُ الْمُؤْمِنِ فِي حِفْظِ لِسَانِهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): نجات مومن در حفظ زبانش است.

الکافی، ج ۲، ص ۱۱۴ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۸۳

سند ثواب الاعمال: أَبِي رَه عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاعِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۰۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۹۳

پیوست شماره ۱۰: کنز پایدار "قناعت"

عن علیّ علیه السلام: الغنی من استغنی بالقناعة.

امام علی علیه السلام: ثروتمند کسی است که با قناعت طلب بی‌نیازی (ثروت) جوید.

غرر الحکم، ح ۱۲۷۲

عن علیّ علیه السلام: الغنی من آثر القناعة.

امام علی علیه السلام: ثروتمند کسی است که قناعت را برگزیند.

غرر الحکم، ح ۱۲۹۴

فَفِيمَا أُوحِيَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ يَا دَاوُدُ إِنِّي وَضَعْتُ خَمْسَةَ فِي خَمْسَةٍ - وَ النَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي خَمْسَةٍ غَيْرِهَا فَلَا يَجِدُونَهَا وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَ الْجَهْدِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي الشَّبَعِ وَ الرَّاحَةِ فَلَا يَجِدُونَهُ وَ وَضَعْتُ الْعِزَّ فِي طَاعَتِي - وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ فَلَا يَجِدُونَهُ وَ وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ وَ وَضَعْتُ رِضَائِي فِي سَخَطِ النَّفْسِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي رِضَى النَّفْسِ فَلَا يَجِدُونَهُ وَ وَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهَا

احمد بن فهد گفته: از جمله چیزهایی که خداوند به داود وحی کرده این است که: خداوند می‌فرماید: ای داود، من پنج چیز را در پنج چیز قرار داده‌ام. ولی مردم می‌خواهند آنها را از راه دیگر بدست آورند و قطعاً به آن نمی‌رسند. علم را در گرسنگی و تلاش قرار دادم ولی عده‌ای آن را با سیری و راحتی می‌خواهند ولی نمی‌توانند بیابند. من عزت و شرف را در طاعت خودم قرار دادم ولی آنها می‌خواهند بوسیله خدمت به پادشاه عزت و شرف را بدست آورند که موفق نمی‌شوند. بی‌نیازی را در قناعت قرار دادم ولی آنها می‌خواهند بی‌نیازی را در ثروت جستجو کنند که بدست نخواهند آورد. رضایت و خشنودی خود را در غضب کردن مردم بر نفسشان قرار دادم و حال این که آنان خشنودی را در رضای هوای نفس طلب می‌نمایند ولی آن را نمی‌یابند. و من راحتی را برای مردم در بهشت قرار دادم، آنها می‌خواهند در همین دنیا راحت باشند که مسلماً نخواهد شد.

عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۱۷۹

الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، ص ۱۷۹ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۵۳

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ رَزَقَ ثَلَاثًا نَالَ ثَلَاثًا وَهُوَ الْغَنَى الْأَكْبَرُ: الْقَنَاعَةُ بِمَا أُعْطِيَ، وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَتَرْكُ الْفُضُولِ.

امام صادق علیه السلام: هر که از سه چیز برخوردار شود، به سه چیز دست یابد و این بزرگترین ثروت است: قناعت کردن به آنچه عطایش شده است، چشم امید برکندن از آنچه مردم دارند و ترك زيادیها (آنچه برای زندگی ضروری نیست).

تحف العقول، ص ۳۱۸

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۱

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ) عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَنِعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ.

امام باقر یا امام صادق (علیهما السلام): هر که به آنچه خداوند روزیش کرده است قناعت کند، بی نیازترین (ثروتمندترین) مردم است.

الكافي، ج ۲، ص ۱۳۹ / من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۵۸ / الخصال، ج ۱، ص ۱۲۵

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ الْمُرُوزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ أَحْمَدُ بْنُ خَالِدِ الْخَالِدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع عَنْ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ

تحف العقول، ص ۷ / مكارم الأخلاق، ص ۴۳۶ / مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۹۵

الوافي، ج ۴، ص ۴۰۸ و ج ۲۶، ص ۱۷۲ / وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۴۶ و ج ۲۱، ص ۵۳۲ / بحار الأنوار، ج ۷۴،

ص ۴۵ و ج ۷۰، ص ۱۷۸ و ج ۷۴، ص ۶۲

رسول الله صلى الله عليه وآله - وقد سأله رجل: اجب أن أكون أغنى الناس - : كُنْ قَنِعًا تَكُنْ أَغْنَى النَّاسِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در پاسخ به مردی که عرض کرد: دوست دارم توانگرترین مردم باشم - فرمود: قناعت کن، تا بی نیازترین (ثروتمندترین) مردم باشی.

کنز العمال، ح ۴۴۱۵۴

مِنْ وَصِيَّةِ لُقْمَانَ لِابْنِهِ قَالَ: يَا بُنَيَّ! ... كُنْ قَنِعًا تَعِشْ غَنِيًّا وَ كُنْ مُتَّقِيًّا تَكُنْ عَزِيزًا.

از وصیت های لقمان به فرزندش: ای پسر! قناعت پیشه کن تا بی نیاز زندگی کنی و پرهیزگار باش تا عزیز باشی.

إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۱، ص: ۷۲

عن علي ع: كُنْ قَنِعًا تَكُنْ غَنِيًّا.

امیرالمومنین (علیه السلام): قناعت پیشه کن تا بی نیازترین مردم باشی.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۲۸ / تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۹۲

عَلَيْهِ بِنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص يَقُولُ:
ابْنَ آدَمَ! إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مِنَ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ أَيْسَرَ مَا فِيهَا يَكْفِيكَ وَإِنْ كُنْتَ إِنَّمَا تُرِيدُ مَا لَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ كُلَّ مَا فِيهَا
لَا يَكْفِيكَ.

امام علی (علیه السلام): ای فرزند آدم! اگر از دنیا چیزی خواهی که تو را کفایت کند [یعنی: قانع باشی]، پس
کمترین آن برای تو کافی است؛ و اگر چیزی خواهی که تو را بس نباشد [یعنی: حریص باشی]، پس هر چه در آن
است، کفایتت نماید.

الکافی، ج ۲، ص ۱۳۸

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۹۵

بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۷۶ / الوافی، ج ۴، ص ۴۰۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۳۱

پیوست شماره ۱۱: توضیح اجمالی در مورد اصطلاح "تنقیح مناط"

معنای لغوی تنقیح:

تنقیح در لغت: پیراستن و پاک کردن است. گفته می‌شود کلام مُنْقَح، یعنی کلامی که اضافه و زیادی در آن نیست. [۱]

نَقَّحَ الْكَلَامَ، إِذَا هَدَّبَهُ وَ أَحْسَنَ أَوْصَافَهُ. [۲]

(نَقَّحْتُ) الشَّيْءَ حَلَّصْتُ جَيِّدَهُ مِنْ رَدِيئِهِ... وَ (نَقَّحْتُ) بِالتَّشْدِيدِ مُبَالَغَةً وَ تَكْثِيرًا وَ (تَنْقِيحُ) الْكَلَامِ مِنْ ذَلِكَ. [۳]

اصطلاح اصولیین:

«إذا اقترن الموضوع في لسان الدليل بأوصاف، و خصوصیات، لا يراها العرف المخاطب دخيلة في الموضوع، و يتلقاها من قبيل التمثيل على وجه القطع و اليقين، فهذا ما يسمّى بتنقيح المناط أو الغاء الخصوصية كما إذا ورد في السؤال: رجل شك في المسجد بين الثلاث و الأربع، فأجيب بأنه يبنى على الأكثر، فإنّ العرف لا يرى للرجولية و مكان الشك (المسجد) تأثيراً في الحكم، و لذلك يرى الحكم ثابتاً لمطلق الشاك، من غير فرق بين الرجل و المرأة، و المسجد و غيره. و هذا (قياس المرأة بالرجل و غير المسجد بالمسجد) ليس بقياس في الحقيقة بل حكم الكل مستفاد من النصّ، بمساعدة فهم العرف على عدم مدخلية القيدین. و مما ذكرنا ظهر أنّ النزاع في حجّية القياس منحصر في القياس الذي استنبط المجتهد علته و مناطه، من دون أيّ دلالة عليه من جانب الشرع و إنّما يقوم به عقل المستنبط و حدسه على حدّ الظنّ بأنّ ما استنبطه مناط الحكم و ملاكه.» [۴]

ترجمه:

«هر گاه موضوع حکم در لسان دلیل به اوصاف و خصوصیات همراه باشد که عرفی - که مخاطب آن دلیل است - بطور قطع و یقین این خصوصیات و اوصاف را دخیل در موضوع نمی‌داند، و آن خصوصیات را [فقط] از قبیل مثالی [برای بیان موضوع حکم] می‌داند؛ این آن چیزی است که تنقیح مناط یا الغاء خصوصیت نامیده می‌شود.

مثلاً: سوال شود که: «مردی در مسجد بین رکعات ۳ و ۴ نمازش شک کرد»، و در جواب آن گفته شود: «بناء را بر اکثر بگذار.» عرف [در این پرسش و پاسخ] برای «مرد بودن» و «مسجد» تأثیری در حکم نمی‌بیند، و لذا حکم را برای مطلق هر کسی که [بین ۳ و ۴] شک کند ثابت می‌بیند، بدون اینکه بین مرد و زن و مسجد و غیر مسجد فرقی بگذارد. و این (قیاس مرد به زن و غیر مسجد به مسجد) در حقیقت قیاسی [که از آن نهی شده] نیست؛ بلکه حکم تمام اینها - با کمک فهم عرف بر عدم مدخلیت این دو قید - از نصّ استفاده شده است.

از آنچه ذکر شد مشخص می‌شود که قیاسی که از آن منع شده آن قیاسی است که خود مجتهد علت و مناطش را استنباط کرده (و به دست آورده) باشد، بدون اینکه هیچ دلالتی از جانب شرع بر آن وجود داشته باشد. و عقل و

حدس مستنبط در حد ظن و گمان - به اینکه آنچه استنباط کرده مناط و ملاک حکم است - آن را ایجاد کرده است. »

برای توضیح بیشتر مطلب لازم است گفته شود که: تنقیح مناط همان قیاس مستنبط العله است. برای روشن شدن معنای قیاس مستنبط العله به عبارت زیر توجه فرمایید:

« إنَّ القیاس ینقسم إلى منصوص العلة، و مستنبطها. فالأول: فیما إذا نصَّ الشارع على علة الحكم و ملاکة علی وجه علم أنها علة الحكم التي یدور الحكم مدارها لا حکمته التي ربّما یتخلف الحكم عنها. و الثاني: فیما إذا لم یکن هناك تنصیح من الشارع علیها، و إنما قام الفقیه باستخراج علة الحكم بفکره و جهده، فیطلق علی هذا النوع من القیاس، مستنبط العلة. و ینقسم مستنبط العلة إلى قسمین: تارة یصل الفقیه إلى حدّ القطع بأنّ ما استخرجه علة الحكم و مناطه. و أخرى لا یصل إلاّ إلى حدّ الظن بکونه كذلك. (و سیوافیک حکم القسمین تحت عنوان) تنقیح المناط. » [۵]

« قیاس [۶] به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱- منصوص العلة. ۲- مستنبط العلة. قیاس منصوص العلة: در جایی است که شارع به علت و ملاک حکم تصریح فرموده است بر وجهی که علم [و یقین] پیدا می‌شود بر اینکه آن علت علت حکم - که حکم دایر مدار آن است - می‌باشد، نه حکمت آن (که در اینصورت چه بسا حکم از آن حکمت) تخلف کند) [۷]. و قیاس مستنبط العلة: در جایی است که تصریحی از شارع بر علت حکم وجود نداشته باشد، و فقیه فقط به فکر و تلاش خود به دنبال استخراج آن می‌باشد.

قیاس مستنبط العلة نیز خود به دو قسم تقسیم می‌شود: گاهی: فقیه به حدّ قطع و یقین می‌رسد که این چیزی که به دست آورده، علت و مناط حکم است. و گاهی: غیر از ظن و گمان به چیز دیگری در این باره نمی‌رسد. (که حکم این دو تحت عنوان تنقیح المناط ذکر شد) ... »

به بیان دیگر:

قیاس مستنبط العله دو نوع است: یا قطعی است یا ظنی. که «هرگاه مجتهد یقین پیدا کند که خصوصیت یا خصوصیت‌های الغاشده، تأثیری در تعلق حکم به موضوع ندارد، تنقیح مناط، قطعی و حجیت آن مسلم است. اما هرگاه نسبت به بی تأثیر بودن آن ظن پیدا کند، تنقیح مناط، ظنی بوده و در نزد شیعه حجیت ندارد.» [۸]

این نکته هم قابل ذکر است که:

« ... و قلّمَا یُتَّفَقُ لِإنسان عادی أن یقطع بأنّ ما وصل إليه من العلة هو علة التشريع و مناطه واقعاً، و أنّه لیس هناك ضمائم أخرى وراء ما أدرك. » [۹]

بسیار کم اتفاق می‌افتد که انسان عادی قطع و یقین پیدا کند به اینکه آن علتی که [از روایات] به او رسیده، واقعا همان علت و مناط [حقیقی] تشریح باشد، و اینکه دیگر هیچ ضمیمه دیگری وراء آنچه درک کرده وجود نداشته باشد.

خلاصه مطلب:

اولا: قیاس بر دو نوع است: ۱- قیاس منصوص العلة و ۲- قیاس مستنبط العلة.
 ثانيا: تنقیح مناط (یا الغاء خصوصیت) همان قیاس مستنبط العلة می‌باشد و هیچ تفاوتی با آن ندارد و فقط نام دیگری برای آن است.
 ثالثا: تنقیح مناط (الغاء خصوصیت / قیاس مستنبط العلة) هم خود بر دو قسم است: ۱- یا تنقیح مناط قطعی و یقینی است: که حجیت آن مسلم است. ۲- یا تنقیح مناط ظنی است: که نزد شیعه حجیت ندارد.

آدرس منابع:

- [۱] فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۱، ص ۲۵۷.
- (نام کتاب: فرهنگ اصطلاحات اصول - جلد: ۲ - پدیدآور: ملکی اصفهانی، مجتبی - عنوان پدیدآور: مولف - زبان: فارسی - موضوع: اصطلاحات اصول - ناشر: عالمه - مکان چاپ: قم - نوبت چاپ: اول - سال چاپ: ۱۳۷۹ ش.)
- [۲] النهایة (ابن اثیر)، ج ۵، ص ۱۰۳.
- [۳] المصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۲۰.
- [۴] الوسیط فی اصول الفقه، ج ۲، ص ۷۰.
- [۵] همان، ج ۲، ص ۶۸.
- [۶] القیاس: استنباط حکم واقعه لم یرد فیها نص، عن حکم واقعه ورد فیها نص، لتساویهما فی علّة الحکم، و مناطه و ملاکه. قیاس در اصطلاح اصولیین عبارت است از: استنباط (و به دست آوردن) حکم یک واقعه‌ای - که نص و تصریحی در مورد آن [در کتاب و سنت] وارد نشده است - از حکم یک واقعه دیگری - که نص در آن وارد شده است -؛ بخاطر مساوی بودن علت و مناط و ملاک این دو در حکم. (الوسیط فی اصول الفقه، ج ۲، ص ۶۷)
- [۷] در فرق بین علت و حکمت حکم در کتب اصولی مطالبی بیان شده است که از جمله می‌توانید به الوسیط فی اصول الفقه، ج ۲، ص ۶۹ مراجعه نمایید.
- [۸] فرهنگ نامه اصول فقه، ص ۳۶۷.
- [۹] الوسیط فی اصول الفقه، ج ۲، ص ۶۸.

پیوست شماره ۱۲: آیات و روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه حج

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا
وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

یقیناً نخستین خانه‌ای که برای [نیایش و عبادت] مردم نهاده شد، همان است که در مکه است، که پر برکت و وسیله هدایت برای جهانیان است. * در آن نشانه‌هایی روشن [از ربوبیت، لطف، رحمت خدا و از جمله] مقام ابراهیم است و هر که وارد آن شود در امان است و خدا را حقی ثابت و لازم بر عهده مردم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته] کسانی که [از جهت سلامت جسمی و توانمندی مالی و باز بودن مسیر] بتوانند به سوی آن راه یابند، و هر که ناسپاسی ورزد [و از رفتن به آنجا خودداری کند به خود زیان زده] زیرا خدا از جهانیان بی‌نیاز است.

(سوره مبارک آل عمران، آیات ۹۷ و ۹۸)

هر درهم = هفتصد درهم

حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَيْسَى، حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ، حَدَّثَنَا عَطَاءُ بْنُ السَّائِبِ، عَنْ أَبِي زُهَيْرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُرَيْدَةَ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: التَّفَقُّهُ فِي الْحَجِّ كَالْتَفَقُّهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسَبْعِ مِائَةِ ضِعْفٍ.
پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): انفاق در حج، هفتصد برابر انفاق در راه خدا، پاداش دارد.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳۸، ص ۱۰۶

هر درهم = هزار درهم

عن عليّ ع: دِرْهَمٌ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ فِي الْحَجِّ يَعْدِلُ أَلْفَ دِرْهَمٍ.

امام علی (علیه السلام): يك درهم که کسی در راه حج خرج کند، برابر با هزار درهم است.

تحف العقول، ص ۱۱۷

هر درهم = صد هزار درهم

قَالَ الصَّادِقُ ع مَنْ أَنْفَقَ دِرْهَمًا فِي الْحَجِّ كَانَ خَيْرًا لَهُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ يُنْفِقُهَا فِي حَقِّ.

امام صادق علیه السلام: کسی که در راه حج، يك درهم خرج کند، برای او بهتر از صد هزار درهم است که در راه حق انفاق کند.

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۲۵

بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۵ / الوافی، ج ۱۲، ص ۲۴۸ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۱۷

هر درهم = یک میلیون درهم

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو الصَّيْنِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْخُرَّاسَانِيِّ عَنْ مَيْسَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَائِشَةَ السَّعْدِيِّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَا خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ ص قَبْلَ وَفَاتِهِ وَ هِيَ آخِرُ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا بِالْمَدِينَةِ حَتَّى لَحِقَ بِاللَّهِ تَعَالَى... وَ مَنْ خَرَجَ حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ مِائَةٌ أَلْفٍ أَلْفٍ حَسَنَةٍ وَ يُمَحَى عَنْهُ أَلْفٌ أَلْفٍ سَيِّئَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ أَلْفٌ أَلْفٍ دَرَجَةٍ وَ كَانَ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ بِكُلِّ دِرْهَمٍ [أَلْفٌ أَلْفٍ دِرْهَمٍ] وَ بِكُلِّ دِينَارٍ أَلْفٌ أَلْفٍ دِينَارٍ وَ بِكُلِّ حَسَنَةٍ عَمَلَهَا فِي تَوْجُّهِهِ ذَلِكَ أَلْفٌ أَلْفٍ حَسَنَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ وَ كَانَ فِي صَمَانِ اللَّهِ تَعَالَى فَإِنْ تَوَفَّاهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَ إِنْ رَجَعَ رَجَعَ مَنْصُورًا مَغْفُورًا لَهُ فَاعْتَبِرُوا دَعْوَتَهُ إِذَا قَدِمَ قَبْلَ أَنْ يُصِيبَ الذُّنُوبَ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرُدُّ دُعَاءَهُ فَإِنَّهُ يُشْفَعُ فِي مِائَةِ أَلْفٍ أَلْفٍ رَجُلٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... و کسی که با نیت انجام حج یا عمره از خانه خود بیرون آید، به تعداد گامهایی که از لحظه خروج تا بازگشت بر می‌دارد، یک میلیون حسنه در نامه اعمال او ثبت می‌شود، و یک میلیون گناه او از آن نامه پاک می‌گردد، و یک میلیون درجه به مقام او افزوده می‌گردد، و در برابر هر درهم یا دیناری که در این سفر به همراه بردارد تا هزینه راه کند، یک میلیون برابر آن در نزد حضرت حق عوض خواهد داشت. و برای هر حسنه‌ای که در طول این راه انجام دهد (ثواب) یک میلیون حسنه برای او خواهد داشت تا زمانی که (به خاک خود) بازگردد و در امان خداوند خواهد بود. و اگر در این سفر بمیرد، خداوند او را رهسپار بهشت خواهد کرد در حالی که کامیاب و آمرزیده گردیده و دعای او مستجاب خواهد بود، پس دعای او را مغتنم بشمارید (و به او التماس دعا بگوئید)، زیرا که خداوند دعای او را رد نمی‌کند. و در روز قیامت اختیار شفاعت برای یک صد هزار نفر را دارد...

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۹۲

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۷۲ (و فيه: وَ كَانَ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ بِكُلِّ دِرْهَمٍ يَحْمِلُهَا فِي وَجْهِهِ ذَلِكَ أَلْفٌ أَلْفٍ دِرْهَمٍ حَتَّى يَرْجِعَ)

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۱۰۴ / أعلام الدين (ديلمی)، ص ۴۲۵ (و كان فيهما: وَ كَانَ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَلْفٌ أَلْفٍ دِرْهَمٍ وَ بِكُلِّ دِينَارٍ أَلْفٌ أَلْفٍ دِينَارٍ)

رُوي: أَنَّ دِرْهَمًا فِي الْحَجِّ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ أَلْفٍ دِرْهَمٍ فِي غَيْرِهِ وَ دِرْهَمٌ يَصِلُ إِلَى الْإِمَامِ مِثْلُ أَلْفِ أَلْفٍ دِرْهَمٍ فِي حَجِّ. و روایت شده است که: درهمی در حج بهتر از هزار هزار درهم در غیر آنست، و درهمی که به امام برسد بمانند هزار هزار درهم در حج است.

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۲۵

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۱۱۷ / الوافي، ج ۱۲، ص ۲۴۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ صَالِحٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَقَدْ لَلَّهِ أَنْ سَأَلُوهُ أَعْطَاهُمْ وَإِنْ دَعَوْهُ أَجَابَهُمْ وَإِنْ شَفَعُوا شَفَعَهُمْ وَإِنْ سَكَنُوا ابْتَدَأَهُمْ وَيُعَوِّضُونَ بِالدَّرْهِمِ أَلْفَ أَلْفِ دِرْهِمٍ.

امام صادق (لیه السلام): حاجی و معتمر (کسی که عمره به جای می آورد)، نمایندگان الهی اند، اگر درخواست کنند به آنان می دهد. اگر دعا کنند، اجابت می نماید. اگر کسی را شفاعت کنند، خداوند شفاعتشان را می پذیرد. اگر ساکت شوند، او سخن گفتن را آغاز می کند. و به جای یک درهم (که در راه خدا داده شده) یک میلیون درهم عوض می گیرند.

الكافي، ج ۴، ص ۲۵۵ / تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۲۴

عوالي اللئالي، ج ۴، ص ۲۴ / عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۱۲۸

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۹۹ / الوافي، ج ۱۲، ص ۲۲۱ / بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۶

هر درهم = دو میلیون درهم

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: حَجَّةٌ أَفْضَلُ مِنْ عِتْقِ سَبْعِينَ رَقَبَةً فَقُلْتُ مَا يَعْدِلُ الْحَجَّ شَيْءٌ؟ قَالَ: مَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ؛ وَ لِدِرْهِمٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِيهِ أَلْفِ دِرْهِمٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنْ سَبِيلِ اللَّهِ.

امام صادق (علیه السلام): یک حج برتر است از آزاد کرده هفتاد برده. گفتیم: آیا چیزی با حج برابری می کند؟ فرمود: نه؛ چیزی با حج برابری نمی کند؛ و همانا (خرج کردن) یک درهم در حج از دو هزار هزار درهم (دو میلیون) در سوی آن در راه خدای عز و جل افضل است.

الكافي، ج ۴، ص ۲۶۰ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۲۵ (مُرسلاً)

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۱۲۰ / الوافي، ج ۱۲، ص ۲۳۰

* برخی از علل اهمیت حج:

وَ قَالَ اميرالمومنين ع: فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِكِ وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ وَ الزَّكَاةَ تَسْبِيهاً لِلرِّزْقِ وَ الصِّيَامَ ابْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ وَ الْحَجَّ [تَقْوِيَةً] تَقْرِبَةً لِلدِّينِ وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ...

امیرالمومنین (علیه السلام): خداوند ایمان را جهت پاک شدن از شرک واجب نمود، و نماز را برای منزه شدن از کبر، و زکات را موجب روزی، و روزه را آزمایشی برای اخلاص مردم، و حج را سبب تقویت دین، و جهاد را برای ارجمندی اسلام... واجب نمود.

نهج البلاغة، ص ۵۱۲ (حکمت ۲۵۲)

نظريه فقهي انفاق

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَابِرٍ عَنْ زَيْنَبِ بِنْتِ عَلِيٍّ قَالَتْ قَالَتْ فَاطِمَةُ ع فِي خُطْبَتِهَا: ... فَفَرَضَ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ وَالزَّكَاةَ زِيَادَةً فِي الرِّزْقِ وَالصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ وَالْحَجَّ تَسْنِيَةً لِلدِّينِ وَالْعَدْلَ تَسْكِيناً لِلْقُلُوبِ وَالطَّاعَةَ نِظَاماً لِلْمِلَّةِ وَالْإِمَامَةَ لِمَا مِنَ الْفُرْقَةِ وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ ...

اميرالمومنين (عليه السلام): حقّ تعالى ايمان را به منظور تطهير از شرك و نماز را به جهت تنزيه از كبر و سرافرازی و زكات را به داعی زياد شدن رزق و روزه را به خاطر تثبيت اخلاص و حج را به قصد رونق يافتن دين و عدل را برای آرام نمودن دلها و طاعت را به منظور نظام ملت و امامت و رهبری را به خاطر اصلاح تفرقه و تشتت و جهاد را برای عزت و بزرگی اسلام واجب نمود.

علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۴۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۶۸

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي الْمُعْزَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِماً مَا قَامَتِ الْكُعْبَةُ.

امام صادق (عليه السلام): پیوسته دين قائم و برجا است تا مادامی كه كعبه سر پا می باشد.

الكافي، ج ۴، ص ۲۷۱ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۴۳ (مُرسلاً) / علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۹۶

سند علل: أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّؤْلُؤِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ عَنْ أَبِي الْمُعْزَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ ع عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۲۱ / بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۵۷ / الوافي، ج ۱۲، ص ۴۰

پیوست شماره ۱۳: روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه خضاب

یک درهم = بهتر از یک درهم / هفتصد درهم / هزار درهم / هفت هزار درهم / نه هزار درهم
 عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِيهِ
 رَفَعَهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : نَفَقَةُ دَرَاهِمٍ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ دَرَاهِمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ إِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ
 عَشْرَةَ خَصْلَةً: يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأُذُنَيْنِ وَ يَجْلُو الْغِشَاءَ عَنِ الْبَصَرِ وَ يُلَيِّنُ الْخَبَاشِيمَ وَ يُطَيِّبُ التَّكْهَةَ وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ
 يَذْهَبُ بِالْغَشْيَانِ وَ يُقِلُّ وَسُوسَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَ يَسْتَبْشِرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَعْيِظُ بِهِ الْكَافِرُ وَ هُوَ زِينَةٌ وَ هُوَ
 طِيبٌ وَ بَرَاءَةٌ فِي قَبْرِهِ وَ يَسْتَحْيِي مِنْهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ.

یامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: هزینه یک درهم برای خضاب، برتر از هزینه یک درهم در راه خدا است؛
 به‌راستی که در خضاب چهارده ویژگی است: باد گوش‌ها را دور می‌کند، پرده را از چشم دور می‌نماید، خیشوم‌های
 بینی را نرم و روان می‌کند، دهان را خوشبو می‌کند، لثه را محکم می‌نماید. غشیان (بیهوشی به خاطر غلبه زردآب)
 را از بین می‌برد، وسوسه شیطان را اندک می‌کند. فرشتگان به آن شادمان می‌شوند، مؤمن به آن بشارت می‌گیرد و
 کافر را به خشم می‌آورد. خضاب زینت و پاکی و موجب برائت در قبر است و دو فرشته نکیر و منکر از آن شرم و
 حیا می‌کنند.

الکافی ج ۶ ص ۴۸۲

الوافی ج ۶ ص ۶۳۶ / وسائل الشیعه ج ۲ ص ۴۸۵

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْحِنَاءُ خِضَابُ الْإِسْلَامِ يُزَيِّنُ الْمُؤْمِنَ وَ يَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ وَ يُحَدُّ الْبَصَرَ وَ يَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ وَ
 الْحَسَنَةُ بِعَشْرَةٍ وَ الدَّرَاهِمُ بِسَبْعِمِائَةٍ.

پیغمبر (ص) فرمود: حنا خضاب اسلام است، مؤمن را زینت می‌بخشد، و سردرد را می‌برد، و نور چشم را
 می‌افزاید، و نیروی آمیزش را زیاد می‌کند، و ثواب آن ده برابر است، و پاداش یک درهم (انفاق برای آن) برابر با ۷۰۰
 درهم است.

مکارم الأخلاق، ص ۸۲

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ
 الْأَشْعَرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ التَّهَاقُوتِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ
 اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: دَرَاهِمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ أَلْفِ دَرَاهِمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ
 فِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ خَصْلَةً...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): یک درهم برای خضاب خرج کردن، بهتر است از انفاق هزار درهم در راه خدا

...

الخصال، ج ۲، ص ۴۹۷

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيِّ ع يَا عَلِيُّ دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ دِرْهَمٍ فِي غَيْرِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَفِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ حَصْلَةً ...

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۳

حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ رَفَعَ الْحَدِيثَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَقْفَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَفِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ حَصْلَةً ...

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۱

قَالَ الصَّادِقُ ع عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عِ النَّبِيِّ ع إِلَى أَنْ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ إِلَيْهِ: يَا عَلِيُّ! دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ دِرْهَمٍ يُنْفَقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَفِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ حَصْلَةً ...

روضه الواعظين و بصيرة المتعظين، ج ۲، ص ۴۷۴

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ يَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ نَقْفَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَفِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ حَصْلَةً ...

أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۳۶۳

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيِّ ع يَا عَلِيُّ دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ دِرْهَمٍ فِي غَيْرِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَفِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ حَصْلَةً ...

مكارم الأخلاق، ص ۷۸

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: اخْتَضِبُوا بِالْحِنَاءِ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي شَبَابِكُمْ وَجَمَالِكُمْ وَنِكَاحِكُمْ وَحُسْنِ وُجُوهِكُمْ وَيُبَاهِي اللَّهُ بِكُمْ الْمَلَائِكَةَ وَالدَّرْهَمُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسَبْعِمِائَةٍ وَالدَّرْهَمُ فِي الْخِضَابِ بِسَبْعَةِ آلَافٍ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): به حنا خضاب کنید که به جوانی و زیبایی و قوه نکاح و طراوت و زیبایی چهره شما می افزاید، و خداوند به شما بر ملائکه مباحات می نماید، و یک درهم در راه خدا ۷۰۰ برابر، و یک درهم برای خضاب هفت هزار برابر می باشد، ...

مكارم الأخلاق، ص ۸۲

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: نَقْفَةُ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسَبْعِمِائَةٍ وَ نَقْفَةُ دِرْهَمٍ فِي خِضَابِ الْحِنَاءِ بِتِسْعَةِ آلَافٍ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): انفاق یک درهم در راه خدا برابر با هفتصد درهم است. و انفاق یک درهم در راه خضابِ حناء برابر با نُه هزار درهم!

طب النبي صلی الله علیه و آله و سلم (مستغفری)، ص ۳۰
بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۹۴

پیوست شماره ۱۴: روایاتی در مورد سود ناشی از زیارت امام حسین علیه السلام

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: ... لَيْسَ مِنْ مَلِكٍ وَلَا نَبِيٍّ فِي السَّمَاوَاتِ إِلَّا وَهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ أَنْ يَأْذَنَ لَهُمْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَ فَقَوْجٌ يَنْزِلُ وَ قَوْجٌ يَعْزَجُ.

اسحاق بن عمار، وی می گوید: از حضرت ابا عبد الله علیه السلام شنیدم که می فرمودند: ... هیچ فرشته و پیامبری در آسمان نیست مگر از خداوند درخواست می کند که به او اذن زیارت قبر حسین علیه السلام داده شود؛ پس گروهی از آنان (برای زیارت) به زمین فرود آمده و گروهی (پس از زیارت) به بالا عروج می کنند.

الكافي، ج ۴، ص ۵۸۸ / تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۷۱ / كامل الزيارات، ص ۲۷۲

سند کامل الزیارات: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

الوافي، ج ۱۴، ص ۱۵۱۹ / وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۵۱۱

افزایش رزق و روزی و طولانی شدن عمر:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ سَمِعْتَاهُ يَقُولُ: مَنْ أَتَى عَلَيْهِ حَوْلَ لَمْ يَأْتِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَ أَنْقَصَ [نَقَصَ] اللَّهُ مِنْ عُمْرِهِ حَوْلًا وَ لَوْ قُلْتُمْ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَمُوتُ قَبْلَ أَجَلِهِ بِثَلَاثِينَ سَنَةً لَكُنْتُ صَادِقًا وَ ذَلِكَ لِأَنَّكُمْ تَتْرَكُونَ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ؛ فَلَا تَدْعُوا زِيَارَتَهُ يَمُدُّ اللَّهُ فِي أَعْمَارِكُمْ وَ يَزِيدُ فِي أَرْزَاقِكُمْ وَ إِذَا تَرَكْتُمْ زِيَارَتَهُ نَقَصَ اللَّهُ مِنْ أَعْمَارِكُمْ وَ أَرْزَاقِكُمْ فَتَنَافَسُوا فِي زِيَارَتِهِ وَ لَا تَدْعُوا ذَلِكَ فَإِنَّ الْحُسَيْنَ شَاهِدٌ لَكُمْ فِي ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ رَسُولِهِ وَ عِنْدَ فَاطِمَةَ وَ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

از آن حضرت شنیدم که می فرمود:

امام باقر (علیه السلام): کسی که سال بر او بگذارد و به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام نرود، خداوند تبارک و تعالی یک سال از عمرش کسر می کند و اگر بگویم پاره ای از شماها سی سال قبل از اجل و عمر طبیعی از دنیا می روند هر آینه صادق می باشم! چرا که زیارت حسین علیه السلام را ترک می کنید؛ بنا بر این زیارت آن حضرت را رها نکنید تا حق تعالی عمر شما را زیاد نموده و روزی تان را گسترده فرماید. و بدانید هر گاه زیارت آن جناب را ترک کنید، خدا از عمر شما کم می کند. پس زیاد به زیارت او بروید و آن را ترک نکنید؛ چرا که حضرت ابا عبد الله الحسین شاهد شما است در نزد خدا و رسولش و نزد حضرت فاطمه و امیر المؤمنین علیهم السلام.

كامل الزيارات، ص ۱۵۱ / تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۴۳

كتاب المزار - مناسك المزار (للمفيد)، ص ۳۲ / المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۳۴۳

وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۴۳۰ / الوافي، ج ۱۴، ص ۱۴۶۸

حَدَّثَنِي أَبِي رَهَ وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي رَهَ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لِي: يَا عَبْدَ الْمَلِكِ! لَا تَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَ وَ مَرُّ أَصْحَابِكَ بِذَلِكَ يَمُدُّ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ وَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي رِزْقِكَ ...

عبد الملك خثعمی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، وی گفت: حضرت به من فرمودند: ای عبد الملك! زیارت حسین بن علی علیهما السلام را ترك مكن و یاران و اصحاب را به آن امر فرما زیرا حق تعالی بواسطه آن عمر تو را طولانی کرده و روزی و رزقت را واسع می فرماید ...

کامل الزیارات، ص ۱۵۲

وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۳۱ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۷

حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَإِنَّ إِيَّانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ يَمُدُّ فِي الْعُمُرِ ...

محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام حضرت فرمودند: امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حضرت حسن بن علی علیهما السلام چه آنکه زیارت آن حضرت رزق و روزی را زیاد و عمر را طولانی کرده ...

کامل الزیارات، ص ۱۵۱ / تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۴۲

سند تهذیب: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَثِيلِ الدَّقَاقِيِّ وَ غَيْرُهُ مِنَ الشُّبُوحِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

الوافي، ج ۱۴، ص ۱۶۶۵ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۸

وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۱۳

حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَصَّاحٍ عَنْ دَاوُدَ الْحَمَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ لَمْ يَزُرْ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع فَقَدْ حُرِمَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ نُقِصَ مِنْ عُمْرِهِ سَنَةٌ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس قبر امام حسین (علیه السلام) را زیارت نکند، از خیر فراوانی محروم شده است و از عمرش یک سال کم می شود.

کامل الزیارات، ص ۱۵۱

وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۳۱ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۸

رفع غم و اندوه و گرفتاری:

نظریه فقهی انفاق

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ قَتِيلٌ مَكْرُوبٌ وَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَأْتِيَنِي مَكْرُوبٌ إِلَّا أُرَدَّهُ وَ أَقْلِبُهُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا.

هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمودند: حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: من کشته اشک هستم، من در حالی که غمگین و اندوهگین بودم کشته شدم و سزاوار است بر خدا که هر مکروب و اندوهگینی که به زیارت من می آید را با قلبی مسرور و شاد به اهلش برگرداند.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۹۸ / کامل الزیارات، ص ۱۰۹

سند اول کامل الزیارات: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ
سند دوم کامل الزیارات: حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۸

حَدَّثَنِي أَبِي وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ عَنْ يَحْيَى وَ كَانَ فِي خِدْمَةِ أَبِي جَعْفَرٍ ع عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ بَطْهَرَ الْكُوفَةِ لَقَبْرًا مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ قَطُّ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ يَغْنِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع.

امام صادق علیه السلام: همانا پشت کوفه قبری است که هیچ مکروب و اندوهگینی به زیارت آن نمی رود مگر آنکه خداوند متعال اندوهش را بر طرف می کند. منظور قبر امام حسین (علیه السلام) است.

کامل الزیارات، ص ۱۶۸

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۹ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۵

حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيَكٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَلْمَةَ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: إِنَّ إِلَى جَانِبِكُمْ قَبْرًا مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَ قَضَى حَاجَتَهُ.

ابی الصباح کنانی، وی می گوید: از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: در طرف شما قبری است که هیچ مکروب و اندوهگینی به زیارت آن نمی رود مگر آنکه خداوند متعال اندوهش را بر طرف کرده و حاجتش را روا می سازد.

کامل الزیارات، ص ۱۹۰ و ۱۶۷

سند دیگر کامل الزیارات (ص ۱۶۷): حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُوسَوِيِّ الْعَلَوِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ [عَبِيدِ اللَّهِ] بْنِ نَهْيَكٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
کتاب المزار - مناسک المزار (للمفید)، ص ۳۵

سند مزار مفید: حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُوسَوِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيِكٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۳۴۴

سند مزار ابن مشهدی: حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُوسَوِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيِكٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۸ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۵ و ۵۶

حَدَّثَنِي أَبِي رَه عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو الرَّيَّاتِ عَنْ كَرَامِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ الْحُسَيْنَ ع قُتِلَ مَكْرُوبًا وَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا رَدَّهُ اللَّهُ مُسْرُورًا.

حضرت امام حسین علیه السلام با حالی حزین و اندوه کشته شدند و سزاوار است بر خدا که هیچ حزین و اندوهگینی به زیارت آن جناب نرود مگر آنکه حق تعالی وی را مسرور و شادمان به اهلش برگرداند.

کامل الزیارات، ص ۱۶۷

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۹ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۵

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: زُورُوا الْحُسَيْنَ ع وَ لَوْ كُلَّ سَنَةٍ فَإِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَاهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ جَاحِدٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَوْضٌ غَيْرَ الْجَنَّةِ وَ زُرُقٍ رِزْقًا وَاسِعًا وَ أَتَاهُ اللَّهُ مِنْ قِبَلِهِ بِفَرَحٍ [بِفَرَحٍ] عَاجِلٍ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ - وَ حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ أَصْحَابِنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ سِوَاءً .

امام صادق (علیه السلام): امام حسین علیه السلام را زیارت کنید اگر چه در هر سال باشد، زیرا هر کس به زیارتش رود در حالی که به حق آن حضرت عارف بوده و منکر آن نباشد غیر از بهشت هیچ عوض دیگری ندارد و روزی و رزقش وسعت پیدا می کند و در به زودی خداوند متعال در ازای زیارتی که انجام داده به او فرح و سرور قابل ملاحظه ای می دهد.

کامل الزیارات، ص ۱۵۱ و ۸۵

سند دوم کامل الزیارات: حَدَّثَنِي أَبِي رَجَمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

سند سوم کامل الزیارات: حَدَّثَنِي حَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

زاد المعاد، ص ۵۰۵

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۷

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ صَاحِبَ كَرْبَلَاءَ قُتِلَ مَظْلُومًا مَكْرُوبًا عَطْشَانًا لَهْفَانًا [فَأَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ] وَ حَقَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ لَهْفَانٌ وَلَا مَكْرُوبٌ وَلَا مُذْنِبٌ وَلَا مَعْمُومٌ وَلَا عَطْشَانٌ وَلَا دُو عَاهَةٍ ثُمَّ دَعَا عِنْدَهُ وَ تَقَرَّبَ بِالْحُسَيْنِ ع إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَ أَعْطَاهُ مَسْأَلَتَهُ وَ غَفَرَ ذُنُوبَهُ [ذَنْبَهُ] وَ مَدَّ فِي عُمُرِهِ وَ بَسَطَ فِي رِزْقِهِ «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ».

محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

حضرت حسین علیه السلام که صاحب کربلاء است در حالی که مظلوم و اندوهگین و تشنه و غصه‌دار بود شهید شد و غصه‌دار و اندوهگین و گناه‌کار و غمگین و تشنه و صاحب عیب و آفتی به زیارت آن حضرت نیاید و سپس نزد آن حضرت دعا کند و بواسطه آن جناب به خداوند تقرب جوید مگر آنکه بر خداست که حزن و اندوهش را بر طرف کرده و خواسته‌اش را اعطاء نموده و گناهانش را آمرزیده و عمرش را طولانی نموده و روزی و رزقش را فراخ نماید «پس ای صاحبان بصیرت! عبرت بگیرید».

کامل الزیارات، ص ۱۶۸

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۹ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۶

بر آوره شدن خواسته‌ها و دفع بلاها:

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ (أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ) عَنْ صَالِحِ عَنِ الْحَرْثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً مُوَكَّلِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَإِذَا هُمْ بِزِيَارَتِهِ الرَّجُلُ أَعْطَاهُمُ اللَّهُ ذُنُوبَهُ فَإِذَا خَطَا مَحْوَهَا ثُمَّ إِذَا خَطَا صَاعَفُوا لَهُ حَسَنَاتِهِ فَمَا تَزَالُ حَسَنَاتُهُ تَصَاعَفُ حَتَّى تُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ اكْتَنَفُوهُ وَ قَدَّسُوهُ وَ يُنَادُونَ مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ أَنْ قَدَّسُوا زُورًا حَبِيبِ اللَّهِ فَإِذَا اغْتَسَلُوا نَادَاهُمْ مُحَمَّدٌ ص يَا وَفَدَ اللَّهُ أَبْشِرُوا بِمِرَافِقَتِي فِي الْجَنَّةِ ثُمَّ نَادَاهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَا ضَامِنٌ لِقَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ وَ دَفْعِ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ثُمَّ التَّقَاهُمْ [اَكْتَنَفَهُمْ] النَّبِيُّ ص عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شِمَائِلِهِمْ حَتَّى يُنْصَرِفُوا إِلَى أَهْلِيهِمْ.

حضرت ابی عبد الله علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال فرشتگانی دارد که موکل قبر حضرت امام حسین علیه السلام می‌باشند هنگامی که شخص قصد زیارت آن حضرت را می‌نماید حق تعالی گناهان او را در اختیار این فرشتگان قرار می‌دهد و زمانی که وی قدم برداشت فرشتگان تمام گناهانش را محو می‌کنند و سپس قدم دوم را که برداشت حسناتش مضاعف و دو چندان می‌کنند و پیوسته با قدم‌هایی که برمی‌دارد حسناتش مضاعف می‌گردد تا به حدی می‌رسد که بهشت برایش واجب و ثابت می‌گردد، سپس اطرافش را گرفته و تقدیسش می‌کنند و فرشتگان آسمان نداء داده و می‌گویند: زوار دوست دوست خدا را تقدیس نمائید. و وقتی زوار غسل کردند حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را مورد

نداء قرار داده و می‌فرماید: ای مسافران خدا! بشارت باد بر شما که در بهشت با من هستید. سپس امیر المؤمنین علیه السلام به ایشان نداء نموده و می‌فرماید: من ضامنم که حوائج شما را بر آورده نموده و بلاء را در دنیا و آخرت از شما دفع کنم، سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با ایشان از طرف راست و چپ ملاقات فرموده تا بالأخره به اهل خود بازگردند.

کامل الزیارات، ص ۱۳۳ و ۱۵۲ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۹۱
سند ثواب الاعمال: ابي ره قال حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۲۶ / المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۳۲۹
بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۶۴

حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَإِنَّ إِثْبَانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ يَمُدُّ فِي الْعُمْرِ وَ يَدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ وَ إِثْبَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقْرَأُ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ.

محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام حضرت فرمودند: امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حضرت حسن بن علی علیهما السلام چه آنکه زیارت آن حضرت رزق و روزی را زیاد و عمر را طولانی کرده و اموری که بدی و شر را جلب می‌کنند دفع می‌نماید.

و زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حضرتش از طرف حق تعالی دارد واجب و لازم است.

کامل الزیارات، ص ۱۵۱ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۴۲
سند تهذیب: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَثِيلِ الدَّقَائِقِ وَ غَيْرُهُ مِنَ الشُّيُوخِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ فَصَّالٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْوَافِيِّ، ج ۱۴، ص ۱۶۶۵ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۸
وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۴۱۳

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَاجِيَةَ عَنْ عَامِرِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي الثَّمِيرِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنَّ وَ لَآئِنَّا عَرَضَتْ عَلَيَّ أَهْلُ الْأَمْصَارِ فَلَمْ يَقْبَلْهَا قَبُولَ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ قَبْرَ عَلِيٍّ ع فِيهَا وَ أَنَّ إِلَى لُزْقِهِ لِقَبْرٍ آخَرَ يَعْنِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع فَمَا مِنْ آتٍ يَأْتِيهِ فَيَصَلِّيَ عِنْدَهُ رُكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَةً ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَتَهُ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ وَ إِنَّهُ لَيَحِفُّ بِهِ كُلُّ يَوْمٍ أَلْفَ مَلَكٍ.

حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند: ولایت ما اهل بیت (علیهم السلام) بر اهل شهرها عرضه شد هیچ کس آن را مانند اهل کوفه نپذیرفت زیرا در آن قبر علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد و معلوم باشد که در جانب آن، قبر دیگری است (مقصود قبر حضرت امام حسین علیه السلام می‌باشد) و هیچ زائری آن را زیارت نکرده و دویا

چهار رکعت نزد آن نماز نخوانده و سپس حاجتش را از خداوند بخواهد مگر آنکه حق تعالی حاجت او را برآورده نموده و باید توجه داشت که در هر روز هزار فرشته بر آن قبر مطهر احاطه داشته و طوافش می کنند.

کامل الزیارات، ص ۱۶۸ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۸۸

سند ثواب الاعمال: ابي ره قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَاجِيَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ عَامِرِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي نُمَيْرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۶ و ۱۴۰ / وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۵۱۸

تبدیل شقاوت به سعادت (عاقبت بخیری):

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ قَالَ يُكْتَبُ لَهُ أَلْفُ حَجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَأَلْفُ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَإِنْ كَانَ شَقِيًّا كُتِبَ سَعِيدًا وَلَمْ يَزَلْ يَخُوضُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ.

عبد الله بن ميمون قداح، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام وی می گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: کسی که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام برود در حالی که عارف به حق آن جناب بوده و زیارتش بدون تکبر و نخوت باشد ثوابش چیست؟ حضرت فرمودند: هزار حج مقبول و هزار عمره پذیرفته شده برایش می نویسند و اگر شخص شقی باشد او را سعید قلمداد می نمایند و پیوسته در رحمت خداوند عز و جل غوطه می خورد.

کامل الزیارات، ص ۱۴۵ و ۱۶۴

سند دوم کامل الزیارات: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۳ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۰

حَدَّثَنِي أَبِي رَه وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي رَه عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لِي: يَا عَبْدَ الْمَلِكِ! لَا تَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع وَ مُرْ أَصْحَابَكَ بِذَلِكَ يَمُدُّ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ وَيَزِيدُ اللَّهُ فِي رِزْقِكَ وَ يُحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيدًا وَ لَا تَمُوتُ إِلَّا سَعِيدًا [شَهِيدًا] وَ يُكْتَبُكَ سَعِيدًا.

عبد الملك خثعمی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، وی گفت: حضرت به من فرمودند: ای عبد الملك! زیارت حسین بن علی علیهما السلام را ترک مکن و یاران و اصحاب را به آن امر فرما زیرا حق تعالی بواسطه آن

عمر تو را طولانی کرده و روزی و رزقت را واسع می فرماید، در حال حیات سعید و سعادت مندت نموده و نخواهی مرد مگر سعید و تو را در زمره سعدها می نویسد.

کامل الزیارات، ص ۱۵۲

وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۳۱ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۷

آمزش گناهان:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ.

موسی بن جعفر (علیه السلام): هر کس امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند در حالی که به حق او معرفت دارد؛ خداوند گناهان پیشین و پسین او را می آمرزد.

الکافی، ج ۴، ص ۵۸۲

مناقب آل ابي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۱۲۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْخَبْرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع: أَذْنِي مَا يَثَابُ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع بِشَطِّ الْفَرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ وَ وَلايَتَهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ.

موسی بن جعفر علیهما السلام فرمودند: کمترین ثوابی که به زائر امام حسین علیه السلام در شط فرات می دهند بشرطی که عارف به حق و حرمت و ولایت آن جناب باشد این است که گناهان گذشته و آینده اش را حق تعالی می آمرزد.

الکافی، ج ۴، ص ۵۸۲ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۱ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۸۵

سند ثواب الاعمال: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْخَبْرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ الْقُمِّيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ

کامل الزیارات، ص ۱۳۸

سند کامل الزیارات: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْخَبْرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ الْقُمِّيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ

کامل الزیارات، ص ۱۵۳

سند کامل الزیارات: حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْخَبْرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ الْقُمِّيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى

جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۲۴ / المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۳۲۶

سند مزار ابن مشهدی: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ الْخَبْرِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ الْقُمِّيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ

الوافی، ج ۱۴، ص ۱۴۶۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۱۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۶ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۴

مورد شفاعت واقع شدن در قیامت:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْمُعَلَّى أَبِي شِهَابٍ قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ ع لِرَسُولِ اللَّهِ ص يَا أَبَتَاهُ مَا لِمَنْ زَارَكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُرْوَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأُحْلَصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ.

امام حسین علیه السلام به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت: پدر عزیزم! پاداش زائر تو چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پسرکم! هر کس زنده یا مُرده مرا زیارت کند، یا پدرت یا برادرت یا تو را زیارت کند، بر گردن من، حق دارد که روز قیامت، او را زیارت کنم و از گناهانش رهایش سازم».

الکافی، ج ۴، ص ۵۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۴ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۷
الوافی، ج ۱۴، ص ۱۳۲۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۲۶

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَاعَ يَقُولُ: إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أَيْمَنَهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

حسن بن علی الوشاء، وی می گوید: از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند: هر امامی در گردن دوستان و شیعیانش عهدهی دارد و وفاء کامل به عهد و نیکو اداء کردنش به این است که اولیاء و دوستان قبور آنها را زیارت کنند؛ چه آنکه هر کس ایشان را از روی رغبت و میل زیارت کند در روز قیامت ایشان شفاعت خواهند بود.

الکافی، ج ۴، ص ۵۶۷ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۷ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۳ و ص ۷۹
سند تهذیب: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ السَّنْدِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الثَّبَائِبِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا ع

عَلَلِ الشَّرَائِعِ، ج ۲، ص ۴۵۹
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا

عَبُونَ أَخْبَارَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامِ، ج ۲، ص ۲۶۱

سند عبون: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا

كامل الزيارات، ص ۱۲۲

سند کامل زیارات: حَدَّثَنِي أَبِي وَ أَخِي وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا

سند دوم کامل زیارات: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبَاسِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

کتاب المزار - مناسک المزار (للمفيد)، ص ۱۸۴ / المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۳۹ / روضة الواعظین و

بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۲۰۲

بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۱۶

خدمات ملائکه به زائران امام حسین علیه السلام:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: وَكَلَّ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ ع أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ شُعْتُ غُبْرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ شَيَعُوهُ حَتَّى يُبَلِّغُوهُ مَأْمَنَهُ وَ إِنْ مَرِضَ عَادُوهُ غُدُوَةً وَ عَشِيَّةً وَ إِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

خداوند متعال چهار هزار فرشته را موکل قبر حضرت امام حسین علیه السلام فرموده که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند، پس کسی که حضرت را زیارت کند و به حق آن حضرت عارف باشد این فرشتگان او را مشایعت کرده تا وی را به منزلش برسانند و اگر بیمار شود صبح و شام عیادتش کرده و اگر فوت کند بر جنازه اش حاضر شده و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می کنند.

الکافی، ج ۴، ص ۵۸۱

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۸۸

سند ثواب الاعمال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ هَارُونَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

کامل زیارات، ص ۱۸۹

سند کامل زیارات: حَدَّثَنِي أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

کامل زیارات، ص ۱۹۱

سند کامل زیارات: حَدَّثَنِي أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ رَه جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْرَبَارَ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْرَبَارَ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

الأمالي (للسدوق)، ص ۱۴

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ هَارُونَ عَنِ هَارُونَ بْنِ حَمْرَةَ الْعَنْوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ

الأمالي (للسدوق)، ص ۱۴۲

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدِ الْأَهْوَازِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ [أَبَا عَبْدِ اللَّهِ]

روضه الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۱۹۴ / مناقب آل ابي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۱۲۸
 وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص: ۴۰۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۴۵ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۶۳ / الوافی، ج ۱۴، ص ۱۴۶۲

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: إِنَّ أَرْبَعَةَ أَلْفٍ مَلَكٍ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع سُعْتُ غُبْرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ رَئِيسُهُمْ مَلَكٌ يَقَالُ لَهُ مَنْصُورٌ فَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ وَلَا يُودِّعُهُ مُودِّعٌ إِلَّا شَيَّعُوهُ وَلَا مَرِيضٌ إِلَّا عَادُوهُ وَلَا يَمُوتُ إِلَّا صَلَّى عَلَيَّ جِنَازَتِهِ وَاسْتَغْفَرُوا لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار هزار فرشته در اطراف قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام بوده که جملگی ژولیده و گرفته و حزين می باشند و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند، رئیس ایشان فرشته ای است که به او منصور گفته می شود، هیچ زائری به زیارت آن حضرت نمی رود مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش می روند و هیچ وداع کننده ای با قبر آن حضرت وداع نکرده مگر آنکه این فرشتگان مشایعتش می کنند و مریض نمی شود مگر آنکه عبادتش کرده و نمی میرد مگر آنکه ایشان بر جنازه اش نماز خوانده و از خدا طلب آمرزش برایش می کنند.

الكافي، ج ۴، ص ۵۸۱ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۸۷

سند ثواب الاعمال: أَبِي عَنِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ عَنْ ابْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

كامل الزيارات، ص ۱۱۹

سند كامل الزيارات: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْكُوفِيُّ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۲۴

وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۱۰

وَرُوي: أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَخْلُقُ مِنْ عَرَقِ زُؤَارِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ، مِنْ كُلِّ عَرَقَةٍ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَ لِرُؤُورِ الْحُسَيْنِ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ.

روایت شده است که: خداوند متعال از هر عرقی که زائران قبر امام حسین (علیه السلام) می ریزند، هفتاد هزار فرشته خلق فرموده است که تسبیح خدا می گویند و برای آن زائر و تمامی زائران امام حسین (علیه السلام) طلب آمرزش می کنند تا اینکه قیامت برپا شود.

جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۲۵ / المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۴۱۷

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۵۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۵۶

حَدَّثَنِي أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: وَكَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِالْحُسَيْنِ ع سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ شِعْثًا غُبْرًا وَ يَدْعُونَ لِمَنْ زَارَهُ وَ يَقُولُونَ: يَا رَبِّ! هُوَ لَاءِ زُؤَاظِ الْحُسَيْنِ ع أَفْعَلْ بِهِمْ وَ أَفْعَلْ بِهِمْ [كَذَا كَذَا].

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت امام حسین علیه السلام موکل ساخته که همگی ژولیده و غمگین بوده و هر روز بر آن حضرت صلوات فرستاده و زائرینش را دعاء کرده و می گویند: پروردگارا! این جماعت زائرین حسین علیه السلام هستند با ایشان چنین و چنان نما.

کامل الزیارات، ص ۱۱۹ / من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۱ (رَوَى عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ)

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۸۷

سند ثواب الاعمال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۲۵ / المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۳۲۸

سند مزار: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۵۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۴۰

حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ حَسَّانَ [عَسَّانَ] الْبَصْرِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ ع أَمَا تُحِبُّ أَنْ تَكُونَ فِي مَنِّ تَدْعُو لَهُ الْمَلَائِكَةُ!؟

معاویة بن وهب، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را ترك مکن، آیا دوست نداری در زمره کسانی باشی که فرشتگان برای آنها دعاء می کنند؟!؟

کامل الزیارات، ص ۱۱۹

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۵۴

* برخی از روایات عددی در بیان سود ناشی از انفاق در راه زیارت امام حسین علیه السلام :

هر یک درهم = برابر هزار درهم

وَ بِإِسْنَادِهِ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمَيْرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادِ الْبَصْرِيِّ (عَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ: أَنَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ يَزَارُ وَالِدُكَ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ وَ يُصَلِّي عِنْدَهُ وَ قَالَ يُصَلِّي خَلْفَهُ وَ لَا يُتَّقَدَّمُ عَلَيْهِ قَالَ فَمَا لِمَنْ أَنَاهُ قَالَ الْجَنَّةُ إِنْ كَانَ يَأْتُمُّ بِهِ قَالَ فَمَا لِمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ قَالَ الْحَسْرَةُ يَوْمَ الْحَسْرَةِ قَالَ فَمَا لِمَنْ أَقَامَ عِنْدَهُ

قَالَ كُلُّ يَوْمٍ بِأَلْفٍ شَهْرٍ قَالَ فَمَا لِلْمُنْفِقِ فِي خُرُوجِهِ إِلَيْهِ وَ الْمُنْفِقِ عِنْدَهُ قَالَ دِرْهَمٌ بِأَلْفٍ دِرْهَمٍ... قَالَ: قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ يُجَهِّزُ إِلَيْهِ وَ لَمْ يَخْرُجْ لَعَلَّهُ تُصِيبُهُ [لِقَلَّةِ نَصِيْبِهِ]؟ قَالَ: يُعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ - مِثْلَ أَحَدٍ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ يُخْلِيفُ عَلَيْهِ أَضْعَافَ مَا أَنْفَقَهُ وَ يُصْرَفُ عَنْهُ مِنَ الْبَلَاءِ مِمَّا قَدْ نَزَلَ لِصِيبِهِ وَ يُدْفَعُ عَنْهُ وَ يُحْفَظُ فِي مَالِهِ...

هشام بن سالم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام در حدیثی طولانی نقل کرده که شخصی نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: آیا پدر شما (امام حسین (علیه السلام)) را می‌توان زیارت کرد؟ حضرت فرمودند: بلی؛ علاوه بر زیارت نماز هم نزد قبر می‌توان خواند منتهی نماز را باید پشت قبر بجا آورد نه مقدم و جلو آن. آن شخص عرض کرد: کسی که آن حضرت را زیارت کند چه ثواب و اجری دارد؟ حضرت فرمودند: اجر او بهشت است مشروط به اینکه به آن حضرت اقتداء کرده و از او تبعیت کند. عرض کرد: اگر کسی زیارت آن حضرت را از روی بی‌رغبتی و بی‌میلی ترک کند چه خواهد دید؟ حضرت فرمودند: روز حسرت (روز قیامت) حسرت خواهد خورد. عرض کرد: کسی نزد قبر آن جناب اقامت کند اجر و ثوابش چیست؟ حضرت فرمودند: هر يك روز آن معادل يك ماه می‌باشد. عرض کرد: کسی که برای رفتن و زیارت نمودن آن حضرت متحمل هزینه و خرج شده و نیز نزد قبر مطهر پول خرج کند چه اجری دارد؟

حضرت فرمودند: در مقابل هر يك درهمی که خرج کرده هزار درهم دریافت خواهد نمود....

آن شخص می‌گوید: عرض کردم: اجر کسی که دیگری را مجهز کرده و به زیارت قبر آن حضرت بفرستد ولی خودش بواسطه عارضه و علتی که پیش آمده به زیارت نرود چیست؟ حضرت فرمودند: به هر يك درهمی که خرج کرده و انفاق نموده همانند کوه أحد حسنات حق تعالی برای او منظور می‌فرماید و باقی می‌گذارد و بر او چند برابر آنچه متحمل شده و بلا و گرفتاری‌هایی که بطور قطع نازل شده تا به وی اصابت کرده را از او دفع می‌نماید و مال و دارائی او را حفظ و نگهداری می‌کند....

کامل الزیارات، ص ۱۲۳ و ۱۲۸

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۷۹ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۷۸

یک درهم = ده هزار درهم

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَبْشِيِّ بْنِ قُونِيٍّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ السُّلَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا تَقُولُ فِيمَنْ تَرَكَ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ؟ قَالَ: «إِنَّهُ قَدْ عَقَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَقَّنَا وَ اسْتَحَفَّ بِأَمْرٍ هُوَ لَهُ. وَ مَنْ زَارَهُ كَانَ اللَّهُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ حَوَائِجِهِ وَ كُفْيَ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ، وَ إِنَّهُ يَجْلِبُ الرَّزْقَ عَلَى الْعَبْدِ، وَ يُخْلِيفُ عَلَيْهِ مَا يُنْفِقُ، وَ يُعْفِرُ لَهُ ذُنُوبَ حَمْسِينَ سَنَةً، وَ يَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ وَ مَا عَلَيْهِ وَزْرٌ وَ لَا خَطِيئَةٌ إِلَّا وَ

قَدْ مُحِيَّتْ مِنْ صَحِيْفَتِهِ، فَإِنْ هَلَكَ فِي سَفَرْتِهِ نَزَلَتْ الْمَلَائِكَةُ فَعَسَلَتْهُ وَفُتِحَ لَهُ بَابٌ إِلَى الْجَنَّةِ يَدْخُلُ عَلَيْهِ رَوْحُهَا حَتَّى يُنَسَّرَ، وَإِنْ سَلِمَ فُتِحَ لَهُ الْبَابُ الَّذِي يَنْزِلُ مِنْهُ رِزْقُهُ، وَيُجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ عَشْرَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ وَدُخِرَ ذَلِكَ لَهُ، فَإِذَا حُشِرَ قِيلَ لَهُ: لَكَ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ لَكَ فَذَخَرَهَا لَكَ عِنْدَهُ.

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد البصری، از عبد الله بن عبد الرحمن الاصح، از حسین، از حلبی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام در ضمن حدیث طویلی نقل کرده، وی گفت: محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم چه می فرمائید در باره کسی که با داشتن قدرت زیارت آن حضرت را ترک می کند؟ حضرت می فرمایند: می گویم: این شخص عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و عاق ما اهل بیت می باشد و امری که به نفع او است را سبک شمرده است. و کسی که آن حضرت را زیارت کند: خداوند متعال حوائجش را برآورده نماید و آنچه از دنیا مقصود او است را کفایت فرماید. و نیز زیارت آن حضرت موجب جلب رزق برای زائر می باشد. و آنچه در این راه انفاق کرده بر او جبران و جایگزین خواهد شد و همچنین زیارت آن حضرت موجب می شود: گناهان پنجاه ساله او آمرزیده شده و وی به اهلش بازگردد در حالی که بر عهده اش نه وزر و وبالی بوده و نه لغزشی و آنچه از گناه در صحیفه اعمالش ثبت شده جملگی محو و پاک می گردد. اگر زائر در سفر زیارت فوت شود فرشتگان نازل گشته و او را غسل می دهند و نیز درب هائی از بهشت به روی او گشوده می شود و نسیم خوش آن در قبر بر او وزیده و در قبر پراکنده و منتشر می گردد. و اگر وی در سفر زیارت سالم و از گزند مرگ در امان ماند دربی به روی او گشوده می شود که رزق و روزی وی از آن نازل می گردد و در مقابل هر درهمی که انفاق کرده ده هزار درهم [پاداش] قرار داده می شود و آن را برای وی ذخیره کرده و هنگامی که محشور شد و از قبر بیرون آمد به او گفته می شود: در مقابل هر درهمی که در سفر زیارتت خرج کردی ده هزار درهم مال تو است و خداوند به تو نظر نموده و آنها را نزد خودش برای او ذخیره کرد.

تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۴۵ / کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۲۷

وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۱۷۱ / زاد المعاد ج ۱ ص ۵۰۵ / الوافی ج ۱۴ ص ۱۴۶۹ / بحار الانوار ج ۹۸ ص ۲

یک درهم = برابر ده هزار شهر

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادِ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُعَاذٌ عَنْ أَبَانَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ أَتَى قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ وَصَلْنَا - وَ حَرَمَتْ غَيْبَتُهُ وَ حَرَمَ لَحْمُهُ عَلَى النَّارِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ عَشْرَةَ آلْفِ مَدِينَةٍ لَهُ فِي كِتَابٍ مَحْفُوظٍ وَ كَانَ اللَّهُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ حَوَائِجِهِ وَ حَفِظَ فِي كُلِّ مَا حَلَفَ وَ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ وَ أَجَابَهُ فِيهِ إِمَّا أَنْ يُعَجِّلَهُ وَ إِمَّا أَنْ يُؤَخِّرَهُ لَهُ.

و حَدَّثَنِي بِذَلِكَ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ بْنِ سُهَيْلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مُعَاذٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدٍ اللَّهُ عِ مِثْلَهُ.

امام صادق (علیه السلام): کسی که به زیارت قبر حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) رود محققا به رسول خدا و به ما اهل بیت احسان نموده و غیبتش جایز نبوده و گوشتش بر آتش جهنم حرام است و در مقابل هر یک درهمی که انفاق کرده خداوند متعال انفاق اهالی و سکنه ده هزار شهرهائی که در کتابش مضبوط و معلوم است را به او اعطاء می فرماید و بدنبال آن حوائج و نیازمندی هایش را روا می فرماید و آنچه را که از خود باقی گذارد حقتعالی حافظ آنها است و در خواست و سؤال چیزی از خدا نمی کند مگر آنکه باری تعالی اجابتش می فرماید اعم از آنکه سریع و بدون مهلت حاجتش را روا کرده یا با تأخیر و مهلت آن را برآورده نماید.

کامل الزیارات، ص ۱۲۷

وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۸۰

یک درهم = هزاران (یک میلیارد) درهم

وَ يَأْسِنَادِهِ عَنِ الْأَصَمِّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: جُعِلَتْ فِدَاكَ! إِنَّ أَبَاكَ كَانَ يَقُولُ: فِي الْحَجِّ يُحَسَّبُ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ أَلْفٌ دِرْهَمٍ فَمَا لِمَنْ يُنْفِقُ فِي الْمَسِيرِ إِلَى أَبِيكَ الْحُسَيْنِ ع؟ فَقَالَ: يَا ابْنَ سِنَانٍ! يُحَسَّبُ لَهُ بِالدَّرْهَمِ أَلْفٌ وَ أَلْفٌ حَتَّى عَدَّ عَشْرَةَ وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُهَا وَ رِضَا اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ وَ دُعَاءُ مُحَمَّدٍ ص وَ دُعَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأئِمَّةِ خَيْرٌ لَهُ.

ابن سنان نقل کرده که وی گفت: محضر مبارک حضرت امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم پدر بزرگوارتان راجع به حج می فرمودند: در مقابل هر درهمی که شخص انفاق می کند هزار درهم منظور می شود. اکنون بفرمائید: چه اجر و ثوابی است برای کسی که در سفر زیارت پدرتان حضرت امام حسین (علیه السلام) انفاق نماید؟ حضرت فرمودند: ای ابن سنان! در مقابل هر درهمی که شخص انفاق کند هزار و هزار ... و همین طور شمردند تا به ده مرتبه رسید! منظور می گردد و به همین مقدار درجه اش را بالا می برند و رضایت و خشنودی حق تعالی از وی و دعاء حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین و حضرات ائمه (علیهم السلام) برای او بهتر از آن می باشد.

کامل الزیارات، ص ۱۲۸

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۵۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۸۲

* بالاتر بودن پاداش زیارت امام حسین علیه السلام بر حج:

روایات فراوانی در مورد برتری زیارت امام حسین (علیه السلام) نسبت به حج وارد شده است؛ به برخی از آنها اشاره می‌شود:

برابر با یک حج و یک عمره

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَبِيبٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَكَلَّ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ ع أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ شُعْثًا غُبْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِتْيَانُهُ يُعَدُّلُ حِجَّةً وَعُمْرَةً وَ قُبُورَ الشَّهَدَاءِ .

امام صادق (علیه السلام): خداوند متعال چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته هستند را بر قبر حضرت امام حسین علیه السلام، موکل قرار داد و ایشان تا روز قیامت بر آن حضرت گریه می‌کنند و زیارت آن حضرت معادل یک حج و یک عمره بوده و زیارت قبور شهداء (مقصود شهداء احد می‌باشد) نیز همین فضیلت را دارد.

کامل الزیارات، ص ۱۵۹

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۷۲ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۰

حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةِ أَبِي النَّابِ بِيَّاعِ السَّابِرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ هُوَ يَقُولُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً أَوْ عُمْرَةً وَ حِجَّةً وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ .

کامل الزیارات، ص ۱۵۹

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۷۰ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۹

وَ بِإِسْنَادِهِ (حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ) عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو خَلَّانٍ [أَبُو فَلَانٍ] الْكِنْدِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً .

کامل الزیارات، ص ۱۶۰

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۷۱

وَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّيْثُونِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ عَيْسَى بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع وَ صَلَّى عِنْدَهُ رَكَعَتَيْنِ قَالَ كُتِبَتْ لَهُ

حِجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ - وَ كَذَلِكَ كُلُّ مَنْ أَتَى قَبْرَ إِمَامٍ مُفْتَرَضٍ طَاعَتُهُ قَالَ وَ كَذَلِكَ كُلُّ مَنْ أَتَى قَبْرَ إِمَامٍ مُفْتَرَضٍ طَاعَتُهُ.

عیسی بن راشد وی می گوید: از حضرت ابا عبد الله علیه السلام سؤال کرده و محضر مبارکش عرضه داشتم: فدایت شوم: کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و دو رکعت نماز آنجا بخواند ثواب آن چیست؟ حضرت در جواب فرمودند: برای او یک حج و عمره نوشته می شود. راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم و همچنین است ثواب هر کسی که به زیارت قبر امام مفترض الطاعة برود؟ حضرت فرمودند: و همین طور است هر کسی که به زیارت قبر امامی که طاعتش فرض و واجب است رود.

کامل الزیارات، ص ۱۶۰ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۷۹

سند تهذیب: محمد بن أحمد بن داود عن أحمد بن محمد بن سعید عن أحمد بن یوسف عن هارون بن مسلم عن أبي عبد الله الحراني قال قلت لأبي عبد الله

بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۰ / الوافی، ج ۱۴، ص ۱۳۳۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۳۰

برابر با ۲۰ حج

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ أَوْ عَنْ رَجُلٍ عَنْ شِهَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلَنِي فَقَالَ يَا شِهَابُ كَمْ حَجَجْتَ مِنْ حِجَّةٍ - فَقُلْتُ تِسْعَةَ عَشَرَ حِجَّةً فَقَالَ لِي تَمَمَّهَا عِشْرِينَ حِجَّةً تُحْسَبَ لَكَ بِزِيَارَةِ الْحُسَيْنِ ع.

شهاب می گوید: امام علیه السلام از من سؤال نموده و فرمودند: ای شهاب چند بار به حج رفته ای؟ عرض کردم: نوزده مرتبه. فرمودند: آن را به بیست مرتبه متمم و تکمیل نما تا برایت آن ها را معادل یک زیارت حضرت امام حسین علیه السلام حساب کنند.

کامل الزیارات، ص ۱۶۲ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۹۲

سند ثواب الاعمال: وَ بِهَذَا الْإِسْتِثْنَاءِ (أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ النَّخَعِيِّ عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ أَوْ عَنْ رَجُلٍ عَنْ شِهَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۷۴ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۲ / وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۴۹

بالاتر از ۲۰ حج و ۲۰ عمره مقبول

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع رُبَّمَا فَاتَنِي الْحَجُّ فَأَعْرِفُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَقَالَ أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ أَيَّمَا مَوْمِنٍ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع عَارِفًا بِحَقِّهِ فِي غَيْرِ يَوْمِ عِيدٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِشْرِينَ حِجَّةً وَ عِشْرِينَ عُمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مَقْبُولَاتٍ وَ عِشْرِينَ حِجَّةً وَ عُمْرَةً مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ ...

بشیر دهان، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: بسا زیارت حجّ از من فوت شده پس در روز عرفه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می‌روم از نظر شما چه طور است؟ حضرت فرمودند: ای بشیر عمل نیک و پسندیده‌ای انجام داده‌ای، هر مؤمن که در غیر روز عید به زیارت قبر حسین بن علی علیهما السلام برود در حالی که به حقّ آن حضرت عارف و آگاه باشد خداوند متعال ثواب ۲۰ حجّ و ۲۰ عمره قبول شده و اجر ۲۰ بار جنگ با دشمنان خدا در معیت نبی مرسل یا امام عادل برایش می‌نویسد...

الکافی، ج ۴، ص ۵۸۰ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۴۶ (با سند کافی) / کامل الزیارات، ص ۱۶۹
سند کامل الزیارات: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْقُرَشِيِّ الرَّزَّازُ الْكُوفِيُّ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ ... عن الصادق ع
الوافي، ج ۱۴، ص ۱۴۵۹ / وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۴۵۹

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع تَعْدِلُ عِشْرِينَ حَجَّةً وَأَفْضَلُ وَمِنْ عِشْرِينَ عُمْرَةً وَحَجَّةً.
امام صادق (علیه السلام): زیارت قبر حسین (علیه السلام) برابر با ۲۰ حج و بلکه بالاتر، و ۲۰ عمره و یک حج است.

الکافی، ج ۴، ص ۵۸۰ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۴۷
سند تهذیب: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الوافي، ج ۱۴، ص ۱۴۶۰ / وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۴۴۶

برابر با ۲۵ حج

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَتَيْ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع قَالَ نَعَمْ يَا أَبَا سَعِيدٍ إِنَّ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ رَسُولِ اللَّهِ ص أَطْيَبُ الْأَطْيَبِينَ وَأَطْهَرُ الطَّاهِرِينَ وَأَبْرُّ الْأَبْرَارِ فَإِنَّكَ إِذَا زُرْتَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِهِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ حَجَّةً.

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

سعید مدائنی می‌گوید: بر حضرت ابی عبد الله علیه السلام داخل شده عرض کردم: فدایت شوم به زیارت قبر حسین علیه السلام بروم؟ حضرت فرمودند: بلی، ای ابا سعید به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام

که فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پاکیزه‌ترین پاکان و نیکوکارترین نیکوکاران است برو زیرا وقتی آن حضرت را زیارت کردی خداوند متعال ثواب بیست و پنج حجّ برایت می‌نویسد.

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل باسنادش مثل همین خبر را نقل نموده.

کامل الزیارات، ص ۱۶۱ / الکافی، ج ۴، ص ۵۸۱

سند کافی: مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

ثَوَابِ الْأَعْمَالِ وَ عِقَابِ الْأَعْمَالِ، ص ۹۲

سند ثواب الاعمال: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۱ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۷۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۴۸

برابر با ۳۰ حج مقبول با رسول خدا

حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْخَبْرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ لِأَعْرَابِيٍّ قَدِمَ مِنَ الْيَمَنِ لَزِيَارَةِ الْحُسَيْنِ ع: ... مِنْ أَيْنَ قَدِمْتَ قَالَ مِنْ أَقْصَى الْيَمَنِ قَالَ أَنْتَ مِنْ مَوْضِعٍ كَذَا وَ كَذَا قَالَ نَعَمْ أَنَا مِنْ مَوْضِعٍ كَذَا وَ كَذَا قَالَ فِيمَا جِئْتَ هَاهُنَا قَالَ جِئْتَ زَائِرًا لِلْحُسَيْنِ ع فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَجِئْتَ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ لَيْسَ إِلَّا لِلزِّيَارَةِ - قَالَ جِئْتَ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ إِلَّا أَنْ أُصَلِّيَ عِنْدَهُ وَ أُوْرَهُ فَأَسْلَمَ عَلَيْهِ وَ أَرْجَعَ إِلَى أَهْلِي فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَ مَا تَرَوْنَ فِي زِيَارَتِهِ قَالَ نَرَى فِي زِيَارَتِهِ الْبَرَكَةَ فِي أَنْفُسِنَا وَ أَهْلِينَا وَ أَوْلَادِنَا وَ أَمْوَالِنَا وَ مَعَايِشِنَا وَ قَضَاءَ حَوَائِجِنَا - قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَفَلَا أَزِيدُكَ مِنْ فَضْلِهِ فَضْلًا يَا أَخَا الْيَمَنِ قَالَ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ ع تَعْدِلُ حِجَّةً مَقْبُولَةً زَاكِيَةً - مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فَتَعَجَّبَ مِنْ ذَلِكَ قَالَ إِي وَ اللَّهِ وَ حِجَّتَيْنِ مَبْرُورَتَيْنِ مُتَقَبَّلَتَيْنِ زَاكِيَتَيْنِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَتَعَجَّبَ فَلَمْ يَزَلْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَزِيدُ حَتَّى قَالَ ثَلَاثِينَ حِجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَاكِيَةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص.

حضرت ابو عبد الله عليه السلام به اعرابی ای که از یمن آمده بود فرمودند: از کجا آمدی؟ او گفت: از دورترین نواحی یمن. حضرت فرمودند: تو از فلان و فلان مکان هستی؟ او عرض کرد: بلی من از فلان موضع می‌باشم.

حضرت فرمودند: برای چه به این صوب آمدی؟ عرض کرد: به قصد زیارت حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام آمدم. حضرت فرمودند: تنها برای زیارت آمده و هیچ حاجت دیگری نداشتی؟ عرض کرد: هیچ حاجتی نداشتم مگر آنکه به سر قبر مطهر آن حضرت رفته و نماز آنجا خوانده و جنابش را زیارت کرده و سپس از حضرتش خداحافظی کرده و به اهل و اولاد و اموال و معاشیمان بوده و حوائج و خواسته‌هایمان بر آورده شده و زیارتش برکت در عمر خود و اهل و اولاد و اموال و معاشیمان بوده و حوائج و خواسته‌هایمان بر آورده شده و برطرف می‌گردد. موسی می‌گوید: امام علیه السلام به وی فرمودند: ای برادر یمنی آیا از فضیلت زیارت آن حضرت

بیشتر از این برایت نگوییم؟ آن مرد عرض کرد: ای پسر رسول خدا زیادتیر بفرمائید: حضرت فرمودند: زیارت امام حسین علیه السّلام معادل يك حجّ مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام شود. آن مرد از این گفتار تعجب کرد. حضرت فرمودند: آری، به خدا سوگند معادل دو حجّ مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام شود. آن مرد بر تعجبش افزوده شد پس بدین ترتیب امام (علیه السّلام) بر تعداد حج‌های مقبول می‌افزودند تا اینکه در آخر فرمودند: زیارت آن حضرت معادل با سی حجّ مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سلم انجام گیرد.

کامل الزیارات، ص ۱۶۳ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۹۳

سند ثواب الاعمال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْحِجْرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْخَضْرَمِيِّ

المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۳۳۲

وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۴۵۰ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۸ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۷۰

برابر با ۵۰ حج با رسول خدا

حَدَّثَنِي أَبِي رَهَ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ رَهَ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ سَعْدَانَ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَ قَالَ تُكْتَبُ لَهُ حِجَّةٌ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حِجَّةٌ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَ قَالَ نَعَمْ وَ حِجَّتَانِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حِجَّتَانِ قَالَ نَعَمْ وَ ثَلَاثٌ فَمَا زَالَ يُعَدُّ حَتَّى بَلَغَ عَشْرًا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ عَشْرُ حَجَجٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَ قَالَ نَعَمْ وَ عِشْرُونَ حِجَّةً قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ عِشْرُونَ - فَمَا زَالَ يُعَدُّ حَتَّى بَلَغَ خَمْسِينَ فَسَكَتَ .

مسعدة بن صدقه می‌گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السّلام عرض کردم: برای کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت کند چه اجر و ثوابی است؟ حضرت فرمودند: ثواب يك حجّی که با رسول خدا بجا آورند می‌باشد. راوی می‌گوید: محضرش عرضه داشتیم: فدایت شوم، ثواب يك حجّ با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سلم؟! حضرت فرمودند: بلی بلکه ثواب دو حجّ. راوی می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم، ثواب دو حجّ؟! امام علیه السّلام فرمودند: بلی بلکه ثواب سه حجّ و پیوسته تعداد حج‌ها را حضرت اضافه می‌کردند تا به ده حجّ رسیدند. عرض کردم: فدایت شوم، ثواب ده حجّ با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سلم؟! امام علیه السّلام فرمودند: بلی بلکه ثواب بیست حجّ. عرض کردم: فدایت شوم، ثواب بیست حجّ؟! پس پیوسته عدد حج‌ها را بالا می‌بردند تا به پنجاه تا رسید و دیگر سکوت اختیار فرمودند.

کامل الزیارات، ص ۱۶۴

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۳ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۷۵

برابر با ۸۰ حج مقبول

وَ عَنْهُ (أَبِي) عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ ع كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَمَانِينَ حِجَّةً مَبْرُورَةً.

حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند: کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند متعال برایش ۸۰ حج مقبول منظور می‌دارد.

کامل الزیارات، ص ۱۶۲ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۹۳

سند ثواب الاعمال: وَ يَهْدَا الْإِسْنَادِ (أَبِي) رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

كتاب المزار - مناسك المزار (للمفيد)، ص ۳۸

سند مزار مفید: حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۳ / وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۴۵۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۷۴

برابر با ۱۰۰ حج با رسول خدا

حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ صَالِحِ النَّبِيلِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ حَجَّ مِائَةَ حِجَّةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص.

حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود در حالی که به حق آن حضرت آگاه و مطلع باشد مثل کسی است که ۱۰۰ مرتبه حج با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بجا آورده باشد.

کامل الزیارات، ص ۱۶۲ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۹۲

سند ثواب الاعمال: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ صَالِحِ النَّبِيلِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

جامع الأخبار (لشعيري)، ص ۲۶

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۲ / وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۴۵۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۷۴

برابر با هزار حج و هزار عمره مقبول

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَكْبَرٍ قَالَ يُكْتَبُ لَهُ أَلْفُ حِجَّةٍ مُقْبُولَةٍ وَ أَلْفُ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ

...

عبد الله بن ميمون قداح، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام وی می گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: کسی که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام برود در حالی که عارف به حق آن جناب بوده و زیارتش بدون تکبر و نخوت باشد ثوابش چیست؟ حضرت فرمودند: هزار حج مقبول و هزار عمره پذیرفته شده برایش می نویسند ...

کامل الزیارات، ص ۱۴۵ و ۱۶۴

سند دوم کامل الزیارات: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۳ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۰

أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُؤْلُوَيْهِ الْقُمِّيُّ الْفَقِيهُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ جَمَاعَةٌ مَشَابِخِي رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْقَمَّاطِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِرَجُلٍ مِنْ مَوَالِيهِ: يَا فُلَانُ أَتَزُورُ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنِّي أُرُورُهُ بَيْنَ ثَلَاثِ سِنِينَ أَوْ سَنَتَيْنِ مَرَّةً. فَقَالَ لَهُ وَ هُوَ مُصَفَّرُ الْوَجْهِ: أَمَا وَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَوْ زُرْتَهُ لَكَ أَنْ أَفْضَلَ لَكَ مِمَّا أَنْتَ فِيهِ - فَقَالَ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ أَ كُلُّ هَذَا الْفَضْلُ فَقَالَ نَعَمْ وَ اللَّهُ لَوْ أَنِّي حَدَّثْتُكُمْ بِفَضْلِ زِيَارَتِهِ وَ بِفَضْلِ قَبْرِهِ لَتَرَكْتُمْ الْحَجَّ رَأْسًا وَ مَا حَجَّ مِنْكُمْ أَحَدًا! وَ يَحَاكَ! أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ اتَّخَذَ [بِفَضْلِ قَبْرِهِ] كَرْبَلَاءَ حَرَمًا آمِنًا مُبَارَكًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَ مَكَّةَ حَرَمًا! قَالَ ابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ: فَقُلْتُ لَهُ: قَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجَّ الْبَيْتِ وَ لَمْ يَذْكُرْ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَقَالَ وَ إِنْ كَانَ كَذَلِكَ فَإِنَّ هَذَا شَيْءٌ جَعَلَهُ اللَّهُ هَكَذَا أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع حَيْثُ يَقُولُ إِنَّ بَاطِنَ الْقَدَمِ أَحَقُّ بِالْمَسْحِ مِنْ ظَاهِرِ الْقَدَمِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ فَرَضَ هَذَا عَلَى الْعِبَادِ أَمَا مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمَوْقِفَ لَوْ كَانَ فِي الْحَرَمِ كَانَ أَفْضَلَ لِأَجْلِ الْحَرَمِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ صَنَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ.

عبد الله ابی یعفور گفت: از حضرت ابا عبد الله علیه السلام شنیدم که به شخصی از دوستانش فرمودند. فلانی به زیارت قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام می روی؟ آن شخص گفت: بلی من هر سه سال یا دو سال یک مرتبه به زیارتش می روم. حضرت در حالی که صورتشان زرد شده بود فرمودند: به خدائی که معبودی غیر از او نیست، اگر او را زیارت کنی برتر است برای تو از آنچه در آن هستی! آن شخص عرض کرد: فدایت شوم آیا تمام این فضل برای من هست؟ حضرت فرمودند: بلی؛ به خدا سوگند! اگر من فضیلت زیارت آن حضرت و فضیلت قبرش را برای شما باز گو کنم به طوری کلی حج را ترک کرده و احدی از شما دیگر به حج نمی رود! وای بر تو! آیا نمی دانی خداوند متعال بواسطه فضیلت قبر آن حضرت کربلا را حرم امن و مبارک قرار داد پیش از آنکه مکه را حرم امن نماید؟!

ابن ابی الیغفور می‌گوید: محضرش عرضه داشتم: خداوند متعال حج و زیارت بیت الله را بر مردم واجب کرده ولی زیارت قبر امام حسین علیه السلام را بر مردم واجب نکرده است پس چطور شما چنین می‌فرمائید؟ حضرت فرمودند: اگر چه همین طور است ولی در عین حال خداوند متعال فضیلت زیارت آن حضرت را این گونه قرار داده است. مگر نشنیده‌ای کلام امیر المؤمنین علیه السلام را که فرمودند: کف پا سزاوارتر است به مسخ نمودن از ظاهر و روی پا ولی در عین حال حق تعالی مسح روی پا را بر بندگان واجب کرده است؟! و نیز مگر نمی‌دانی اگر حق تعالی موقف (محل محرم شدن) به خاطر شرافتی که در حرم هست افضل و برتر بود ولی خداوند متعال آن را در غیر حرم قرار داده است.

کامل الزیارات، ص ۲۶۷

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۱۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۶۱ و ۳۲۴

* روایت نهایی در مورد زیارت امام حسین علیه السلام:

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ - قُلْتُ وَ مَا فِيهِ قَالَ مَنْ أَنَاهُ تَشَوُّقًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَبَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ - وَ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَجْرَ أَلْفِ صَائِمٍ وَ ثَوَابَ أَلْفِ صَدَقَةٍ مَقْبُولَةٍ - وَ ثَوَابَ أَلْفِ نَسَمَةٍ أُرِيدَ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ وَ لَمْ يَزَلْ مَحْفُوظًا سَنَّتَهُ مِنْ كُلِّ آفَةٍ أَهْوَنُهَا الشَّيْطَانُ وَ وَكَلَّ بِهِ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَ مِنْ تَحْتِ قَدَمِهِ فَإِنْ مَاتَ سَنَّتَهُ حَضْرَتُهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ - يَحْضُرُونَ غُسْلَهُ وَ أَكْفَانَهُ وَ الْإِسْتِغْفَارَ لَهُ وَ يُشَيِّعُونَهُ إِلَى قَبْرِهِ بِالْإِسْتِغْفَارِ لَهُ - وَ يُفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ وَ يُؤَمِّنُهُ اللَّهُ مِنْ ضَغْطَةِ الْقَبْرِ وَ مِنْ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ أَنْ يَرُوعَانَهُ [يُرْوَعَاهُ] - وَ يُفْتَحُ لَهُ بَابٌ إِلَى الْجَنَّةِ وَ يُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ يُعْطَى لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُورًا [نُورًا] يُضِيءُ لِنُورِهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ يُنَادِي مُنَادٍ هَذَا مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ شَوْقًا إِلَيْهِ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا تَمَنَّى يَوْمَئِذٍ أَنَّهُ كَانَ مِنْ زُورِ الْحُسَيْنِ ع!

امام صادق (علیه السلام): اگر مردم می‌دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام چه فضل و ثوابی است حتما از شوق و ذوق قالب تهی می‌کردند! و بخاطر حسرت‌ها نفس‌هایشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد! راوی می‌گوید: عرض کردم: در زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی می‌باشد. حضرت فرمودند: کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت آن حضرت رود خداوند متعال هزار حج و هزار عمره قبول شده برایش می‌نویسد و اجر و ثواب هزار شهید از شهداء بدر و اجر هزار روزه‌دار و ثواب هزار صدقه قبول شده و ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند برایش منظور می‌شود و پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کمترین آن شیطان باشد محفوظ مانده و خداوند متعال فرشته کریمی را بر او موکل کرده که وی را از جلو و پشت سر و راست

و چپ و بالا و زیر قدم نگهدارش باشد و اگر در اثناء سال فوت کرد فرشتگان رحمت الهی بر سرش حاضر شده و او را غسل داده و کفن نموده و برایش استغفار و طلب آمرزش کرده و تا قبرش مشایعتش نموده و به مقدار طول شعاع چشم در قبرش وسعت و گشایش ایجاد کرده و از فشار قبر در امانش قرار داده و از خوف و ترس دو فرشته منکر و نکیر بر حذرش می‌دارند و برایش دربی به بهشت می‌گشایند و کتابش را به دست راستش می‌دهند و در روز قیامت نوری به وی اعطاء می‌شود که بین مغرب و مشرق از پرتو آن روشن می‌گردد و منادی نداء می‌کند: این کسی است که از روی شوق و ذوق حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و پس از این نداء احدی در قیامت باقی نمی‌ماند مگر آنکه تمنا و آرزو می‌کند که کاش از زوار حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام می‌بود!

کامل الزیارات، ص ۱۴۲

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰۹ / بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۸ / وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۵۳

پیوست شماره ۱۵: روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه امام علیه السلام

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَرَاهِمٌ يُوصَلُ بِهِ
الإِمَامُ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِي أَلْفٍ دَرَاهِمٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنْ وُجُوهِ الْبِرِّ .

امام صادق (علیه السلام): یک درهم که در راه صله امام صرف شود با ارزش تر است از دو میلیون درهم که به مصرف کارهای خیر دیگر برسد.

الكافي، ج ۱، ص ۵۳۸

الوافي، ج ۱۰، ص ۳۶۱

قَالَ الصَّادِقُ ع: دَرَاهِمٌ يُوصَلُ بِهِ الإِمَامُ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ دَرَاهِمٍ يَنْفَقُ فِي غَيْرِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ .
امام صادق (علیه السلام): یک درهم که در راه صله امام صرف شود با ارزش تر است از یک میلیون درهم که در غیر آن در راه خدا انفاق شود.

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مِيَّاحٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: يَا مِيَّاحُ! دَرَاهِمٌ
يُوصَلُ بِهِ الإِمَامُ أَكْبَرُ مِنْ أَلْفِ دَرَاهِمٍ .

میاح گوید: روزی امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای میاح! یک درهم که در راه صله امام خرج شود، [از جهت ارزش] از وزن کوه احد با عظمت تر است.

الكافي، ج ۱، ص ۵۳۸

الوافي، ج ۱۰، ص ۳۶۱

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» قَالَ: نَزَلَتْ فِي صَلَاةِ الإِمَامِ .

اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم (علیه السلام) در مورد قول خداوند عزوجل: « کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا آن را برای او دو چندان کند و او را پاداشی نیکو و با ارزش باشد؟» [سوره مبارکه حدید، آیه ۱۱] حضرت فرمود: این آیه در مورد صله امام نازل شده است.

الكافي، ج ۱، ص ۵۳۷ / تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۵۱

سند تفسیر قمی: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْمِعْزَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع

ثَوَابِ الأَعْمَالِ وَ عِقَابِ الأَعْمَالِ، ص ۹۹ (با اندکی تفاوت)

سند اول ثواب الاعمال: ابي ره قال حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ ع

سند دوم ثواب الاعمال: ابي ره قال حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْفُضْلِ عَنْ أَبِي طَالِبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة (استرآبادی، ۹۴۰ ق)، ص ۶۳۴ / تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۳۱
بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۱۵ و ج ۱۰۰، ص ۱۳۸ / الوافی، ج ۱۰، ص ۳۶۲

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ يُونُسَ وَ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» قَالَ: صَلَاةُ الْإِمَامِ فِي دَوْلَةِ الْفَسَقَةِ.

شخصی از امام کاظم (علیه السلام) در مورد قول خداوند عزوجل: «کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا آن را برای او دو چندان کند و او را پاداشی نیکو و بارزش باشد؟» حضرت فرمود: این آیه در مورد صله امام در دوران دولت فاسقان نازل شده است.

الکافی، ج ۸، ص ۳۰۲ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۲ (مُرسلاً)
بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۷۸ / الوافی، ج ۱۰، ص ۳۶۲

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عِيسَى بْنِ سُلَيْمَانَ النَّحَّاسِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الْخَيْرِيِّ وَ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ إِخْرَاجِ الدَّرَاهِمِ إِلَى الْإِمَامِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَيَجْعَلُ لَهُ الدَّرَاهِمَ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَ جَبَلِ أُحُدٍ. ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» قَالَ: هُوَ وَ اللَّهِ فِي صَلَاةِ الْإِمَامِ خَاصَّةً.

امام صادق (علیه السلام): هیچ چیزی نزد خداوند، محبوبتر از خرج کردن درهمها در راه امام نیست. خداوند، يك درهم [داده شده به] او را، در بهشت، مانند کوه احد می گرداند. سپس فرمود: «خدای متعال در کتاب خود می فرماید: «کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا آن را برای او چندین و چند برابر سازد؟». به خدا سوگند! این، همان صله دادن به امام است.

الکافی، ج ۱، ص ۵۳۷

تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۶۳۳ / الوافی، ج ۱۰، ص ۳۶۱ / بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۷۹

تفسیر القمی: «لَنْ تَتَأَلَوْا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» أَي: لَنْ تَتَأَلَوْا الثَّوَابَ حَتَّى تَرُدُّوْا عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ مِنْ الْأَنْفَالِ وَ الْخُمْسِ وَ الْفَيْءِ.

در مورد کلام خدا که فرمود: «هرگز به [حقیقت] نیکی [به طور کامل] نمی‌رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید» [سوره مبارکه آل عمران، آیه ۹۲] یعنی: هرگز به پاداش و ثواب نخواهید رسید؛ مگر اینکه حق آل محمد (صلوات الله علیهم) را به آنان برگردانید؛ مثل: انفال و خمس و فیء.

تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰۷

بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۷۸

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ زَعَمَ أَنَّ الْإِمَامَ يَحْتَاجُ إِلَى مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَهُوَ كَافِرٌ إِنَّمَا النَّاسُ يَحْتَاجُونَ أَنْ يُقْبَلَ مِنْهُمْ الْإِمَامُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «حُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا».

امام صادق (علیه السلام): هر کس گمان کند که امام به آنچه در دست مردم است احتیاج دارد، کافر است! بلکه این مردم هستند که احتیاج دارند به اینکه امام [صدقاتشان را] از آنها بپذیرد؛ [چرا که] خداوند عز و جل می‌فرماید: «[ای رسول ما!] از اموال مردم صدقه‌ای دریافت کن تا [با این دریافت و قبول صدقه از آنها به وسیله تو] آنها را پاک و تزکیه کنی.»

الکافی، ج ۱، ص ۵۳۷

الوافی، ج ۱۰، ص ۲۷۹

پیوست شماره ۱۶: آیات و روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه رفع

حاجت فقراء و نیازمندان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * ءَاخِذِينَ مَا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ * كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ الَّذِينَ يَهْتَدُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ * وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (سوره مبارکه ذاریات، آیات ۱۵ تا ۱۹) بی تردید پرهیزکاران در بهشت‌ها و چشمه سارهایند. * آنچه را پروردگارشان به آنان عطا کرده دریافت می‌کنند زیرا که آنان پیش از این همواره نیکوکار بودند. * آنان اندکی از شب را می‌خوابیدند [و بیشتر آن را به عبادت و بندگی می‌گذراندند]. * و سحرگهان از خدا درخواست آموزش می‌کردند. * و در اموالشان حقی برای سائل تهی دست و محروم از معیشت بود.

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (سوره مبارکه معارج، آیات ۲۴ و ۲۵) و آنان که در اموالشان حقی معلوم است * برای درخواست کننده [تهیدست] و محروم [از معیشت و ثروت].

قَالَ عَلِيٌّ ع: اَعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النَّعْمَ فَتَتَحَوَّلَ إِلَىٰ غَيْرِكُمْ. امیرالمومنین (علیه السلام): بدانید که نیازهای مردم به سوی شما، از نعمت‌های خدا بر شماست. پس این نعمت‌ها را فراری ندهید که در این صورت به کسان دیگری محوّل (واگذار) خواهد شد.

أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۲۹۸

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷

قَالَ عَلِيٌّ ع: إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَاعْتَنِمُوهَا فَلَا تَمَلُّوهَا فَتَتَحَوَّلَ نِقْمًا. امیرالمومنین (علیه السلام): نیازهای مردم به سوی شما، نعمتی از خدا بر شماست. پس آنها را غنیمت شمارید و آنها را فراری ندهید که در این صورت تبدیل به نقت و عذاب خواهد شد.

نزّهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۸۱ / كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۲۹

عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۱۵۸ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۸

الْقُطْبُ الرَّاَوْنِدِيُّ فِي لُبِّ اللَّبَابِ، عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): بهترین مردم، کسی است که بیشتر به دیگران نفع برساند.

مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۹۱

نظریه فقهی انفاق

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَادْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورًا.**

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مردم، نانخور و خانواده خدایند. دوست داشتنی ترین مردم نزد خداوند، کسی است که به نانخوران او سود برساند و خانواده ای را شادمان سازد.

الكافي، ج ۲، ص ۱۶۴

مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۸۸ / وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۴۱ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۳۹ / الوافی،

ج ۵، ص ۵۳۶ / الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۳۸۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.**

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس صبح کند در حالی که به امور مسلمین اهمیت ندهد، پس مسلمان نیست.

الكافي، ج ۲، ص ۱۶۳

وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۳۶ / الوافی، ج ۵، ص ۵۳۵ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۳۷

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **أَنْسَكُ النَّاسَ نُسْكَاً أَنْصَحَهُمْ جَبِيّاً وَأَسْلَمَهُمْ قَلْباً لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ.**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عابدترین مردم، خیرخواهترین (بی غلّ و غش ترین) و پاک دل ترین آنها نسبت به همه مسلمانان است.

الكافي، ج ۲، ص ۱۶۳

وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۴۰ / الوافی، ج ۵، ص ۵۳۶ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۳۸

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: **عَلَيْكَ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ.**

امام صادق (علیه السلام): بر تو باد به خیرخواهی برای مردم به خاطر خدا؛ پس تو خدا را ملاقات نخواهی کرد به عملی بافضیلت تر از خیرخواهی برای مردم!

الكافي، ج ۲، ص ۱۶۴

بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۳۸ / الوافی، ج ۵، ص ۵۳۶

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورًا أَوْ مَشَى مَعَ أَخٍ مُسْلِمٍ فِي حَاجَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ اعْتِكَافٍ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مردم، نانخور و خانواده خدایند. دوست داشتنی ترین مردم نزد خداوند، کسی است که به نانخوران او سود برساند و خانواده ای را شادمان سازد. یا اگر کسی در راه برآوردن حاجت مسلمانی قدمی بردارد، نزد خدا محبوب تر است از اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام!

الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۱۹۳

مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۸

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

امام صادق (علیه السلام): از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سوال شد: محبوب ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: آنکه بیشتر از دیگران به مردم نفع برساند.

الكافي، ج ۲، ص ۱۶۴

وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۴۲ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۳۹

أَبُو الْبَخْتَرِيِّ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: اتِّبَاعُ سُورِ الْمُسْلِمِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا اتِّبَاعُ سُورِ الْمُسْلِمِ؟ قَالَ: شَبَعُ جَوْعَتِهِ، وَ تَفْيِيسُ كُرْبَتِهِ، وَ قَضَاءُ دَيْنِهِ»

پرسش شد از رسول خدا (ص) که کدام عمل بهتر است نزد خدا؟ فرمود: دنبال کردن شادی مسلمان، و گفته شد یا رسول الله دنبال کردن شادی مسلمان چه باشد؟ فرمود: سیر کردن گرسنگی او، و گشودن گره گرفتاری او، و پرداختن قرض او.

قرب الإسناد، ص ۱۴۵

وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۵۶

بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۸۳

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شاذَوَيْهِ الْمُؤَدَّبُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُؤْمِنِ عَنِ الْمُشَمَعِلِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: خَرَجْتُ

ذَاتَ سَنَةٍ حَاجًا فَأَنْصَرَفْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ مِنْ أَيْنَ بِكَ يَا مُشْمَعِلُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ كُنْتُ حَاجًا فَقَالَ أَوْ تَدْرِي مَا لِلْحَاجِّ مِنَ الثَّوَابِ فَقُلْتُ مَا أَذْرِي حَتَّى تُعَلِّمَنِي فَقَالَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ أَسْبُوعًا وَصَلَّى رُكْعَتَيْهِ وَسَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةٍ وَحَطَّ عَنْهُ سِتَّةَ آلَافِ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ دَرَجَةٍ وَقَضَى لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَاجَةٍ لِلدُّنْيَا كَذَا وَادَّخَرَ لَهُ لِلْآخِرَةِ كَذَا فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ هَذَا لَكَثِيرٌ قَالَ أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَا هُوَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ بَلَى فَقَالَ ع: لِقَضَاءِ حَاجَةِ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ أَفْضَلُ مِنْ حِجَّةٍ وَحِجَّةٍ وَحِجَّةٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرَ حِجَجٍ.

مشمعل اسدی: که گفت: یک سال برای حج بیرون شدم و به سوی امام صادق جعفر بن محمد (علیه السلام) برگشتم به من فرمود: از کجا آمدی ای مشمعل؟ گفتم: قربانت در حج بودم، فرمود: میدانی حاجی چه ثوابی دارد؟ گفتم نه تا شما بمن بیاموزید فرمود: چون بنده خدا هفت بار گرد این خانه طواف کند و دو رکعت نماز طواف را بخواند و سعی کند میان صفا و مروه خدا شش هزار حسنه برایش بنویسد، و شش هزار گناه از او فرو ریزد و شش هزار درجه از او بالا برد، و شش هزار حاجت از او برآورد در دنیا و بمانند آن ذخیره کند برای آخرتش، گفتم بآن حضرت: قربانت این البته که بسیار است، فرمود به تو ثوابی پیش از این خبر ندهم؟ گوید: گفتم: چرا فرمود: برآوردن یک حاجت شخص مؤمن برتر است از یک حج و یک حج و شمرده تا ده حج.

الأمالی (للسدوق)، ص ۴۹۳

عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۲۵

بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۳۰۵

وَعَنْهُ (الحمیری)، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ سَقَاهُ مِنْ ظَمًا سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ، وَمَنْ كَسَاهُ ثَوْبًا لَمْ يَزَلْ فِي صَمَانِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَامَ عَلَى ذَلِكَ الْمُؤْمِنِ مِنْ ذَلِكَ الثَّوْبِ هُدْبَةً أَوْ سِلْكًا. وَاللَّهُ لِقَضَاءِ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر که مؤمن گرسنه‌ای را خوراک دهد خدا از میوه‌های بهشت به او خوراند. و هر که تشنه او را سیراب کند خدا از شراب سربسته بهشت به او نوشاند. و هر کس جامه بر او پوشد پیوسته در ضمانت خدا عز و جل است تا در آن جامه ریشه یا نخعی باشد. به خدا که برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از روزه یک ماه با اعتکاف در آن.

قرب الإسناد، ص ۱۲۰

مصادقة الإخوان (شیخ صدوق)، ص ۴۲ (عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ)

بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۸۲ / وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۴۵

وَعَنْهُ (الحمیری)، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ قَضَى لِمُؤْمِنٍ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ كَثِيرَةً، أَذْنَاهُنَّ الْجَنَّةُ»

پیغمبر (ص) فرمود: هر که حاجت مؤمنی را برآورد خدا حوائج بسیار از او برآورد که کمترشان بهشت است.

قرب الإسناد، ص ۱۱۹

بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۸۵ / وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۴۴

عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنِي خَالِدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقًا مِنْ خَلْقِهِ اتَّجَبَهُمْ لِقَضَاءِ حَوَائِجِ فَقَرَاءِ شِيعَتِنَا لِيُثَبِّتَهُمْ عَلَى ذَلِكَ الْجَنَّةِ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ فَكُنْ ثُمَّ قَالَ لَنَا وَاللَّهِ رَبِّ نَعْبُدُهُ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا.

امام صادق (علیه السلام): خداوند عز و جل گروهی از خلقش را آفریده و انتخابشان کرده برای حاجت روا کردن فقراء از شیعیان ما. تا در برابرش به آنها بهشت پاداش دهد، و اگر می توانی تو هم از آنها باش، و آنگاه فرمود: ما را به خدا پروردگاری باشد که او را پرستیم و با او چیزی را شریک نسازیم.

الکافی، ج ۲، ص ۱۹۳

بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۲۳ / الوافی، ج ۵، ص ۶۵۹ / وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۵۷

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ ابْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَيْمَنَ عَنْ صَدَقَةَ الْأَحَدَبِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عِثْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ حُمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

امام صادق (علیه السلام): برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و از سوار کردن بر هزار اسب در راه خدا.

الکافی، ج ۲، ص ۱۹۳

مصادقة الإخوان (شیخ صدوق)، ص ۵۴

بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۲۴ / وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۶۳ / الوافی، ج ۵، ص ۶۶۰

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: لِقَضَاءِ حَاجَةِ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ عِشْرِينَ حَبَّةً كُلُّ حَبَّةٍ يُنْفِقُ فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ أَلْفٍ.

برآوردن حاجت مؤمن محبوبتر است نزد خدا از بیست حج که در هر حج برگزارکننده آن صد هزار هزینه کند.

الکافی، ج ۲، ص ۱۹۳

وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۶۳ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۶۳ / الوافی، ج ۵، ص ۶۶۰

نظریه فقهی انفاق

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَتَرِدُ عَلَيْهِ الْحَاجَةُ لِأَخِيهِ فَلَا تَكُونُ عِنْدَهُ فَيَهْتَمُّ بِهَا فَلَبُّهُ فَيُدْخِلُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِمَّهِ الْجَنَّةَ.

امام باقر (علیه السلام): به راستی که به مؤمنی حاجت برادرش پیشنهاد شود و آن را ندارد و در دل همت بر آن گمارد و خدا تبارک و تعالی به خاطر همان همت او را به بهشت در آرد.

الكافي، ج ۲، ص ۱۹۶

بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۳۱ / وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۳۷ / الوافي، ج ۵، ص ۶۶۳

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ: مَشِيَ الرَّجُلُ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يُكْتَبُ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَيُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَيُرْفَعُ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ قَالَ وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ وَيَعْدِلُ عَشْرَ رِقَابٍ وَأَفْضَلُ مِنْ اعْتِكَافِ شَهْرٍ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.

امام صادق (علیه السلام): روانه شدن کسی در انجام حاجت برادر مؤمنش بدان نوشته شود برایش ده حسنه، و محو شود از او ده سيئه، و بالا رود برای او ده درجه. راوی گوید: به نظرم که فرمود: و برابر آزاد کردن ده بنده است و برتر از اعتكاف يك ماه در مسجد الحرام.

الكافي، ج ۲، ص ۱۹۶

مصادقة الإخوان (شيخ صدوق)، ص ۶۸ / كشف الريبة (شهيد ثانی)، ص ۸۴ / المؤمن، ص ۵۳ (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

مَرْوَانَ عَنْ أَحَدِهِمَا)

الوافي، ج ۵، ص ۶۶۶ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۳۱ / وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۶۵ / مستدرک الوسائل،

ج ۱۲، ص ۴۱۱

السَّيِّخِ شَادَانَ بْنِ جَبْرِئِيلَ الْقُمِّيِّ فِي كِتَابِ الْفَضَائِلِ، بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ: أَنَّهُ رَأَى لَيْلَةَ الْإِسْرَاءِ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ مَكْتُوبَةً عَلَى الْبَابِ الثَّامِنِ مِنَ الْجَنَّةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ وَوَلِيُّ اللَّهِ ص لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ وَحِيلَةُ الشُّرُورِ فِي الْآخِرَةِ أَرْبَعٌ خِصَالٌ: مَسْحُ رَأْسِ الْيَتَامَى وَالتَّعَطُّفُ عَلَى الْأَرَامِلِ وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ وَ تَعَهُدُ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ الْخَبَرِ.

ابن مسعود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیثی طولانی: رسول خدا در شب معراج این کلمات را بر درب هشتم از درهای بهشت نوشته شده دیدند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ وَوَلِيُّ اللَّهِ ص لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ وَ حِيلَةُ الشُّرُورِ فِي الْآخِرَةِ أَرْبَعٌ خِصَالٌ: مَسْحُ رَأْسِ الْيَتَامَى وَ التَّعَطُّفُ عَلَى الْأَرَامِلِ وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ وَ تَعَهُدُ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ الْخَبَرِ.»

بیوه، تلاش برای رفع حوائج مومنین، و عهده دار شدن فقراء و مساکین (...))

الروضة في فضائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (عليهما السلام) (لابن شاذان القمي)، ص ۱۷۶ / الفضائل (لابن

شاذان القمي)، ص ۱۵۳

مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۲۲ و ج ۲، ص ۴۷۴ / بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۴۴

أبي ره قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَمِّهِ عَاصِمِ الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِذَا تَضَامَتْ [تَضَامَتْ] أُمَّتِي عَنْ سَائِلِهَا وَ مَشَتْ بِتَبَخُّرِهَا حَلْفَ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ بِعِزَّتِهِ فَقَالَ لِأَعْدَائِنَ بَعْضَهُمْ بَعْضٍ.

امام صادق از پدرش علیهما السلام روایت نموده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه که ائمتّم در برابر سائل (فقیر)، خود را به کری زنند و متکبرانۀ روند خدای گرامی و بزرگ به عزّت خویش سوگند خورده و فرماید: به عزّتّم سوگند! که همانا برخی از آنان را به وسیله برخی دیگر عذاب خواهم کرد.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۵۱

مکارم الأخلاق، ص ۱۱۰ (با اندکی تفاوت)

وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۲۱ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۰۳

قال علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ.

امام علی علیه السلام: همانا خدای سبحان روزی فقیران را در اموال توانگران واجب فرموده؛ و هیچ فقیری گرسنه نمی ماند، مگر آن که توانگری از وی بهره برده است. و خدای تعالی توانگران را از این، بازخواست خواهد کرد.

نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص ۵۳۳ (حکمة ۳۲۸) / روضة الواعظین، ص ۴۹۷

غررالحکم، ح ۱۸۸ / عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۵۲، ح ۳۳۴۳

بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۲ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۲۹ / مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۹

پیوست شماره ۱۷: روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه پرداخت

زکات

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ أَبُو مُحَمَّدٍ الْبَيْهَقِيُّ الشَّعْرَانِيُّ بِجُرْجَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَبُو مُوسَى الْمُجَاشِعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ). قَالَ الْمُجَاشِعِيُّ: وَحَدَّثَنَا الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: عَلَيْكُمْ بِالزَّكَاةِ فَإِنِّي سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ ص يَقُولُ: الزَّكَاةُ قَنْطَرَةُ الْإِسْلَامِ فَمَنْ آذَاهَا جَارَ الْقَنْطَرَةَ وَمَنْ مَنَعَهَا أَحْبَسَ دُونَهَا وَهِيَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ ...

امیرالمومنین (علیه السلام): شما را سفارش میکنم به زکات؛ زیرا که من شنیدم پیامبر شما می فرمود: زکات پل اسلام است هر کس ادا کرد از پل بگذرد و هر کس نداد در آن گذرگاه زندانی شود زکات خشم پروردگار را خاموش کند...

الأمالي (للطوسي)، ص ۵۲۲

بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۵

زیاد شدن مال:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ: عَلَّمَنِي عَمَلًا يُجَنِّبِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَيُجَنِّبِي الْمَخْلُوقُونَ وَيُثْرِي اللَّهُ مَالِي وَيُصِحُّ بَدَنِي وَيُطِيلُ عُمْرِي وَيُحْشِرُنِي مَعَكَ. فَقَالَ ص: هَذِهِ سِتُّ خِصَالٍ تَحْتَاجُ إِلَى سِتِّ خِصَالٍ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُجَبِّكَ اللَّهُ فَحَفَهُ وَاتَّقِهِ وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُجَبِّكَ الْمَخْلُوقُونَ فَأَحْسِنْ إِلَيْهِمْ وَارْفُضْ مَا فِي يَدَيْهِمْ وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُثْرِيَ اللَّهُ مَالَكَ فَزَكَّهُ وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُصِحَّ بَدَنَكَ فَأَكْثِرْ مِنَ الصَّدَقَةِ وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُطِيلَ اللَّهُ عُمْرَكَ فَصِلْ ذَوِي أَرْحَامِكَ وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحْشِرَكَ اللَّهُ مَعِيَ فَأَطِلِ السُّجُودَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: به من کاری بیاموز که خداوند، به سبب آن، مرا دوست بدارد و آفریدگان نیز دوستم بدارند، و خدا دارایی ام را فزون گرداند و تن درستم بدارد و عمرم را طولانی گرداند و مرا با تو محشور کند. حضرت فرمود: «اینها [بی که گفتی] شش چیز است که به شش چیز، نیاز دارد: اگر می خواهی خدا تو را دوست بدارد، از او بترس و تقوا داشته باش. اگر می خواهی آفریدگان دوست بدارند، به آنان نیکی کن و به آنچه دارند، چشم مدوز. اگر می خواهی خدا دارایی ات را فزونی بخشد، زکات آن را بپرداز. اگر می خواهی خدا بدنت را سالم بدارد، صدقه بسیار بده. اگر می خواهی خداوند عمرت را طولانی گرداند، به خویشاوندانت رسیدگی کن؛ و اگر می خواهی خداوند تو را با من محشور کند، در پیشگاه خدای یگانه قهار، سجده طولانی کن.

أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۲۶۸

بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴ و ج ۹۳، ص ۲۳ / مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۷۲ و ج ۷، ص ۱۸۸

رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ آبَائِهِ عَ عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ س: ... فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نَمَاءً فِي الرِّزْقِ.

حضرت فاطمه (علیها السلام): پس خداوند زکات را پاک کننده جان و افزاینده روزی قرار داده است.

الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص ۹۹

الوافی، ج ۵، ص ۱۰۶۴ / بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳

الإمام علی عليه السلام في الحكيم المنسوبة إليه: الزكاة نقص في الصورة، و زيادة في المعنى.

امام علی (علیه السلام) در کلمات حکیمانه منسوب به وی: زکات در ظاهر کاستی دهنده است و در باطن، افزاینده.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۲۰، ص ۲۹۹

أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَحَّامُ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ ... الإمام الباقر عليه السلام: الزكاة تزيد في الرزق. امام باقر عليه السلام: زکات روزی را می افزاید.

الأمالی (للطوسي)، ص ۲۹۶

بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، ج ۲، ص ۱۸۹

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۸۳ و ج ۹۳، ص ۱۴ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص ۱۴۰

عدم پرداخت زکات؛ علتی برای از بین رفتن مال

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا ظَهَرَ الرِّثَا مِنْ بَعْدِي كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ وَإِذَا طُفِّقَتِ الْمِكْيَالُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَ النَّقْصِ وَإِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا مِنَ الرِّزْقِ وَ الثَّمَارِ وَ الْمَعَادِنِ كُلِّهَا ...

ابی حمزه، از حضرت ابی جعفر (علیه السلام) نقل کرده که آن جناب فرمودند: در کتاب علی (علیه السلام) یافتیم که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هنگامی که زنا بعد از من آشکار شود مرگ ناگهانی

بسیار می‌گردد و وقتی ترازوها از وزن اجناس کم و ناقص گذاردند حق تعالی نیز سالها را کم و ناقص می‌نماید و هنگامی که مردم از دادن زکات خودداری کنند زمین از برکاتش یعنی زراعت‌ها و میوه‌ها و معادن ممانعت می‌نماید.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۸۴ / الکافی، ج ۲، ص ۳۷۴

سند کافی: عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ

الْأَمَالِيِّ (لِلصَّدُوقِ)، ص ۳۰۸

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ

الْأَمَالِيِّ (لِلطُّوسِيِّ)، ص ۲۱۰

سند امالی طوسی: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ التَّمَالِيِّ ع قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) يَقُولُ: وَجَدْتُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ):

بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۵

تحف العقول، ص ۵۱ / روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، ج ۲، ص ۴۲۱

الوافي، ج ۵، ص ۱۰۴۰ / وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۲۷۳

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابَبُوا وَ تَهَادَوْا وَ آدَّوْا الْأَمَانَةَ وَ اجْتَنَبُوا الْحَرَامَ وَ وَقَرُّوا الضَّيْفَ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ* فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ ابْتَلُوا بِالْفَحْطِ وَ السِّنِينِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): پیوسته امت من در طریق صلاح و خیر و رفاه است مادامی که با یک دیگر دوستی می‌کنند و به هم تحفه می‌فرستند و ارمغان می‌دهند و امانت را ادا می‌کنند، و از حرام اجتناب و دوری می‌نمایند، مهمان را گرمی می‌دارند و نماز جماعت را بر پای می‌دارند، و حقوق مالی زکات را می‌پردازند، و چنانچه در این امور سستی کنند و انجام ندهند به خشکسالی و گرانی و تنگی معیشت مبتلا می‌گردند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹ / صحيفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۳

جامع الأخبار (لِلشَّعْبِيِّ)، ص ۱۳۶ / أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۴۰۶

وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۵۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۵۸ / بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۴ و ج ۹۳،

ص ۱۴

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُولُوَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ يَاسِرٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: إِذَا كَذَبَ الْوَلَاةُ حُبْسَ الْمَطَرِ، وَ إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتِ الدَّوْلَةُ، وَ إِذَا حُبِسَتِ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي.

یاسر از امام رضا علیه السلام روایت میکند که فرمودند هر گاه حاکمان مردم دروغ بگویند باران نمیبارد، و هر گاه سلطانی ستم کند، حکومت خوار میگردد، و هر گاه زکاة پرداخت نشود گوسفندان میمیرند.

الأمالی (للطوسی)، ص ۷۹ / الأمالی (للمفید)، ص ۳۱۰

سند امالی مفید: قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُلُوبِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمِيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يَاسِرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۷۹

وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۳۱ / مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۸۸ / بحار الأنوار، ج ۸۸، ص ۳۳۰

محفوظ ماندن اموال اغنیاء:

وَ كَتَبَ الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ع إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ فِيمَا كَتَبَ إِلَيْهِ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ: أَنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوَّةِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبَلْوَى كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ» فِي أَمْوَالِكُمْ إِخْرَاجَ الزَّكَاةِ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ تَوَطُّيْنِ الْأَنْفُسِ عَلَى الصَّبْرِ مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ آدَاءِ شُكْرِ نِعْمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الطَّمَعِ فِي الزِّيَادَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الزِّيَادَةِ وَ الرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ لِأَهْلِ الضَّعْفِ وَ الْعَطْفِ عَلَى أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَ الْحَثِّ لَهُمْ عَلَى الْمُوَاسَاةِ وَ تَقْوِيَةِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ وَ هُوَ عِظَةٌ لِأَهْلِ الْغِنَى وَ عِبْرَةٌ لَهُمْ لِيَسْتَدِلُّوا عَلَى فُقَرَاءِ الْأَجْرَةِ بِهِمْ وَ مَا لَهُمْ مِنَ الْحَثِّ فِي ذَلِكَ عَلَى الشُّكْرِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَا حَوَّلَهُمْ وَ أَعْطَاهُمْ وَ الدُّعَاءِ وَ التَّضَرُّعِ وَ الْخَوْفِ مِنْ أَنْ يَصِيرُوا مِثْلَهُمْ فِي أُمُورٍ كَثِيرَةٍ فِي آدَاءِ الزَّكَاةِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ صِلَةِ الْأَرْحَامِ وَ اضْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ.

محمد بن سنان نقل کرده که وی طی مکتوبی سؤالاتی از حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام نمود و آن جناب در نامه‌ای که جواب سؤالات وی را مرقوم فرموده بودند نوشتند:

علت وجوب زکات و سزای آن این است که: زکات قوت و روزی فقراء بوده و اموال اغنیاء را حفظ و نگهداری می‌کند زیرا حق تعالی افراد صحیح و سالم را مکلف نموده که به افراد زمین گیر و افتاده رسیدگی کرده و به امور آنها قیام کنند چنانچه حق عز و جل فرموده: «لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ» (حق تعالی شما را در اموال و نفوستان آزمایش می‌کند) مقصود این است که در اموالتان زکات را باید خارج کنید و در نفوستان آزمایش این است که: نفس را بر صبر نمودن آماده کنید و شکر نعمت‌های الهی را اداء کنید و امید داشته باشید که این نعمت‌ها برایتان افزایش پیدا کند مشروط به این که شما نیز رأفت و مهربانی خود را نسبت به ضعفاء زیاد کرده و بر مسکینان عطوفت نشان دهید. و ایشان را بر مساوات و برابری تحریص و ترغیب کرده و تقویتشان نموده و بر امر دین کمکشان کنید، این زکات پند و موعظه است برای اغنیاء و عبرت است برای ایشان چه آنکه با دقت در آن می‌توانند منتقل به فقر و نیاز در آخرت بشوند در نتیجه آنچه موجب بر طرف کردن فقر در آخرت هست را فراهم کنند و نیز از اسرار دیگر زکات آنکه پرداختن آن اغنیاء را بر شکر خداوند تبارک و تعالی وادار می‌کند زیرا پرداختن زکات به فقراء مستلزم آن است

که پرداخت کننده متمکن باشد و این تمکن مالی را حق جل و علی به آنها داده و از لطف و عنایتش آنها را مشمول عطاهای خود قرار داده است قهرا دارنده مال وقتی توجه به این نکته پیدا کند شکر منعم را بجا آورده و از او ممنون می‌گردد. و نیز دیگر از اسرار زکات آنکه اغنیاء وقتی موقعیت فقراء و نیاز آنها را می‌بینند به درگاه الهی دعاء و تضرع کرده و بیم و هراس خود را از این که همچون آنها بشوند اعلام کرده و از حضرتش می‌خواهند که مبتلا به سرنوشت آنها نشوند قهرا در اداء زکات و دادن صدقات و صلح ارحام و انجام کارهای مثبت و پسندیده اهتمام بیشتری می‌ورزند.

من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۸۹

سند عیون: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَاجِيلَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِيَّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ وَ عَلِيُّ بْنُ عِيسَى الْمَجَاوِرِيُّ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْبَرْقِيُّ بِالرِّيِّ رَحِمَهُمُ اللَّهُ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَاعَ كَتَبَ إِلَيْهِ فِي جَوَابِ مَسَائِلِهِ

علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۹

سند علل: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَاعَ كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ

الوافي، ج ۱۰، ص ۵۱ / بحار الأنوار، ج ۶، ص ۹۵ / وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۱۲

رفع فقر و محرومیت زدایی:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع لَأَيِّ شَيْءٍ جَعَلَ اللَّهُ الزَّكَاةَ خَمْسَةً وَعِشْرِينَ فِي كُلِّ أَلْفٍ وَلَمْ يَجْعَلْهَا ثَلَاثِينَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهَا خَمْسَةً وَعِشْرِينَ أَخْرَجَ مِنْ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ بِقَدَرِ مَا يَكْتَفِي بِهِ الْفُقَرَاءُ وَ لَوْ أَخْرَجَ النَّاسَ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا احتَاجَ أَحَدٌ.

امام صادق علیه السلام: ... خداوند زکات از اموال اغنیاء را به اندازه کفایت فقراء قرار داد و اگر مردم زکات اموال خویش را بیرون می‌ساختند، هیچ کس نیازمند نمی‌گشت.

الکافی، ج ۳، ص ۵۰۷

الوافي، ج ۱۰، ص ۴۸ / وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۱۴۶

وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْفُضْلِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُعْتَبِ مَوْلَى الصَّادِقِ ع قَالَ قَالَ الصَّادِقُ ع: إِنَّمَا وَضَعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِيَارًا لِلْأَغْنِيَاءِ وَ مَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا وَ لَأَسْتَعْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ إِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَ لَا احتَاجُوا وَ لَا جَاعُوا وَ لَا عَزُّوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ وَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَمْنَعَ

رَحْمَتَهُ مَنْ مَنَعَ حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِهِ. وَ أُقْسِمُ بِالَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ وَ بَسَطَ الرِّزْقَ أَنَّهُ مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَ لَا بَحْرٍ إِلَّا بَتَرَكَ الزَّكَاةَ! وَ مَا صِيدَ صَيْدٌ فِي بَرٍّ وَ لَا بَحْرٍ إِلَّا بَتَرَكَ التَّسْبِيحَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ إِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَسْحَاهُمْ كَفًّا وَ أَسْحَى النَّاسِ مَنْ أَدَى زَكَاةَ مَالِهِ وَ لَمْ يَبْخُلْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ فِي مَالِهِ.

امام صادق (علیه السلام): همانا زکات برای آزمایش اغنیاء و کمک به فقرا وضع شده است، و اگر مردم زکات اموال خود را می پرداختند، هیچ مسلمانی فقیر و محتاج نمی ماند، و هر آینه با سهمی که خدای عز و جل برای او مقرر فرموده است مستغنی می شد، و مردم فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نشده اند مگر به علت گناهان اغنیاء. و خدای عز و جل را سزاوار است که رحمت خود را از کسی که حق خدا در مال خود را باز داشته است بازدارد و به آن کسی که خلق را آفریده و خوان رزق را گسترده است. قسم یاد می کنم که هیچ مالی در خشکی یا دریا تباه نمی شود مگر به علت ترك زکات! و هیچ صیدی در خشکی یا دریا شکار نمی شود مگر به علت ترك تسبیح در آن روز، و همانا که محبوب ترین مردم نزد خدای عز و جل گشوده دست ترین ایشان است، و سخاوتمندترین مردم کسی است که زکات مالش را بپردازد، و در باره مؤمنین نسبت به حقی که خدای عز و جل برای ایشان در مال او مقرر داشته است بخل نورزد.

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷

عوالي اللئالي، ج ۱، ص ۳۷۰

الوافي، ج ۱۰، ص ۵۰ / وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۱۲

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى أَغْنِيَاءِ النَّاسِ فِي أَمْوَالِهِمْ قَدْرَ الَّذِي يَسَعُ فُقَرَاءَهُمْ فَإِنْ ضَاعَ الْفُقَرَاءُ أَوْ أَجْهَدُوا أَوْ أُعْرُوا فَبِمَا يَمْنَعُ أَغْنِيَاءَهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ مُحَاسِبُهُمْ بِذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مُعَذِّبُهُمْ بِهِ عَذَابًا أَلِيمًا.

امام علی علیه السلام: خداوند در اموال توانگران به اندازه ای که تهیدستانشان را تأمین کند، حق و حقوق واجب کرد؛ بنابراین، اگر تهیدست نبود شود، یا در راه تأمین معاش خود جان بکند، یا برهنه بماند، علتش آن است که توانگر از پرداخت حق او دریغ کرده است. خداوند عز و جل در روز قیامت توانگران را برای این کار مؤاخذه می کند و آنان را عذابی دردناک می چشاند.

دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۴۵

بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۸ / مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ فَرِيضَةً لَا يُحْمَدُونَ إِلَّا بِأَدَائِهَا وَ هِيَ الزَّكَاةُ.

امام صادق (علیه السلام): همانا خداوند عزوجل برای فقراء در اموال اغنیاء یک فریضه ای را واجب کرد که هیچگاه مورد ستایش واقع نخواهند شد مگر با اداء کردن آن؛ که آن هم زکات است.

الکافی، ج ۳، ص ۵۵۶

وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسْعُهُمْ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَسْعُهُمْ لَزَادَهُمْ إِنَّهُمْ لَمْ يُؤْتُوا مِنْ قَبْلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ أُوتُوا مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ.

امام صادق (علیه السلام): ... خدای عز و جلّ به آن اندازه که برای فقرا کافی باشد در اموال اغنیا مقرر داشته است، و اگر میدانست که این اندازه برای ایشان کفایت نمیکند، هر آینه آن را افزایش میداد، سختیها و تنگدستیهای که به فقرا میرسد ارتباطی به فریضه خدای عز و جلّ ندارد، بلکه این مشکلات از طرف کسانی به ایشان میرسد که از پرداختن حقتشان امتناع کرده اند، و اگر مردم حقوق فقرا را می پرداختند، هر آینه ایشان به خوبی و خوشی زندگی میکردند.

الکافی، ج ۳، ص ۴۹۶ / من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶ (رَوَى حَرِيْزٌ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ)

تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۴۹

الوافی، ج ۱۰، ص ۱۶۳ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۰

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ وَ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ جَعَلَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْفِيهِمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَزَادَهُمْ وَ إِنَّمَا يُؤْتُونَ مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ.

امام صادق (علیه السلام): همانا خداوند عزوجل برای فقراء در اموال اغنیاء مقداری را قرار داده است که کفایت حال فقراء را می کند و اگر اینطور نبود مقدار واجب از اموال اغنیاء را افزایش می داد و سختی زندگی فقراء از طرف کسانی (از اغنیاء) است که از پرداختن حقتشان امتناع کرده اند.

الکافی، ج ۳، ص ۴۹۷

الوافی، ج ۱۰، ص ۴۸ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ الصَّلَاةَ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا حَمَلَ الزَّكَاةَ فَأَعْطَاهَا عَلَانِيَةً لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ

فِي ذَلِكَ عَيْبٌ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ الْفُقَرَاءُ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ الَّذِي
فَرَضَ لَهُمْ لَا يَكْفِيهِمْ لَزَادَهُمْ وَ إِنَّمَا يُؤْتَى الْفُقَرَاءَ فِيمَا أُتُوا مِنْ مَنَعٍ مِنْ مَنَعِهِمْ حُقُوقَهُمْ لَا مِنَ الْفَرِيضَةِ.

امام صادق (علیه السلام): خداوند متعال زکات را واجب کرد همان طوری که نماز را واجب نمود، حال اگر شخص زکات را حمل نمود و آن را علنی و آشکار به مستحقش داد بر او ملامتی نیست زیرا خداوند عزوجل در داریهای توانگران به اندازه‌ای که نیاز تهیدستان را تأمین کند، حقی واجب کرد. اگر خداوند می‌دانست که آنچه برای تهیدستان مقرر داشته، کفایتشان نمی‌کند، حق بیشتری واجب می‌کرد. بنابراین، تهیدستی فقیران نه به سبب [کم بودن] این فریضه (زکات) است، بلکه از آن روست که توانگران حقوق آنان را نمی‌پردازند.

الکافی، ج ۳، ص ۴۹۸ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳ (رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ)

علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۸ (و فيه "عَتَبٌ" بدل "عَيْبٌ")

سند علل: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الرَّحْمَةُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۸

پیوست شماره ۱۸: روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه خانواده

هر یک درهم انفاق برای خانواده = برابر با هفتصد درهم

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَا مِنْ عَبْدٍ يَكْسِبُ ثُمَّ يُنْفِقُ عَلَى عِيَالِهِ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ سَبْعُمِائَةٍ ضِعْفٍ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هیچ بنده‌ای از کسب حلال برای عیالش خرج نمی‌کند مگر آنکه خداوند هر دره‌می را هفتصد برابر به او عطا نماید.

مکارم الأخلاق، ص ۲۱۶

مَجْمُوعَةُ الشَّهِيدِ، رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: وَمَنْ سَعَى فِي نَفَقَةِ عِيَالِهِ وَوَالِدِيهِ فَهُوَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): و هر کس در نفقه خانواده و پدر و مادرش تلاش کند، مانند مجاهد در راه خداست.

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۵ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۸۴

وَ عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: مَا عَدْوَةٌ أَحَدِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ مِنْ عَدْوَتِهِ يَطْلُبُ لِوَالِدِهِ وَ عِيَالِهِ مَا يُضْلِحُهُمْ. وَ قَالَ ع: الشَّاحِصُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

امام علی علیه السلام: درآمدن شما - اول صبح - برای جهاد در راه خدا، از درآمدن آن کس که برای تأمین زندگی خانواده خود تلاش می‌کند بالاتر نیست (و ارزش و اجرش بیشتر نیست). و فرمود: کسی که در جست‌وجوی روزی حلال استواری کند، همانند مجاهد در راه خداست.

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵

السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (و المستطرفات)، ج ۲، ص ۲۲۸

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۳ و ۵۴ و ج ۱۳، ص ۱۳ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۸۰ و ۸۶

فِي دُرِّ اللَّاطِي، عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَفْضَلُ دِينَارٍ دِينَارٌ أَنْفَقَهُ الرَّجُلُ عَلَى عِيَالِهِ وَ دِينَارٌ أَنْفَقَهُ عَلَى دَابَّتِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ دِينَارٌ أَنْفَقَهُ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ: وَ أَيُّ رَجُلٍ أَعْظَمَ أَجْرًا مِنْ رَجُلٍ سَعَى عَلَى عِيَالِهِ صَغَارًا يُعْفُهُمْ وَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ بِهِ.

ثوبان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: «برترین دینار [مال] دیناری است که انسان برای خانواده‌اش هزینه کند؛ دیناری که برای مرکبش در راه خدا مصرف کند و دیناری که برای دوستانش در راه خدا خرج کند.

آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و چه کسی پاداشش بزرگ‌تر و ارزشمندتر از کسی است که برای فرزندان صغیرش کار و تلاش کند تا خداوند به وسیله او آن‌ها را از [احتیاج به مردم] حفظ کند و بی‌نیازشان گرداند.»

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۵ و ج ۷، ص ۲۴۱ / جامع أحادیث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۸۶

وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: أَفْضَلُ الدَّنَائِرِ الْأَرْبَعَةُ دِينَارًا أُعْطِيَتْهُ مِسْكِينًا وَ دِينَارًا أُعْطِيَتْهُ فِي رَقَبَةٍ وَ دِينَارًا أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ دِينَارًا أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ وَإِنَّ أَفْضَلَهَا الدِّينَارُ الَّذِي أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): بافضیلت‌ترین و بارارزش‌ترین دینار، چهار دینار است: دیناری که به مسکین عطا کنی، و دیناری که در راه آزادکردن بنده عطا کنی، و دیناری که در راه خدا انفاق کنی، و دیناری که در راه خانواده‌ای انفاق کنی. و همانا بافضیلت‌ترین اینها دیناری است که بر خانواده‌ات انفاق نمایی.

مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴۱ (نقلاً عن ابن أبي جهمور في دُرِّ اللَّائِي)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که برای [کسب روزی] خانواده‌اش زحمت بکشد، مانند مجاهد در راه خداست.

الكافي، ج ۵، ص ۸۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۸ (فيه " الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ ")

عوالي اللئالي، ج ۱، ص ۲۶۸ / عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۸۲

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۶۷ / الوافي، ج ۱۷، ص ۹۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۵ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: أَرْضَاكُمُ عِنْدَ اللَّهِ أَشْبَعُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ.

امام زین العابدین علیه السلام: خشنودترین شما نزد خداوند، کسی است که خانواده خود را بیشتر در رفاه قرار بدهد.

الكافي، ج ۴، ص ۱۱

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۴۶ / تحف العقول، ص ۲۷۹

مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۵۵ / الوافي، ج ۱۰، ص ۴۳۵ و ج ۲۶، ص ۲۵۲ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۷۳

نظریه فقهی انفاق

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هَلَالِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحْسَنُكُمْ عَمَلًا وَإِنَّ أَعْظَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَمَلًا أَعْظَمُكُمْ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ رَغْبَةً وَإِنَّ أَنْجَاكُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَشَدُّكُمْ حَشِيَّةً لِلَّهِ وَإِنَّ أَفْرَبَكُمْ مِنَ اللَّهِ أَوْسَعُكُمْ خُلُقًا وَإِنَّ أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ وَإِنَّ أَكْرَمَكُمْ عَلَى اللَّهِ أَتَقَاكُمْ لِلَّهِ.

حضرت سجاد علیه السلام فرمود: محبوب‌ترین شما در نزد خداوند کسی است که اعمالش از همگان بیشتر و نیکوتر باشد، و بزرگترین شما آن کسی است که رغبتش به آنچه در نزد خداوند است زیادتر باشد، آن کسی میتواند از عذاب خداوند رهائی پیدا کند که از همگان بیشتر از خداوند بترسد و نزدیکترین شما به پروردگار کسی است که اخلاقش بهتر باشد و آن کسی از شما بیشتر در نزد خداوند پسندیده است، که به اهل و عیالش وسعت بدهد و گرامی‌ترین شما نزد خداوند کسی است که تقوای او از همه بیشتر باشد.

الكافي، ج ۸، ص ۶۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۸

سند من لا يحضره: رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عَائِدِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الشُّمَالِيِّ قَالَ قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ

أَعْلَامُ الدِّينِ فِي صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، ص ۹۰ و ۲۲۲ / تحف العقول، ص ۲۷۹ / مجموعة ورام، ج ۲، ص ۴۶

الوافي، ج ۲۶، ص ۲۵۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۵۵ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۷۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الرِّضَا ع قَالَ قَالَ: صَاحِبُ النَّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعَةُ عَنْ عِيَالِهِ.

امام رضا (علیه السلام): بر صاحب نعمت واجب است که بر اهل و عیال خود وسعت بدهد.

الكافي، ج ۴، ص ۱۱

وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۵۴۰ / الوافي، ج ۱۰، ص ۴۳۷ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۷، ص

۳۵۱

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَعْوَلُهُ.

امام صادق (علیه السلام): همین يك گناه مرد را بس است که حق خانواده خود را ضایع کند.

الكافي، ج ۴، ص ۱۲ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۸

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۵۴ / عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۸۲

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص: ۶۸ / الوافي، ج ۱۰، ص: ۴۳۸ / مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۲ / بحار الأنوار،

ج ۱۰۰، ص ۱۳

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْخَزْرَجِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ غُرَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْفَى كَلَّةً عَلَى النَّاسِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ صَبَّحَ مِنْ يَوْمٍ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ملعون است ملعون است کسی که سنگینی بار خود را بر دوش دیگران بیندازد. ملعون است ملعون است کسی که در امور نان خوران خود کوتاهی کند.

الکافی، ج ۴، ص ۱۲ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۸

عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۳، ص ۱۹۳

وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۴۳ / الوافی، ج ۱۰، ص ۴۳۸

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع: لَأَنْ أَدْخُلَ السُّوقَ وَمَعِيَ دَرَاهِمٌ أَبْتَاغُ بِهِ لِعِيَالِي لِحْمًا وَ قَدْ فَرِمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ نَسَمَةً.

ابو حمزه گفت حضرت زین العابدین (علیه السلام) فرمود: اگر وارد بازار شوم و با پولی که دارم مقداری گوشت برای خانواده ام بخرم که احتیاج بان دارند این در نظر من بهتر است از اینکه بنده ای را آزاد نمایم.

الکافی، ج ۴، ص ۱۲

بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۶۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۴۳ / الوافی، ج ۱۰، ص ۴۳۸

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَأْخُذُ بِأَدَبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا وَسَّعَ عَلَيْهِ اتَّسَعَ وَإِذَا أَمْسَكَ عَلَيْهِ أَمْسَكَ.

فرمود صلی الله علیه و آله: مؤمن به راستی پرورش یافته خداست، هر گاه خدایش گشایشی دهد او نیز دست گشاید و چون از او باز گیرد وی نیز دست بدارد.

الکافی، ج ۴، ص ۱۲

تحف العقول، ص ۵۲

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۵۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۴۱ / الوافی، ج ۱۰، ص ۴۳۹

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ الْقَيْمَ عَلَى عِيَالِهِ.

امام صادق (علیه السلام): از سعادت انسان است که عهده دار امور اهل و عیال (خانواده) خود باشد.

الکافی، ج ۴، ص ۱۳ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۸

وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۴۳ / الوافی، ج ۱۰، ص ۴۳۹

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: يُنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ لِنَلَا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ!

امام کاظم (علیه السلام): برای مرد سزاوار است که بر اهل و عیال خود وسعت بدهد تا آرزوی مرگش را نکنند!
 الکافی، ج ۴، ص ۱۱ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۸
 الوافی، ج ۱۰، ص ۴۳۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۴۰

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سَهْلٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَسْعَدَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ: إِنَّ عِيَالَ الرَّجُلِ أَسْرَاؤُهُ فَمَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَلْيُوسِّعْ عَلَى أَسْرَائِهِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ أَوْشَكَ أَنْ تَزُولَ عَنْهُ تِلْكَ النُّعْمَةُ.

امام کاظم (علیه السلام): خانواده شخص اسیران زبردست اویند پس خداوند به هر کسی نعمتی ارزانی داشته بر اسیران خود توسعه بخشد اگر این کار را نکند ممکن است نعمت از او زائل گردد.

الأمالی (للصدوق)، ص ۴۴۲ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۶ و ج ۴، ص ۴۰۲
 سند من لا یحضر: رَوَى جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيُّ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَسْعَدَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ
 مکارم الأخلاق، ص ۲۱۷ / روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۷۱ / كشف الغمة في معرفة الأئمة،
 ج ۲، ص ۲۰۷
 وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۴۱ / الوافی، ج ۱۰، ص ۴۳۶ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۶۹

پیوست شماره ۱۹: روایاتی در مورد سود ناشی از انفاق در راه ایتم

عَنْ أَبِي مَالِكٍ عَنْهُ ص: مَنْ ضَمَّ يَتِيمًا إِلَى طَعَامِهِ وَ شَرَابِهِ حَتَّى يَسْتَعْنِي عَنْهُ وَ جَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس یتیمی را فراخواند و در کنار خود غذا و نوشیدنی به او بدهد تا از آن بی نیاز گردد، بهشت بر او واجب می شود.

مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۷۴

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ ضَمَّ يَتِيمًا بَيْنَ أَبْوَيْنِ مُسْلِمِينَ حَتَّى يَسْتَعْنِي - فَقَدْ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ.

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۶۷

وَ قَالَ ص: مَنْ كَفَّلَ [قبض] يَتِيمًا بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ فَأَدْخَلَهُ إِلَى طَعَامِهِ وَ شَرَابِهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ الْبَتَّةَ إِلَّا أَنْ يَعْمَلَ ذَنْبًا لَا يُغْفَرُ لَهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس یتیمی را کفالت کند (عهده دار نگهداری و خرج او گردد) پس او را در غذا و نوشیدنی خود داخل کند، خداوند حتما او را داخل بهشت کند. مگر اینکه گناهی مرتکب شود که نابخشودنی باشد.

عوالي اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۱۹۰

مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۷۳

الشَّيْخُ أَبُو الْفَتْوحِ الرَّازِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ، مُرْسَلًا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: خَيْرُ بَيْتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ يُحْسَنُ إِلَيْهِ وَ شَرُّ بَيْتِكُمْ بَيْتٌ يُسَاءُ إِلَيْهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): بهترین خانه های شما آن خانه ای است که در آن یتیمی باشد که به آن احسان و نیکی شود. و بدترین خانه های شما خانه ای است که نسبت به یتیم بدرفتاری شود.

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۶۷

نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۴۷۰

مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۷۴

وَعَنْهُ صَ أَنَّهُ قَالَ: أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ كَهَاتَيْنِ فِي الْجَنَّةِ وَ أَشَارَ بِأَصْبَعَيْهِ السَّبَابَةِ وَ الْوُسْطَى .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): من و آن کس که یتیم پرورد چون این دو انگشت باشیم در بهشت؛ و اشاره کرد به انگشت سبابه و میانی خود.

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۶۷ / شهاب الأخبار، ص ۱۳۸

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۱۴، ص ۶۹ / الصراط المستقيم إلى مستحقي التقديم (عاملی نباطی، ۸۷۷

ق)، ج ۱، ص ۳۳۶ / نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۴۷۰

بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۱۵۷ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۷۴

سَبَطَ الطَّبْرَسِيُّ فِي مِشْكَاةِ الْأَنْوَارِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: إِذَا بَكَى الْيَتِيمُ فِي الْأَرْضِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: مَنْ أَبْكَى عَبْدِي هَذَا الْيَتِيمَ الَّذِي عَيَّبْتُ أَبُوِيهِ أَوْ أَبَاهُ فِي الْأَرْضِ؟ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: «سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا» فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: أَشْهَدُكُمْ مَلَائِكَتِي أَنَّ مَنْ أَسْكَنَهُ بِرِضَاهُ فَأَنَا ضَامِنٌ لِرِضَاهُ مِنَ الْجَنَّةِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا يُرِضِيهِ؟ قَالَ: يَمْسَحُ رَأْسَهُ وَ يُطْعِمُهُ تَمْرَةً.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر گاه یتیم در زمین گریه کند، خداوند می فرماید: چه کسی این بنده یتیم مرا (که پدر و مادر و یا پدرش به تنهایی در نزد او غایب هستند) گریانده؟ فرشتگان گویند: «پروردگارا! تو پاک و منزهی ما چیزی نمی دانیم مگر آنچه تو به ما تعلیم داده ای.» پس خداوند عزوجل می فرماید: ای فرشتگان من! من شما را شاهد می گیرم که هر کس او را بخاطر رضایت من ساکت کند، من ضامن رضایت او در بهشت هستم. از رسول خدا سوال شد که: ه چیزی رضایت یتیم را جلب می کند؟ فرمود: دست بر سر او بکشید و به او طعامی از خرما بخورانید.

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۶۷

مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۵۳

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَلَا مَنْ كَانَ فِي مَنْزِلِهِ يَتِيمٌ فَأَشْبَعَهُ أَوْ كَسَاهُ وَ لَمْ يُؤْذِهِ وَ لَمْ يَضْرِبْهُ يُقْبَلْ مِنْهُ عَمَلُهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): آگاه باشید! هر کس در منزلش یتیمی باشد که او را سیر کند و لباس او را تامین کند و او را اذیت نکند و نزنَد، اعمالش مورد پذیرش الهی قرار خواهد گرفت.

مشکاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۶۷

وَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَشْكُو إِلَيْكَ فَسَوَّ قَلْبِي قَالَ فَأَذِنَ مِنْكَ الْيَتِيمَ وَ امْسَحْ رَأْسَهُ وَ اجْلِسْهُ عَلَيَّ خِوَانِكَ يَلِنُ قَلْبُكَ وَ تَقْدِرُ عَلَيَّ حَاجَتِكَ.

مشکاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۶۸

قال رسول الله ص: أ تحب أن يلين قلبك و تدرك حاجتك؟ ارحم اليتيم و امسح رأسه و أطعمه من طعامك يلن قلبك و تدرك حاجتك.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): آیا دوست داری دلت نرم شود و حاجت خود بیابی؟ بر یتیم رحمت و مهربانی کن، سر او را نوازش کن و از غذای خویش بدو بخوران تا دلت نرم شود و حاجت خود بیابی.

نهج الفصاحة، ص ۱۶۰

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَشْبِعِ الْيَتِيمَ وَ الْأَرْمَلَةَ وَ كُنْ لِلْيَتِيمِ كَالْأَبِ الرَّحِيمِ وَ كُنْ لِلْأَرْمَلَةِ كَالزَّوْجِ الْعُطُوفِ تُعْطِ كُلَّ نَفْسٍ تَتَفَقَّسَتْ فِي الدُّنْيَا قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ كُلُّ قَصْرٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): یتیم و پیرزنان بیوه (و بی سرپرست) را سیر کن. و برای یتیم مثل پدری مهربان باش. و برای پیرزنان بیوه چون همسری مهربان؛ [اگر چنین کنی] به هر نفسی که در دنیا می کشی، قصری در بهشت که هر قصر بهتر از تمام دنیا و آنچه در آن است به تو داده می شود.

مشکاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۶۸

پیوست شماره ۲۰: نمونه‌هایی دیگر از سود ناشی از انفاق در راه حق

* نمونه اول: سود ناشی از صدقه‌دادن (وام بلاعوض)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيهِ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۶)
خدا ربا را نابود می‌کند، و صدقات را فزونی می‌دهد و خدا هیچ ناسپاس بزه‌کاری را دوست ندارد.

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيْتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۵)

و مثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا و استوار کردن نفوسشان [بر حقایق ایمانی و فضایل اخلاقی] انفاق می‌کنند، مانند بوستانی است در جایی بلند که بارانی تند به آن برسد، در نتیجه میوه‌اش را دو چندان بدهد، و اگر باران تندی به آن نرسد باران ملایمی برسد [و آن برای شادابی و محصول دادنش کافی است] و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مثل آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد چند برابر می‌کند و خدا بسیار عطا کننده و داناست.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (سوره مبارکه انعام، آیه ۱۶۰)

هر کس کار نیک بیاورد، پاداشش ده برابر آن است، و آنان که کار بد بیاورند، جز به مانند آن مجازات نیابند و مورد ستم قرار نمی‌گیرند.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى» بَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي بِالْوَاحِدَةِ عَشْرَةَ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ فَمَا زَادَ «فَسُنِّيْزُهُ لِلْيُسْرَى» قَالَ: لَا يُرِيدُ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا يَسَّرَهُ اللَّهُ لَهُ...

امام باقر (علیه السلام) درباره آیه «و اما کسی که [حق خدا را] بپردازد و پروا کند و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کند» فرمود: خداوند در قبال يك عطا ده تا صد هزار و بیشتر پاداش می دهد [و] «بزودی راه آسانی پیش پایش خواهیم گذاشت»؛ هر خیری که بخواهد، خداوند آن را برایش فراهم می آورد.

الكافي، ج ۴، ص ۴۶ / تهذيب الأحكام، ج ۴، ص ۱۰۹ / المقنعة (شيخ مفيد)، ص ۲۶۶

الوافي، ج ۱۰، ص ۴۸۷ / وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۳۶۸

پاداش صدقه: ده برابر

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَكْتُوبٌ عَلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَىٰ بِخَمْسَةِ عَشْرٍ.

امام صادق (علیه السلام): بر بالای درب بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر و قرض هجده برابر است. و در روایت دیگر: پانزده برابر.

الكافي، ج ۴، ص ۳۳ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۸

الصَّدُوقُ فِي الْهِدَايَةِ، قَالَ الصَّادِقُ ع: مَكْتُوبٌ عَلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَ إِنَّمَا صَارَ الْقَرْضُ أَفْضَلَ مِنَ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْمُسْتَقْرِضَ لَا يَسْتَقْرِضُ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ وَ قَدْ يَطْلُبُ الصَّدَقَةَ مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهَا
امام صادق (علیه السلام): بر درب بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر و قرض هجده برابر است. و همانا قرض برتر از صدقه است؛ چرا که کسی که قرض می گیرد فقط بخاطر نیاز این کار را انجام می دهد، ولی کسی که صدقه می گیرد گاهی اوقات از روی نیاز نیست.

بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۳۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۴

افزایش رزق و روزی:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْجَهْمُ بْنُ الْحَكَمِ الْمَدَائِنِيُّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص تَصَدَّقُوا فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً وَ تَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: صدقه بدهید؛ چرا که صدقه بر مال می افزاید؛ و خدایتان رحمت کند، صدقه بدهید.

الكافي، ج ۴، ص ۹

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَمِّهِ هَارُونَ بْنِ عَيْسَى قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِمُحَمَّدِ ابْنِهِ يَا بُنَيَّ كَمْ فَضْلَ مَعَكَ مِنْ تِلْكَ التَّفَقَّةِ قَالَ أَرْبَعُونَ دِينَارًا قَالَ أَخْرَجُ فَتَصَدَّقْ بِهَا قَالَ إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ مَعِيَ غَيْرُهَا قَالَ تَصَدَّقْ بِهَا فَإِنَّ

نظریه فقهی انفاق

اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يُخْلِفُهَا أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِفْتَاحًا وَ مِفْتَاحَ الرِّزْقِ الصَّدَقَةُ فَتَصَدَّقْ بِهَا فَفَعَلَ فَمَا لَبِثَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ حَتَّى جَاءَهُ مِنْ مَوْضِعِ أَرْبَعَةِ آلَافِ دِينَارٍ فَقَالَ يَا بُنَيَّ أَعْطَيْتَنَا لِلَّهِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا فَأَعْطَانَا اللَّهُ أَرْبَعَةَ آلَافِ دِينَارٍ.

امام صادق (علیه السلام) به فرزندش محمد فرمود: ای پسر! از این خرجی چه مقدار در نزد تو اضافه آمده است؟ گفت: چهل دینار. امام فرمود: بیرون برو و به وسیله آن صدقه بده. محمد گفت: همانا در نزد من غیر از این چهل درهم چیزی باقی نمانده است. حضرت فرمود: با آن صدقه بده! چرا که خداوند عزّ وجلّ آن را جایگزین خواهد کرد؛ مگر نمی دانی که برای هر چیزی کلیدی است و کلید رزق صدقه است؟! پس با آن صدقه بده. پس محمد این کار را انجام داد. پس بیش از ده روز نگذشت که محمد با چهارهزار دینار نزد امام آمد! پس حضرت فرمود: ای پسر! ما برای خدا چهل دینار بخشیدیم، پس خداوند چهار هزار دینار بخشید.

الکافی، ج ۴، ص ۹

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: الْبُرِّ وَ الصَّدَقَةُ يُنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْعُمْرِ وَ يَدْفَعَانِ تِسْعِينَ مِائَةَ السُّوءِ.

امام باقر (علیه السلام): کار نیک و صدقه فقر را از بین می‌برند و عمر را زیاد می‌کنند و نود مرگ بد را دفع می‌کنند.

الکافی، ج ۴، ص ۲ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۶ / الخصال، ج ۱، ص ۴۸ / ثواب الأعمال، ص ۱۴۱

سند خصال و ثواب الاعمال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (الآنَ فِيهِمَا بَدَلُ تِسْعِينَ سَبْعِينَ)

عن اميرالمومنين عليه السلام: إِذَا أَمَلَقْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ.

امام علی علیه السلام: هرگاه نادر شدید، با صدقه با خدا سودا کنید.

نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص ۵۱۳ - حکمت ۲۵۸

قَالَ الصَّادِقُ ع: إِنِّي لَأُمَلِّقُ أَحْيَانًا فَتَاجِرُ اللَّهُ بِالصَّدَقَةِ.

امام صادق علیه السلام: گاهی اوقات من تنگدست می‌شوم و به وسیله صدقه، با خدا سودا می‌کنم.

کشف الغمة (اربعی)، ج ۲، ص ۲۰۵

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۶

رسول الله صلى الله عليه و آله: **أَكْتَرُوا مِنَ الصَّدَقَةِ تُرْزُقُوا.**

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: زیاد صدقه بدهید تا روزی داده شوید.

إرشاد القلوب (لدیلمی)، ج ۱، ص ۴۵ / أعلام الدین (دیلمی)، ص ۳۳۳

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۶

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الصَّدَقَةَ **تُقْضِي الدَّيْنَ وَتَخْلِفُ بِالْبِرَّةِ.**

امام صادق علیه السلام: صدقه دادن قرض را ادا می کند و برکت بر جای می گذارد.

الكافي، ج ۴، ص ۹

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: **دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَادْفَعُوا الْبَلَاءَ بِالِدُّعَاءِ وَاسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ فَإِنَّهَا تُفَكُّ مِنْ بَيْنِ لِحْيَيْ سَبْعِمِائَةِ شَيْطَانٍ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ هِيَ تَقَعُ فِي يَدِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ تَقَعُ فِي يَدِ الْعَبْدِ.**

امام صادق (علیه السلام): بیماریانتان را با صدقه مداوا کنید، و بلا را با دعا دفع نمائید، و نزول رزق را بوسیله صدقه بطلبید، زیرا که صدقه رزق را از میان دو فک هفتصد شیطان که همگی مانع وصول آندرها میسازد، و هیچ چیز بر شیطان سنگین تر از صدقه بر مؤمن نیست. و صدقه پیش از آنکه در دست بنده واقع شود، در دست خدای تبارک و تعالی قرار میگیرد.

الكافي، ج ۴، ص ۳ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۶ / تهذيب الأحكام، ج ۴، ص ۱۱۲

سند تهذيب: عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْنَانِيُّ الرَّازِيُّ الْعَدْلُ بِيْلَخٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مَهْرَوَيْهِ الْقَزْوِينِيُّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **التَّوْحِيدُ نِصْفُ الدِّينِ وَ اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.**

امیرالمومنین (علیه السلام) از رسول خدا (صلى الله عليه و آله): توحید نصف دین است و رزق و روزی خود را با صدقه دادن فرو فرستید.

التوحيد (للصدوق)، ص ۶۸ / عيون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۵

قَالَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ: وَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: اسْتَئْزَلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله): روزی را، با صدقه فرود آورید.

الكافي، ج ۴، ص ۱۰ / من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۱ / قرب الإسناد، ص ۱۱۸

سند قرب/الاسناد: عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۵۷

سند جعفریات: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

عدة الداعي، ص ۶۹ / النوادر (للراوندي)، ص ۳ / نهج البلاغة (للصبيحي صالح)، ص ۴۹۴ / تحف العقول، ص ۶۰

رَوَى صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: ... اسْتَئْزَلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ مَنْ أَتَقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ...

امام صادق (علیه السلام): روزی را با صدقه فرود آورید؛ هر کس به جایگزین شدن مال انفاق شده در راه خدا یقین داشته باشد، به بخشش در راه خدا جود و سخاوت پیدا خواهد کرد.

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۴۱۶

عن اميرالمومنين (ع): مَنْ أَتَقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ؛ اسْتَئْزَلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.

اميرالمومنين (علیه السلام): هر کس به جایگزین شدن مال انفاق شده در راه خدا یقین داشته باشد، به بخشش در راه خدا جود و سخاوت پیدا خواهد کرد؛ روزی را، با صدقه فرود آورید.

تحف العقول، ص ۲۲۱

* نمونه دوم: سود ناشی از قرض الحسنه (وام بدون بهره)

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۴۵)

کیست آنکه به خدا وام نیکو دهد، تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که [روزی را] تنگ می‌گیرد و وسعت می‌دهد و [همه شما برای دریافت پاداش] به سوی او بازگردانده می‌شوید.

... وَ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَرْتُمْهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (سوره مبارکه مائده، آیه ۱۲)

... و خدا به آنان فرمود: یقیناً من با شمایم، اگر نماز را برپا دارید، و زکات بپردازید، و به پیامبرانم ایمان آورید، و آنان را تقویت و یاری کنید و به خدا و امی (قرضی) نیکو دهید، مسلماً گناهانتان را محو می‌کنم، و شما را در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است در می‌آورم پس هر که از شما بعد از این کافر شود، یقیناً راه راست را گم کرده است

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (سوره مبارکه تغابن، آیه ۱۷)

اگر به خدا وام نیکو دهید، آن را برای شما دو چندان می‌کند و شما را می‌آمرزد و خدا عطا کننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک می‌باشد و بردبار است

إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَ الْمُصَدِّقَاتِ وَ أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفْ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (سوره مبارکه حدید، آیه ۱۸)

بی‌تردید مردان و زنان انفاق کننده و آنان که به خدا وام نیکو داده‌اند [وامشان در پیشگاه خدا] برای آنان دو چندان شود، و برای آنان پاداش باارزشی است.

هر یک درهم = برابر هجده درهم

أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هَيْثَمِ الصَّيرَفِيِّ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْقَرْضُ الْوَاحِدُ بِمِائَةِ عَشْرٍ وَ إِنْ مَاتَ احْتَسِبَ بِهَا مِنَ الزَّكَاةِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: ثواب قرض هجده برابر است، و چنانچه قرض گیرنده بمیرد، آن مال جزو زکات حساب می‌شود.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۳۸
 أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۳۹۱
 وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۳۰۱ و ج ۱۸، ص ۳۳۰ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹

هر یک درهم = برابر دو درهم

تَفْسِيرُ الْإِمَامِ، ع عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ: أَمَّا الْقَرْضُ فَقَرْضٌ دِرْهَمٍ كَصَدَقَةِ دِرْهَمَيْنِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ: هُوَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ .

در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت می شود که امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: «ولی قرض؛ پس يك درهم قرض همانند دو درهم صدقه است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: قرض، صدقه دادن به ثروتمندان است.»

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص ۸۰
 بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۶۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۴ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۳، ص ۶۹۲

در صورت عدم وصول قرض در وقت تعیین شده:

هر یک درهم = برابر با یک دینار (هر روز تاخیر)

أَبِي رِه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَبَّابِ الْقَمَّاطِ عَنْ شَيْخٍ كَانَ عِنْدَنَا قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: لَأَنْ أُقْرَضَ قَرْضًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ [أَنْ] أَصْلَهُ [أَصِلًا] بِمِثْلِهِ وَ كَانَ يَقُولُ: مَنْ أُقْرَضَ قَرْضًا فَضْرَبَ لَهُ أَجَلًا فَلَمْ يُؤْتِ بِهِ عِنْدَ ذَلِكَ الْأَجَلِ فَإِنَّ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ فِي كُلِّ يَوْمٍ يَتَأَخَّرُ عَنْهُ ذَلِكَ الْأَجَلِ مِثْلَ صَدَقَةِ دِينَارٍ وَاحِدٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ.

محمد بن حباب قمّاط از یکی از سالخوردگان ارباب حدیث نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: چنانچه مالی را قرض بدهم، در نزد من خوشتر است از اینکه آن مال را ببخشم، و همیشه می فرمود: کسی که مالی را به کسی قرض دهد، و مدتی برای (پرداخت) آن معین کند، و آن قرض در مدت معین وصول نگیرد، به ازای هر روز تأخیر، ثواب يك دینار صدقه را برای او خواهد داشت.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۳۸
 أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۳۹۱
 بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹ / وسائل الشيعة، ج ۱۸، ص ۳۳۰ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۳، ص ۶۹۴

اگر صاحب دین (قرض) بمیرد:

در صورت بخشش بدهی توسط طلبکار: هر درهم = برابر ده درهم

عدم بخشش: هر درهم = برابر یک درهم

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ لِعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ دَيْنًا عَلَى رَجُلٍ قَدْ مَاتَ وَ قَدْ كَلَّمَنَاهُ أَنْ يُحِلَّهُ فَأَبَى فَقَالَ وَيْحَهُ أَمَا يَعْلَمُ أَنَّ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةً إِذَا حَلَّلَهُ فَإِذَا لَمْ يُحِلَّهُ فَإِنَّمَا لَهُ دِرْهَمٌ بَدَلِ دِرْهَمٍ. ابراهیم بن عبد الحمید می گوید که: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: عبد الرحمن بن سیابه از مردی طلبی داشت و آن شخص مرد، و ما از او خواستیم تا طلب خود را به او ببخشد، اما او قبول نکرد. حضرت فرمود: وای بر او! مگر نمی داند که اگر بدهی خود را به او ببخشد خداوند به ازای هر دره‌می، ده درهم نصیبش خواهد کرد، و اگر نبخشد (در روز قیامت) به ازای هر دره‌می فقط یک درهم خواهد گرفت.

الكافي، ج ۴، ص ۳۶ / تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۹۵

سند تهذيب: عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۹ و ج ۳، ص ۱۸۹

سند تهذيب: رَوَى إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۴۵

سند ثواب الاعمال: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۵۰ / الوافي، ج ۱۰، ص ۴۷۲ / وسائل الشريعة، ج ۱۶، ص ۳۲۱

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ عَمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو الصَّيْنِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْخُرَّاسَانِيِّ عَنْ مَيْسَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِي عَائِشَةَ السَّعْدِيِّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَا خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ ص قَبْلَ وَفَاتِهِ وَ هِيَ آخِرُ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا بِالْمَدِينَةِ: ... مَنْ أَقْرَضَ مَلْهُوفاً فَأَحْسَنَ طَلِبَتَهُ اسْتَأْتَفَ الْعَمَلَ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَلْفَ فَنَطَارٍ مِنَ الْجَنَّةِ وَ مَنْ فَرَّجَ عَنْ أَخِيهِ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِرَحْمَتِهِ فَنَالَ بِهَا الْجَنَّةَ وَ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ...

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در آخرین خطبه عمر شریفشان فرمودند: ... هرکس به اندوهگینی [که مالش را از دست داده] وام (قرض) دهد و در پس گرفتن آن مراعات کند، عمل را از نو شروع کرده است (گناهانش پاک

شده) و خداوند به ازای هر درهم، هزار قنطار (صد رطل^{۱۶۲}) از [درهم] بهشت به او عطا کند. و هر کس گرفتاری ای از گرفتاری های دنیا را از برادر مومنش را برطرف کند خداوند به او نظر رحمت افکند پس به وسیله آن به بهشت می رسد و خداوند گرفتاری های دنیا و آخرت او را برطرف می کند...

ثواب الأعمال، ص ۲۸۹ / أعلام الدین (دیلمی)، ص ۴۲۱
وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۴۴ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۶۸

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ أَقْرَضَ مُؤْمِنًا يَلْتَمِسُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا حَسَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَهُ بِحَسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِ مَالُهُ.

امام صادق (علیه السلام): هیچ مومنی نیست که به مومنی قرض بدهد و فقط خدا را در آن رعایت کرده باشد مگر اینکه خداوند برای او اجر صدقه حساب می کند تا اینکه مالش را به وی بازگرداند.

الكافي، ج ۴، ص ۳۴ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۸ / ثواب الأعمال، ص ۱۳۸

قرض = هجده برابر / صدقه = ده برابر

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى بِخَمْسَةِ عَشْرٍ.

امام صادق (علیه السلام): بر بالای درب بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر و قرض هجده برابر است. و در روایت دیگر: پانزده برابر.

الكافي، ج ۴، ص ۳۳ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۸

الصَّدُوقُ فِي الْهِدَايَةِ، قَالَ الصَّادِقُ ع: مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَ إِتْمَا صَارَ الْقَرْضُ أَفْضَلَ مِنَ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْمُسْتَقْرِضَ لَا يَسْتَقْرِضُ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ وَ قَدْ يَطْلُبُ الصَّدَقَةَ مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهَا.

۱۶۲. ارجاع پرورشی: والرطل العراقي عبارة عن مئة وثلاثين درهماً، والرطل المدني عبارة عن رطل ونصف بالعراقي؛ فيكون مئة وخمسة وتسعين درهماً، والرطل المكي عبارة عن رطلين بالعراقي.

رطل عراقی: ۱۳۰ درهم. رطل مدنی: یک رطل و نیم از رطل عراقی = ۱۹۵ درهم. رطل مکی: دو رطل عراقی = ۲۶۰ درهم.

مجمع البحرين، ج ۲ ص ۷۰۹

امام صادق (علیه السلام): بر درب بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر و قرض هجده برابر است. و همانا قرض برتر از صدقه است؛ چرا که کسی که قرض می گیرد فقط بخاطر نیاز این کار را انجام می دهد، ولی کسی که صدقه می گیرد گاهی اوقات از روی نیاز نیست.

بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۴

برخی دیگر از سوده‌های ناشی از قرض دادن:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَنْ أَقْرَضَ رَجُلًا (مومنًا) قَرْضًا إِلَى مَيْسِرَةٍ كَانَ مَالَهُ فِي زَكَاةٍ وَكَانَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَتَّى يُفْضِيَهُ (برده الیه).

جابر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که به مؤمنی قرض بدهد و صبر کند تا وضع مالیش خوب شود، آن مال پاک خواهد ماند (یا به منزله زکات است)، و فرشتگان بر قرض دهنده درود می فرستند تا زمانی که قرض گیرنده قرض خود را ادا کند.

الکافی، ج ۳، ص ۵۵۸ / من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۸۸ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص

۱۳۸ (با اندکی تفاوت)

سند ثواب الاعمال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

أَعْلَامُ الدِّينِ فِي صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، ص ۳۹۰

بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹ / وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۳۰۱

کیفر قرض ندادن در صورت توان:

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الثَّمَمِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْأَبْهَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ الْغَلَابِيُّ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا شُعَيْبُ بْنُ وَاقِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: ... مَنْ أَحْتَاجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِي قَرْضٍ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ ...

امیرالمؤمنین (علیه السلام): ... هرکس برادر مسلمانش به او برای قرضی نیاز داشته باشد و او بتواند نیاز او را برطرف کند ولی انجام ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می کند...

من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۵ / الأمالی (للصدوق)، ص ۴۳۰

مکارم الأخلاق، ص ۴۳۱ / وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۸۹ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۸

* در مقابلِ قرض الحسنه (وام بدون بهره) = ربا (وام با بهره)

بی برکت بودن ربا:

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزْبِئُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ

خدا ربا را نابود می‌کند، و صدقات را فزونی می‌دهد و خدا هیچ ناسپاس بزه‌کاری را دوست ندارد.

(سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۶)

سنگینی گناه ربا: (جنگ با خدا و عذاب جاودانه جهنم!)

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

کسانی که ربا می‌خورند [در میان مردم و برای امر معیشت و زندگی] به پای نمی‌خیزند، مگر مانند به پای خاستن کسی که شیطان او را با تماس خود آشفته حال کرده [و تعادل روانی و عقلی‌اش را مختل ساخته] است، این بدان سبب است که آنان گفتند: خرید و فروش هم مانند رباست. در حالی که خدا خرید و فروش را حلال، و ربا را حرام کرده است. پس هر که از سوی پروردگارش پندی به او رسد و [از کار زشت خود] بازایستد، سودهایی که [پیش از تحریم آن] به دست آورده مال خود اوست، و کارش [از جهت آثار گناه و کیفر آخرتی] با خداست. و کسانی که [به عمل زشت خود] بازگردند [و نهی خدا را احترام نکنند] پس آنان اهل آتش‌اند، و در آن جاودانه‌اند.

(سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن [واقعی] هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. و اگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید] به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید و اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌های شما برای خود شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم قرار می‌گیرید.

(سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۹)

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرِو الصِّينِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْخُرَّاسَانِيِّ عَنْ مَيْسَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ

أَبِي عَائِشَةَ السَّعْدِيَّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَا خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ ص قَبْلَ وَقَاتِهِ وَ هِيَ آخِرُ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا بِالْمَدِينَةِ: ... وَ مَنْ أَكَلَ الرَّبَا مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بِقَدْرِ مَا أَكَلَ وَ إِنْ اكْتَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا مِنْ عَمَلِهِ وَ لَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ مَا كَانَ عِنْدَهُ قَبْرًاط ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس ربا بخورد، خداوند شکم او را به اندازه ای که ربا خورده پر از آتش جهنم می کند. و اگر از آن مالی کسب کرده باشد، خداوند هیچکدام از اعمال او را قبول نمی کند و تا مادامی که قیراط (چیز اندکی) از آن مال ربا در نزد اوست دائماً خدا و فرشتگان او را لعن خواهند کرد...

ثواب الأعمال، ص ۲۸۱ / جامع الأخبار (للسعیری)، ص ۱۴۵

بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۲۲

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دِرْهَمٌ رَبًّا أَشَدُّ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَّةً كُلِّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ.

امام صادق (علیه السلام): یک درهم ربا بدتر است از هفتاد بار زنا با محارم!

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۴ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۴ (فیه: أَشَدُّ عِنْدَ اللَّهِ) / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص

۱۴

سند تهذیب: الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

ووسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۱۷ / الوافی، ج ۱۷، ص ۳۸۱

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع عَنْ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا عَلِيُّ! الرَّبَا سَبْعُونَ جُزْءًا فَأَيْسَرُهَا مِثْلُ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ يَا عَلِيُّ! دِرْهَمٌ رَبًّا أَكْبَرُ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَّةً كُلِّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ.

در حدیث سفارش های پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است: «ای علی! ربا هفتاد بخش [درجه] است که آسان ترین آن همانند زنا با مادر در خانه کعبه است! یا علی! یک درهم ربا نزد خدا، بزرگ تر از هفتاد زنا با محارم در خانه کعبه است.»

الخصال، ج ۲، ص ۵۸۳ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۷

مکارم الأخلاق، ص ۴۴۱ / روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۲، ص ۴۶۴

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۲۱ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱۹ / الوافی، ج ۲۶، ص ۱۷۸ / جامع أحادیث الشیعة

(للبروجردی)، ج ۲۳، ص ۴۳۰

علت تحریم ربا:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَشِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ عِلَّةِ تَحْرِيمِ الرِّبَا فَقَالَ: إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرِّبَا حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ؛ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرِّبَا لِيَفْرَ النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَ إِلَى التَّجَارَاتِ وَ إِلَى الْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ فَيَبْتَقَى ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ.

هشام بن حکم نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا عبد الله علیه السلام راجع به علت و سبب تحریم ربا پرسیدم؟ حضرت فرمودند: اگر ربا حلال می‌بود مردم تجارت و آنچه به آن نیاز داشتند را رها می‌کردند، از این رو حق عز و جل ربا را حرام فرمود تا مردم از حرام دوری کرده و رو به تجارت و بیع و شراء آورند، پس ربا در قرض بین مردم باقی ماند.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۸۲ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۷

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۲۰

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَ كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ: ... عِلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا بِالنَّسِيئَةِ لِعَلَّةِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَ تَلْفِ الْأَمْوَالِ وَ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرِّبْحِ وَ تَرْكِهِمُ الْقَرْضَ وَ صَنَائِعَ الْمَعْرُوفِ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ فَنَاءِ الْأَمْوَالِ.

امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به سوالات محمد بن سنان: ... علت تحریم ربا در نسیه دادن: بخاطر از بین رفتن معروف (قرض)، و تلف شدن مال، و اشتیاق پیدا کردن مردم به گرفتن سود از یکدیگر، و ترک کردن قرض دادن و کارهای خیر دیگر نسبت به یکدیگر، و بخاطر اینکه در ربا فساد و ظلم و از بین رفتن اموال انسانهاست.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۸۳ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۴

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۲۱ / بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۰۰

* نمونه سوم: سود ناشی از انفاق در راه جهاد

جهاد واجب: هر درهم = برابر هفتصد هزار درهم

جهاد مستحب: هر درهم = برابر هفتصد درهم

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَنِ التَّفَقُّةِ فِي الْجِهَادِ إِذَا لَزِمَ أَوْ اسْتَحَبَّ فَقَالَ: أَمَّا إِذَا لَزِمَ الْجِهَادُ بِأَنْ لَا يَكُونَ بِإِزَاءِ الْكَافِرِينَ مَنْ يَنْوُبُ عَنْ سَائِرِ الْمُسْلِمِينَ فَالتَّفَقُّةُ هُنَاكَ: الدَّرْهَمُ بِسَبْعِمِائَةِ أَلْفٍ. فَأَمَّا الْمُسْتَحَبُّ الَّذِي هُوَ قَصْدٌ [ه] الرَّجُلِ، وَ قَدْ نَابَ عَنْهُ مَنْ سَبَقَهُ وَ اسْتَعْنَى عَنْهُ فَالدَّرْهَمُ بِسَبْعِمِائَةِ حَسَنَةٍ، كُلُّ حَسَنَةٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا مِائَةٌ أَلْفٍ مَرَّةً.

امیرالمومنین (علیه السلام) در پاسخ به سؤال از تأمین هزینه جهاد واجب یا مستحب فرمود: اما اگر جهاد واجب باشد، به این معنا که در برابر کافران، کسی نباشد که از دیگر مسلمانان دفاع کند، در این صورت، نزد خداوند ثواب یک درهم هزینه کردن، هفتصد هزار درهم است. اما اگر جهاد مستحب باشد، به این معنا که فرد قصد جهاد کند، ولی دیگران زودتر از او برای دفاع رفته باشند و نیازی به وی نباشد، در این صورت، یک درهم، هفتصد حسنه دارد، که هر حسنه‌ای، صد هزار بار بهتر است از دنیا و هر آنچه در دنیاست.

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص: ۸۰

مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰ / بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۵۷

* نمونه چهارم: سود ناشی از اطعام و مهمانی کردن مومنین

هر یک درهم = برابر ده درهم صدقه به مساکین.

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: لَأَنْ أُطْعِمَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِي حَتَّى يَشْبَعَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُخْرَجَ إِلَى السُّوقِ فَأَشْتَرِيَ رَقَبَةً وَ أُعْتِقَهَا وَ لَأَنْ أُعْطِيَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِي دِرْهَمًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُتَصَّدَقَ بِعَشْرَةٍ وَ لَأَنْ أُعْطِيَ عَشْرَةَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُتَصَّدَقَ بِمِائَةٍ.

امام صادق (علیه السلام): اگر به یکی از یارانم خوراکی دهیم تا سیر شود دوستتر دارم از اینکه به بازار روم و بندهای بخرم و آزادش کنم، و اگر به یکی از یارانم یک درهم بدهم دوستتر دارم از اینکه ده درهم صدقه بدهم، و اگر ده درهم به او بدهم دوستتر دارم از صدقه دادن صد درهم.

المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۲

بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۶۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۴۷

نهج الفصاحة، ص ۶۲۱ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۷۳ / المؤمن (حسین بن سعید اهوازی، قرن ۳)، ص ۶۴ (با تفاوت)

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَعْقُوبَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ الْقُرَشِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ عَنِ الْوَصَّافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَأَكُلَةَ أُطْعِمَهَا أَخًا لِي فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُشْبَعَ مَسْكِينًا وَ لَأَنْ أُشْبَعَ أَخًا لِي فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُشْبَعَ عَشْرَةَ مَسَاكِينٍ وَ لَأَنْ أُعْطِيَ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْطِيَ مِائَةَ دِرْهَمٍ فِي الْمَسَاكِينِ .

امام باقر (علیه السلام): اگر لقمه‌ای به برادر دینی خود بخورانم، دوستتر دارم از اینکه مستمندی را سیر بخورانم. و اگر یک برادر دینی خود را سیر بخورانم، دوستتر دارم از اینکه ده مسکین را سیر بخورانم، و اگر ده درهم به او دهم دوستتر دارم از اینکه صد درهم به مساکین و گداها بدهم.

المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۲ / مصادقة الإخوان (ابن بابویه، ۳۸۱ ق)، ص ۴۴

وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۴۷ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۶۳

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يُونُسَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ فَيْضِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمُنْجِيَاتُ إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَ إِفْشَاءُ السَّلَامِ وَ الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): نجات دهندگان: اطعام طعام، و افشاء سلام، و نماز خواندن در حالی که مردم خواب هستند می‌باشند.

الكافي، ج ۴، ص ۵۱ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۴ / المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۷

سند محاسن: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يُونُسَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ قَبِيضِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

مكارم الأخلاق، ص ۱۳۴

الوافي، ج ۱۰، ص ۵۰۶ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۲۸۸ / بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۷

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ عَن عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَغَيْرِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: مِنْ مُوجِبَاتِ مَغْفِرَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِطْعَامُ الطَّعَامِ.

امام کاظم (علیه السلام): از موجبات مغفرت و آمرزش خداوند، طعام دادن به مردم (مهمانی کردن) است.

الكافي، ج ۴، ص ۵۰ و ۵۲

سند دوم کافی: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ

الوافي، ج ۱۰، ص ۵۰۵

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مِنَ الْإِيمَانِ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ إِطْعَامُ الطَّعَامِ.

امام صادق (علیه السلام): بخشی از ایمان، خوش اخلاقی و طعام دادن به مردم (مهمانی کردن) است.

الكافي، ج ۴، ص ۵۰ / المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۹ (عن إبراهيم عن ابن أبي عمير عن حماد بن عثمان عن أبي عبد الله)

الوافي، ج ۱۰، ص ۵۰۵ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۹۲ / وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۳۰

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَاسَانِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: خَيْرُكُمْ مَنْ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ أَفْشَى السَّلَامَ وَ صَلَّى وَ النَّاسُ نِيَامٌ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): بهترین شما کسی است که اطعام طعام، و افشاء سلام انجام می دهد، و در حالی که مردم خواب هستند نماز می خواند.

الكافي، ج ۴، ص ۵۰ / المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۷

سند محاسن: عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَاسَانِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

الخصال، ج ۱، ص ۹۱

نظریه فقهی انفاق

سن خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ التَّوْفَلِيِّ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي خَالِدٍ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنِ ابْنِ الْمُثَنِّكِدِرِ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۳۰ / الوافي، ج ۱۰، ص ۵۰۶ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۸۳

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع
قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ إِهْرَاقَ الدَّمَاءِ وَإِطْعَامَ الطَّعَامِ.

امام باقر (علیه السلام): خداوند تبارک و تعالی ریختن خون (قربانی کردن) و طعام دادن به مردم (مهمانی کردن) را دوست دارد.

الکافی، ج ۴، ص ۵۱

وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۳۱ / الوافي، ج ۱۰، ص ۵۰۶

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مِنْ أَحَبِّ
الأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِشْبَاعُ جُوعَةِ الْمُؤْمِنِ أَوْ تَنْفِيسُ كُرْبَتِهِ أَوْ قَضَاءُ دَيْنِهِ.

امام صادق (علیه السلام): از دوست داشتنی ترین اعمال در نزد خداوند عزوجل سیرکردن مومن یا گشایش گرفتاری او یا ادا کردن قرض اوست.

الکافی، ج ۴، ص ۵۱ / تهذیب الأحكام، ج ۴، ص ۱۱۰ / المقنعة، ص ۲۶۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۸ (عَنْ أَبِيهِ

عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع)

مكارم الأخلاق، ص ۱۳۵

وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۴۶۹ / الوافي، ج ۱۰، ص ۵۰۷ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۶۵

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ:
الرُّزْقُ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ يُطْعِمُ الطَّعَامَ مِنَ السُّكَّيْنِ فِي السَّنَامِ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): کسی که اطعام می کند، سریع تر از فرو رفتن کارد در کوهان شتر، به او روزی می رسد.

الکافی، ج ۴، ص ۵۱ / المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۰ (عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

الدعوات (للراوندي)، ص ١٥٠ / دعائم الإسلام، ج ٢، ص ١٠٦

وسائل الشيعة، ج ٢٤، ص ٢٩١ / بحار الأنوار، ج ٧١، ص ٣٦٢ / الوافي، ج ١٠، ص ٥٠٧ / مستدرک الوسائل،

ج ١٦، ص ٢٥١

رُوي: لَوْ عَمِلَ طَعَامَ بِمِائَةِ أَلْفٍ ثُمَّ أَكَلَ مِنْهُ مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ لَمْ يُعَدَّ مُسْرِفًا

روایت شده: «اگر غذایی یکصد هزار درهم تمام شود و سپس یک نفر مؤمن از آن بخورد، اسراف به شمار نمی آید.»

الإختصاص (مفید)، ص ۲۵۳ / الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۶۳

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۵۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۵۰ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۲۶۲

عَنْ الصَّادِقِ ع قَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَنْفَقَ عَلَى طَعَامِ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَأَكَلَ مِنْهُ مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ لَمْ يُعَدَّ سَرَفًا

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر کسی هزار درهم برای غذایی بپردازد و یک مؤمن از آن بخورد، اسراف به شمار

نمی آید.»

مکارم الأخلاق، ص ۱۳۴

بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۴۵۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۵۰ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲،

ص ۲۶۲

* نمونه پنجم: سود ناشی از انفاق در برخی از زیارات

مکه (بیت الله الحرام): هر درهم = برابر با صد هزار درهم.

مدینه (النبي ﷺ): هر درهم = برابر با ده هزار درهم.

کوفه (نجف امیرالمومنین ع): هر درهم = برابر با هزار درهم.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَغَيْرُهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلَادِ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَكَّةُ حَرَمُ اللَّهِ وَحَرَمُ رَسُولِهِ وَحَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع الصَّلَاةُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ وَالدُّرْهَمُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ. وَ الْمَدِينَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا الصَّلَاةُ فِيهَا بِعَشْرَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ وَ الدُّرْهَمُ فِيهَا بِعَشْرَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ. وَ الْكُوفَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع الصَّلَاةُ فِيهَا بِأَلْفِ صَلَاةٍ وَ الدُّرْهَمُ فِيهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ.

امام صادق (علیه السلام): مکه حرم خداوند و حرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حرم امیرالمومنین (علیه السلام) است و ثواب یک نماز که در آن بجا آورده شود برابر است با صد هزار نماز (که در نقاط دیگر کرده شود) و یک درهم در آنجا (که در راه خدا داده شود) ثوابش برابر با صد هزار درهم است (که در غیر آنجا صرف شود). و مدینه حرم خداوند متعالی و حرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حرم امیرالمومنین (علیه السلام) است، یک نماز که در آنجا خوانده شود ثواب ده هزار نماز جای دیگر را دارد، و یک درهم (در راه خدا صرف کردن در آنجا) ثوابش برابر با انفاق ده هزار درهم است (که در غیر آنجا صرف شود). و کوفه (نجف) حرم خداوند و حرم رسول

خدا صلی الله علیه و آله و حرم امیرالمومنین (علیه السلام) است، و یک نماز که در آنجا بجای آرند با هزار نماز برابر است، و یک درهم در راه خدا صرف کردن در آنجا) ثوابش برابر با انفاق هزار درهم است (که در غیر آنجا صرف شود).

الکافی، ج ۴، ص ۵۸۶ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۸ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۱ / کامل الزیارات،

ص ۲۹

سند تهذیب و کامل الزیارات: عَنْهُ (بُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلَوَيْهِ) قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَبِيهِ

عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ عَنْ خَالِدِ الْقَلَانِسِيِّ عَنِ الصَّادِقِ

سند کامل الزیارات: وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ (مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدِ

عَنْ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ عَنْ خَالِدِ الْقَلَانِسِيِّ) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

المزار الكبير (لابن المشهدي، ۶۱۰ ق)، ص ۱۱۴ / کتاب المزار مناسک المزار (للمفيد، ۴۱۳ ق)، ص ۵

سند مزارین: حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ قَالَ حَدَّثَنِي (مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارَ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ

سَعِيدِ عَنْ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ عَنْ خَالِدِ الْقَلَانِسِيِّ عَنِ الصَّادِقِ ع

روضه الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۴۱۰

الوافي، ج ۱۲، ص ۴۵ / وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۵۶ / بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۴۲ و ج ۹۷، ص ۴۰۰

زیارت کوفه (نجف):

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِوَنٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ غَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ

رِزْقِ الْعُمَسَّانِيِّ عَنْ عَاصِمِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْمَدَنِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: مَكَّةُ حَرَمُ إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)،

وَ الْمَدِينَةُ حَرَمُ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، وَ الْكُوفَةُ حَرَمُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، إِنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ

السَّلَامُ) حَرَّمَ مِنَ الْكُوفَةِ مَا حَرَّمَ إِبْرَاهِيمُ مِنَ مَكَّةَ، وَ مَا حَرَّمَ مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) مِنَ الْمَدِينَةِ.

امام صادق (علیه السلام): مکه حرم خداست، مدینه حرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ست، و کوفه (نجف)

حرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) است ...

الأمالی (للطوسي)، ص ۶۷۲

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص: ۲۰۲ / بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۹۹ (فيهما: "حرم الله" بدل "حرم ابراهيم") و ج ۹۶،

ص ۸۵

عَنْهُ (سَهْلٌ) عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْكِنْدِيِّ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي زَمَنِ مَرْوَانَ فَقَالَ

مَنْ أَنْتُمْ فَقُلْنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ فَقَالَ مَا مِنْ بَلَدٍ مِنَ الْبُلْدَانِ أَكْثَرَ مُحِبًّا لَنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ ...

امام صادق (علیه السلام): ... هیچ شهری از شهرها بیشتر از مردم کوفه نسبت به ما محب نیستند ...

الکافی، ج ۸، ص ۸۱ / الأمالی (للطوسي)، ص ۱۴۴ و ۶۷۸ (با دو سند متفاوت) / تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۱۷

تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۲۴۲ / بشارة المصطفى لشبيعة المرتضى، ج ۲، ص ۸۲ و ج ۲، ص ۱۳۴
بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۶۵ / الوافي، ج ۵، ص ۸۰۱

حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ [زائد] مَوْلَى طَرْبَالٍ وَ غَيْرِهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع نَفَقَةُ دِرْهَمٍ بِالْكَوْفَةِ تُحَسَّبُ بِمِائَتِي [بِمِائَةِ] دِرْهَمٍ فِيمَا سِوَاهُ وَ رَكَعَتَانِ فِيهَا تُحَسَّبُ بِمِائَةِ رَكَعَةٍ.

امام صادق (علیه السلام): یک درهم انفاق در کوفه، برابر صد درهم در غیر آن است و دو رکعت نماز برابر صد رکعت حساب می شود.

کامل الزیارات، ص ۲۸

بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۹۹ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۵۸ (فیهما: "بِمِائَةِ" بدل "بِمِائَتِي")

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ نَجْمِ بْنِ حُطَيْمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي مَسْجِدِ الْكَوْفَةِ لَأَعَدُّوا لَهُ الرِّزَادَ وَ الرَّاحِلَةَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ قَالَ صَلَاةٌ فَرِيضَةٌ فِيهِ تَعْدِلُ حِجَّةً وَ نَافِلَةٌ فِيهِ تَعْدِلُ عُمْرَةً.

امام باقر (علیه السلام): اگر مردم می دانستند چه چیزی در مسجد کوفه است؛ حتما برای (آمدن به) آنجا از راه دور زاد و توشه فراهم می کردند. نماز واجب در آن معادل یک حج و نماز مستحبی در آن معادل یک عمره است.

کامل الزیارات، ص ۲۸ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۲ / کتاب المزار (للمفید)، ص ۷ / المزار الکبیر (لابن

المشهدی)، ص ۱۲۲ / جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۶۹

الوافی، ج ۱۴، ص ۱۴۳۹ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۵۶ / بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۹۹

* نکته: علت اختلاف پاداش افراد (سود ناشی از انفاق) در عمل واحد (مثل: حج

و زیارت امام حسین علیه السلام)

همانطور که در روایات فوق (خصوصاً روایات باب حج و زیارت امام حسین علیه السلام) مشاهده فرمودید؛ این روایات در ذکر مقدار پاداش و سود ناشی از انفاق در این موارد، بسیار متفاوت و متعارض هستند.

در بیان علت این مسئله پاسخ‌های مختلفی بیان شده است. ما در اینجا به یک علت که مویدات فراوانی از آیات و روایات دارد، اشاره می‌کنیم و آن عبارت است از: «اختلاف ظرفیت» انسان‌های مختلف که مهم‌ترین ملاک تشخیص آن، «اختلاف شاکله و نیت» آنهاست. به این بیان که:

(۱) طبق آیه ۸۴ از سوره مبارکه اسراء؛ تمام انسان‌ها بر طبق «شاکله» خود عمل می‌کنند و مبنای عمل هر

انسانی، شاکله آن انسان است:

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا (سوره مبارکه اسراء، آیه ۸۴)

(۲) در روایات فراوان از اهل بیت (علیهم السلام)؛ معنای «شاکله» در این آیه شریف، «نیت» انسان است. یعنی:

زیربنای عمل هر کسی را «نیت» آن شخص است:

و قوله: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» قال: علی نیته «فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا».

قول خداوند که فرمود: بگو که هر کس بر مبنای شاکله‌اش عمل می‌کند؛ حضرت فرمود: یعنی: هر کس بر مبنای نیتش عمل می‌کند «پس خداوند می‌داند راه چه کسی هدایت‌یافته‌تر است»

تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۶

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عِ إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يُعْصُوا اللَّهَ أَبَدًا وَإِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» قَالَ: عَلَىٰ نِيَّتِهِ.

امام صادق (علیه السلام): اهل دوزخ به خاطر این در دوزخ مخلد هستند که نیتشان این بود که اگر برای همیشه در دنیا باشند عصیان و نافرمانی حق تعالی را بنمایند. و اهل بهشت به این جهت در بهشت جاودانی هستند که نیتشان در دنیا این بود که اگر در آن باقی بمانند پیوسته اطاعت خداوند را نمایند پس نیت این دو گروه باعث مخلد بودنشان در بهشت و دوزخ گردیده، سپس آن جناب فرموده حق تعالی را تلاوت فرمود: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ

شاکلته» (ای پیامبر تو به خلق بگو که هر کس بر حسب شاکله خود عمل انجام خواهد داد) بعد حضرت دنبال آیه فرمودند: یعنی بر حسب نیت خود.

الکافی، ج ۲، ص ۸۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۱

سند محاسن: وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْخُلُودِ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّارِ فَقَالَ

تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۱۶ / علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۲۳

سند علل: أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الشَّاذْكَوْنِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع

الوافی، ج ۴، ص ۳۶۹ / بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۴۷ / وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۵۰ / الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۱، ص ۳۶۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۹۲ (نقلا عن تفسیر العیاشی)

عَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): نیت مومن بهتر از عملش و نیت کافر بدتر از عملش است و هر عمل کننده ای بر مبنای نیتش عمل می کند.

الکافی، ج ۲، ص ۸۴ / المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۰

سند محاسن: عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْفَلِيِّ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار (طبرسی)، ص ۱۴۷ / الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۱۶۹

سند جعفریات: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۸۹ / الوافی، ج ۴، ص ۳۶۶ / وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۵۰ / الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۱، ص ۶۵۸ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۹۲

مرحوم علامه مجلسی (ره) در مورد این روایت می فرماید:

بیان: هذا الحديث من الأخبار المشهورة بين الخاصة و العامة.

این حدیث از اخبار مشهور بین شیعه و اهل سنت است.

بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۸۹

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ص قَالَ: لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ.

امام سجاد (علیه السلام): هیچ عملی نیست مگر با یک نیتی.

الکافی، ج ۲، ص ۸۴ / عوالي اللئالی، ج ۲، ص ۱۹۰

وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۶ / الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۱، ص ۶۵۸

مرحوم شیخ حرّ عاملی در مورد مضمون دو روایت مذکور می فرماید:

أقول: و الأحادیث فی ذلك متواترة.

احادیث در این مضمون متواتر است.

الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۱، ص ۶۵۸ و ۶۵۹

الإمام علي عليه السلام: قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَعَمَلُهُ عَلَى قَدْرِ نِيَّتِهِ.

امام علی علیه السلام: قدر هر کس به قدر همت اوست و عملش به قدر نیت او.

غرر الحکم، ح ۶۷۴۳

الإمام علي عليه السلام: الأعمال ثمار النيات.

امام علی علیه السلام: اعمال، ثمره نیت ها هستند.

غرر الحکم، ح ۲۹۲

الإمام علي عليه السلام: لا عمل لمن لا نية له.

امام علی علیه السلام: کسی را که نیت نباشد، عمل نباشد.

غرر الحکم، ح ۱۰۷۷۱

(۳) و در روایات فراوان دیگری نیز بیان شده است که: مقدار پاداش هر عملی به اندازه و ارزش نیت انجام دهنده آن عمل بستگی دارد؛ (هر چه «نیت» خالصانه تر و با ارزش تر باشد، «پاداش» آن عمل هم بیشتر خواهد بود. و هر چه «نیت» کم ارزش تر و ناخالص تر باشد، «پاداش» آن عمل نیز کم تر خواهد شد. اگر چه هر دو عمل در ظاهر هیچ تفاوتی با هم نداشته باشند):

قَالَ إِبْرَاهِيمُ وَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ صَالِحٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ خَالِدِ الْأَسَدِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبَايَةَ قَالَ: أَنَّ عَلِيًّا ع كَتَبَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ وَ أَهْلِ مِصْرَ: ... وَ لَتَعْظُمَ رَغْبَتُكَ فِي الْخَيْرِ وَ لَتَحْسُنَ فِيهِ نِيَّتُكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُعْطِي الْعَبْدَ عَلَى قَدْرِ نِيَّتِهِ وَ إِذَا أَحَبَّ الْخَيْرَ وَ أَهْلَهُ وَ لَمْ يَعْمَلْهُ كَانَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ كَمَنْ عَمَلَهُ.

امیرالمومنین (علیه السلام) در نامه‌اش به محمد بن ابوبکر و اهل مصر نوشت: پس باید رغبت خود را در کار خیر زیاد کنی و نیتت را خوب گردانی، پس این کار را انجام بده؛ چرا که خداوند به اندازه نیت بنده‌اش به او عطا می‌کند و اگر کار خیر و اهل خیر را دوست داشته باشد اگرچه آن عمل را انجام ندهد مانند کسی است که انجام داده است ان شاء الله!

الغارات، ج ۱، ص ۱۴۵

بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۵۴۲ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۴۶

باب ما روي عن أمير المؤمنين ع: ... ثم كتب إلى أهل مصر بعد مسيره ما اختصرناه: مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ وَ أَهْلِ مِصْرَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَمَّا بَعْدُ... وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُعْظِمَ رَغْبَتَكَ فِي الْخَيْرِ وَ تُحْسِنَ فِيهِ نَيْتَكَ فَأَفْعَلْ فَإِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الْعَبْدَ عَلَى قَدْرِ نَيْتِهِ إِذَا أَحَبَّ الْخَيْرَ وَ أَهْلَهُ وَ إِنْ لَمْ يَفْعَلْهُ كَانَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ كَمَنْ فَعَلَهُ.

امیرالمومنین (علیه السلام) در نامه‌اش به محمد بن ابوبکر و اهل مصر: و اگر توانستی که رغبت خود را در کار خیر زیاد کنی و نیتت را خوب گردانی، پس این کار را انجام بده؛ چرا که خداوند به اندازه نیت بنده‌اش به او عطا می‌کند اگر چه آن عمل را انجام ندهد مانند کسی که انجام داده است خدا با او رفتار می‌کند!

تحف العقول، ص ۱۷۶

بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۵۸۸

الإمام علي عليه السلام: على قدر النية تكون من الله العطيّة.

امام علی علیه السلام: بخشش و عطیه خداوند به هرکس، به اندازه نیت اوست.

غرر الحکم، ۶۱۹۳

عن علي عليه السلام: وُصُولُ الْمَرْءِ إِلَى كُلِّ مَا يَتَّبِعُهُ مِنْ طَيِّبٍ عَيْشِهِ، وَأَمِنْ سَرِيهِ، وَسَعَةِ رِزْقِهِ؛ بِحُسْنِ نَيْتِهِ وَسَعَةِ حُلُقِهِ.

امام علی علیه السلام: آدمی با نیت نیکو و اخلاق خوش به تمام آنچه در جستجوی آن است، از زندگی خوش و امنیت محیط و وسعت روزی، دست می‌یابد.

غرر الحکم، ح ۱۰۱۴۱

نتیجه: ظاهراً (طبق مویذات فراوان از روایات باب نیت) یکی از علل بیان پاداش‌های مختلف برای حج و زیارت امام حسین (علیه السلام)؛ وجود ظرفیت (شاکله و نیت)‌های مختلف هر زائر می‌باشد؛ که به فراخور آن، پاداش‌های آنان نیز متفاوت می‌گردد.

* جدول تصمیم « سود ناشی از انفاق » در مقایسه با « سودهای بانکی » *

سود:		سررسید:	عنوان:	سودهای بانکی (هدایت نقدینگی به سمت تولید صنعتی)
۱۰ درصد	عادی	سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت		
۱۲ درصد	سه ماهه	سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت ویژه		
۱۴ درصد	شش ماهه	سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت ویژه		
۱۶ درصد	یک ساله	سپرده سرمایه گذاری با سررسید		
۱۸ درصد	دو ساله	سپرده سرمایه گذاری با سررسید		
آثار:	سود:	انفاق:	عنوان:	نمونه‌هایی از: سودهای ناشی از انفاق (هدایت نقدینگی به سمت تنظیم روابط انسانی)
مایه خیر و برکت و افزایش مال، دفع مرگ ناگهانی، افزایش عمر	ده درهم	یک درهم	صدقه (وام بلاعوض)	
قرض‌دهنده مشمول دعای ملانکه: تا وقتی که قرض ادا شود، آمرزش گناهان، مایه دستگیری خداوند و رفع گرفتاری‌های دنیا و آخرت از انسان، ثواب صدقه و زکات	هجده درهم	یک درهم	در صورت وصول به موقع توسط بدهکار:	
	یک دینار (بابت هر روز تاخیر)	یک درهم	در صورت عدم وصول به موقع توسط بدهکار:	
	ده درهم (در صورت بخشش بدهکار توسط طلبکار)	یک درهم	در صورت فوت بدهکار:	
	یک درهم (در صورت عدم بخشش بدهکار توسط طلبکار)	یک درهم		
بابت هر درهم یک حسنه؛ هر حسنه صد هزار بار بهتر از دنیا و آخرت	هفتصد هزار درهم	یک درهم	جهاد واجب	
	هفتصد درهم	یک درهم	جهاد مستحب	
<small>اگر کسی هزار درهم برای غذای بیروازه و یک مومن از آن بخورد، اسراف به شمار نمی‌آید</small>	ده درهم	یک درهم	اطعام و مهمانی کردن	
دارای ۱۴ خاصیت: از جمله: رفع برخی از مشکلات گوش، تقویت کننده بینایی، خوشبوکننده دهان، محکم کننده لثه، مایه زینت و پاکی، کاهش دهنده وسوسه شیطان و...	بهتر از یک درهم (در راه خدا)	یک درهم	مانند: خضاب (حنا)	
	هفتصد درهم			
	هزار درهم			
	هفت هزار درهم			
مورد پسند و خشنودی خداوند قرار گرفتن	هفتصد درهم	یک درهم	انفاق در راه خانواده	
افزایش رزق و روزی، افزایش مال، طولانی شدن عمر، رفع غم و اندوه و ایجاد سرور و شادمانی، رفع گرفتاری و مشکلات، آمرزش گناهان، برآورده شدن خواسته‌ها، دفع بلا، تبدیل شقاوت به سعادت (عاقبت بخیری)، مورد شفاعت قرار گرفتن در قیامت، مشمول خدمات ملانکه قرار گرفتن (مانند: دعا، طلب آمرزش تا روز قیامت و بعد از مرگ، بدرقه، عیادت هنگام بیماری و...)	هزار درهم	یک درهم	نسبت به حج	
	ده هزار درهم			
	ده هزار شهر			
	هزاران (یک میلیارد) درهم			
	برابر با یک حج و یک عمره			
	برابر با ۲۰ حج!			
	بالاتر از ۲۰ حج و ۲۰ عمره مقبول!			
	برابر با ۲۵ حج!			
	برابر با ۳۰ حج مقبول با رسول خدا!			
	برابر با ۵۰ حج با رسول خدا!			
برابر با ۸۰ حج مقبول!				
برابر با ۱۰۰ حج با رسول خدا!				
برابر با هزار حج و هزار عمره مقبول!				
همراه با دعای مستجاب، مانع تسلط دشمن، مایه رونق، تقویت، ارجمندی و پابرجایی دین خدا. هر قدم: یک میلیون حسنه، بخشش یک میلیون گناه، ترفیع یک میلیون درجه در بهشت و...	هفتصد درهم	یک درهم	حج	
	هزار درهم			
	صد هزار درهم			
	هزار هزار (یک میلیون) درهم			
دستگیری و مورد شفاعت قرار گرفتن در روز قیامت و...	ده هزار درهم	یک درهم	مدینه الرسول ﷺ	
	هزار درهم	یک درهم	کوفه (نجف)	
عاملی برای تزکیه انسان و همچنین مال، هر یک درهم سنگین‌تر از کوه اُحد	دو میلیون درهم	یک درهم	انفاق در مسیر نصرت امام ﷺ	
	یک میلیون درهم			

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir

کانال «الگو» در پیام‌رسان ایتا @Olgou4